



دو فصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم  
سازمان قرآنی دانشگاهیان کشور  
شماره استاندارد بین‌المللی: ۳۳۲۷-۳۳۸۳  
سال دهم / شماره اول / بهار و تابستان ۱۳۹۸

صاحب امتیاز: جهاد دانشگاهی  
مدیر مسئول: محمد حسین حسینی  
سر دبیر: باقر غباری بناب  
مدیر داخلی: زهرا نقی زاده  
مدیر اجرایی: مهدی گنججور

هیأت تحریریه:

- محمد علی مهدوی راد، دانشیار، دانشگاه تهران
- محمد علی رضایی اصفهانی، استاد جامه‌المصطفی‌العالمیه
- فتحیه فتاحی زاده، استاد، دانشگاه الزهراء
- علی نصیری، استاد، دانشگاه علم و صنعت ایران
- قاسم فائز، استاد، دانشگاه تهران
- محسن قاسم‌پور، دانشیار، دانشگاه کاشان
- عباس مصلاهی پور بزدی، دانشیار، دانشگاه امام صادق
- سید محمد علی ایازی، استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی
- حسینعلی قبادی، دانشیار، دانشگاه تربیت مدرس
- علی منتظری، استاد پژوهش، جهاد دانشگاهی
- فرزانه مفتون، استاد پژوهش، جهاد دانشگاهی
- فرانک فردی، دانشیار پژوهش، جهاد دانشگاهی
- ژیلا صادقی، استاد پژوهش، جهاد دانشگاهی

گرافیسیت: علیرضا عبادی  
ویراستار فارسی: مهدی گنججور  
چاپ و صحافی: انتشارات جهاد دانشگاهی  
قیمت: ۱۴۰۰۰ ریال

◆ هیأت مشاوران:

احمد پاکچی، دانشگاه امام صادق (ع)  
مجید معارف، دانشگاه تهران  
احمد فرامرزی قراملکی، دانشگاه تهران  
مسعود آذربایجانی، دانشگاه علوم پزشکی ایران  
سلیمان خاکیان، دانشگاه قم  
ولی‌الله نقی پورفر، دانشگاه قم  
فریمان ابراهیم زاده، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

◆ داوران این شماره:

غلامرضا نور محمدی، محمد علی لسانی فشارکی، ابوالفضل خوش منش،  
محمد علی رضایی اصفهانی، مجید معارف، منصور پهلوان، احمد فرامرزی قراملکی،  
حجت الاسلام بهمنی، احمد آکوچکیان

◆ این فصلنامه در پایگاه‌های زیر نمایه می‌شود:

پایگاه استادی علوم جهان اسلام  
[www.isc.gov.ir](http://www.isc.gov.ir)  
پایگاه مجلات نور  
[www.noomags.com](http://www.noomags.com)  
بانک اطلاعات نشریات کشور  
[www.magiran.com](http://www.magiran.com)  
مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری  
[www.srlst.com](http://www.srlst.com)  
پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی  
[www.sid.ir](http://www.sid.ir)  
پایگاه اطلاع‌رسانی سازمان قرآنی دانشگاهیان کشور  
[www.iska.ir](http://www.iska.ir)

مطالب مندرج در مقالات نمایانگر آرای نویسندگان است و این مجله مسئول  
آراء و نظرات مندرج نمی‌باشد.  
نویسندگان محترم می‌توانند مقالات خود را به آدرس <http://www.jiqs.ir>  
برای داوری و چاپ بارگزاری کنند.

آدرس: تهران، خیابان انقلاب، خیابان قدس، خیابان بزرگمهر، پلاک ۸۵  
سازمان قرآنی دانشگاهیان کشور  
کد پستی: ۱۴۱۷۸۴۴۳۹۱  
تلفن: ۶۶۶۳۰۷۷۵، ۶۶۶۴۸۵۶۶۳  
فکس: ۶۶۴۸۵۶۵۷



- ۳-۶ راهنمای نویسندگان
- 
- ۷-۲۴ راهبرد قرآن کریم در جلوگیری از تبدیل خشم اجتماعی به خشونت  
حسین شجاعی، محمد حسین اخوان طبسی
- 
- ۲۵-۴۶ بررسی تأثیر آوای قرآن کریم بر سیگنال‌های قلبی و مغزی انسان  
نرجس خورشیدی، رویا شبیانی، زهرا جلالی، قاسم صادقی بجزستانی
- 
- ۴۷-۶۴ درآمدی بلاغی بر جمله معترضه در قرآن کریم  
محمد مهدی ولی زاده، ابوالقاسم ولی زاده
- 
- ۶۵-۸۲ شیوه‌های ادبی ناصر خسرو در استفاده از آیات قرآن کریم  
آرش امرایی، علی بازوند
- 
- ۸۳-۹۶ مبانی حاکم بر ساختار قرآن کریم در نسبت با علوم انسانی قرآن‌بنیان  
نورالدین زندیه، رامین اژدری، سید محمد هادی موسوی بیوکی
- 
- ۹۷-۱۴۷ نمایه‌ی مجله پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم  
مهدی گنجور

## راهنمای نویسندگان

دوفصلنامه تخصصی «پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم» در راستای منویات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) به منظور اشاعه و گسترش مطالعات میان‌رشته‌ای در زمینه قرآن و ایجاد بستری مناسب برای کاربردی کردن مفاهیم، فرهنگ و پژوهش‌های قرآنی در سطوح مختلف سازمان‌ها و مؤسسات و همچنین انتشار نتایج پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم به همت سازمان قرآنی دانشگاهیان کشور (جهاد دانشگاهی) پایه‌ریزی و راه‌اندازی شده است.

### راهنمای نویسندگان مقالات

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم وابسته به سازمان قرآنی دانشگاهیان کشور (جهاد دانشگاهی) است. این نشریه در قالب دوفصلنامه و به زبان فارسی، منتشر می‌شود و در برگیرنده مقالات مرتبط با تمام گرایش‌های میان‌رشته‌ای قرآنی است. علاقه‌مندان، پژوهشگران و صاحب‌نظران محترم می‌توانند مقالات خود را به آدرس فصلنامه ارسال کنند تا پس از بررسی و تأیید داوران در نوبت چاپ قرار گیرند. عدم رعایت اصول مذکور، موجب عدم پذیرش یا تأخیر در مراحل بررسی علمی، چاپ و انتشار مقالات دریافتی خواهد شد.

### تعهدات

نویسنده مقاله و در صورت گروهی بودن، نویسنده پاسخگو، باید تعهد کند که مقاله ارسالی تاکنون در هیچ نشریه علمی دیگری منتشر نشده است و همزمان با این نشریه به نشریه دیگری ارائه نخواهد شد. مسئولیت علمی مطالب نیز به عهده نویسنده یا نویسنده پاسخگوی مقاله است.

### اصول و معیارهای کلی

۱- تمامی مقالات باید به زبان فارسی بوده و در نگارش آن‌ها، آیین نگارش فارسی کاملاً مراعات شود، در مورد به کار بردن اصطلاحات علمی، در صورت وجود معادل فارسی پذیرفته

شده، ترجمه اصطلاح و بلافاصله اصل اصطلاح در داخل پرانتز آورده شود، در غیر این صورت، ذکر اصل اصطلاح کافی است.

۲- فصلنامه در رد یا قبول و اصلاح مقالات آزاد است و در صورت لزوم، نظرات اصلاحی و مشورتی خود را به اطلاع نویسنده یا نویسندگان می‌رساند.  
مقالات دریافتی و ملحقات آنها در دفتر فصلنامه، بایگانی نمی‌شود و در هر صورت، مسترد نخواهد شد. (لازم به ذکر است که مقاله نمی‌بایست از ۳۰ صفحه متعارف A<sup>۴</sup> تجاوز کند).

### تنظیم بخش‌های مختلف مقاله

در تنظیم و نگارش قسمت‌های مختلف مقالات ارسالی، باید ترتیب زیر مراعات گردد:  
صفحه اول شامل موارد زیر است:

عنوان کامل مقاله به فارسی و انگلیسی باید در برگیرنده موضوع مقاله باشد. برای عنوان فارسی قلم (B Zar)، سایز ۱۳ ضخیم و برای عنوان انگلیسی قلم (Times News Roman) سایز ۱۲ ضخیم به کار برده شود.

نام و نام خانوادگی نویسنده یا نویسندگان، رتبه علمی -در صورت دارا بودن سمت دانشگاهی- که باید بلافاصله پس از عنوان مقاله آورده شود (جهت دسترسی سایر محققین به نویسنده E-mail و نشانی نویسنده پاسخگو، شامل نشانی کامل پستی، شماره تلفن، نمابر و مقاله).

صفحه دوم شامل چکیده مقاله با مشخصات زیر است:

چکیده باید به دو زبان فارسی و انگلیسی (حداقل ۲۰۰ و حداکثر در ۲۵۰ کلمه) تهیه شود.  
الف) چکیده فارسی؛ لازم نیست دارای ساختار باشد، لیکن لازم است اهداف، روش تحقیق، مهمترین یافته و نتیجه مطالعه را در برگیرد.

در پایان چکیده بایستی سه تا پنج واژه با عنوان کلیدواژه‌ها معرفی شود.

ب) چکیده انگلیسی؛ لازم است دارای ساختار باشد.

ج) در پایان چکیده انگلیسی می‌بایست سه تا پنج واژه به عنوان کلیدواژه‌ها (Keywords) معرفی شود.

صفحات بعدی شامل متن مقاله، با مشخصات زیر است:

مقدمه و بیان مسأله (فرضیات، سؤالات پژوهش و ضرورت تحقیق).

باید ضمن بیان هدف از تحقیق، خلاصه‌ای از مطالعات و مشاهدات مرتبط با تحقیق مورد نظر را که در گذشته به انجام رسیده است، با ذکر منابع مربوط بیان نماید (در سرتاسر متن مقاله برای جملات فارسی از فونت B Zar با سایز ۱۲ و برای جملات و آیات عربی از فونت Arabic Typesetting استفاده شود).

## روش‌شناسی پژوهش

باید نحوه طراحی، مطالعه، چگونگی انتخاب نمونه و نیز چگونگی جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها را به طور کامل شرح داد (معرفی ابزارهای اندازه‌گیری و شواهد مبنی بر اعتباریابی).

## یافته‌ها

- ۱- یافته‌های حاصل از تحقیق باید در قالب متن، جداول و نمودارها به طور کامل بیان شود.
- ۲- مطالب مطرح شده در متن، جداول و نمودارها نباید تکرار باشد.

## نتیجه‌گیری

در این قسمت، روند انجام تحقیق حاضر و یافته‌های حاصل از آن با موارد مشابه قبلی، در داخل و خارج کشور مقایسه و در مورد دلایل رد یا قبول آنها به صورت کامل بحث می‌شود؛ در پایان بهتر است جهت بهتر انجام شدن تحقیقات مشابه در آینده، راهکارهایی پیشنهاد شود.

## تشکر و قدردانی

در این قسمت، نویسنده یا گروه نویسندگان می‌توانند از افراد یا مؤسساتی که به نحوی در انجام مطالعه یا تدوین مقاله، همکاری کرده‌اند، تقدیر به عمل آورند. استفاده یا عدم استفاده این قسمت در متن مقاله اختیاری است.

## منابع و مآخذ

فهرست منابع به کار رفته در مقاله، باید حتماً در صفحه‌ای جدا تایپ و به روش APA و بر اساس حروف الفبا تنظیم شود.

## حالت‌های گوناگون استناد در متن

- ۱- اگر استناد از نقل قول مستقیم باشد و در ضمن نامی از صاحب اثر در متن برده نشود، در داخل پرانتز، ابتدا نام خانوادگی پدید آورده (ویرگول) سپس سال انتشار و در نهایت صفحه اثر (پس از دو نقطه و فاصله) آورده می‌شود. مثال: «مفهوم هرمنوتیک به منزله شاخه‌ای خاص از دانش، پدیده‌های نوظهور و مربوط به دوران مدرنیته است» (واعظی، ۱۳۸۶، ص. ۲۳).
- ۲- در صورتی که اثر دارای دو نویسنده باشد نام هر دوی آنها در پرانتز آورده می‌شود؛ مانند: (بهشتی و باهنر، ۱۳۸۴، ص. ۹۳). همچنین در صورتی که بیش از دو نفر باشند در اولین استناد اسامی تمامی نویسندگان آورده می‌شود؛ مانند ویندال، اولسون و سیگنایزر، ۱۹۹۹، ص. ۳۵۴، اما در استنادات بعدی فقط نام یک نویسنده آورده می‌شود و به جای مابقی از واژه همکاران استفاده می‌شود؛ مانند: (ویندال و همکاران، ۱۹۹۹، ص. ۳۵۴).

۳- اگر نام پدید آورنده در متن آورده شده باشد، دیگر لزومی به ذکر نام پدید آورنده اثر در پرائتنز نیست. برای مثال: واعظی (۱۳۸۶) معتقد است: «مفهوم هرمنوتیک به منزله شاخه‌ای خاص از دانش، پدیده‌های نوظهور و مربوط به دوران مدرنیته است».

۴- در صورتی که نام نویسنده و نویسندگان لاتین در متن ذکر می‌شود، در بار نخست لازم است که در پاورقی به صورت انگلیسی نیز نوشته شود.

### مأخذ نویسی در انتهای متن

مأخذ نویسی کتاب‌ها در انتهای مطالب، به ترتیب حروف الفبای نام خانوادگی صاحب آثار و به شرح ذیل تنظیم می‌شود:

- نام خانوادگی پدید آورنده (ویرگول، فاصله)، نام کوچک (یک فاصله)، سال انتشار در داخل پرائتنز (نقطه، فاصله)، عنوان اثر به شکل ایتالیک (نقطه، فاصله)، نام و نام خانوادگی مترجم (ویرگول، فاصله)، شماره جلد (ویرگول، فاصله)، محل نشر (دو نقطه، فاصله)، نام انتشارات (نقطه).

مأخذ نویسی مقالات نیز همانند کتاب بوده و تنها تفاوت اندکی دارد.

- نام خانوادگی پدید آورنده (ویرگول، فاصله) نام کوچک (یک فاصله)، سال انتشار در داخل پرائتنز (نقطه، فاصله)، عنوان اثر (نقطه، فاصله)، عنوان نشریه به شکل ایتالیک (ویرگول، فاصله)، شماره دوره - در صورت وجود شماره در داخل پرائتنز (ویرگول، فاصله)، شماره صفحه (نقطه).  
\* اگر تعداد آثار استفاده شده از یک نویسنده در طول سال بیشتر از یک آثار باشد، آن‌ها را به ترتیب الفبای کوچک انگلیسی و بعد از نام خانوادگی و نام در کنار تاریخ انتشار - داخل پرائتنز - متمایز می‌شود.

فرهنگی، علی اکبر (۱۳۷۳a). ارتباطات انسانی. جلد اول، تهران: انتشارات تهران.

فرهنگی، علی اکبر (۱۳۷۳b). افکار عمومی در روابط عمومی. فصلنامه هنر هشتم، سال اول، شماره دوم، شماره مسلسل ۶، صص ۷۰-۸۲.

### نحوه ارسال مقالات

برای درج مقالات در فصلنامه، لازم است اصل مقاله (به صورت فایل Word) و نیز تقاضای درج مقاله از طرف نویسنده اول (اصلی) خطاب به سردبیر به آدرس الکترونیکی [quranjournal@gmail.com](mailto:quranjournal@gmail.com) و یا <http://jiqs.ir> ارسال شود.

## راهبرد قرآن کریم در جلوگیری از تبدیل خشم اجتماعی به خشونت

حسین شجاعی<sup>۱</sup>: دانشجوی دکتری، پژوهشگر مرکز مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن کریم، جهاد دانشگاهی  
محمد حسین اخوان طبسی: دانشجوی دکتری، پژوهشگر مرکز مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن کریم، جهاد دانشگاهی

دو فصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم

سال دهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۸، صص ۷-۲۴

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۰۱/۱۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۰۴/۱۳

### چکیده

خشم اجتماعی پدیده‌ای شناخته شده در جهان است؛ ذات این پدیده نه منفی و نه مثبت است. نحوه اظهار و تأثیرات پس از بروز این هیجان است که خوب یا بد بودن آن را تعیین می‌کند. مقاله پیش رو با تمرکز بر رابطه مردم-دولت سعی کرده است تا حدود ثغور وجه منفی یا مثبت بروز خشم اجتماعی را تعیین نماید و به بیان راهکارهایی قرآنی پردازد که عمل بدان‌ها مانع از تبدیل خشم اجتماعی به خشونت‌های ویرانگر می‌شود. این مقاله که با روش کتابخانه‌ای تدوین یافته است خشم اجتماعی مثبت را خشمی معرفی می‌نماید که باعث اصلاح و سازندگی حاکمان و قرار گرفتن ایشان در مسیر پاسخگویی به مطالبات مردمی گردد و خشم منفی را خشمی بیان می‌کند که به سبب بی‌توجهی دولتمردان تبدیل به خشونت می‌گردد و توأم با آن موجب ازهم‌پاشیدگی انسجام اجتماعی و غلبه هرج و مرج بر جامعه می‌گردد. بر اساس یافته‌های این تحقیق راه‌حل قرآن برای جلوگیری از تبدیل خشم اجتماعی به خشونت در چهار مرحله خلاصه می‌شود که طبیعتاً عمل دولتمردان بدان‌ها باعث خواهد شد تا به تبعات این حوزه دچار نگردند. این چهار مرحله به ترتیب عبارت‌اند از: ۱- اجازه ارائه انتقاد و بروز خشم؛ ۲- دریافت و تحلیل دقیق انتقادات؛ ۳- گفتگو و پذیرش متواضعانه خطاها؛ ۴- تلاش برای اصلاح.

**کلید واژه‌ها:** قرآن، خشم، خشونت، خشم اجتماعی.



## ۱. طرح مسئله

افزایش خشم و خشونت‌ورزی در دوره معاصر باعث شده است تا این مسئله به‌عنوان یکی از جدی‌ترین بحران‌های جهانی شناخته شود؛ از همین رو مؤسسات و مراکز مختلفی در جهان متمرکز بر روی این مسئله مهم گردیده‌اند. مؤسسه بین‌المللی گالوپ یکی از معتبرترین مراکزی است که در این حوزه مشغول فعالیت است (<http://gallup.com>). این مرکز هر ساله با سنجش مقدار خشم و خشونت حاکم بر جهان سعی می‌کند تا پرمخاطره‌ترین کشورهای آن را درگیر این مسئله هستند را معرفی کند. نگاهی گذرا به جدول این مؤسسه واقعیتهای نامیمون را پیش می‌کشد. متأسفانه کشورهای جهان اسلام بر اساس شاخص‌های آماری این مؤسسه همواره در صدر جدول قرار دارند.

شاید ناباورانه به نظر برسد اما این امر واقعیتهای است که از آن هیچ‌گیزی نیست؛ اما سؤال اصلی آن است که دلیل اصلی چنین امری را در چه می‌توان جست؟ به‌راستی دینی که خود دایه دار مهر و عطف است و در کتاب مقدسش همواره به رأفت و محبت به مردم دعوت شده است چرا به چنین جایگاهی باید برسد؟

به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین دلایل پدید آمدن این وضعیت را در سوء مدیریت باید پی‌جویی کرد که بر جهان اسلام حاکم است. متأسفانه در بسیاری از کشورهای اسلامی، حاکمان شایستگی لازم را برای سردمداری ندارند. به همین خاطر جامعه با فسادها و بحران‌هایی پایان‌ناپذیر روبه‌رو می‌گردد. وضعیت نابسامان حاکمیت در جهان اسلام موجب به ستوه آمدن مردم و در نتیجه‌ی منطقی آن عصبانیت ایشان گردیده است. طبیعی است که با انباشت خشم و نهایتاً غلیان آن جامعه به سمت خشونت ورزی می‌رود. بهار عربی را دقیقاً برآیند چنین وضعیتی باید دانست. چرخه ناکارآمدی،



دیکتاتور منشی، انباشت خشم و نهایتاً رسیدن خشم به درجه انفجار و تبدیل آن به خشونت دقیقاً محوری است که همه‌ی کشورهای عرب در چند سال اخیر پشت سر گذاشتند؛ اما چه سود که مجدداً حاکمانی بر آن‌ها گمارده شدند که مجدداً فعالیت این چرخه را به راه خواهند انداخت؛ اما چگونه می‌توان از این چرخه رهایی یافت؟ آیا روی آوردن به غرب راه‌حل این مشکل است؟ آیا دین اسلام راه‌علاجی برای این موضوع ندارد؟ در پاسخ به این سؤالات باید گفت که فرهنگ غنی و پربار جهان اسلام، مملو از راهکارهای رهایی‌بخش است. تنها باید به این آموزه‌ها توجه نمود و با بهره‌گیری از دانش‌های جدید به سراغ فهم آن‌ها رفت تا این درک روشنی‌بخش حرکت در مسیر آینده باشد.

برای نمونه در قرآن سلسله‌مراحلی را می‌توان مشاهده نمود که عمل کردن بدان‌ها باعث جلوگیری از تبدیل خشم اجتماعی به خشونت را می‌گیرد. اگر حاکمان مسلمان به همین آموزه‌های کوچک اعتنا نمایند هم از یک‌سو دوام سیاسی خویش را تضمین خواهند کرد و هم از سوی دیگر رضایت مردم را به دنبال خواهند داشت. مقاله پیش رو تلاشی کوچک در راستای معرفی این راهکار است. نویسندگان مقاله در این اثر سعی کرده‌اند تا در گام اول با معرفی دقیق خشم و ابعاد آن و سپس رابطه خشم با ایجاد ثبات و عدم ثبات جامعه پتانسیل‌های سازنده و مخرب خشم را معرفی نمایند و در گام دوم با ارائه راهکارهای قرآن مسیر جلوگیری از تولید خشونت در جامعه را مخصوصاً برای حاکمان جامعه تبیین نماید.

متأسفانه حوزه خشم اجتماعی در جامعه اسلامی آن‌چنان‌که شایسته است شناخته شده نیست. آثار اندکی با موضوع خشم اجتماعی نگاشته شده است که عمده‌ی آن‌ها نیز از منظری جامعه‌شناختی به موضوع نگریسته‌اند. طبیعتاً با این فقر منبع وقتی به سراغ مطالعات اسلامی می‌آییم با اثری هر چند مقدماتی و مختصر نیز روبه‌رو نیستیم. البته طبیعت سخت این مسئله را می‌توان عمده‌ترین دلیل فقد منبع در این حوزه دانست. چه آنکه در این حوزه‌ی مطالعاتی سه دانش روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و علوم سیاسی آن‌هم به شکل میان‌رشته‌ای و نه چند رشته‌ای در هم تنیده شده‌اند. از این رو مقاله پیش رو را اولین گام برداشته شده در مطالعات اسلامی می‌توان به شمار آورد که البته به همین خاطر خالی از نقص و عیب نیست.

این مقاله در سه بخش کلی تدوین شده است. بخش اول صحبت از نگرش قرآن در تأثیر تعادل هیجانات اجتماعی بر حفظ جامعه است. بخش دوم مقاله از جایگاه خشم در حفظ و تزلزل تعادل اجتماعی سخن به میان آورده است و بخش سوم نیم‌نگاهی به راهبرد قرآن برای جلوگیری از تبدیل خشم اجتماعی به خشونت انداخته است. در ادامه به شکلی تفصیلی‌تر پیرامون اولین بخش این مقاله، یعنی نگرش قرآن در تأثیر تعادل هیجانات اجتماعی بر حفظ جامعه صحبت می‌شود.

## ۲. نگرش قرآن در تأثیر تعادل هیجانات اجتماعی بر حفظ جامعه

اگر قرآن کریم را از ساختی بیرون از اشارات الهیاتی و در بافتی انسانی بنگریم خواهیم یافت که



آموزه‌های بسیار زیادی در این کتاب زندگی پیرامون نحوه‌ی زیست بشر ارائه شده است. از منظر اخیر، آموزه‌های قرآن را به دودسته فردی و اجتماعی میتوان تقسیم نمود؛ زمینه‌ی مشترک هر دو آموزه نیز ارائه راهکارهایی برای پیمودن مسیر رشد و کمال در زندگی این جهانی و پیوند حیات زمینی انسانها به حیات اخروی آنهاست.

قرآن زندگی زمینی را محلی برای آزمایش به حساب می‌آورد (هود/۷ و الملک/۲) و برای موفقیت در این آزمایش هم از عمدترین مخاطرات و هم مهمترین راهکارهایی که امکان مقابله با این مخاطرات را فراهم می‌آورد صحبت می‌کند. مخصوصاً از بعد اجتماعی عمدترین مخاطره هرج و مرج و برترین راهکار حفظ تعادل و یکپارچگی معرفی شده است. مبتنی بر این آموزه جوامع تنها زمانی می‌تواند بقای خویش را ضمانت کنند که در عمل اولاً از ایجاد هرج و مرج جلوگیری نمایند و ثانیاً یکپارچگی خویش حفظ کنند.

تعادل هیجان‌ها و نظم جویی آنها محوری‌ترین راهکار قرآن برای جلوگیری از ایجاد هرج و مرج و حفظ یکپارچگی جامعه است. قرآن کریم از میان عوامل گوناگونی چون انگیزه، هیجان، محیط و وراثت که همگی نقش تعیین‌کننده‌ای در رفتارسازی ایفا مینمایند توجه گسترده‌ای را به هیجانها معطوف داشته است و از نقش تعیین‌کننده‌ی این عنصر در ایجاد تحولات بنیادین اجتماعی سخن به میان آورده است. این حجم توجه به هیجان‌ها را نمی‌توان ساده‌انگارانه تلقی کرد و به راحتی از کنار آن گذشت.

یکی از دلایلی که لزوم دقت نظر در توجه به هیجان‌ها را نشان می‌دهد توجه مشابهی است که در علوم انسانی به خصوص روان‌شناسی و جامعه‌شناسی به این مسئله شده است. از منظر این علوم همه‌ی انقلاب‌های مردمی و تحولات کلانی که با براندازی نظام‌های سیاسی جهان رخ داده است همگی از طریق قدرت پرفشار هیجان‌ها اجتماعی پدید آمده‌اند. توجه دوسویه‌ی متن مقدس و علوم انسانی لزوم توجه به این مسئله را بیش از پیش می‌نماید. از این رو لازم است تا با شناخت هیجان‌ها و کنترل آنها از ورود رفتارهای نرم اجتماعی به کنشهای پرخطر جلوگیری شود.

برای شناخت چیستی هیجان و نحوه‌ی تأثیر گذاری آن بر آینده‌ی جوامع لازم است تا از منظر روان‌شناسی و جامعه‌شناسی نگاهی بدان‌ها بنماییم تا اهمیت هیجان‌ها و لزوم تعادل در میان آنها تبیین گردد. هیجان خاستگاهی روان‌شناختی دارد. روان‌شناسان هیجان را واکنش کلی، شدید و کوتاه ارگانیسم به یک موقعیت غیرمنتظره همراه با یک حالت عاطفی خوشایند یا ناخوشایند می‌دانند. این سائق زمان غافلگیری فرد و یا فرارفتن شرایط از تحمل فرد رخ می‌دهد. هیجان در واقع بیانگر عدم سازگاری فرد با موقعیت و تلاش ارگانیسم برای برقراری تعادلی است که به‌طور موقت از بین رفته است (گنجی، ۱۳۸۸، ص. ۲۰۲). جامعه‌شناسان اما با نگاهی متفاوت به هیجانها مینگرند. از منظر ایشان هیجان‌ها به‌مثابه پیام‌هایی غیر گفتاری است. افراد یک جامعه پیام خود را صرفاً از راه زبان بیان نمی‌دارند بلکه این پیام از بسیاری از راه‌های دیگر همچون نوع پوشش، اعمال و حرکات، سبک زندگی و شیوه‌ی بروز هیجان‌ها نیز اظهار می‌شود. از این رو در جامعه‌شناسی، هیجان‌های

انسانی به مثابه زبانی عمل می‌کند که پیوسته پیامی را به دیگران می‌رساند؛ این پیام‌ها که ناظر به محرک‌هایی بیرونی- و نه درونی- فرا خوانده می‌شود لزوماً از طریق زبان قابل بروز نیست و حامل احساسات، علایق، عواطف و امیال فرد است (حکیمی، ۱۳۹۵، ص. ۲). ظهور این پیام مکنون نیز گونه‌های متفاوتی دارد و از بروز به شکل خشم گرفته تا انواع مختلفی از قبیل شادی، غم، ترس، نفرت، علاقه و شگفتی قابل پیگیری است.

چه از منظر روان‌شناسی و چه از منظر جامعه‌شناسی، نظر به معنای لغوی این کلمه هیجانات انسانی به مثابه انرژی‌های نهفته در وجود انسان هستند که فرد را به انجام کارهایی فراتر از حد توان معمول و همچنین فراتر از تصور عمومی از خود در نزد دیگران می‌نماید (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص. ۸۴۸). هیجان‌ها قدرتی درونی را در فرد به وجود می‌آورد که به‌طور توأمان هم قدرت تخریب و هم قدرت سازندگی دارد. در قرآن نمونه‌ی هر دو نوع هیجان را می‌توان مشاهده نمود. اثرپذیری سحرهی بنی‌اسرائیل از معجزات حضرت موسی (ع) و ایمان آوردن بدیشان (طه/ ۴۹-۷۹) نمونه‌ی سازنده هیجان‌ها و حمله و توطئه‌ی قوم لوط برای مقابله و مبارزه با پیامبرشان (الشعراء/ ۱۶۰-۱۷۵) نمونه‌ی مخرب بروز هیجانها است.

قدرت سازنده هیجان‌ها نه تنها از منظر قرآن نکوئیده نیست بلکه خود یکی از راهبردها برای ایجاد شور و تحرک اجتماعی است. آنچه در این بین قرآن به‌عنوان هیجان نامطلوب معرفی می‌نماید در حقیقت هیجان‌های مخرب اجتماعی است که می‌بایست تلاش کافی برای کنترل آن صورت پذیرد. در ادبیات روان‌شناسی این شکل از مدیریت، نظم‌جویی هیجانی نامیده می‌شود.

آنچه در نظم‌جویی هیجانی پیگیری می‌شود سازمان‌دهی رفتار سازگاران و همچنین جلوگیری از هیجان‌های منفی و رفتارهای ناسازگارانه است. نظم‌جویی هیجانی نقشی محوری در تحول هنجارهای فرد دارد و ضعف در آن عامل مهمی در ایجاد اختلال‌های روانی و رفتاری در بعد فردی و اجتماعی می‌گردد. نظریه‌پردازان بر این باورند افرادی که قادر به تنظیم هیجان‌هایشان در برابر رویدادهای روزمره نیستند، بیشتر نشانه‌های تشخیصی اختلال‌های روانی از قبیل افسردگی، اضطراب و ناهنجاریهای اجتماعی را از خود نشان می‌دهند (نولن هوکسما<sup>۱</sup>، ویسکو<sup>۲</sup> و لئوبومیرسکی<sup>۳</sup>، ۲۰۰۸، صص ۴۰۰-۴۲۴) بنابراین می‌توان گفت نظم‌دهی هیجان عامل کلیدی و تعیین‌کننده در بهزیستی روانی فرد و جامعه به حساب می‌آید و در سازگاری با رویدادهای تیندگی زبانی زندگی نقش اساسی ایفا می‌کند. (گارنفسکی<sup>۴</sup> و کرایج<sup>۵</sup>، ۲۰۰۶، صص ۱۶۵۹-۱۶۶۹) طبیعی است که عدم کنترل هیجانها باعث بروز اختلال در روند طبیعی زندگی فردی و اجتماعی خواهد شد؛ اما چگونه می‌توان این هیجانات را کنترل کرد؟ پاسخ این سنخ از

---

1. Nolen-Hoeksema  
2. Wisco  
3. Lyubomirsky  
4. Garnefski  
5. Kraaij



سؤالات را با رویکردی کلی نگرانه نمی‌توان داد بلکه به شکل مصداقی می‌بایست با آن‌ها مواجه گشت. از این رو مقاله پیش رو صرفاً بر خشم به‌عنوان یکی از ابعاد هیجان تمرکز نموده است. در ادامه توضیحات کافی در مورد این هیجان و راه‌های کنترل آن در بعد اجتماع ارائه خواهد گشت.

### ۳. جایگاه خشم در حفظ و تزلزل تعادل اجتماعی

همان‌طور که در بخش قبل اشاره شد، هیجانات به انواع مختلفی تقسیم می‌گردند. در این بین خشم یکی از فراگیرترین و نیرومندترین هیجان‌هاست که پیش‌زمینه‌های فیزیکی، تربیتی، جغرافیایی و جهان‌بینی فردی در ایجاد آن مؤثر است. از منظر روان‌شناسی خشم واکنشی احساسی و ناهشیار است که هنگام مواجهه با مخاطرات حقیقی یا تخیلی ایجاد می‌شود. این حس، باعث شکل‌گیری انرژی و انگیزه برای از میان بردن تهدید می‌شود. در این بین به مقدار جدی‌تر بودن و هراس انگیز بودن تهدید، در نتیجه برانگیختگی و انگیزه مقابله با آن بیشتر می‌شود (مهکام، ۱۳۸۳، ص. ۵۴).

برخلاف نگاه خنثی و غیر سوگیری‌ای که در روان‌شناسی و قرآن به خشم می‌توان پی جست اما جنبه‌های منفی این مقوله در فضای علوم اسلامی به‌خصوص اخلاق بیشتر مورد توجه قرار گرفته است و کمتر پیرامون ابعاد مثبت این عملکرد حسی سخن به میان آمده است. عالمان اخلاق خشم یا غضب را حالت نفسانی به شمار آورده‌اند که به سبب حسادت، تکبر، کینه، بدخلقی، توقع، دل‌بستگی به دنیا، جهل و وسوسه شیطان به وجود می‌آید و «موجب حرکت روح حیوانی از داخل به‌جانب خارج، برای غلبه و انتقام می‌شود و هرگاه شدت یابد، باعث حرکتی تند می‌شود که از آن حرکت، حرارتی مفرط حاصل و از آن حرارت دود تیره‌ای برمی‌خیزد و دماغ و رگ‌ها را پُر می‌سازد و نور عقل را می‌پوشاند و اثر قوه عاقله را ضعیف می‌کند» (نراقی، ۱۳۷۵، ص. ۲۳۷).

فارغ از منظرهای مختلفی که به پدیده خشم شده است در مجموع چه عالمان اسلامی و چه روان‌شناسان همگی تعادل در این هیجان را امری ضروری به شمار آورده‌اند. اهمیت اعتدال در خشم به قدری است که علمای اخلاق رسیدن به حد تعادل در این امر را منشأ بسیاری از فضایل دانسته‌اند و خروج از حد اعتدال را باعث پدید آمدن ردیلهای گسترده‌ای مانند ترس، خودکم‌بینی، بی‌غیرتی، عجولگی، سوءظن، انتقام‌جویی، کج‌خلقی، عجب، کبر، فخر‌فروشی، قساوت قلب، کتمان حق و افشای سرّ دانسته‌اند. اگرچه ویژگی‌های فوق‌الذکر همگی به تأثیرات خشم در بعد فردی اشاره دارد اما دقیقاً همین الگو را در اثرات اجتماعی خشم نیز می‌توان پی جست. اعتدال در خشم و بروز به‌موقع و کنترل شده‌ی آن در فضای اجتماع هم از یک‌سو می‌تواند عنصری برای بقاء و ثبات اجتماع به شمار بیاید و هم از سوی دیگر برهم خوردن این اعتدال می‌تواند منجر به سقوط و فروپاشی اجتماعی گردد. در ادامه پیرامون این دو بعد خشم اجتماعی به شکلی تفصیلی توضیح داده خواهد شد.

### ۳-۱. تأثیر خشم بر حفظ تعادل و ثبات اجتماعی

هنگامی که سخن از خشم به میان می‌آید عمدتاً ویژگی‌های و شاخصه‌های منفی آن محل بحث قرار می‌گیرد و فرو خوردن خشم و همچنین بروز ندادن خشم به‌عنوان راهکار مقابله با آن در نظر گرفته می‌شود. این تصور در حالی است که اساساً جلوگیری از بروز خشم می‌تواند وضعیت را به‌مرور زمان سخت‌تر و پیچیده‌تر نماید به‌طوری‌که با شکل‌گیری پدیده‌های چون نشخوار خشم و یا خشم انباشته شده با غلیان خشم و ایجاد پیامدهای بسیار شدید و ناهنجاری چون خشونت فیزیکی روبه‌رو خواهیم شد. از طرف دیگر حتی عدم بروز خشم در بلند مدت صدمات جبران‌ناپذیری را بر سلامت روان فرد وارد می‌کند و امکان دچار شدن به مشکلات روان‌تنی را بیش‌ازپیش می‌نماید. (هاولز<sup>۱</sup>، دی<sup>۲</sup>) سلسله‌ی این شواهد نشان می‌دهد که به‌طور کلی جلوگیری از خشم امری نامطلوب به‌حساب می‌آید و همواره فضایی را برای فروکش نمودن این هیجان می‌بایست تدارک دید.

ضرورت بروز خشم را صرفاً در آنچه گفته شد نباید خلاصه کرد. این هیجان حتی در بسیاری از موارد برای بقای انسان نیز ضروری است. در باورهای پیشینیان و اندیشمندان سلف خشم نه‌تنها معضلی بر سر زندگی انسان‌ها به‌حساب نمی‌آمد بلکه خود به‌مثابه یکی از قوای انسانی و عاملی برای بقای زندگی وی محسوب می‌شود. دقیقاً از همین منظر است که اندیشمندان مسلمان قوای انسانی را به چهار دسته‌ی عاقله، وهمیه، شهویه و غضبیه تقسیم می‌نمایند. در این طبقه‌بندی قوه‌ی عاقله و وظیفه‌ی ادراک کلیات و حقایق، قوه‌ی وهمیه و وظیفه‌ی ادراک جزئیات، قوه‌ی شهویه و وظیفه‌ی جلب منافع و قوه‌ی غضبیه و وظیفه‌ی دفع ضررها را بر عهده دارد (نراقی، ۱۳۷۵، صص ۸۱-۸۳). روان‌شناسی تکاملی نیز همسو با این عقیده ضرورت خشم را به رسمیت شناخته است و آن را به‌مثابه مکانیسم دفاعی میدانند (مبارکی، ۱۳۹۱، ص. ۲۵).

علاوه بر آنچه تا بدین جا اشاره شد لازم به ذکر است که خشم نیز به دو دسته مثبت و منفی تقسیم می‌شود. خشم منفی به‌نوعی از خشم اطلاق می‌گردد که با پدیداری آن آسیبی جدی به فرد و یا دیگران وارد می‌آید. طبیعی است که این آسیب هم می‌تواند آسیب‌های جسمی و هم آسیب‌های روانی را در بر بگیرد و منجر به ختنی کردن اثر تربیتی، تخریب شخصیت، تنهایی و آسیب‌های خانوادگی، زایش و افزایش رذالت اخلاقی و زوال عقل گردد؛ اما خشم مثبت به آن دست از خشم‌ها اطلاق می‌گردد که ناظر به دفع ضرری است که ایجاد آن مبتنی بر تَضییع حقوق، ظلم و به‌طور کلی نا عدالتی است. این نوع از خشم چهار ویژگی عمده دارد. اولاً پایه آن را باورهای سالم تشکیل می‌دهد؛ ثانیاً هنگام بروز اعتدال دارد؛ ثالثاً باهدف حل مشکل پیش می‌آید نه آزار دیگران را بعداً پس از تأثیرگذاری متوقف می‌شود (جعفری هرفته، ۱۳۹۴، ص. ۱۳) و خامساً از حیث وضعیت‌های چهارگانه واکنش و فروکش<sup>۳</sup> جزء خشم‌های زود بروز و زود

1. Howells

2. Day

۳. روان‌شناسان زمان واکنش-فروکش را به چهار دسته تقسیم نموده‌اند: ۱. خشم زودبروز-زود خاموش؛ ۲. خشم دیر بروز-دیر خاموش؛ ۳. خشم دیر بروز-زود خاموش؛ ۴. خشم زود بروز-دیر خاموش

خاموش است (کیومرثی اسکویی، ۱۳۹۱، صص ۷۲-۷۳).

همان گونه که غضب یا خشم در بعد فردی موجب جلوگیری از رسیدن ضرر به انسان می شود در رابطه‌ی میان مردم و حاکمان نیز مانع از اهمال و سستی در اجرا و تحقق مطالبات مردمی می گردد. توجه به این بعد از خشم که آن را خشم اجتماعی می توان دانست به قدری مهم است که در بسیاری از دانشگاه‌های مطرح جهان دپارتمانی خاص بدان اختصاص یافته است. دپارتمان مدیریت خشم دانشگاه لیستر<sup>۱</sup> یکی از این دانشگاه‌ها است.

اما خشم اجتماعی چگونه و از چه راهی موجب کنترل حاکمیت و جلوگیری آن از ظلم و تعدی می گردد و ثبات و تعادل اجتماعی را ایجاد می کند؟ همان طور که قبلاً توضیح داده شد، خشم موجب آزادسازی انرژی‌های نهفته شده در افراد جامعه می گردد. این انرژی قدرت مناسب برای مقابله با ظلم و استبداد را پدید می آورد و موجب می شود حساسیت مردم به حاکمان منتقل گردد و به همین موجب دولت و سردمداران سیاسی از سلسله اموری که موجب ظلم، بی عدالتی و تجاوز به حقوق مردم شود خودداری نمایند.

افراد جامعه اگر در برابر تصمیماتی که حاکمان جامعه می گیرند سکوت پیشه نمایند و واکنش‌های هیجانی خویش در برابر تصمیمات ایشان را ظهور و بروز ندهند، این تلقی در ذهنیت حاکمان شکل می گیرد که جامعه در برابر تصمیمات آنان بی حس است به همین خاطر این تصور را خواهند کرد که به راحتی هر اقدامی را می توانند انجام دهند بدون اینکه نیاز به بازخواست داشته باشند. چنین موقعیتی فضای بازی را برای غلبه دیکتاتوری فراهم می آورد و بدین نحو بیش از آنکه منافع کلیت مردم در نظر گرفته شود منافع گروه و یا عده‌ای خاص از جریان‌های نزدیک به حاکمیت در نظر گرفته می شود و خواست مردم فدای خواست عمومی می شود.

بروز خشم مخصوصاً برای حاکمان جامعه بسیار بااهمیت است چرا که بدیشان کمک می کند تا دائماً درجه تب افکار عمومی را در قبال سیاست‌هایشان را اندازه گیری کنند و بافهم خواست مردم در جهت تحقق اهداف ایشان که همانا عمده ترین وظیفه‌ی دولت‌هاست حرکت نمایند. اجازه بروز خشم کمک می کند تا از زیرمینی شدن خشم‌ها جلوگیری شود و همین امر موجب می شود تا برداشت دقیق تری از انگیزه‌های مخالف و نارضایتی شکل بگیرد و بدین نحو در مواقع بحرانی نیز امکان کاهش، پیشگیری و هدایت این نارضایتی‌ها بیشتر شود.

اگرچه اجازه دادن به ظهور و بروز خشم اجتماعی برای دولت‌ها در کوتاه‌مدت مشکلات و هزینه‌های بسیاری دارد اما در بلند مدت فرصتی برای تقویت منافع ملی کشور در حوزه‌ی دیپلماسی عمومی می شود. اساساً شنیدن صدای مخالفان نمایانگر استحکام و اعتماد به نفس نظام حاکم در برابر مخالفین و رواداری حاکمیت در قبال مخالفان است. از طرف دیگر به تصویر کشیدن این خشم در رسانه‌های عمومی می تواند اعتماد عمومی به رسانه‌ها را نیز تقویت نماید و در نتیجه رسانه‌ها را به عنوان بازوان مؤثری در خدمت مدیریت خشم اجتماعی تبدیل کند.

علاوه بر همه‌ی این نکات مواجهه‌ی صحیح و منطقی با مسائل مربوط به حوزه خشم اجتماعی کمک می‌کند میزان استقلال سایر نهادها و سوء گیری نکردن آن‌ها در برابر سیاست‌های حاکم سنجیده شود و این درک به‌درستی صورت گیرد که افراد تا چه حدی به قانون اساسی کشورها پایبندند و بدون توجه به جهت‌گیری‌های سیاسی صرفاً بر اساس خواست و تصمیم مردم اقدام می‌نمایند.

در مجموع با اجازه دادن به جامعه برای بروز خشم اجتماعی می‌توان کمک کرد تا اساساً بیان آزاد انتقادات از دولت‌ها و سیاست‌های ایشان به‌مثابه الگوی عرفی در جامعه فرهنگ‌سازی شود و به‌مثابه یک رفتار عادی تلقی شود. در چنین موقعیتی افرادی که به دنبال راهکارهای خشونت‌آمیز هستند از جامعه منزوی می‌گردند و از نظر عرفی کارشان ناپه‌نجار و ضد ارزش تلقی شود. همان‌گونه که تا بدین جا نشان داده شد ظهور و بروز خشم مخصوصاً در حوزه‌ی اجتماع نه تنها منفی تلقی نمی‌گردد بلکه امری مثبت و فایده‌مند برای کنترل حاکمیت سیاسی و قرار دادن ایشان در مسیر خواست عمومی است. این‌گونه نه حاکمیت سیاسی جرئت گام نهادن به سمت افراط و دیکتاتوری را پیدا می‌کند و نه از طرف دیگر دولت‌های ضعیف و ناکارآمد توان باقی ماندن در قدرت را می‌نمایند چرا که حساسیت مردم به اهمیت دسترسی به خواست‌هایشان و مطالبات ایشان از حکومت ایشان را وادار به انجام قوی کارها می‌نماید. طبیعتاً در چنین وضعیتی حذف از چرخه قدرت نتیجه ناکارآمدی و ناتوانی مردم در توجه به خواست عمومی خواهد بود.

### ۳-۲. سازوکار ازهم‌گسیختگی تعادل اجتماعی از طریق تبدیل خشم به خشونت

خشونت در روان‌شناسی به معنای استفاده از زور فیزیکی به‌منظور قرار دادن دیگران در وضعیتی بر خلاف خواستشان است. (ویکتوروف، ۲۰۰۵، ص. ۱۹) به‌طور معمول هنگامی که سخن از خشونت به میان می‌آید پس از تعریف این مفهوم به ابعاد آن و سپس گستره‌ی کنش آن اشاره می‌شود. خشونت از حیث ابعاد به گونه‌های مختلفی چون فیزیکی و کلامی تقسیم می‌شود. بر این اساس خشونت‌هایی که به‌طور کلی اتفاق می‌افتد یا صرفاً با ابزار زبان و با هدف متأثر کردن طرف مقابل صورت می‌گیرد و یا اینکه به شکل دعوا و چالش‌های فیزیکی با هدف آسیب‌رسانی جسمانی به طرف مقابل شکل می‌گیرد که هر دو می‌تواند یا به شکل آگاهانه و از روی تصمیم‌گیری قبلی صورت پذیرد و یا اینکه به شکل ناآگاهانه و بدون برنامه‌ریزی پیشینی انجام شود. خشونت اما از حیث گستره به دو نوع فردی و اجتماعی تقسیم می‌شود. در گستره‌ی فردی، خشونت صرفاً از این حیث مطالعه می‌گردد که چه عناصر و عواملی باعث می‌شود تا یک فرد به خشونت روی آورد اما از بعد اجتماعی خشونت و عناصر شکل‌گیری آن توسط یک جمع یا گروه اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد. عناصر و مؤلفه‌های گوناگونی در شکلی‌گیری این نوع از خشم دخیل هستند؛ برای مثال از نفی آزادی، سلب اختیار از مردم در تعیین مدیریت جامعه، استعمار، اشاعه

اندیشه‌های شک آلود و مفاسد اخلاقی گرفته تا مسائل چون تهاجم فرهنگی، تحقیر و توهین به مقدسات و همچنین تحقیرهای نژادپرستانه در جوامع چند فرهنگی در شکل‌گیری این نوع از خشونت تأثیرگذار هستند. اگرچه همه‌ی عوامل گفته شده در ایجاد خشونت اجتماعی مؤثر شناخته می‌شوند اما از این میان با توجه به آنکه خشونت در این مقاله از منظر روابط دولت-ملت‌ها بررسی می‌گردد می‌توان عمده‌ترین عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری خشونت اجتماعی در مقابله با دولت‌ها را در شکل‌گیری پدیده‌های چون ناکامی، بی‌عدالتی اجتماعی، ناکارآمدی دولت‌ها در برآورده کردن نیازهای مردم و همچنین دیکتاتور مآبی حاکمان رصد نمود.

مخصوصاً در میان عناصر پیش‌گفته ناکامی سهمی اساسی در ایجاد خشونت دارد (محسنی تبریزی، ۱۳۷۹، ص. ۷). لذت، رضایت و شادکامی زمانی پدید می‌آید که آحاد جامعه در دستیابی به اهداف مد نظر خود موفق باشند در این میان موفق نبودن مردم در دسترسی به خواست‌های خود به سبب فقدان فرصت‌های برابر و عادلانه اجتماعی موجب نارضایتی و ناکامی ایشان می‌گردد. نتیجه مستقیم فراهم نبودن موقعیت مناسب برای دسترسی به اهداف باعث درماندگی و ناکامی افراد می‌شود (لئونارد، ۱۹۸۸، ص. ۱۷۰) و همین امر موجب می‌شود توانایی ایشان به صورت منفی به چالش کشیده شده و آن‌ها را افرادی ناتوان و ناکارآمد نشان دهد. این تحقیر روحی زمانی که مخصوصاً منشأ ناکامی از درون فرد نباشد و به سبب سیاست‌گذاری‌های بد اجتماعی اتفاق افتاده باشد موجب مقابله، کشمکش و یا انتقام‌جویی از دولت و به‌طور مجموع حاکمیت می‌شود.

حال اگر در این بین فضاها و بسترهای مناسب برای اظهار خشم این دسته از افراد که به سبب سیاست‌های ناکارآمد متضرر گشته‌اند وجود نداشته باشد با انباشت خشم اجتماعی روبه‌رو خواهیم بود و همین مسئله زمینه و موقعیت مناسب برای ظهور خشونت را پدید می‌آورد. اگرچه در تصور عمومی فقدان اظهار خشم و اعتراض به‌منزله وجود ثبات اجتماعی تلقی می‌شود اما این مانع از اظهار اعتراض علاوه بر آنکه باعث ایجاد نفرت و تعمیق تنفر افراد جامعه از حاکمیت می‌گردد به‌مرور زمان زمینه اجتماعی ایجاد خشونت را فراهم می‌آورد. اجازه بروز خشم به جامعه می‌تواند به‌مثابه یک کاتالیزور عمل کند و با ایجاد موقعیت بروز خشم از انفجار احتمالی آن به اشکال خشونت‌آمیز جلوگیری نماید.

اگرچه ازدیاد خشونت حتی تا حد سقوط حاکمیت‌های سیاسی می‌تواند پیش برود و در نتیجه حاکمان ناکارآمد را از سلطه‌ی بر اجتماع به زیر افکند اما همیشه و در همه‌ی جوامع چنین خشونت‌هایی منجر به پیدایش وضعیت مطلوب اجتماعی نمی‌گردد. در بسیاری از مواقع کشاندن خشم اجتماعی به سمت خشونت موجب بروز آسیب‌هایی می‌گردد که در صورت استمرار پیامدهایی نامطلوبی چون هدر رفت خون انسان‌های بی‌گناه، تخریب اموال عمومی و غیر عمومی، نابودی سرمایه‌های اجتماعی، ایجاد هرج‌ومرج، گسست اجتماعی و مهم‌تر از همه کاهش انسجام و تعلق اجتماعی می‌گردد.



اندیشمندان علوم اجتماعی، انسجام اجتماعی را ضامن برقراری نظم و سامان اجتماعی می‌دانند (ولکوک، ۲۰۱۱، ص. ۱۰) زمانی که خشونت در میان مردم یک جامعه گسترش یابد، با اضمحلال انسجام اجتماعی، وضعیت ازهم‌گسیختگی اجتماعی شکل می‌گیرد؛ ازهم‌گسیختگی اجتماعی، وضعیتی است که در آن نیروهای مختلف اجتماعی به‌جای برقراری روابط و تعاملات مثبتی که سازنده باشد، منفعت‌های شخصی و گروهی خویش را دنبال می‌کنند. پیگیری این منافع به شکلی نیز هست که عمدتاً به بهای ضرر طرف مقابل پیگیری می‌شود (توسلی، زبیری، ۱۳۹۲، ص. ۶۰). ابعاد فرهنگی ازهم‌گسیختگی اجتماعی را در مؤلفه‌هایی چون بی‌ثباتی نظام اخلاقی حاکم بر جامعه، آشفتگی سلسله‌مراتب ارزش‌ها، مبهم شدن هدفها و اختلاط مداوم اهداف جستجو کرد. برآیند تضعیف انسجام اجتماعی در حوزه مسائلی چون ازدیاد تنش‌های فردی و جمعی، تقلیل مشارکت، افزایش هزینه‌های کنترل اجتماعی و به‌طور کلی افت کارایی نظام اجتماعی و در نتیجه ضعف نهادی خود را نشان می‌دهد (ولکوک، همان).

همان‌گونه که در ریاضیات برآیند بردارهای هم‌مسو مساوی با مجموع بردارها می‌شود و برآیند بردارهای غیر هم‌مسو موجب خنثی شدن اثر متقابل می‌شود درون جامعه نیز اگر انسجام اجتماعی موجود نباشد سرمایه‌ها اتلاف می‌شوند و تضادها باعث خنثی شدن کوشش‌ها برای اصلاحات و تسریع آهنگ رشد و غلبه بر توسعه‌نیافتگی می‌گردد.

#### ۴. راهبردهای نرم قرآنی در جلوگیری از تبدیل خشم اجتماعی به خشونت

بر اساس آنچه تاکنون در این مقاله مورد بحث قرار گرفت اولاً مشخص شد خشم به‌خودی‌خود و به‌مثابه یک هیجان نه مطلقاً منفی و نه مطلقاً مثبت است؛ بلکه بسته به دلیل بروز خشم و نوع عملکردی که فرد انجام می‌دهد می‌توان خشم صورت پذیرفته را ارزش‌گذاری کرد. ثانیاً مشخص شد در حوزه‌ی رابطه‌ی مردم و دولت در صورتی که عوامل بیگانه و توطئه‌گر به دنبال برهم زدن یکپارچگی اجتماعی نباشند و همچنین در صورتی که خشم به وجود آمده از روی مطالبات به‌حق مردمی باشد نه تنها منفی و غیر سازنده نخواهد بود بلکه بسیار سازنده و مفید است و موجب برقراری توازن قدرت در میان مردم و دولت می‌گردد. ثالثاً به تفصیل تبیین شد که در صورت عدم تمکین دول به خواسته‌های مردم و اشاعه ناکامی از برآورده نشدن توقعات، احتمال تبدیل خشم اجتماعی به خشونت وجود دارد و استمرار این خشونت‌ها موجب ازهم‌گسیختگی اجتماعی و متلاشی شدن اجتماعات یکدست خواهد شد؛ اما چگونه می‌توان از بروز چنین پدیده‌هایی جلوگیری نمود و مانع از بروز خشونت‌های اجتماعی شد؟ آیا قرآن به‌مثابه یک منبع الهی راهبرد و استراتژی خاصی را در این زمینه معرفی کرده است؟

نگاهی کلی به آیات، حکایت‌گر توجه قرآن به این مسئله مهم است. قرآن کریم در حوزه‌ی جلوگیری از خشم اجتماعی به خشونت در زمینه رابطه دولت و ملت دو راهبرد پیشنهادی را ارائه

می‌دهد که یکی از آن‌ها را با عنوان راهبرد نرم و دیگری را با عنوان راهبرد سخت می‌توان نامگذاری نمود. راهبرد نرم، اصلی‌ترین راهکاری است که در حوزه کنترل خشم اجتماعی باید پی گرفته شود به همین خاطر در مقاله پیش رو صرفاً پیرامون این راهبرد صحبت خواهد شد و تبیین راهبرد سخت و زمان اجرای آن را به مقاله‌ی دیگری که نویسندگان در آینده خواهند نوشت احاله خواهیم داد.

در حوزه‌ی چپستی راهبرد نرم قرآن در جلوگیری از تبدیل خشم اجتماعی به خشونت لازم است تا در ابتدا به چند نکته اشاره شود. رابطه دولت و مردم از منظر قرآن به هیچ وجه رابطهای ارباب‌ورعی نیست. از منظر قرآن کریم خواست و انتظار مردم مورد احترام است (پورفرد، ۱۳۸۵). اساساً ارسال رسل را راهکاری الهی برای بهره‌مندی عادلانه آحاد جامعه‌ی بشری از نعمات الهی می‌توان دانست. قرآن خود به صراحت این نکته را مورد توجه قرار داده است و فلسفه ارسال رسولان را برقراری عدل و قسط معرفی کرده است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۹، ص. ۱۷۱). طبیعتاً جامعه‌ای که تمام شهروندانش از حقوق یکسانی برای بهره‌مندی از منابع برخوردار باشند و موقعیت و شرایط مساعدی برای رشد و شکوفایی ایشان وجود داشته باشد به هیچ‌روی روبه‌روی دولت مستقر نخواهند ایستاد و برای کنار رفتن آن تلاش نخواهند کرد. از طرف دیگر عمده‌ی دلایلی که منجر به ایجاد خشونت‌های بزرگ اجتماعی می‌گردد در نظر نگرفتن همین نکته‌ی اساسی است.

در مجموع چنان‌که از آیات قرآن بر می‌آید عدالت اجتماعی عمده‌ترین شاخص بقا یا اضمحلال جوامع است (معموری، ۱۳۸۲، صص ۱۳۰-۱۳۲). طبیعی است که در بسیاری از جوامع به سبب عدم رعایت تقوا و یا حرص و طمع و منفعت‌طلبی اهل دنیا عدالت اجتماعی محقق نمی‌شود و همین مسئله زمینه‌ی مساعدی را برای نارضایتی‌های مردمی و خشم و عصبیت ایشان از وضع موجود باز می‌کند. از آنجایی که این نوع از مطالبات واقعی و ناظر به فقدان یک اصل اساسی در اجتماع است قرآن کریم برای خاموش شدن این آتش خشم و تبدیل نشدن آن مجموعه راهکارهایی را به مخاطبان خود عرضه کرده است که به کارگیری آن‌ها هم از یک سو باعث ایجاد ثبات اجتماعی و برآورده شدن خواسته‌های مردم می‌شود و هم از سوی دیگر موجب ماندگاری حاکمان جامعه خواهد شد. این سلسله راهکارها که از آن می‌توان به مراحل کنترل نرم خشم اجتماعی یاد کرد به ترتیب عبارت‌اند از ۱. اجازه ارائه انتقاد و بروز خشم ۲. دریافت و تحلیل دقیق انتقادات؛ ۳. گفتگو و پذیرش متواضعانه خطاها؛ ۴. تلاش برای اصلاح. در ادامه به شکل مختصر در مورد هر کدام از این مراحل توضیحات کافی ارائه می‌شود.

#### ۴-۱. اجازه ارائه انتقاد و بروز خشم

همان‌طور که در بخش‌های قبل اشاره شد بروز خشم به خودی خود امری قبیح و نامطلوب نیست. چه بسا مخصوصاً از بعد اجتماعی اثرات سازنده‌ی بسیاری را به همراه دارد. از همین رو چه در قرآن کریم و چه در سنت پیامبران و ائمه اسلام توجه بارزی به این اصل شده است. مخصوصاً این مسئله

در بیانات امیرالمؤمنین جلوه‌ای گسترده دارد. حضرت در خطبه‌ای خطاب به مردم می‌فرماید که «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا وَ لَكُمْ عَلَيَّ حَقٌّ ... أَمَا حَقِّي عَلَيْكُمْ فَأَلْفَاءُ بِالْبَيْعَةِ وَ النَّصِيحَةَ فِي الْمَشْهَدِ وَ الْمَغِيبِ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴، ص. ۷۹). در اینجا حضرت یکی از حقوق مردم به حاکم اسلامی را نصیحت کردن بیان می‌دارد. نکته‌ی جالبی که در این عبارت قابل مشاهده است به رسمیت شناختن مسئله انتقاد به مثابه یک حق مسلم برای مردم است. آن‌هم حقی که با خود سازندگی به همراه دارد و موجب قرار گرفتن حاکمیت در مسیر حق و صحیح می‌شود. حضرت امیر در بخش دیگری از نهج البلاغه می‌فرماید «فَلَا تَكْفُوا عَن مَقَالَةٍ بِحَقِّ أَوْ مَشُورَةٍ بَعْدَ فَايِنٍ لَسْتُ فِي نَفْسِي بِفَوْقَ أَنْ أُخْطِئَ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴، ص. ۳۳۵) در این بخش نیز حضرت به شکل پیش‌دستانه فرمان می‌دهند تا اگر خطائی دیده شد در همان لحظات به مسئولان یادآوری شود تا اساساً از بروز خشم و حتی انتقادهای فراگیر گرفته شود. قرآن کریم اما به این مسئله از منظر حق و باطل می‌نگرد. آیه‌ی شریفه‌ی «لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَن ظَلِمَ وَ كَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا» (النساء/۱۴۸) در حقیقت استراتژی راهبردی قرآن کریم در برابر انتقاداتی است که بر شیوه‌ی حکمرانی حاکمان ارائه شده است. در این آیه جهر بالسوء را می‌توان کنایه‌ای از بروز خشم به سبب ظلم یا عدم عدالت اجتماعی به شمار آورد (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۴، ص. ۲۹۵). قرآن کریم در این آیه شریفه با به رسمیت شناختن انتقاد و بروز آن، به آحاد مسلمین اجازه می‌دهد تا در صورت رعایت نشدن عدالت، آزادانه از چنین وضعیتی انتقاد نمایند و با سکوت خود اجازه ادامه روند ناصواب پیش آمده را ندهند.

#### ۴-۲. دریافت و تحلیل دقیق انتقادات

بروز خشم به صرف کارکرد روانی‌اش اثر چندانی را مخصوصاً در بعد اصلاح اجتماعی نمی‌تواند به همراه داشته باشد. این اثر زمانی سازنده خواهد بود که پس از این بروز خشم حاکم و مسئولان جامعه برای جلوگیری از تبدیل شدن این وضعیت به خشونت‌های گسترده دست به تحلیل اصل انتقادات و تلاش برای رفع آن‌ها بزنند. فهم دلیل نارضایتی هم از یک سو باعث می‌شود تا به مشکلات حاکمیت به‌خوبی مشخص شود و هم از سوی دیگر راهکار مناسب برای رفع آن‌ها اندیشیده شود.

اگرچه فهم انتقادات و نظرات مردم و پیروی از آن‌ها همواره منجر رسیدن به نتایج مطلوب اجتماعی نمی‌شود اما تمکین به این خواست باعث می‌شود تا اولاً انسجام اجتماعی بیشتر شود و ثانیاً اعتماد به حاکمان بر اخذ تصمیمات بزرگ بیشتر شود. شیوه‌ی پیامبر بزرگوار اسلام در این زمینه بسیار آموزنده است. ایشان با وجود شخصیت و موقعیتی که در میان مسلمانان داشت هر گاه با آراء و نظراتی غیر از تدبیری که خود اندیشیده بود مواجه می‌شد سعی می‌کرد تا به‌خوبی این سخنان را بشنوند و به خواست عمومی احترام بگذارد هر چند که در نهایت نتیجه‌ی مطلوبی به دست آورده نشود. نمونه‌ی بارز این برخورد را به‌خوبی در قضیه‌ی جنگ احد می‌توان مشاهده نمود. پیامبر در نحوه‌ی جنگ از مردم خود مشورت گرفت. عبدالله بن ابی از سرکردگان منافقان پیشنهاد کرد تا در این



جنگ صرفاً از مدینه دفاع شود آن‌هم بدین شکل که زنان شهر از بالای پشت‌بام دست به حمایت بزنند و مردان شهر مستقیم با دشمنان بجنگند (آیتی، ۱۳۷۸، ص. ۳۰۹). این شیوه در زمان‌های قبل نیز مورد استفاده‌ی مردم یثرب قرار گرفته بود و در جنگ‌هایی متعدد برای حفظ خود از آن بهره گرفته بودند. با توجه به فضای یثرب تعداد زیادی از ریش سفیدان مهاجر و انصار با این نظر موافق بودند و پیامبر نیز به سبب رؤیایی که تعبیرش خارج نشدن از شهر بودن تمایل زیادی به این نظریه داشت (واقعی، ۱۳۶۹، ص. ۱۵۲) اما به محض طرح این مسئله خشمی اجتماعی در میان طبقه‌ی جوان جامعه شکل گرفت. مسلمانان جوان که از پیروزی بدر مغرور بودند، علاقه‌مند بودند تا توان خود را در برابر کفار به نمایش بگذارند برای همین جنگ در داخل شهر را نشانه‌ای بر ضعف تلقی کردند. پیامبر نیز به‌رغم میل خود و صرفاً به سبب آنکه این هیجان‌ات داخلی از بین نرود و شور و نشاط جهاد در راه خدا در میان جوانان باقی بماند به خواست عمومی تمکین نمود (ابن کثیر، ۱۳۸۵، ج ۲، ص. ۳۲۹) اما با این حال در نهایت جنگ به نفع مسلمانان تمام نشد.

هرچند مسلمانان در این جنگ پیروز نشدند و عزیزان بسیاری را در آن از دست دادند اما عملکرد پیامبر در این مورد خاص نشان می‌دهد که ایشان با تحلیل دقیق انتقادات به این نتیجه دست یافت که جوانان جامعه نیازمند توجه هستند. از سوی دیگر طبیعتاً همین جوانان هستند که توان لازم برای جنگ‌های آتی را می‌بایست داشته باشند فلذا شنیدن حرف آن‌ها و عمل بدان حداقل فایده‌ای که می‌تواند داشته باشد آن است که ایشان را از پیروی از احساسات زودگذر و هیجان‌ات آنی دور می‌کند و باعث می‌شود خود ایشان صراحتاً به این نتیجه دست یابند که پیروی از تجربیات جنگی عاملی تعیین کننده در پیروزی جنگ است.

#### ۴-۳. گفتگو و پذیرش متواضعانه خطاها

در مواقع هیجانی مخصوصاً در مواجهه حاکمان با مردم همواره باید در یاد داشت که انجام اقدامات متکبرانانه و پاسخگو نبودن در قبال مسئولیت‌ها نه تنها موجب تشدید شکاف‌ها می‌گردد بلکه با بغرنج نمودن شرایط زمینه مساعدی را برای ابراز خشونت فراهم می‌آورد. حال آنکه گفتگو با مردم و یا سایر حاکمان جوامع و پذیرش متواضعانه‌ی خطاهایی که خواسته یا ناخواسته پیش آمده است موجب بازگشت آرامش به مردم، فروکش نمودن خشم و تداوم نیافتن موقعیت عصبی پیش آمده می‌گردد. داستان سلیمان و ملکه سبا را می‌توان نمونه‌ای مناسب در این زمینه دانست. اگر جنگ را به مثابه امری خشونت‌آمیز به شمار آوریم در بدو امر امکان بروز جنگ میان سلیمان و ملکه سبا بسیار پیش‌بینی پذیر بود اما حرکت مصلحانه ملکه سبا در پذیرش دعوت سلیمان و شنیدن رسالت وی موجب شد تا هر دو جامعه به سمت جنگ نروند (اسدی، ۱۳۸۲، ج ۶، ص. ۴۶۲). بی‌شک اگر گفتگویی در این میان شکل نمی‌گرفت جنگی همه‌جانبه میان قوای طرفین پدید می‌آمد اما همین گفتگو و ارائه استدلال‌های حسن زمینه بروز این دعای و مشکلات را گرفت. در نمونه دیگر، شاهد گفتگوی مؤمن آل فرعون با حاکم خود، یعنی فرعون هستیم. در این داستان،

فرعون نیز با تمام تفرعن و تکبری که داشت، به سخنان فردی از قوم خود که به موسی (ع) مؤمن شده بود (و البته ایمان خود را مخفی نگه داشته بود)، گوش فرا می‌دهد. در حالی که فرعون خشمگینانه، تصمیم به قتل موسی (ع) گرفته بود، مؤمن آل فرعون وی را از این کار باز می‌دارد (غافر/۲۶-۲۸). استدلال او برای فرعون آن است که اگر موسی دروغ گو باشد و وعده‌های عذابی که می‌دهد دروغ باشد، دروغش به ضرر خودش خواهد بود و آبروی خودش را خواهد برد؛ اما اگر راست گو باشد، عذاب‌های موعود او به شما خواهد رسید (غافر/۲۸). این فرد به فرعون توصیه می‌کند از آنجا که قدرت و پادشاهی را در مصر در اختیار دارد، در مقابله با موسی عجله نکند و به دعوت او فکر کند (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۲۵، صص ۴۳۵-۴۴۰)؛ گرچه که فرعون به توصیه خیرخواهانه وی گوش فراندا و به مقابله با موسی پرداخت و در نتیجه، به مشکلاتی که موسی (ع) هشدار داده بود، یعنی طوفان، ملخ، شپش و خون شدن رود نیل دچار شد (اعراف/۱۳۳).

#### ۴-۴. تلاش برای اصلاح

مرحله چهارم مقابله نرم در جلوگیری از تبدیل خشم به خشونت بنا بر آموزه‌های قرآن تلاش برای پدید آوردن اصلاح است. خشم اجتماعی بی‌دلیل پدید نمی‌آید. شرایط نامساعد، تصمیم‌گیری‌های غلط و یا عدم اقتناع افکار عمومی برای تحمیل شرایطی سخت بر مردم عناصری تأثیر گذار هستند که می‌توانند موجب خشم مردم و در صورت عدم پاسخگویی مناسب منجر به خشونت‌هایی اجتماعی گردند. اگرچه مراحل دوم و سوم مقدمات جلوگیری از تبدیل خشم به خشونت هستند اما مهم‌ترین پادزهر این وضعیت را اقدامات علمی متناسب می‌توان دانست. مراحل دوم و سوم اگرچه هر یک در جایگاه خود ارزشمند هستند اما همگی در ساحت سخن‌اند؛ تنها زمانی مطالبات مردمی محقق خواهد شد و رضایت برای ایشان پدید می‌آید که در عمل تغییر رفتار و عملکرد پدید بیاید. حال ممکن است در ضمن مرحله سوم که گفتگو صورت می‌گیرد مشخص شود که مردم خطایی را مرتکب شده‌اند و یا اینکه معلوم شود مقصر اصلی حکومت است و وی باید کارهای خود را اصلاح نماید. در هر دو صورت مهم‌ترین اتفاقی که در این مرحله می‌بایست رخ بدهد اصلاح کار غلط است.

در قرآن نمونه‌های زیادی را از مواضعی می‌توان مشاهده نمود که مردم به‌اشتباه حرکتی را انجام داده‌اند و می‌بایست آن را تصحیح نمایند. برای مثال آیات شریفه «كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ وَ شَهِدُوا أَنَّ الرُّسُولَ حَقٌّ وَ جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۸۶) أُولَئِكَ جَزَاءُهُمْ أَنَّ عَلَيْهِمْ لَعْنَةَ اللَّهِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ (۸۷) خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَ لَا هُمْ يُنظَرُونَ (۸۸) إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَ أَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۸۹)» (آل عمران/۸۶-۸۹) بدین امر اشاره دارد و به‌طور مشخص از تأثیر اصلاح عمل افراد بر جلوگیری از شعله‌ور شدن خشم و غضب الهی از آن‌ها صحبت می‌کند؛ اما نمونه‌ی دیگری که بیشتر به مسئله پیش رو ارتباط دارد قضیه حضرت یونس و خشم ایشان از مردم سرزمین خود است. در این داستان حضرت یونس از دست مردم خود خشمگین می‌شوند و آن‌ها



را لعنت کرده و از آن محل دور می‌شود؛ اما در نهایت به سبب اتفاقاتی که برایشان رخ می‌دهد به اشتباه خود پی می‌برد و در صدد توبه و اصلاح عمل خود بر می‌آید (جوادالمولی، ۱۳۸۰، ص. ۳۶۱). خداوند متعال نیز به سبب اصلاحی که در وضعیت حضرت یونس رخ می‌دهد از اشتباه وی می‌گذرد و او را از موقعیتی که بدان دچار بود رها می‌کند. این داستان به خوبی نشان می‌دهد که اولاً حاکم و یا مسئول جامعه باید صعه‌ی صدر بالایی داشته باشد و ثانیاً در هر صورت اگر خطائی انجام داد از کار اشتباه خود توبه کرده و از مسیر اشتباه خود بازگردد. این کنترل هیجان علاوه بر آنکه از بروز آسیب‌های اجتماعی گسترده جلوگیری می‌کند، باعث می‌شود تا جامعه آرامش و ثبات خویش را حفظ کند.

### ۵. نتیجه‌گیری

در رابطه میان مردم و مسئولان عناصر متعددی وجود دارد که می‌تواند منجر به خشم مردم و در نهایت کشیده شدن جامعه به خشونت گردد. اگرچه خشم اجتماعی فواید متعددی مخصوصاً برای برقراری تعادل میان مردم و دولت دارد اما افراط در آن و نهایتاً تبدیل شدن این وضعیت به خشونت‌های گسترده به‌هیچ‌وجه نه به نفع مردم و نه به سود دولتمردان است؛ از این رو با کنترل جامعه از تبدیل خشم به خشونت می‌بایست جلوگیری کرد.

با بررسی آیات قرآن کریم می‌توان دریافت که این منبع الهی برای کنترل این مسئله به‌طور کلی به دو راهکار نرم و سخت اشاره می‌نماید که در مقاله پیش رو صرفاً به راهکارهای نرم آن اشاره شد. در راهکار نرم قرآن برای مواجهه با این مسئله باید چهار مرحله را طی نمود که به ترتیب این راهکارها عبارت‌اند از ۱- اجازه بروز خشم و انتقاد ۲- تحلیل دقیق انتقادات ۳- گفتگو و پذیرش متواضعانه خطاها ۴- اصلاح کردن کارهای اشتباه. به نظر می‌رسد پایبندی به این راهکارها و تلاش برای اجرایی کردن آن‌ها باعث خواهد شد، مخصوصاً در حوزه‌ی رابطه مردم - دولت شاهد بروز رفتارهای خشونت‌آمیز نباشیم و جامعه در مسیر تعادل قرار بگیرد.

### منابع

قرآن کریم.

آیتی، محمد ابراهیم (۱۳۷۸). تاریخ پیامبر اسلام. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.  
ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰). تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور، بیروت: مؤسسه‌ی التاریخ العربی.

ابن کثیر (۱۳۸۵). الکامل فی التاریخ. بیروت: دارصادر.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: دارصادر.

اسدی، علی (۱۳۸۲). مدخل «پادشاهی» دایره‌المعارف قرآن کریم. قم: بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).

- پورفرد، مسعود (۱۳۸۵). قرآن؛ جمهوریت و مردم‌سالاری. پژوهش‌های قرآنی، ۱۳(۴۵)، ۱۴۴-۱۶۱. جادالمولی، محمد احمد (۱۳۸۰). قصه‌های قرآن. قم: پژوهش‌های قرآنی.
- جعفری هرفته، مجید (۱۳۹۴). خشم راقورت بده. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- حکیمی، پریسا (۱۳۹۵). طراحی آموزشی راهکارهای کنترل خشم با رویکرد اسلامی و اثربخشی آن بر کنترل خشم (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه علوم و معارف قرآنی، دانشکده علوم قرآنی میبد.
- شریف‌الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴). نهج البلاغه (للصبحی صالح). قم: هجرت.
- صادقی‌تهرانی، محمد (۱۴۰۶). الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه. قم: فرهنگ اسلامی.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۰). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه‌الاعلمی للمطبوعات.
- کیومرثی اسکویی، محمد رضا (۱۳۹۴). مهار خشم. قم: دارالحدیث.
- گنجی، حمزه (۱۳۸۸). روان‌شناسی عمومی. تهران: نشر ساوالان.
- مبارکی، رضا (۱۳۹۱). اثربخشی درمان‌شناسی رفتاری بر تغییر سبک‌های مدیریت خشم (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه کردستان.
- متوسلی، محمود و زبیری، هدی (۱۳۹۲). انسجام اجتماعی؛ منشأ توسعه اقتصادی. توسعه محلی (روستائی-شهری). ۲(۵)، ۴۹-۷۴.
- محسنی تبریزی، علی رضا (۱۳۷۴). مبانی نظری و تجربی وندالیسم. نشریه نامه علوم اجتماعی، ۱۶(۱۶).
- معموری، محمد جواد (۱۳۸۲). مدخل «اقتصاد» دایرة المعارف قرآن کریم، قم: بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).
- مهکام، رضا (۱۳۸۳). «ارتباط واگرا و همگرا». مجله حدیث زندگی، ۱۹، ۵۴.
- نراقی، احمد (۱۳۷۵). معراج السعاده. قم: انتشارات هجرت.
- واقدی، محمد بن عمر (۱۳۶۹). مغازی تاریخ جنگ‌های پیامبر (مترجم: محمود مهدوی دامغانی). تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- Garnefski, Nadia; & Kraaij, Vivian. (2006). Relationships between cognitive emotion regulation strategies and depressive symptoms: A comparative study of five specific samples. *Personality and Individual Differences*, 40(8), 1659-1669. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2005.12.009>
- Howells, Kevin; & Day, Andrew. (2003). Readiness for anger management: clinical and theoretical issues. *Clinical Psychology Review*, 23(2), 319-337. [https://doi.org/10.1016/s0272-7358\(02\)00228-3](https://doi.org/10.1016/s0272-7358(02)00228-3)
- Leonard, Wilbert Marcellus. (1984). *A sociological perspective of sport* (2nd ed). Minneapolis, Minn: Burgess Pub. Co.
- Nolen-Hoeksema, Susan; Wisco, Blair E.; & Lyubomirsky, Sonja. (2008). Rethinking Rumination. *Perspectives on Psychological Science: A Journal of the Association for*



Psychological Science, 3(5), 400-424. <https://doi.org/10.1111/j.1745-6924.2008.00088.x>  
Victoroff, Jeff. (n.d.). The Mind of the Terrorist: A Review and Critique of Psychological Approaches. 2005), 49(1 (Feb.), 3-42.

Woolcock, M (2011). What Distinctive Contribution Can Social Cohesion Make to Development Theory, Research and Policy?. Paris: World Bank, OECD Conference  
Woolcock, M. (2011). What Distinctive Contribution Can Social Cohesion Make to Development Theory, Research and Policy?. World Bank, OECD Conference, Paris.



## بررسی تأثیر آوای قرآن کریم بر سیگنال‌های قلبی و مغزی انسان

نرجس خورشیدی: کارشناس، گروه مهندسی پزشکی-بیوالکترونیک، دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع)  
رویا شیبانی: کارشناس، گروه مهندسی پزشکی-بیوالکترونیک، دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع)  
زهرا جلالی: کارشناس، گروه مهندسی پزشکی-بیوالکترونیک، دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع)  
قاسم صادقی بحستانی<sup>۱</sup>: استادیار، گروه مهندسی پزشکی، دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع)

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم

سال دهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۸، صص ۲۵-۴۶

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۰۱/۱۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۰۴/۱۳

### چکیده

با پیشرفت تکنولوژی انسان همواره در پی شناخت تعاملات میان اعضای درونی بدن خود بوده است و به بررسی واکنش‌های آن در هنگام بیماری و یا در طی یک مداخله، مانند پاسخ‌های الکتریکی مغز و قلب به تحریک‌های خارجی مثل بینایی و یا شنیداری پرداخته است. شنیدن آوا و بررسی علائم حیاتی یکی از انواع مداخله است. در این پژوهش به بررسی تأثیر آوای قرآن بر سیگنال‌های مغزی و قلبی در سه حالت قبل، حین و پس از گوش دادن به تلاوت قرآن پرداخته شده است. هم‌زمان سیگنال قلبی و مغزی ۵۰ دانشجوی دختر در محدوده سنی ۱۹ تا ۲۴ سال در ساعت مشخص و با سطح اعتقادی تقریباً یکسان ثبت شد. هدف از این تحقیق بررسی تأثیر گوش دادن به تلاوت قرآن بر ویژگی‌ها و تفکیک وضعیت‌های مختلف از یکدیگر به کمک روش‌های پردازشی آشوب‌گون، آزمون‌های آماری و بررسی صحت به کمک طبقه‌بندی ماشین‌بردار پشتیبان است. نتایج حاکی از آن است که گوش دادن به تلاوت قرآن تأثیر بسیار عمیقی بر تعاملات بین اطلاعات قلب و مغز داشته و باعث می‌شود جریان اطلاعات بین سیگنال‌های قلبی و مغزی که با استفاده از بعد همبستگی و فرکتال مورد بررسی قرار گرفته است، افزایش یافته و تعاملات بین این دو سیستم حیاتی بدن افزایش یابد. از دیدگاه سیستم سایبرنتیک، افزایش تعاملات در یک سیستم زیستی به معنای افزایش خودسازمان‌دهی و کارآیی سیستم است.

**کلیدواژه‌ها:** قرآن، بعد همبستگی، بعد فرکتال هیگوچی، سیگنال مغزی، سیگنال قلبی.



## ۱. مقدمه

آفرینش هر انسان با نعمت‌های الهی بی‌شماری همراه است، از بزرگ‌ترین آن‌ها سلامتی است که تنها به بعد جسمانی معطوف و محدود نمی‌شود، بلکه سلامت روانی را هم در برمی‌گیرد. از جمله مشکل‌های بشر که همواره از راه‌های مختلف سعی در مرتفع کردن آن داشته است همین موضوع بیماری‌های روانی است. در طول تاریخ پزشکان و روان‌شناسان با بهره‌گیری از روش‌های مختلف از جمله رفتاردرمانی، هیپوتیزم و ... سعی در بهبود این دسته از بیماری‌ها داشته‌اند. (اسمیعی صدرآبادی و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۵۲) همچنین در ایالات متحده آمریکا در طی سال‌های جنگ جهانی دوم برای نخستین بار از موسیقی درمانی به عنوان یک درمان رسمی در بیمارستان‌های نظامی استفاده شد. اغلب مردم در هنگام شنیدن یک موسیقی نوعی واکنش اتونومیک<sup>۱</sup> را از خود نشان می‌دهند که این واکنش در مواجهه با انواع موسیقی متفاوت است؛ به عنوان مثال در هنگام شنیدن یک قطعه تند و پرتپش فرد احساس انرژی زیاد می‌کند و در لحظه شنیدن یک قطعه آرام و کلاسیک احساس آرامش و سبکی می‌کند (بهبهانی و کریمی مریدانی، ۱۳۹۴، ص. ۷۷) بنابراین انتخاب و نوع موسیقی در راه‌یابی به هدف نقش بسزایی دارد.

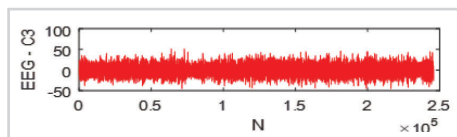
در جوامع اسلامی از جمله کشور ایران تلاوت کردن و گوش دادن به قرآن، کتاب مقدس مسلمانان، امری طبیعی و دلپذیر است به طوری که در میان مردم خواندن و گوش جان سپردن به آیات قرآن نوعی حظ و التذاذ درونی پدید می‌آورد که توان آن در برانگیختن احساس شنونده و قرار دادن او در فضایی مناسب با متن و محتوای آیاتی است که تلاوت می‌شود و آن را بر سایر متون برتری داده است. (ممتحن و حاجی زاده، ۱۳۸۹، صص ۱۷۴-۱۷۵).

بر اساس باور معتقدان به قرآن این کتاب رساترین بیان است و از نظر موسیقی و وزن لفظی در لغات و جملاتش نشانه‌های حیاتی ربانی مشهود است. وزن قرآن آمیخته‌ای از وزن شعری و نثر است و آن چنان برتر است که در توان غیر خدا نیست و هرگاه انسانی حتی غیر مسلمان که بدون تعصب و غرض به قرآن گوش فرا دهد بر نظم و آهنگ دلنواز آن اذعان دارد که این خود شاهدی بر اعجاز کلامی قرآن است. همچنین از نظر وزن و لفظ آن چنان متناسب و دارای انسجام با معنا است که گویی معنایش در آن تجسم یافته است. چنان‌که برای اثبات بطلان ادعای کفار که با تعصب و

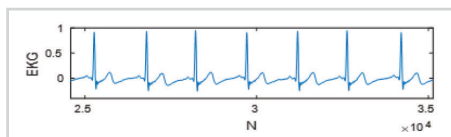
دیده کور به قرآن می‌نگرند خداوند آن‌ها را به تحدی<sup>۱</sup> دعوت کرده است (بقره/۲۳ و ۲۴) با توجه به ضرورت این موضوع، نویسندگان تصمیم گرفتند تا به بررسی اعجاز آوایی قرآن از طریق بررسی تأثیر آوای قرآن کریم بر سیگنال‌های حیاتی قلب و مغز بپردازند.

از زمان‌های قدیم انسان با پیشرفت تکنولوژی سعی در شناخت رموز، مسائل و کشف‌های جدید بوده است. او همچنین تلاش کرده است تا از آنچه در داخل بدنش می‌گذرد آگاه شود. او دریافت که سیستم‌های حیاتی بدن انسان از بی‌شمار سلول تشکیل شده است که این واحدهای کوچک یک سری فعالیت‌ها و تعاملات الکتریکی با یکدیگر دارند. در نهایت اگر بتوان با بهره‌گیری از ابزارهای مناسب فعالیت‌های الکتریکی سلول‌های تحریک‌پذیر بدن را ثبت و سپس پردازش کرد می‌توان وضعیت فعالیت سلول‌ها و اندام‌های بدن را شناسایی کرد.

ثبت فعالیت الکتریکی مغز تحت عنوان الکتروانسفالوگرافی<sup>۲</sup> از طریق نصب الکترودهای سطحی بر روی سر و به صورت غیرتهاجمی<sup>۳</sup> است که می‌توان آن را به صورت نوار مغزی مشاهده کرد و در اصطلاح مهندسی به آن سیگنال مغزی نیز گفته می‌شود. همچنین الکتروکاردیوگرافی<sup>۴</sup> یا نوار قلبی فعالیت الکتریکی عضله قلب را از طریق الکترودهایی که روی مناطق مختلف پوست بدن قرار داده می‌شوند، دریافت کرده و آن‌ها را به شکل یک نمودار ترسیم می‌کند. این نمودار الکتروکاردیوگرام نامیده می‌شود و به آن سیگنال قلبی نیز گفته می‌شود. همان‌طور که در شکل ۱، الف و ب مشاهده می‌شود دو نمونه از سیگنال‌های قلبی و مغزی نشان داده شده است که در هر دو مورد محور افقی تعداد نمونه‌ها در زمان را نشان می‌دهد، شکل الف سیگنال قلبی است که محور عمودی دامنه سیگنال است که به طور کلی دامنه سیگنال قلبی در حدود چند میلی ولت است و شکل‌های موج ایجاد شده ناشی از انقباض و انبساط بطن‌ها و دهلیزها است. شکل ب سیگنال مغزی را نشان می‌دهد که دامنه آن به دلیل آن که به صورت غیرتهاجمی و از روی پوست سر انجام شده است کمتر از ۱۰۰ میکرو ولت است که از برآیند پتانسیل‌های ایجاد شده در کورتکس<sup>۵</sup> مغز ایجاد شده است.



شکل ۱: ب) تصویر ثبت شده از سیگنال مغزی



شکل ۱: الف) تصویر ثبت شده از سیگنال قلبی

۱. به معنای به مبارزه طلبیدن و تعجیل کردن مردم در امری است به این عنوان که مانند آن را نمی‌توانند بیاورند پس هر کس می‌تواند بیاورد.

2. EEG: Electroencephalography

۳. مقصود از غیرتهاجمی این است که برای ثبت این سیگنال وسیله‌ای را وارد بدن نمی‌کنیم و یا شوک الکتریکی به بدن وارد نمی‌شود بلکه با قرار دادن الکتروده مناسب روی سطح پوست پارامتر مورد نظر اندازه‌گیری می‌شود.

4. ECG: Electrocardiograph

۵. کورتکس یا قشر مغز: لایه‌نازک از جنس ماده خاکستری است که سطح مغز را می‌پوشاند. این لایه از سلول‌های عصبی مغز تشکیل شده است.

بدن انسان یک سیستم دقیق و پیچیده است که تمام اجزای آن به صورت یکپارچه با یکدیگر در تعامل اند که در آن نقش هدایت، به سیستم عصبی مرکزی تعلق دارد؛ مهم ترین عضو این سیستم مغز است که پیچیده ترین و ناشناخته ترین آن هاست که قابل تأمل ترین پدیده برای شناخت و بررسی های علمی است، از طرفی قلب گسترده ترین ارتباط عصبی را با مغز دارد. در تحقیقات صورت گرفته توسط دانشمندان موسسه HeartMath، آن ها دریافتند که الگو ریتمیک فعالیت قلب ارتباطی مستقیم با فعال سازی ذهنی حالت های احساسی متمایز دارد و اینکه این الگو هم زمان با احساسات و هیجانات تغییر می کند.

مطالعات پیرامون این موضوع نشان می دهد که در حالت های احساسی مثبت مانند قدردانی، مهربانی یا عشق الگوهای همدوس<sup>۱</sup> ریتم قلب برای دوره های زمانی طولانی تری باقی می ماند که این خود به همگامی و هم زمانی بیشتر بین سیستم های متعدد بدن منجر می شود. در سرتاسر بدن اطلاعات به صورت امواج انرژی و با عنوان الگوهای از فعالیت فیزیولوژیکی کد گذاری می شود. الگوهای موجی عصبی، شیمیایی، الکترومغناطیسی و ... از الگوهای هستند که برای کد گذاری و برقراری ارتباطات زیستی استفاده می شوند. اندام های بدن با به کارگیری این ابزارها اطلاعات را پیوسته به مغز هدایت می کنند. قلب نقش اساسی در ایجاد و انتقال اطلاعات ضروری برای عملکرد بدن به عنوان یک کلیت همدوس در سراسر سیستم ایفا می کند؛ چرا که سیستم عصبی درون آن مستقل از مغز فعالیت می کند. قلب در سیستم های متعدد بدن به فعالیت می پردازد. از این رو جایگاه منحصر به فردی در انسجام و برقراری ارتباطات بین سیستم های مختلف در سرتاسر بدن دارد و نسبت به همه اندام های بدن وسیع ترین شبکه ارتباطی را با مغز دارد. به گفته دانشمندان، قلب بزرگ ترین میدان الکترومغناطیسی را در بدن تولید می کند. دکتر رولین مک کراتی<sup>۲</sup> معتقد است که این میدان الکترومغناطیسی حاوی اطلاعات عاطفی بوده که توسط قلب فرستاده می شود و حتی باعث می شود که قلب بتواند، برخی از حوادث را قبل از وقوع آن پیش بینی کند. حال اگر عاملی بتواند بر احساسات شخص تأثیر بگذارد، می تواند این میدان مغناطیسی را تغییر دهد این تئوری توضیح می دهد که چرا برخی از مردم با وجود مشکلات بسیار، هنوز هم دارای آرامش درونی و احساس شادی هستند (مک کراتی و همکاران، ۲۰۱۶). همچنین در خصوص قلب در قرآن و احادیث مطالب بسیاری عنوان شده است، به عنوان مثال حضرت علی (ع) در نهج البلاغه می فرمایند: «به رگ های درونی انسان پاره گوستی آویخته است که شگرف ترین اعضای درونی اوست و آن قلب است که چیزهایی از حکمت و چیزهایی متفاوت با آن در او وجود دارد»<sup>۳</sup>. این سخن از امام علی (ع) نشان می دهد که قلب تنها

۱. در سیستم های فیزیولوژیکی همدوسی (Coherence) توصیف کننده میزان و درجه نظم و ثبات در فعالیت ریتمیک است، بنابراین اگر همدوسی در یک سیستم که با سیستم های دیگر پیوند دارد افزایش یابد سیستم های دیگر را به سمت همدوسی یا همگامی می کشد مانند افزایش هم زمانی مغز - قلب که در حالت همدوسی قلب رخ می دهد.

2. Rollin Mc Crathy

یک عضو معمولی در بدن نیست اما سؤال اینجاست که وقتی سخن از حکمت به میان می‌آید اولین چیزی که به ذهن‌خطور می‌کند عقل و مغز است. پس چرا امام علی (ع) فرموده‌اند که «چیزهایی از حکمت و چیزهایی متفاوت با آن» در قلب است؟ بنابراین در بررسی تأثیر صدا بر ویژگی‌ها، پردازش سیگنال‌های قلبی و مغزی اطلاعات مفیدی در خصوص نحوه واکنش و عملکرد بدن و همچنین نحوه تعامل این دو در اختیار ما قرار می‌دهد. به‌تازگی، محققان از الکتروفیزیولوژی برای بررسی رابطه بین پدیده‌های الکتریکی و فرایندهای بدن استفاده کرده‌اند. تحقیقات بسیاری در سال‌های گذشته تأثیر آوای قرآن کریم را با اهداف پژوهشی، درمانی و ... مورد بررسی قرار داده است که خلاصه چند نمونه از این پژوهش‌ها در جدول ۱ آورده شده است که از جهات مختلف تفاوت‌ها و شباهت‌هایی با یکدیگر دارند. به‌عنوان مثال برای جمع‌آوری داده در برخی تحقیقات که در جدول با شماره‌های ۲، ۴، ۵، ۶ و ۷ نشان داده شده‌اند، ثبت سیگنال از نفرات حاضر انجام شده است در صورتی که در دو مورد دیگر از پرسشنامه استاندارد استفاده شده است.

به‌طور میانگین در روش‌های ثبت سیگنال فرکانس نمونه‌برداری ۲۵۶ هرتز بوده است. در برخی تحقیقات دیگر که در جدول با شماره‌های ۵ و ۶ نشان داده شده‌اند، ثبت هم‌زمان سیگنال قلبی و مغزی صورت گرفته است که البته در ثبت‌های سیگنال الکتریکی مغز در مقالات مختلف محل الکترودهای انتخابی متفاوت بوده است. پس از جمع‌آوری داده، در بعضی مطالعات که در جدول با شماره ۴ و ۷ نشان داده شده‌اند، یک سری پیش‌پردازش از جمله فیلتر آرتیفکت‌ها<sup>۱</sup> و نویز انجام شده است و در نهایت در اکثریت این موارد از روش‌های آنالیز آماری و طبقه‌بندی جهت پردازش استفاده شده است؛ اما آنچه این تحقیق را از سایر تحقیقاتی که تاکنون در این حوزه انجام گرفته است متمایز می‌سازد نوع نگاه محققین به تأثیر آوای قرآن از دیدگاه سیرنیتیک<sup>۲</sup> و جریان اطلاعات بین قلب و مغز است به‌عبارت‌دیگر در این پژوهش تأثیر آوای قرآن کریم به‌طور هم‌زمان بر سیگنال‌های مغزی و قلبی با ابزار مبتنی بر کل‌نگری<sup>۳</sup> سیستم مورد بررسی قرار گرفته است.

تعامل بین مغز و قلب یکی از موارد مورد توجه در این تحقیق است. داده‌های این پژوهش با فرکانس نمونه‌برداری ۲۰۴۸ هرتز ثبت شده‌اند در حالی که امپدانس تمام الکترودها کمتر از ۵ کیلو اهم بوده است. نکته حائز اهمیت در این مقاله روش پردازشی است که مبتنی بر آشوب است که روشی بسیار نو و کارآمد است که در قسمت «مواد و روش‌ها» به تبیین این روش پرداخته می‌شود.

۱. اثر سیگنال‌های حیاتی دیگر مانند سیگنال‌های الکتریکی ماهیچه و یا چشم بر روی سیگنال اصلی.

۲. سیرنیتیک در لغت به معنای سکان کشتی و علم مبتنی بر جریان اطلاعات در بررسی رفتار سیستم است. برای بررسی رفتار سیستم می‌توان از سه وجهی ماده، انرژی و اطلاعات استفاده نمود و سیرنیتیک بر کاکل اطلاعات می‌چرخد.

۳. دو دیدگاه غالب بر تحلیل سیستم عبارت‌اند از دیدگاه کل‌نگر و جزءنگر که دارای رویکردهای متفاوتی در بررسی رفتارهای سیستم هستند در کل‌نگر نگاه از بالا به پایین است و در جزءنگری نگاه مبتنی بر بررسی اجزاء سیستم و از پایین به بالاست. هرچه سیستم پیچیده‌تر باشد ابزارهای کل‌نگر برای تحلیل رفتار سیستم مفیدتر خواهند بود.



## جدول ۱: خلاصه برخی از پژوهش‌های انجام‌شده درباره تأثیر قرآن کریم

شماره	عنوان مقاله	ایزار	نتیجه
۱	تأثیر موسیقی و آوای قرآن کریم بر میزان اضطراب و علائم حیاتی بیماران قبل از اعمال جراحی شکم. (میرباقر آجرپز، آقاجانی و ششهانی، ۱۳۹۰)	پرسشنامه سنجش اضطراب اشپلیبر گر.	گوش سپردن به آوای قرآن در مقایسه با موسیقی به میزان بیشتری باعث کاهش اضطراب و تثبیت علائم حیاتی گردید.
۲	بررسی تأثیر آوای قرآن کریم بر ارتباط بین نیم کره‌های مغزی. (سعادت مهر و همکاران، ۱۳۹۶)	ثبت سیگنال EEG و پردازش به روش میانگین اطلاعات متقابل.	بین دو نیم کره مغزی، بیشترین تقارن و همبستگی پس از بخش قرآن است.
۳	مقایسه تأثیر آوای قرآن و موسیقی بی کلام بر سلامت معنوی افراد تحت همودبالیز (معصومی و همکاران، ۱۳۹۶)	استفاده از پرسشنامه سلامت معنوی بالوتزین و ایسون، قبل و پس از گوش دادن به موسیقی و قرآن.	گوش دادن به آوای قرآن جهت بالا بردن سلامت معنوی افراد توصیه می‌شود.
۴	همبسته‌های الکتروفیزیولوژیک شنیدن تلاوت قرآن کریم. (مجیدزاده اردبیلی، رستمی و کاظمی، ۱۳۹۶)	ثبت سیگنال مغزی در دو حالت گوش دادن به قرآن و یک متن عربی، پردازش به روش تجزیه باندهای فرکانسی مغزی و مقایسه این دو.	گوش دادن به قرآن باعث کاهش استرس می‌شود.
۵	Automatic emotion recognition based on EEG & ECG signals while listening to Quranic Recitation compared with listening to music. (Al-Galal, Alshaikhli, Abdul Rahman, 2016)	ثبت سیگنال EEG & ECG و بخش قرآن و موسیقی (حالات ترس، شادی، غم و آرامش) و ترسیم مدل احساسات شخص حین گوش دادن به موسیقی و قرآن.	در اکثر موارد گوش دادن به قرآن در مقایسه با موسیقی احساسات افراد را به سمت احساسات مثبت یعنی شادی و آرامش سوق می‌دهد.
۶	A Study on the effects of EEG and ECG signals while listening to Qur'an recitation. (Alshaikhli, et al., 2014)	ثبت سیگنال EEG & ECG، پردازش به روش برآورد چگالی و طبقه‌بندی آن‌ها.	حین گوش دادن به قرآن نسبت به موسیقی، در سیگنال مغزی احساس آرامش بیشتری مشاهده شد و شکل سیگنال قلبی بسیار نرم‌تر شد.
۷	Spirituality and brain waves. (Vaghefi, et al., 2015)	ثبت سیگنال EEG و بررسی توان نسبی باندهای فرکانسی مغزی.	آگاهانه گوش دادن به قرآن قدرت نسبی سیگنال تتا و آلفا را افزایش می‌دهد و گوش دادن به صورت ناخودآگاه، قدرت نسبی سیگنال تتا را افزایش می‌دهد.

## ۲. مواد و روش‌ها

در این پژوهش به بررسی تأثیر آوای قرآن کریم بر سیگنال‌های مغزی و قلبی در سه حالت قبل، حین و پس از پخش قرآن پرداخته شده است که فرایند آن به شرح زیر است: ۱- اخذ داده؛ ۲- پیش‌پردازش؛ ۳- پردازش سیگنال؛ ۴- بررسی تأثیر صدا بر ویژگی‌ها؛ ۵- بررسی صحت طبقه‌بندی با استفاده از ماشین بردار پشتیبان!



شکل ۲: خلاصه مراحل انجام شده

## ۲-۱. فرایند اخذ داده

در این پژوهش، ثبت سیگنال در شهر مشهد مقدس و در دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع) انجام گرفته است. ذکر این نکته ضروری است که بیان شود اکثر شرکت کنندگان از طریق اطلاعیه‌ای که در تابلوهای دانشگاه نصب شده بود و با فضای مجازی و به جهت آشنایی بیشتر با روند انجام این گونه از پژوهش‌ها در رشته تحصیلی خود تشویق به این کار شدند و به صورت داوطلبانه جهت همکاری اعلام آمادگی کردند. (شرایط انجام آزمایش و ثبت سیگنال به‌طور کامل قبل از شروع کار برای داوطلب شرح داده شده است).

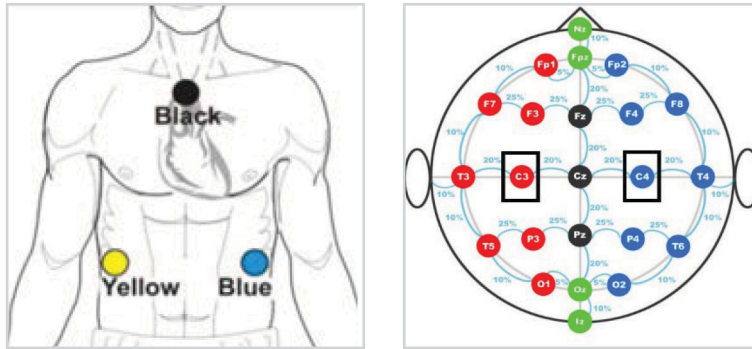
ثبت هم‌زمان سیگنال قلبی و مغزی در سه مرحله قبل، حین و پس از پخش قرآن (هر مرحله به مدت ۵ دقیقه) صورت گرفته است. (جدول ۲) تمامی مراحل در سکوت کامل و به صورت خوابیده انجام شده است و جهت کاهش آرتیفکت‌ها از فرد خواسته شده است در تمامی مراحل چشم‌های خود را بسته نگه دارد. دانشجویان در مرحله دوم (پخش قرآن) به آیات ۲۰ تا ۳۵ سوره رعد از کلام الله مجید با صدای قاری شیعه‌مذهب استاد سعد الغامدی به وسیله هدفون گوش داده‌اند. ثبت هم‌زمان سیگنال قلبی و مغزی از ۵۰ دانشجوی دختر در بازه سنی ۱۹ تا ۲۴ سال در ساعت مشخص و با سطح اعتقادی تقریباً یکسان انجام شد. همه داوطلبان مسلمان، شیعه‌مذهب و معتقد به قرآن بودند و با پرسش‌های شفاهی از داوطلبان این نتیجه حاصل شد که اکثریت زمان کمی را جهت قرائت قرآن اختصاص می‌دهند. این دانشجویان هیچ گونه بیماری خاصی نداشته‌اند. سیگنال‌ها به وسیله دستگاه flex comp<sup>۱</sup> و نرم‌افزار مخصوص آن Biograph infinity و با فرکانس نمونه‌برداری ۲۰۴۸ هرتز ثبت شده‌اند. (یعنی این دستگاه در هر ثانیه تعداد ۲۰۴۸ نمونه داده را ثبت می‌کند) سیگنال‌های مغزی از دو کانال C3 و C4 (نماینده نیم کره‌های چپ و راست مغز) با توجه به استاندارد الکتروود گذاری ۲۰-۱۰ ثبت شده است. سیستم بین‌المللی ۲۰-۱۰ یک روش شناخته شده برای توصیف موقعیت الکتروودهای پوست سر است. همان‌طور که در شکل ۳ مشاهده می‌شود الکتروود C3 سمت چپ و الکتروود C4 سمت راست سر قرار می‌گیرد، البته دو الکتروود به‌عنوان مرجع و زمین بر روی گوش‌های فرد متصل می‌شود؛ و برای ثبت سیگنال قلبی همان‌طور که در شکل ۴ مشخص است سه الکتروود که با سه رنگ متفاوت نشان داده شده است به صورت ثبت از ناحیه شکمی به وسیله چست لید<sup>۲</sup> بر روی پوست قرار می‌گیرند.

### جدول ۲: مراحل مختلف فرایند اخذ داده از هر فرد

مرحله اول	پیش از پخش قرآن	Baseline(B)	۵ دقیقه
مرحله دوم	حین پخش قرآن	With Voice(WV)	۵ دقیقه
مرحله سوم	بعد از پخش قرآن	With No Voice(WNV)	۵ دقیقه

۱. نام نوعی دستگاه مخصوص است که قابلیت ثبت فعالیت‌های الکتریکی مغز، قلب و عضلات را دارد.

۲. چست لید وسیله‌ای برای اتصال الکتروود قلبی بر روی پوست است به طوری که باعث تطبیق امپدانس پوست و التروود نیز می‌شود.



شکل ۳: محل قرارگیری الکترودهای مغزی شکل ۴: محل قرارگیری الکترودهای قلبی

## ۲-۲. پیش پردازش

در این مرحله داده‌های ثبت شده مورد بررسی شهودی قرار گرفتند مقصود از بررسی شهودی این است که همان ابتدا داده خام سیگنال به وسیله نرم افزار متلب نمایش داده شده است و با چشم مورد بررسی قرار گرفته و سیگنال برخی از داوطلبان که دارای نویز و آرتیفکت بالا بود از فرآیند پردازش کنار گذاشته شد. (به عنوان مثال دامنه سیگنال از حد نرمال بیشتر شده و به حالت اشباع می رسید). ذکر این نکته ضروری است که در این پژوهش از هیچ گونه فیلتری استفاده نشده است و حتی اگر سیگنال فقط در یک مرحله مثلاً پس از بخش قرآن دچار نویز و آرتیفکت باشد به جهت اینکه هر سه مرحله به طور هم زمان مقایسه می شوند بنابراین عملاً داده‌های ثبت شده از داوطلب برای پردازش مناسب نبوده و حذف می شود. در ابتدا از ۶۰ نفر ثبت سیگنال انجام شده بود اما ۱۰ سری از نمونه‌های ثبت به دلیل وجود نویز و آرتیفکت حذف شدند. با توجه به اینکه برای پردازش سیگنال‌های قلبی و مغزی از روش‌های پردازشی آشوب استفاده می شود بنابراین مجدداً تأکید می شود که از هیچ گونه فیلتری استفاده نشده است همچنین به منظور کاهش حجم اطلاعات مورد پردازش تنها دو دقیقه از سیگنال ثبت شده را در نظر گرفته و مورد پردازش قرار خواهیم داد. در این حالت حجم داده‌ها به این طریق محاسبه می شود که دو دقیقه را به ثانیه تبدیل کرده و سپس آن را در فرکانس نمونه برداری ضرب می کنیم.  $\{ 245760 = 2048 * (60 * 2) \}$  بنابراین در هر مرحله از ثبت، مجموع تعداد داده‌های مغزی و قلبی (۷۳۷۲۸۰ داده) و برای هر شخص تعداد کل این داده‌ها ۲۲۱۱۸۴۰ داده خواهد بود. (شکل ۵)





شکل ۳: تعداد کل داده‌ها هر شخص که مورد پردازش قرار می‌گیرد.

## ۳-۲. پردازش

در بررسی سیستم‌های زیستی به دلیل داشتن ویژگی‌هایی همچون: غیرخطی بودن، غیرقابل پیش‌بینی بودن، تعامل، رفتارهای آشوب‌گون<sup>۴</sup> و... شناخت رفتار و دینامیک سری‌های زمانی و بخصوص سیگنال‌های حیاتی بسیار حائز اهمیت است. از روش‌های مؤثر در شناخت کمی و کیفی رفتار یک سیستم، استفاده از روش‌های پردازشی آشوبناک (مثل بعد همبستگی، بعد فرکتال هیگوجی...) است. (هیلبورن، ۲۰۰۰)<sup>۵</sup>

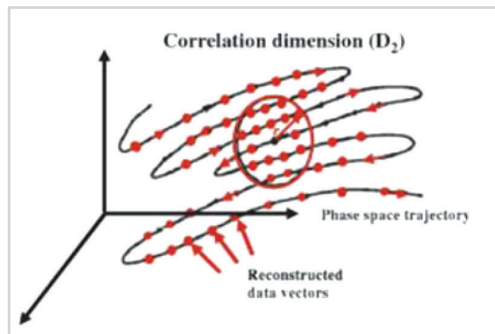
1. Non-linearity
2. unpredictable
3. interaction
4. Choatic behavior
5. Hilborn

## ۲-۳-۱. بعد همبستگی<sup>۱</sup>

در نظریه آشوب، بعد همبستگی اندازه گیری ابعاد فضای اشغال شده توسط مجموعه‌ای از نقاط تصادفی است که برای محاسبه آن از الگوریتم گراسبرگر و پروکسیا استفاده شده است. (نویتا و همکاران، ۱۹۶۷) در این الگوریتم محاسبه بعد همبستگی بر مبنای محاسبه جمع همبستگی است. همان‌طور که در شکل ۶ مشاهده می‌شود با فرض اینکه فضای فاز<sup>۳</sup> سیگنال به صورت سه بعدی بازسازی شود، به منظور محاسبه جمع همبستگی با توجه به سه بعدی بودن فضا ابر کره‌ای به شعاع  $r$  اطراف هر نقطه بازسازی شده در نظر گرفته می‌شود و میانگین تعداد نقاط بازسازی شده‌ی داخل این ابر کره،  $C_m(r)$ ، شمارش می‌شود. در ادامه شعاع کره افزایش یافته و دنبال مناطقی از تغییرات شعاع کره هستیم که تعداد نقاط داخل آن تغییر نکند به عبارت دیگر فضای فاز مقیاس آزاد باشد. این نمایش در فرمول (۱) به بیان ریاضی آمده است. ذکر این نکته ضروری است که چه تعداد نقاطی جهت محاسبه در نظر گرفته شود به صورت مسئله دارد. (که در تحقیق تعداد آن ۱۰۰۰ در نظر گرفته شده است.)

$$C(R) = \frac{1}{N(N-1)} \sum_{i=1}^N \sum_{\substack{j=1 \\ j \neq i}}^N \theta(R - |x_i - x_j|) \quad (1)$$

سپس منحنی  $\log_2(cm(r))$  بر حسب  $\log_2(r)$  رسم می‌شود. مشاهده می‌شود که این منحنی در محدوده‌های از شعاع همسایگی به نام ناحیه مقیاس تقریباً خطی است. شیب این قسمت خطی، تقریبی از بعد همبستگی خواهد بود. (صادقی بجستانی و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۱۷۴)



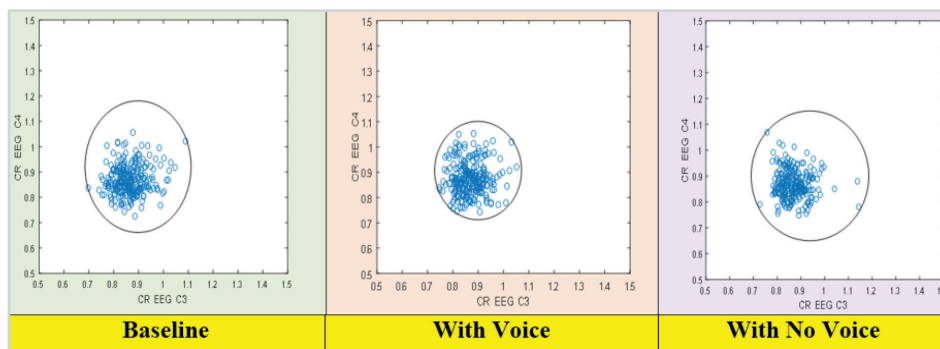
شکل ۴: نحوه محاسبه بعد همبستگی

1. Correlation dimension
2. Navitha, et al

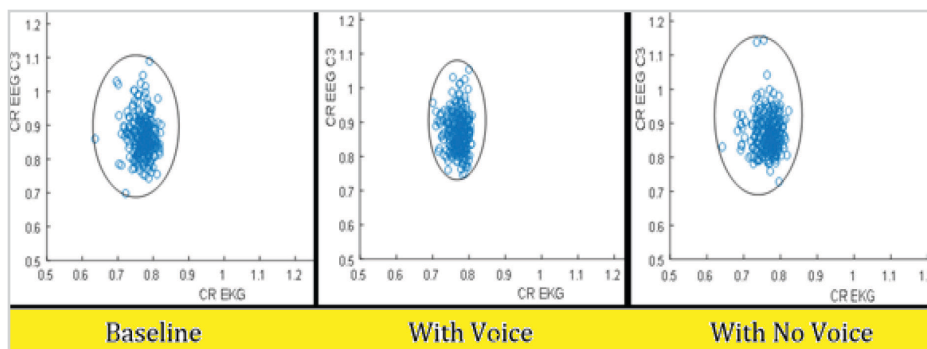
۳. فضای فاز سیگنال که به آن فضای تأخیر یافته نیز گفته می‌شود برای بیان تغییرات نمونه‌های مختلف سیگنال بر حسب هم بیان می‌گردد و یکی از روش‌های کل‌نگر در بیان رفتار سیگنال است. در فضای فاز بازسازی شده سه بعدی منظور ترسیم  $X_{n+2}$ ,  $X_{n+1}$ ,  $X_n$  بر حسب یکدیگر است که در آن نمونه  $X_n$  نام از سیگنال  $X$  است.

محققان پس از محاسبه بعد همبستگی سیگنال‌های ثبت‌شده با استفاده از فرمول (۱) برای یافتن ارتباط بین نیم کره راست مغز، نیم کره چپ مغز و قلب، بعد همبستگی را دوبه‌دو بر حسب یکدیگر رسم کردند. بدین صورت که محور افقی ابعاد همبستگی نیم کره چپ مغز و محور عمودی متعلق به نیم کره راست مغز است که در سه مرحله مختلف ثبت این نمودار ترسیم شده است این مراحل برای تمام سوژه‌ها و در تمام حالات ترسیم شد. (شکل ۷)

همچنین مراحل فوق برای ابعاد همبستگی سیگنال قلبی بر حسب ابعاد همبستگی سیگنال‌های نیم کره‌های مغزی رسم شده است که در شکل ۸ یک نمونه از این ترسیم‌ها نشان داده شده است. (ربانی مهموثی، صادقی بجستانی و شعرباغ تبریزی، ۱۳۹۵، صص ۶-۷)



شکل ۵: ترسیم بعد همبستگی نیم کره راست بر حسب بعد همبستگی نیم کره چپ مغز



شکل ۶: ترسیم بعد همبستگی نیم کره چپ بر حسب بعد همبستگی قلب



## ۲-۳-۲. بعد فرکتال<sup>۱</sup>

روش‌های مختلفی برای بررسی هندسه رفتار یک سیستم وجود دارد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها بعد فرکتال است. اصولاً دو نوع بعد وجود دارد: ابعاد اقلیدسی (که همه اعداد صحیح هستند) و ابعاد فرکتالی (که اعداد غیر صحیح هستند) هندسه رفتار سیستم‌های زیستی فرکتالی است نه اقلیدسی. بعد فرکتال الگوریتمی است که میزان خودشبهی و پیچیدگی سیگنال را تعیین می‌کند. برای محاسبه الگوریتم بعد فرکتال هیگوجی، از تعریفی به نام طول منحنی استفاده شده است و این طول‌ها از سری‌های زمانی جدید که از سری زمانی اصلی تولید می‌شود محاسبه می‌شود. (پادیال و مولینا، ۲۰۱۸، صص ۱۰-۱۱)<sup>۲</sup> و (گومز و همکاران، ۲۰۱۷، ص. ۳)<sup>۳</sup>

## ۲-۴. بررسی ویژگی‌ها

پس از به دست آوردن داده‌های بعد همبستگی و بعد فرکتال هیگوجی برای هر بخش (قلب، نیم کره راست و نیم کره چپ) و در هر مرحله، با استفاده از آزمون t نمونه‌های جفت شده<sup>۴</sup>، در نرم‌افزار SPSS به بررسی معناداری داده‌های هر مرحله پرداختیم. از نظر آماری معنی داری، مقدار درست‌نمایی بین دو یا چند متغیر است که به دلایلی غیر از شانس یا تصادفی بودن به هم ربط پیدا می‌کنند؛ بنابراین در آزمون t که یک نوع آزمون آماری معناداری است، یک مقدار به نام p-value (با استفاده از یک تابع توزیع) محاسبه می‌شود که اگر این مقدار کمتر از ۰,۰۵ (صحت ۹۵٪) باشد یعنی تنها ۵ درصد یا کمتر از آن این احتمال وجود دارد که نتایج حاصل به صورت تصادفی و از روی شانس به دست آمده باشد احتمال اینکه داده‌ها و داده‌ها مرتبط هستند. در واقع این مقدار به محقق کمک می‌کند که بدون مراجعه به جداول توزیع‌های آماری بتواند در مورد قبول کردن یا نکردن فرضیه خود تصمیم‌گیری کند؛ و در بررسی وجود داشتن یا نداشتن تفاوت‌های معنادار بین میانگین دو گروه به محقق کمک کند، تفاوت‌هایی که می‌توانند نشان‌دهنده وجود ویژگی‌های خاص باشند. به عنوان مثال «آیا بین داده‌های قلب در حالت قبل و پس از پخش قرآن ارتباط معناداری از لحاظ آماری وجود دارد؟ بله یا خیر.» در صورتی که مقادیر به دست آمده (p-value) کمتر از ۰,۰۵ باشد

1. Fractal Dimension
2. Ruiz-Padial & Ibáñez-Molina
3. Gomes, et al
4. Paired sample t-test

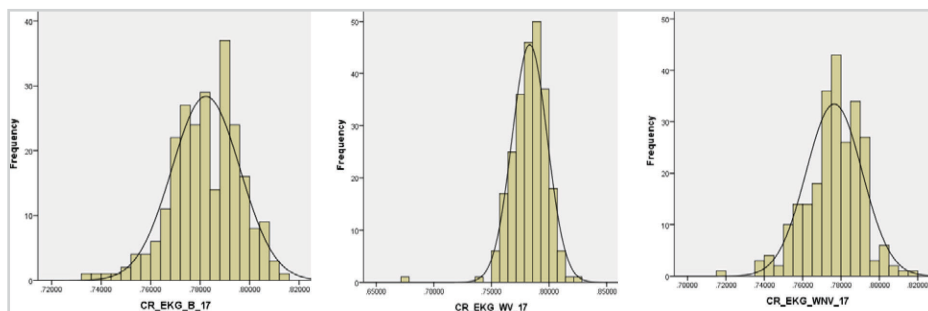
می‌توان گفت آوای قرآن کریم عاملی تأثیرگذار در توزیع داده‌های قلبی است؛ اما باید توجه داشت که این آزمون نمی‌تواند در خصوص چگونگی تعاملات جامعه یا متغیر موردنظر اطلاعات جامعی را در اختیار ما قرار دهد و صرفاً برای تضمین کیفیت نتایج آزمون و یا صحت‌گذاری روش‌های آزمون استفاده می‌شود.

سپس با رسم نمودار هیستوگرام (نمودار فراوانی) بعد همبستگی و منحنی نرمال آن به بررسی چولگی (تمایل نمودار به سمت چپ یا راست) و کشیدگی (ارتفاع نمودار) پرداخته شده است. انحراف از مقدار نرمال ارتفاع توزیع داده‌ها باعث ایجاد کشیدگی مثبت (ارتفاع زیاد) و یا منفی (ارتفاع کم) می‌شود. همچنین چولگی میزان انحراف منحنی توزیع داده‌ها را از مقدار نرمال به سمت راست (چولگی منفی) یا سمت چپ محور افقی (چولگی مثبت) نشان می‌دهد؛ بنابراین هر چه مقدار چولگی و کشیدگی از صفر بیشتر شود عدم تقارن بیشتر می‌شود.

به‌عنوان مثال، همان‌طور که در شکل ۹ ملاحظه می‌شود نمودار هیستوگرام و منحنی نرمال برای ابعاد همبستگی داده‌های قلبی داوطلب شماره ۱۷ در حالات مختلف ترسیم شده است. حال اگر بازه نمودار در محور افقی و ارتفاع آن در شکل مشاهده شود مشخص است که با یکدیگر تفاوت دارند. برای درک بهتر از اینکه این منحنی‌ها تا چه حد با منحنی حالت نرمال تفاوت دارند به مقادیر چولگی و کشیدگی جدول ۳ توجه شود.

جدول ۳: مقادیر چولگی و کشیدگی بعد همبستگی برای شخص ۱۷ در بخش قلب در حالات مختلف

CR_EKG_WNV (بعد از بخش قرآن)	CR_EKG_WV (حین بخش قرآن)	CR_EKG_B (قبل از بخش قرآن)	مقدار بعد همبستگی در حالات مختلف	
			متغیر	شماره سوزه
-۰۰۳۴	-۰۰۲۶۷	-۰۰۳۴۹	چولگی	۱۷
۰۰۲۸۲۳۷	-۰۰۱۳۴	-۰۰۲۸۲۱۹	کشیدگی	



شکل ۷: نمودار هیستوگرام ابعاد همبستگی و منحنی آن در بخش قلب در حالات مختلف برای شخص ۱۷

## ۲-۵. بررسی صحت طبقه‌بندی به وسیله ماشین بردار پشتیبان

الگوریتم ماشین بردار پشتیبان اولین بار در سال ۱۹۶۳ توسط ولادمیر و پنیگ ابداع شد. در یک فرایند یادگیری که شامل دو کلاس است هدف svm پیدا کردن بهترین تابع برای طبقه‌بندی و جدا کردن مجموعه داده‌ها از یکدیگر بود. برای بررسی صحت تفکیک حالات مختلف از شبکه عصبی svm از نرم‌افزار «رپیدماینر» استفاده شد. برای این منظور سه ویژگی ابعاد فرکتال هیگوچی، واریانس و میانگین بعد همبستگی انتخاب شده و در هر بخش با استفاده از svm بالاترین درصد صحت طبقه‌بندی به دست آمد که با توجه به نتایج، درصد صحت‌های به دست آمده مربوط به ویژگی‌های میانگین بعد همبستگی و فرکتال هیگوچی دارای بیشترین دقت طبقه‌بندی هستند. در واقع این فعالیت نشان می‌دهد که آوای قرآن تا چه حد بر بخش‌های مختلف تأثیر داشته است، بدیهی است هر چه تأثیر آن بیشتر باشد تفاوت داده‌ها نیز بیشتر شده و صحت طبقه‌بندی افزایش می‌یابد. توجه به این نکته ضروری است که حداقل و حداکثر دامنه صحت طبقه‌بندی بستگی به ویژگی‌های انتخاب شده و تعیین پارامترهای طبقه‌بند ماشین بردار پشتیبان (مانند پارامتر c، نوع کرنل، تعداد مجموعه‌های آزمودن و آموزش) دارد که در اینجا از توضیحات اضافی در خصوص پارامترهای ماشین بردار پشتیبان صرف نظر شده است، بنابراین اگر هر کدام از این پارامترها تغییر کنند صحت دامنه طبقه‌بندی هم تغییر خواهد کرد، یعنی اگر این پارامترها درست انتخاب نشوند شاید بتوان گفت «حداقل دامنه می‌تواند حتی صفر هم در نظر گرفته شود.» و همین‌طور این موضوع در خصوص بیشترین دامنه هم صدق می‌کند و این موضوع یکی از نکات ضعف استفاده از طبقه‌بند ماشین بردار پشتیبان نیز به حساب می‌آید. (وزیری و الماس گنج، ۱۳۸۷، ص. ۳۶۳).

## ۳. نتایج

مشخصات شرکت کنندگان:

جنسیت تمامی شرکت کنندگان زن است.

عمل ثبت سیگنال در سال ۹۷ صورت گرفته است.

سیگنال ثبت شده از نفرات با شماره ۳۶،۴۷،۵۹،۲۰،۹،۷،۶،۵،۴ به دلیل کیفیت ضعیف سیگنال مورد پردازش قرار نگرفته است.

با توجه به اینکه برخی از داوطلبان سن ۲۶ سال داشته‌اند اما از سیگنال آن‌ها استفاده نشده است بنابراین در معرفی بازه سنی در نظر گرفته نشده‌اند.

#### جدول ۴: مشخصات شرکت کنندگان

نام و نام خانوادگی	رشته تحصیلی	سن	نام و نام خانوادگی	رشته تحصیلی	سن
ز.ج.	مهندسی پزشکی	۲۳	ک.م.	مهندسی پزشکی	۱۹
ن.ج.	مهندسی پزشکی	۲۲	ز.ن.	مهندسی پزشکی	۲۱
ف.ف.	مهندسی پزشکی	۲۳	م.س.	الهیات	۲۲
س.ب.	مهندسی پزشکی	۲۳	ش.م.	مهندسی برق	۲۲
پ.پ.	مهندسی پزشکی	۲۲	ن.ق.	مهندسی پزشکی	۲۲
ن.ص.	مهندسی پزشکی	۲۲	ف.ا.	مهندسی برق	۲۲
ز.ق.	مهندسی پزشکی	۲۲	ز.ح.	الهیات	۲۶
ف.س.	مهندسی پزشکی	۲۳	ز.ر.	روانشناسی	۱۹
ح.ج.	مهندسی پزشکی	۲۲	ن.نم.	مهندسی پزشکی	۲۲
پ.خ.	مهندسی پزشکی	۲۲	ع.ب.	مدیریت مالی	۲۲
ر.ش.	مهندسی پزشکی	۲۲	ا.ک.	مدیریت مالی	۲۱
ن.ر.	مهندسی پزشکی	۲۲	ز.ه.	مهندسی پزشکی	۲۲
ف.فض.	مهندسی پزشکی	۲۲	ف.م.	حقوق	۲۳
س.ز.	مهندسی پزشکی	۲۲	م.ش.	مهندسی پزشکی	۱۹
ق.خ.	بهداشت	۲۱	م.ش.	مهندسی پزشکی	۲۰
م.د.	مهندسی پزشکی	۲۳	ز.ع.	مهندسی پزشکی	۱۹
ح.ج.	مهندسی پزشکی	۲۲	ز.م.	مدیریت بازرگانی	۲۰
م.ب.	مهندسی پزشکی	۲۲	ز.ا.	الهیات	۱۹
س.م.	مهندسی پزشکی	۲۲	س.ا.	مهندسی پزشکی	۲۳
س.م.	علوم ورزشی	۲۱	ز.م.	مهندسی پزشکی	۲۴
ت.ن.	مهندسی پزشکی	۲۴	ز.غ.	مهندسی پزشکی	۱۹
م.ر.	مهندسی پزشکی	۲۱	ز.ب.	مهندسی پزشکی	۲۱
ا.ع.	مهندسی پزشکی	۲۲	ف.ا.	زبان انگلیسی	۲۲
ف.پ.	مهندسی پزشکی	۲۲	م.ت.	حقوق	۲۲
م.ک.	مهندسی پزشکی	۲۳	ن.ا.	مدیریت	۲۲
س.س.	مهندسی پزشکی	۲۳	ف.م.	علوم ورزشی	۲۲
ح.ج.	مهندسی پزشکی	۲۳	ل.د.	مدیریت مالی	۲۶
ف.آ.	مهندسی پزشکی	۲۲	ن.ع.	هنر	۱۹
ح.م.	مهندسی پزشکی	۲۱	ف.ح.	کودک یاری	۲۲
ف.ق.	مهندسی پزشکی	۲۱	ف.ح.س.	حسابداری	۲۲

در این تحقیق به بررسی تأثیر تلاوت قرآن بر سیگنال مغزی و تعامل بین سیگنال قلب و مغز پرداخته شده است. ثبت هم‌زمان سیگنال قلبی و مغزی از ۵۰ دانشجوی دختر در محدوده سنی ۱۹ تا ۲۴ سال صورت گرفته است همچنین میانگین سن افراد شرکت کننده ۲۱/۶۶ با انحراف معیار ۱/۳۸ بوده است.

توجه شود که با توجه به فیزیولوژی، مغز دارای دو نیم اصلی است که با وجود انسجام و مرتبط بودن بخش‌های مختلف در آن هر قسمت از مغز وظایفی را انجام می‌دهد که به‌منظور ثبت سیگنال از آن باید مکانی را انتخاب می‌کردیم که هم اطلاعات دقیق تری ارائه دهد و هم



استفاده بهینه در زمان و نحوه ثبت (تعداد کانال‌های کمتر) را داشته باشد به همین دلیل تنها دو کانال مغزی انتخاب شد که نمایانگر نیم کره‌های مغزی است. در خصوص آنالیزهای آماری باوجود اینکه دو کانال مغزی انتخاب شده است همان‌طور که مشاهده می‌شود عملکرد کلی دونیم کره یکسان است و مغز رفتار مشابهی را از خود نشان می‌دهد اما وجود تفاوت اندکی بین این دونیم کره می‌تواند نشان دهد که کدام ناحیه از مغز در واکنش به مسائل مختلف مثلاً شنیدن صوت قرآن کریم، فعال‌تر می‌شود.

این موضوع به این معنی نیست که سایر نقاط مغز از خود واکنشی نشان نمی‌دهند، چراکه مجموعه‌ای از تعاملات و فعالیت‌هاست که این عکس‌العمل را پدید می‌آورد؛ بنابراین در بررسی سیگنال‌های مغزی، به‌طور جداگانه نتایج نیم کره راست و چپ نیز شرح داده شده است؛ که نتایج آن به این صورت است:

(۱) با بررسی ابعاد همبستگی هر شخص در حالات مختلف، با استفاده از آزمون t جفت نمونه‌ای، نمایان شد که در قلب، بیشترین ارتباط معنادار از لحاظ آماری، بین حالات قبل و بعد از پخش قرآن است، همچنین در نیم کره چپ مغز، بین حالات قبل و حین پخش قرآن بیشترین ارتباط معنادار از لحاظ آماری وجود دارد. (جدول شماره ۴) این ارتباط معنادار بین این حالات به این معناست که میانگین سیگنال‌های مغزی و قلبی در این حالات با یکدیگر فرق دارند اما این تفاوت اتفاقی و یا تصادفی نیست بلکه رابطه‌ای بین این دو حالت وجود دارد که باعث تغییر در فعالیت الکتریکی این بخش‌ها شده است.

حالت \ بخش	B-WV	B-WNV	WV-WNV	
مغز	۲۳	۲	۴	نیم کره چپ مغز
	۲	۳	۴	نیم کره راست مغز
قلب	۱۶	۳۱	۱۸	

**جدول ۵: تعداد مقادیر معنادار ابعاد همبستگی در هر بخش بین حالات مختلف برای  $p < 0.05$  (راهنما: B-WV: قبل و حین پخش قرآن B-WNV: قبل و پس از پخش قرآن WV-WNV: حین و پس از پخش قرآن)**

(۲) با بررسی ابعاد فرکتال هیگوجی در هر بخش مشخص شد که در نیم کره سمت چپ مغز بین حالت قبل و حین پخش قرآن، همچنین حین و پس از پخش قرآن ارتباط معناداری ( $p < 0.05$ ) وجود دارد. در نیم کره سمت راست بین حالت قبل و حین پخش قرآن ارتباط معناداری وجود دارد.

در قلب بین حالت حین و بعد از پخش قرآن ارتباط معناداری وجود دارد (جدول ۵)؛ یعنی تفاوت داده‌های سیگنال در این حالات به‌صورت تصادفی نیست و می‌توان از این شاخص برای جداسازی داده‌های شخص در حالات مختلف استفاده کرد.



جدول ۶: مقادیر معنادار ابعاد فرکتال در هر بخش بین حالات مختلف که مقادیر ( $p < 0.05$ ) قابل قبول است.

قلب			نیم کره راست مغز			نیم کره چپ مغز			بخش حالت
WV_WNV	B_WNV	B_WV	WV_WNV	B_WNV	B_WV	WV_WNV	B-WNV	B-WV	
۰۰۰۴۴	۰۰۶۳۱	۰۰۱۹۸	۰۰۳۳۸	۰۰۱۸۹	۰۰۰۱۷	۰۰۰۱۹	۰۰۲۰۵	۰۰۰۰۱	مقدار p

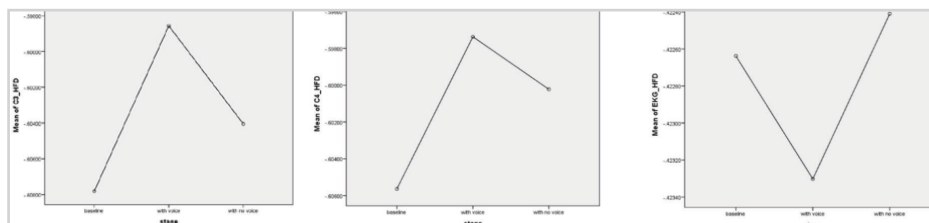
به‌طور کلی میانگین دو معیار چولگی و کشیدگی بعد همبستگی در مغز در هنگام پخش قرآن به کمترین مقدار خود یعنی نزدیک به حالت نرمال می‌رسد و این بیانگر توزیع همبستگی یکسان، به عبارتی پراکندگی یکسان داده‌ها در مغز است که می‌تواند نشان‌دهنده بالاترین حد کارآیی مغز باشد؛ اما در قلب کمترین مقدار چولگی و کشیدگی (نزدیک به حالت نرمال) بعد از پخش قرآن است که نشان‌دهنده تأثیر فراوان آن بر قلب و عملکرد بهینه آن در بدن است.

چولگی در C3	WV<B<WNV
کشیدگی در C3	WV<WNV<B
چولگی در C4	WV<B<WNV
کشیدگی در C4	WV<B<WNV
چولگی در EKG	WNV<B<WV
کشیدگی در EKG	WNV<B<WV

شکل ۸: تفکیک جزئی میانگین مقادیر چولگی و کشیدگی حالات مختلف در هر بخش از کوچک به بزرگ

زمانی که ابعاد همبستگی نیم کره راست، چپ و قلب برحسب یکدیگر رسم شد، دایره‌ای دور آن رسم شد تا تمام داده‌ها را دربرگیرد، با بررسی تمام سوژه‌ها دریافت شد که در اکثریت مواقع در حالت پخش قرآن مساحت آن کمتر شده است.

با استفاده از الگوریتم هیگوجی دریافت شد که هنگام پخش قرآن به‌طور میانگین بعد فرکتال دو نیم کره مغز به طرز قابل توجهی افزایش می‌یابد و پس از آن کاهش پیدا می‌کند اما این کاهش همچنان بیشتر از حالت معمولی شخص است؛ اما در خصوص قلب این موضوع کاملاً برعکس است، در واقع بعد فرکتال قلب هنگام پخش قرآن کاهش می‌یابد و پس از آن افزایش می‌یابد.



شکل ۹: مقایسه میانگین بعد فرکتال هیگوجی به ترتیب از راست به چپ در بخش های قلب، نیم کره راست و نیم کره چپ

در طبقه بند ماشین بردار پشتیبان (با ویژگی های میانگین بعد همبستگی و فرکتال هیگوجی) در نیم کره چپ مغز و قلب بیشترین درصد صحت به دست آمده به ترتیب ۶۷/۵ درصد و ۶۳ درصد بین حالت پخش و بعد از پخش قرآن است؛ و کمترین درصد صحت (۴۹ درصد با ویژگی های میانگین و واریانس بعد همبستگی) در نیم کره راست و بین حالات قبل و حین پخش قرآن است. همچنین در نیم کره راست بین حالت قبل و حین پخش قرآن بیشترین درصد صحت ۶۵ درصد است؛ که نشانگر تفاوت معنادار سیگنال های مغزی و قلبی بین این دو حالت است. با وجود اینکه درصد صحت طبقه بندی به وسیله SVM بین مراحل مختلف در هر بخش پایین بوده است اما میانگین درصد صحت بین حالات قبل و بعد از پخش قرآن در نیم کره راست و قلب رقم بالاتری را به خود اختصاص داده است. همچنین در نیم کره چپ مغز میانگین بالاترین درصد صحت بین حالات حین پخش قرآن و بعد از آن است.

جدول ۷: جدول صحت طبقه بندی دادگان هر دو مرحله نسبت به هم در هر بخش

بخش	درصد صحت با ویژگی های مختلف	میانگین و واریانس بعد همبستگی			میانگین بعد فرکتال هیگوجی و واریانس بعد همبستگی و فرکتال هیگوجی	میانگین بعد فرکتال هیگوجی و واریانس بعد همبستگی و فرکتال هیگوجی
		میانگین بعد همبستگی	واریانس بعد همبستگی	میانگین بعد فرکتال هیگوجی		
نیم کره چپ	بین دو مرحله (B, WV)	۵۶	۵۹	۵۷	۵۷	۵۷
	(B, WNV)	۶۴	۵۶	۵۷	۵۷	۵۷
	(WV, WNV)	۵۵	۶۷	۶۷	۶۴	۶۴
نیم کره راست	(B, WV)	۴۹	۵۲	۵۲	۶۵	۵۵
	(B, WNV)	۵۸	۵۳	۵۳	۶۷	۵۶
	WV, WNV	۵۰	۵۶	۵۶	۵۶	۵۶
قلب	B, WV	۵۹	۶۱	۵۲	۵۲	۵۶
	B, WNV	۵۸	۶۱	۵۲	۵۲	۵۶
	WV, WNV	۵۴	۶۳	۵۲	۵۲	۵۶
		۵۴	۶۳	۵۲	۵۲	۵۶

## ۶. بحث و نتیجه‌گیری

طبق نتایج به‌دست آمده در بخش قبل در هنگام گوش فرادادن به آوای قرآن کریم بعد فرکتال سیگنال الکتریکی مغز افزایش یافته است که این موضوع نشان‌دهنده تغییر الگوی تعاملات بین بخش‌های مختلف مغز و کارآیی آن در این حالت است؛ در مرحله دوم، حالت بعد از پخش قرآن، الگوی تغییرات بعد فرکتال تغییر می‌کند اما این تغییر هم‌چنان باحالت معمولی متفاوت است. به‌عنوان مثال در مقاله رویز<sup>۱</sup> و همکاران با عنوان بعد فرکتال سیگنال مغزی افراد در طی یک مداخله، پخش کلیپ‌هایی با محتوای احساسی افزایش یافته است؛ اما در این مقاله پردازش‌های فرکتالی مستقیماً بر روی داده‌های قلبی انجام نشده است بلکه پردازش‌ها بر روی تغییرات ضربان قلب اعمال شده است اما در پژوهش حاضر بعد فرکتال سیگنال قلبی محاسبه شده است و قابل مقایسه با نتایج این بخش از مقاله ذکر شده نیست. در قلب میزان خود شباهتی و پیچیدگی سیگنال در مرحله دوم، حین پخش قرآن، کاهش می‌یابد که می‌تواند احساس خاص و یا حالت آرامش افراد را در هنگام گوش فرادادن به آوای الهی توجیه کند که در قرآن کریم در آیه «الاذکر الله تطمئن القلوب»<sup>۲</sup> به این موضوع اشاره شده است و بیانگر این است که یاد پروردگار عالمیان باعث اطمینان قلبی و آرامش می‌شود. پس از آن با بررسی رابطه بین ابعاد همبستگی نیم‌کره‌های مغز و قلب دریافتیم که همبستگی این دو در حالت پخش قرآن در اکثریت افراد بیشتر شده است، به این معنا که بازه ابعاد همبستگی کمتر شده و داده‌ها منسجم‌تر می‌شوند و تعامل بین قلب و نیم‌کره‌های مغز افزایش می‌یابد. به‌عنوان مثال در مقاله‌ی خانم ربانی مه‌ موئی و همکاران به این موضوع اشاره شده است که در حین پخش قرآن همبستگی داده‌های مغزی افزایش داشته است. در نهایت نشان داده شد که تعاملات بین قلب و مغز انسان‌ها در طی مداخله افزایش یافته است که همچنین این موضوع در کلام امیرالمؤمنین امام علی (ع)، در قسمت مقدمه به آن اشاره شده است، مشاهده می‌شود؛ بنابراین با توجه به تأثیرات فراوان مشاهده شده امید است که برای انس و الفت با این کتاب الهی اهتمام بیشتری بکنیم و هنگام گوش دادن به این نوای الهی به عظمت و بزرگی آن توجه داشته و در آیات الهی آن تدبر کنیم. پیشنهاد می‌شود در تحقیقات بعدی، علاوه بر بررسی تأثیر آوا، به بررسی تأثیر درک آگاهانه از معانی و همچنین مکانی که در آن ثبت سیگنال انجام می‌شود پرداخته شود؛ به‌عنوان مثال تأثیر تلاوت قرآن کریم در حرم مطهر ائمه معصوم (ع) انجام گیرد.

## سپاسگزاری

اکنون که به یاری پروردگار و یاری و راهنمایی استادان بزرگ موفق به پایان این پژوهش شده‌ایم وظیفه خودمان دانسته که نهایت سپاسگزاری را از تمامی دانشجویان محترم پردیس رضوان دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع) و معاونت محترم فرهنگی دانشگاه که در ثبت سیگنال حیاتی به ما کمک کرده‌اند، به عمل آوریم.

## منابع

- اسمعیلی صدرآبادی، مهدی؛ جدادی، مریم؛ رفیع‌خواه، محسن و نقی زاده، زهرا (۱۳۹۷). بررسی اثربخشی تدبیر در آیات قرآن کریم برافزایش سلامت روان. دو فصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم، (۱)، ۵۱-۶۴.
- بهبهانی، سرور و کریمی مریدانی، محمد (۱۳۹۴). موسیقی درمانی جهت بهبود عملکرد درمان. نشریه مهندسی پزشکی، (۱۷۰)، ۷۶-۸۹.
- ربانی مهموئی، نجمه؛ صادقی بجستانی، قاسم و شعرفاف تبریزی، سعید (۱۳۹۵). بررسی سیگنال مغزی توسط دینامیک سیستم‌های پیچیده. کنفرانس بین‌المللی مهندسی برق، تهران.
- سعادت مهر، بهاره؛ صفری بیدختی، غزاله؛ عربی، مینا؛ غلامی، معصومه و صادقی بجستانی، قاسم (۱۳۹۶). بررسی تأثیر آوای قرآن کریم بر ارتباط بین نیم کره‌های مغزی. سومین کنفرانس سراسری مهندسی برق، کامپیوتر و فناوری اطلاعات، شیراز.
- صادقی بجستانی، قاسم؛ منزوی، عباس؛ هاشمی گلپایگانی، محمدرضا و اشرف زاده، فرح (۱۳۹۶). شناسایی تغییر الگوی دینامیک EEG در اختلال طیف اوتیسم مبتنی بر فضا قبض و بسط سیگنال. مجله مهندسی پزشکی زیستی، ۱۱(۲)، ۱۶۷-۱۸۵.
- مجید زاده اردبیلی، کیوان؛ رستمی، رضا و کاظمی، رضا (۱۳۹۶). همبسته‌های الکتروفیزیولوژیک شنیدن قرآن کریم. شفای خاتم، ۶(۲)، ۷۰-۸۱.
- معصومی، معصومه؛ جوکار، زینب؛ رزاق زاده، رقیه و ربیعی، زینب (۱۳۹۷). مقایسه تأثیر آوای قرآن و موسیقی بی‌کلام بر سلامت معنوی افراد تحت همودایالیز. فصلنامه پرستاری گروه‌های آسیب‌پذیر، ۴(۱۰)، ۲۴-۳۴.
- مک کراتی، رولین؛ آتکینسون، مایک؛ تومازینو، دانا و بردلی، ریمون (۲۰۱۶). نظریه مغز قلب (مترجمان: محمدرضا زالی، سعید رضایی طروقعی، فاطمه عیوضی، فرزانه عبدالله زاده)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ممتحن، مهدی؛ حاجی زاده، مهین (۱۳۸۹). موسیقی و نظم آوایی قرآن کریم. فدک، (۴)، ۱۳۳-۱۹۰.
- میرباقر آجریز، ندا؛ آقاجانی، محمد و شهشهبانی، مریم سادات (۱۳۹۰). تأثیر موسیقی و آوای قرآن بر میزان اضطراب و علائم حیاتی بیماران قبل از اعمال جراحی شکم. فصلنامه دانشکده پرستاری و مامایی مشهد، (۱۱)، ۶۳-۷۶.
- وزیری، غزاله؛ الماس گنج، فرشاد (۱۳۸۷). ارزیابی و تشخیص نارسایی‌ها و ناهنجاری‌های صوتی با بهره‌گیری از ویژگی‌های آشوب گونه. چهاردهمین کنفرانس مهندسی پزشکی ایران، تهران. ۳۵۹-۳۶۶.
- Al-Galal, S. A. Y., Alshaikhli, I. F. T., & Rahman, A. W. B. A (2017). Automatic emotion recognition based on EEG and ECG signals while listening to quranic recitation compared

- with listening to music. 6th International Conference on Information and Communication Technology for the Muslim World, 269–274. <https://doi.org/10.1109/ICT4M.2016.55>
- Alshaikhli, T. I. F. , Yahya, S. A. , Pammusu, I. , & Alarabi, K. F (2014). A study on the effects of EEG and ECG signals while listening to Qur'an recitation. the 5th International Conference on Information and Communication Technology for the Muslim World. 10.1109/ICT4M.2014.7020590
- Gomes, R. L. , Vanderlei, L. C. M. , Garner, D. M. , Vanderlei, F. M. , & Valenti, V. E (2017). Higuchi Fractal Analysis of Heart Rate Variability is Sensitive during Recovery from Exercise in Physically Active Men. *Medical Express*, 4(3), 1–8. <https://doi.org/10.5935/MedicalExpress.2017.03.02>
- Hilborn, r. c (2000). *chaos and nonlinear dynamics*. 2th ed. United states: Oxford University Press; 1994.
- Navitha, K. , Simmeen, sh. , Likhitha, K. , Patel, J (1967). Grassberger procaccia algorithm for EEG channel selection. *International Journal of Advance Research, Ideas and Innovations in Technology*. 4(2). P 1967-1970.
- Ruiz-Padial, E. , Ibáñez-Molina, A. J (2018). Fractal dimension of EEG signals and heart dynamics in discrete emotional states. *Biological Psychology*. <https://doi.org/10.1016/j.biopsycho.2018.06.008>
- Vaghefi, M. , Nasrabadi, A. M. , Golpayegani, S. M. R. H. , Mohammadi, M. R. , & Gharibzadeh, S (2015). Spirituality and brain waves. *Journal of Medical Engineering and Technology*, 39(2), 153–158. <https://doi.org/10.3109/03091902.2014.1001528>



## درآمدی بلاغی بر جمله معترضه در قرآن کریم

محمد مهدی ولی زاده<sup>۱</sup>: دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه اخلاق اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی قم  
ابوالقاسم ولی زاده: استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه ارومیه

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم

سال دهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۸، صص ۶۴-۴۷

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۰۴/۰۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۰۶/۱۸

### چکیده

اسلوب اعتراض، یکی از سبک‌های گفتمانی پر کاربرد قرآن کریم به شمار می‌آید. در این تحقیق با بازخوانی و جستاری تفصیلی در دامنه کتب تفسیری و ادبی، کاربرد وسیع جملات معترضه در قرآن و گونه‌های آن نمایانده شده است سپس با دسته‌بندی منظم و نیز تفکیک جملات معترضه تک‌غرضی از چند غرضی، اغراض کلی نهفته در آیات شناسایی، بررسی و مستندسازی شده‌اند، آن‌گاه چهار غرض تأکید، دفع خطور ذهنی، تقریر و رد کلام کافران دارای بیشترین کاربرد دانسته شده‌اند. هدف از پژوهش حاضر پاسخ به چرایی استفاده از سبک بیانی اعتراض در قرآن کریم و نیز حل ابهام عدم تناسب و ارتباط میان آیات معترضه و دیگر آیات است. این پژوهش از نوع تحلیلی-توصیفی بوده و طی آن ضمن یافتن حدود بیست مورد از اغراض جملات معترضه و بررسی آن‌ها ثابت می‌شود که اطناب حاصل از اسلوب اعتراض در قرآن کریم کاملاً هدفمند و در جای خاص خود بوده و طبق مقتضای حال به کار رفته است و از لحاظ کمی و کیفی بسیار فراتر از اسالیب به کار رفته در متون نظم و نثر عربی است، هم‌چنین از مهم‌ترین عوامل اعجاز ادبی، بیانی و محتوایی قرآن کریم به شمار می‌رود.

**کلید واژه‌ها:** اعتراض در قرآن، اسلوب اعتراض، اغراض اعتراض، آیات معترضه، فوائد جمله معترضه

## ۱. مقدمه

یکی از وجوه اعجاز قرآن که همواره مورد بحث و گفتگوی قرآن پژوهان و دانشیان بلاغت بوده است، اعجاز بیانی است (جرجانی، ۱۴۲۲ ق، ص. ۳۰۰؛ خطابی، ۲۰۰۸ م، ص. ۲۴؛ بنت الشاطی، ۲۰۰۴ م، ص. ۱۰۰؛ معرفت، ۱۴۲۸ ق، ج ۴، ص. ۲۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱، ص. ۶۸ و خوبی، ۱۴۲۲ ق، صص. ۴۴-۴۵) که می‌توان آن را فراگیرترین و مهم‌ترین وجه در حوزه اعجاز دانست (محمدی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص. ۱۸۷). اعجاز بیانی در یک معنای عام، شامل چند جنبه می‌شود: گزینش کلمات، جمله‌بندی، سبک و شیوه بیان و نظم آهنگ قرآن (محمدی، ۱۳۹۴، ج ۱، صص. ۱۸۷-۲۰۲ و مؤدب، ۱۳۹۰، صص. ۱۶۰-۱۶۷ و سامی محمدشام، ۲۰۰۶ م، ص. ۲۹) اما اعجاز بیانی مد نظر به این معناست که نظام ساختاری، اسلوب بیانی و سبک چینی آیات به بهترین نحو و در اوج بلاغت و با ویژگی‌های فوق بشری نازل شده و بی‌نظیر است.

قرآن کریم با اینکه کلام خداوند و کتاب وحیانی است ولی به یک معنا، متنی بشری است چراکه ساختار زبانی آن همان ساختار زبان عربی است اما سبک خاصی که باعث شده اصطلاح زبان بر این متن حمل شود، ریشه در نگرش مفسران دارد و آنها از این سو، به بررسی اغراض بلاغی جملات قرآن روی آورده‌اند (دهقانی، ۱۳۹۶، ص. ۴۰)؛ بی‌گمان یکی از عناصر اعجاز بیانی قرآن، اغراض بلاغی و اهداف نهفته در آیات قرآن کریم است چرا که ترتیب آیات، توقیفی است.

نظم بی‌مثال و اعجاز بیانی قرآن در گرو شناخت انواع اسلوب‌های بیانی و پیچیده آن بوده و آشنایی و درک صحیح نظم و ربط حاکم بر پیکره قرآن کریم بدون آن امکان پذیر نیست؛ بنابراین مهم‌ترین قدم در یافتن ریسمان منسجم و مرتبط میان آیات، مطالعه قالب‌های گفتمانی زبان شناختی است که از آن به انواع اسالیب بیانی تعبیر می‌شود.

شناسایی و تطبیق اکثر اسلوب‌های بیانی قرآن کریم بر عهده دانش بیان و بدیع است، در مواردی نیز با رویکردهای زبان شناختی قابل شناخت است.

به جرأت می‌توان بیان کرد که هیچ یک از آیات قرآن خالی از صنعت‌ها و اسلوب‌های بلاغی نیستند و قرآن کریم به عنوان معجزه جاودان، سردمدار تحقق اوج بلاغت در کلام است.

در این راستا، یکی از قاعده‌های کلی حاکم بر پیکره قرآن، اسلوب استطراد است (سیوطی، ۱۴۲۱ ق، ج ۲، ص. ۲۲۰)؛ فهم صحیح اندیشه‌های اصلی قرآن، وابسته به شناخت اندیشه‌های استطرادی و جدا کردن آنها از یکدیگر است زیرا در پس پرده اندیشه‌های استطرادی، هدف‌هایی نهفته‌اند که پس از بازشناسی مرز این دو اندیشه، نمایان می‌شوند. اسلوب اعتراض زیر مجموعه قاعده استطراد است و از احکام آن پیروی می‌کند (مولایی‌نیا، ۱۳۸۳ ب، ص. ۱۶ و سلطانی‌رنانی، ۱۳۹۱، ص. ۱۷۲). یکی از صنعت‌های بلاغی که به عنوان یک سبک و روش زبانی قرآن شناخته می‌شود، اسلوب



اعتراض است (عبدالرئوف و آزادی، ۱۳۹۰، ص. ۴۳)؛ ابن اثیر می‌گوید: جملات معترضه فراوانی در قرآن کریم وجود دارد و هر کدام مربوط به موضوعی هستند (ابن اثیر، بی‌تاج ۳، ص. ۳۲). فهم ارزش بلاغی اسلوب اعتراض در گرو تحقق شناخت تفصیلی از اغراض و وظایف آن است چرا که شأن اعتراض، مناسبت با سیاق کلام و مطابقت با مقام و مقتضای حال است البته برخی در صدد برقراری ارتباط و اتصال میان آیات این چنینی بر آمده‌اند تا ناهماهنگی ظاهری را برطرف کنند ولی این تلاش‌ها بیهوده بوده و باید در پی اغراض نهفته در جملات معترضه بود. بُعد اغراض اسالیب اعتراض در قلمرو آیات قرآن گسترده‌تر از اغراضی است که در حوزه ادب و به ویژه دانش بلاغت شناسایی شده‌اند چرا که فرمول‌های کلامی کارآمد در ساختارهای نظم قرآن بسیار وسیع‌تر از متون نظم و نثر عربی است (مولایی نیا، ۱۳۸۳، ب، ص. ۱۸۵). با توجه به شبهه افکنی‌های برخی جاهلان و معاندان که منکر اعجاز بیانی قرآن و مدعی عدم ارتباط و از هم گسیختگی اجزای به هم پیوسته آیات شده‌اند و در پی اثبات تنافی جملات معترضه با نظام ساختاری قرآن هستند، غرض‌شناسی در حوزه جملات معترضه برای پاسخ‌گویی به این نوع شبهات و دفاع از اعجاز بیانی قرآن، بسیار ضروری است. در این پژوهش با بازخوانی و دسته‌بندی خاستگاه‌ها، اغراض و فوایدی که در تفاسیر و نگاه‌های بلاغی ناظر به آیات یاد شده‌اند کوشش شده تا برتری ادبی و اعجاز بیانی قرآن کریم از جنبه اسلوب اعتراض نمایان شود.

بی‌شک شناسایی و بررسی این اغراض و دانش‌افزایی مستدل در این زمینه، تأثیر بسزایی در فهم آیات قرآن و تفسیر کلام الهی دارد و اسرار بلاغی نهفته آن را روشن می‌سازد و ابعاد جدیدی از افق‌های ناپدای قرآن و جنبه‌های زیبایی شناختی آن را پیش روی جویندگان معارف قرآن می‌نمایاند و قرآن را به صورت یک پیکره نظام‌مند در راستای هدف تربیتی و هدایتی‌اش به تصویر می‌کشد، هم چنین پاسخی علمی به چراهای روابط آیات در عرصه مناسبت و انسجام ساختاری فراهم می‌آورد چرا که اصلی‌ترین عامل پراکندگی و نامنظم به نظر آمدن آیات، استفاده از اسلوب اعتراض است.

## ۲. پیشینه تحقیق و نوآوری پژوهش

در زمینه‌ی اسلوب اعتراض در قرآن کریم پژوهش‌های محدودی در قالب مقاله، پایان‌نامه و کتاب به انجام رسیده است که بیشتر آن‌ها در کشورهای عربی نگاشته و منتشر شده‌اند. که برخی از این تحقیقات عبارت‌اند از:

اسالیب بیانی قرآن کریم: تحلیل و بررسی اسالیب، جمله‌های معترضه در قرآن کریم بر اساس تفسیر المیزان و کشف، دلالة الجملة الاعتراضیه فی القرآن الکریم، الاعتراض فی القرآن الکریم مواقع و دلالاته فی التفسیر، الاعتراض فی القرآن الکریم، اسلوب الاعتراض فی القرآن الکریم من خلال الکشف، جمله معترضه و تأثیر بلاغی آن در قرآن کریم، اسالیب اعتراض در قرآن کریم، اسلوب اعتراض در بلاغت قرآن کریم، الاعتراض فی القرآن الکریم و دلالاته، وظائف الاعتراض و اسالیبه، الوظائف التركيبية للجمل



المعتزضة بين لفظين مفردین فی القرآن الکریم.

عوامل نقصان مجموع تحقیقات پیشین عبارت‌اند از: عدم توجه اصلی به اعتراض در خصوص عرصه قرآن، عدم تمرکز بر بررسی اغراض و پرداختن به مباحث جانبی (از جمله بررسی نحوی و بلاغی اعتراض، تفاوت اعتراض با صنعت‌های مشابه، انواع و ساختارهای اسلوب اعتراض، مواضع وقوع اعتراض و ...)، ذکر اندک و محدود اغراض و فراگیر نبودن نسبت به همه جملات معترضه قرآن، جزئی نمودن اغراض با خصوصیت موردی مضمون آیات و عدم ذکر منشأ اعتراض به شکل ضابطه کلی و غرض عام، اکتفا به تطبیق غرض بر یک مثال، قابلیت ادغام بسیاری از عناوین و ... این کمبودها، انگیزه اصلی نگارنده برای ارائه پژوهشی نو در این زمینه شده است؛ متمرکز کردن پژوهش بر اغراض اسلوب اعتراض در خصوص آیات قرآن، ارائه اغراض به شکل ضابطه کلی و نیز افزودن بر اغراض و یافتن بی سابقه بیست غرض، از وجوه تمایز پژوهش حاضر با پژوهش‌های هم سنخ است. هم چنین پرداختن به بیش از ۸۰ نمونه از آیات معترضه، فراگیری و قابلیت تطبیق اغراض مذکور بر اکثر جملات معترضه قرآن و شمول دائره مطالعاتی بر کتب تفسیر و علوم قرآنی شیعه و اهل سنت و تألیفات مرتبط با حوزه اعجاز، نظم و ساختار و سبک شناسی قرآن را می‌توان از ویژگی‌های این نوشتار به شمار آورد.

### ۳. اعتراض در لغت و اصطلاح

اعتراض از ریشه (ع رض) مشتق شده و در لغت به معنای عارض شدن و مانع گشتن است مانند تخته چوبی که در رودخانه مانع شود. (جوهری، ۱۴۰۴ ق، ج ۴، ص. ۱۰۸۴ و ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۷، ص. ۱۶۸). اعتراض از انواع اطناب بوده و در اصطلاح آن است که یک جمله یا بیشتر در میان یک کلام یا دو کلامی که معنایی به هم پیوسته دارند آورده شود و محلی از اعراب نداشته باشد و به شرطی که برای دفع ابهام نباشد (ابن جنی، ۱۹۹۰ م، ج ۱، ص. ۳۳۵؛ ابن هشام، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص. ۵۰۶؛ تفتازانی، ۱۴۱۶ ق، ص. ۲۹۶ و تفتازانی، ۱۳۷۶، ص. ۱۷۹؛ سیوطی، ۱۴۲۱ ق، ج ۲، ص. ۱۲۸) البته لازم نیست در میانه کلام واقع شود بلکه حتی اگر در پایان کلام بیاید نیز مصداق اسلوب اعتراض خواهد بود لذا شامل برخی صور تذییل هم می‌شود (مغربی، ۱۴۱۲ ق، ص. ۲۴۶). در قرآن کریم نیز آیات تقطیعی که دو شرط پیوستگی نزولی و موضوعی را ندارند و در سیاق آیات نمی‌گنجد و دارای معنایی استقلالی هستند جملات معترضه به شمار می‌آیند (پیروزفر، ۱۳۹۲، ص. ۸۶).

### ۴. کاربرد جمله معترضه در قرآن

در قرآن کریم، نزدیک به شش صد بار از اسلوب اعتراض استفاده شده است که حجم گسترده‌ای از آیات را فرا می‌گیرد. موارد کاربرد اسالیب اعتراض از نظر جایگاه وقوع را با یک دسته‌بندی منظم، می‌توان به ده نوع غالبی تقسیم کرد:

میان شرط و جواب؛ مانند: «فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا - وَ لَنْ تَفْعَلُوا- فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ» (بقره/ ۲۴) و مانند «إِذَا بَدَلْنَا آيَةً مَكَانَ آيَةٍ - وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُنَزِّلُ - قَالُوا أَتَمَنَّوْنَا أَنْتَ مُفْتَرٍ» (نحل/ ۱۰۱) و مانند «فَإِذَا أَنْشَقَتِ السَّمَاءَ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ - فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ- فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَ لَا جَانٌ» (الرحمن/ ۳۷- ۳۹) میان صفت و موصوف؛ مانند: «فَلَا أَقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ وَ إِنَّهُ قَسَمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ- عَظِيمٌ» (واقعه/ ۷۵- ۷۶) و مانند: «وَ مِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانِ - فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ- مَذَاهِمَاتَانِ» (الرحمن/ ۶۲- ۶۴)

میان قسم و جواب؛ مانند: «فَلَا أَقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ - وَ إِنَّهُ قَسَمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ - إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ» (واقعه/ ۷۵- ۷۷) و مانند «فَقَيْسَانِ بِاللَّهِ- إِنْ أَرْتُمُنِي لَأَنْشُرِيَنَّ بِهٖ تَمَنَّا» (مائده/ ۱۰۶)

میان مبتدأ و خبر؛ مانند: «هَذَا - فَلْيَذُوقُوهُ- حَمِيمٌ وَ عَسَاقِي» (ص/ ۵۷) بنابر احتمالی و مانند «وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ - لَا تَكْفَلْ نَفْسًا إِلَّا وَ سَعَهَا- أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ» (اعراف/ ۴۲) و مانند «تَنْزِيلَ الْكِتَابِ- لَا رَيْبَ فِيهِ- مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (سجده/ ۲) بنابر احتمالی.

میان لولا و فعل؛ مانند: «وَ لَوْ لَا- إِذْ سَمِعْتُمُوهُ- قَلْتُمْ» (نور/ ۱۶) و مانند «فَلَوْ لَا - إِنْ كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ- تَرْجِعُونَهَا» (واقعه/ ۸۶- ۸۷).

میان فعل و مفعول؛ مانند: «وَ لَئِنْ أَصَابَكُمْ فُضْلٌ مِنَ اللَّهِ لَيَقُولَنَّ كَأَن لَّمْ تُكُنْ بِيَنْكُمْ وَ بَيْنَهُ مَوَدَّةٌ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ» (نساء/ ۷۳) و مانند «وَ لَا يَحْسَبُنَ الَّذِينَ كَفَرُوا- أَنَا نَمْلِي لَهُمْ خَيْرٌ لَأَنْفُسِهِمْ- إِنَّا نَمْلِي لَهُمْ» (آل عمران/ ۱۷۸) بنابر احتمالی.

میان معطوف و معطوف علیه؛ مانند: «وَ إِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادَّارَأْتُمْ فِيهَا- وَ اللَّهُ مُخْرِجٌ مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ- فَكُلْنَا مِنْهُ مِنْ بَعْضِهَا» (بقره/ ۷۲- ۷۳) و مانند «ثَلَاثَةَ أَزْوَاجٍ مِنَ الصَّانِئِينَ وَ مِنَ الْمُعْزِئِينَ- قُلِ الذَّكْرَيْنِ حَرَمٌ أَمْ الْأُنثَيَيْنِ ... وَ مِنَ الْإِبِلِ اثْنَيْنِ وَ مِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ» (انعام/ ۱۴۳- ۱۴۴).

میان حال و ذوالحال؛ مانند: «أَتَقُولُونَ لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَكُمْ - أَسْحَرَّ هَذَا- وَ لَا يُفْلِحُ السَّاحِرُونَ» (يونس/ ۷۷) و مانند «وَ قَالَ ادْخُلُوا مِصْرَ- إِنْ شَاءَ اللَّهُ- آمِنِينَ» (يوسف/ ۹۹).

میان بدل و مبدل منه؛ مانند: «وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ- إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا- إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ» (۴۱- ۴۲/ مريم) و مانند «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ - أَلَا يَذْكُرِ اللَّهُ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ- الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَى لَهُمْ وَ حَسَنَ مَأَبٍ» (رعد/ ۲۸- ۲۹).

میان مستثنی و مستثنی منه؛ مانند: «لَقَدْ عَلِمْتِ الْجَنَّةَ إِتْمَهُمْ لَمُحَضَّرُونَ- سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصُفُونَ- إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ» (صافات/ ۱۵۸- ۱۶۰) و مانند «قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَ لَا رَشَدًا- قُلْ إِنِّي لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ وَ لَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا- إِلَّا بَلَاغًا مِنَ اللَّهِ وَ رِسَالَاتِهِ» (جن/ ۲۱- ۲۳).

هم چنین جمله معترضه به شکل‌ها و ساختارهای گوناگونی به کار برده شده است؛ گاهی اسمیه گاهی فعلیه، گاهی یک جمله گاهی چند جمله تا بیش از بیست جمله<sup>۱</sup> و ... که همگی نمایانگر اسلوب بی‌مانند قرآن، فراگیری اسلوب اعتراض و هماهنگی خاص در جمع میان اندیشه‌های اصلی و استطرادی است.

بدون تردید، قرآن کریم با دارا بودن بیش از شش صد مورد از انواع سبک اعتراض مانند اعتراض

۱. مانند آیات ۴۴ تا ۵۵ الرحمن؛ ۴۴ هود؛ ۴۱ تا ۴۴ فصلت؛ ۹۵ تا ۹۷ اعراف؛ ۷۵ و ۷۶ مريم؛ ۱۸ تا ۲۳ عنکبوت و ۴۶ تا ۴۸ زمر.

تصدیری (آغاز کلام)<sup>۱</sup>، تذیلی (پایان کلام)<sup>۲</sup>، میانی، جمله‌ای، میان داستانی<sup>۳</sup>، اعتراض در اعتراض<sup>۴</sup>، اخباری و انشایی<sup>۵</sup>، زیباترین تابلوی هنری را در این حوزه ترسیم کرده است (مولایی‌نیا، ۱۳۸۳ الف، ص. ۴۳۴).

## ۵. اغراض جملات معترضه

در قرآن کریم، در موارد فراوانی از اسلوب اعتراض استفاده شده است؛ برخی از آن‌ها مورد اتفاق علما است ولی در دسته‌ای دیگر اختلاف وجود دارد. هر یک از این جملات در مقامی خاص به کار برده شده و از روی هدف و غرضی مشخص از جانب مبدأ وحی، معترض می‌شوند؛ لذا هر مورد حامل معنا و مفهومی مستقل هستند. هر جمله معترضه‌ی قرآن در جای خاص خود قرار گرفته و با نظمی خاص در یک پیکره هماهنگ سامان یافته به طوری که اگر حذف شود بخشی از کلام ساقط شده است هر چند مقصود اصلی متکلم بدون آن تمام باشد.

با کاوش تفصیلی در کتب ادبی، تفسیر و علوم قرآنی و نیز شناسایی جملات معترضه قرآن کریم و تطبیق آن‌ها، اغراض و فوائد گوناگونی یافت می‌شود که روزه‌های پنهانی از درک معارف والای قرآن را پیش روی جوینده می‌گشاید و روند هدایتی و تربیتی خداوند در قرآن را تأیید می‌کند؛ در این بخش که رسالت اصلی نوشتار حاضر است با سعی بر شناسایی جملات معترضه قرآن و قرار گرفتن در فضای نزول آیات، خاستگاه‌های کلی خداوند در استفاده از اسلوب اعتراض استخراج و معرفی شده‌اند.

اغراض و فوائد یادشده در این بخش، مهم‌ترین و پر کاربردترین موارد در آیات هستند و شمارش این تحقیق هر گز به معنای حصر در این موارد نیست؛ البته نگارندگان بسیاری از اغراض ذکر شده از سوی محققان را نپذیرفته و آن‌ها را جزئی و موردی می‌دانند.

## ۵-۱. ایجاد روحیه و امید برای پیامبر و مؤمنان

ایجاد روحیه، اصلی‌ترین روش تحکیم گرایش شناخته می‌شود چرا که تبلیغ دین بدون ایجاد زمینه روحی، کاری بیهوده است و تأثیر چندانی ندارد (نگارش، ۱۳۸۳، ص. ۱۶۰). در این روش، خداوند با دل‌داری دادن و آماده کردن نفس پیامبر و تقویت امید و بازسازی روحیه‌ی مؤمنان، آن‌ها را در برابر انکار و خصومت‌های کافران، استوار و مستحکم می‌سازد و در مسیرشان پایبند می‌کند؛

۱. مانند: *أَنْزَلَهُ بِعِلْمِهِ وَ الْمَلَائِكَةِ يَشْهَدُونَ وَ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا* (نساء/ ۱۶۶) و *وَ لَقَدْ اسْتَهْرَى بِرُشُلٍ مِنْ قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ* (انعام/ ۱۰)

۲. مانند: *وَ كَانَ اللَّهُ بِهِمْ عَلِيمًا* (نساء/ ۳۹) و مانند: *وَ كَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُقْتَدِرًا* (کهف/ ۴۵) و مانند: *وَ هَدَاؤُا إِلَى صِرَاطِ الْحَمِيدِ* (حج/ ۲۴) و مانند: *وَ كَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا* (نساء/ ۴۷)

۳. مانند: *«قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ...»* (۱۵۸/ اعراف) که میان قصه بنی اسرائیل آمده و مانند: *«أَمْ يَقُولُونَ اقْرَأْ فَلْإِنْ اقْرَأْتَهُ فَعَلَىٰ إِجْرَامِي وَ أَنَا بِرِيءٍ مِمَّا تَجْرِمُونَ»* (هود/ ۳۵)

۴. مانند: *«فَلَا أَسْأَلُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ - وَ إِنَّهُ قَسِيمٌ - لَوْ تَعْلَمُونَ - عَظِيمٌ - إِنَّهُ لَقَرَّانٌ كَرِيمٌ»* (واقع/ ۷۵-۷۷) و *«وَ إِذْ قَالَ لَقْمَانَ لَبِئْسَ مَا تَشْتَرِكُ بِاللَّهِ... وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ - حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَ هُنَا عَلَى وَ هُنَّ...»* (لقمان/ ۱۳ و ۱۴) و *«وَ قِيلَ يَا أَرْضُ ابْلُغِي مَاءَكَ وَ يَا سَمَاءُ أَقْبِلِي - وَ غِيضُ الْمَاءِ - وَ قُضِيَ الْأَمْرُ - وَ اسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ - وَ قِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»* (هود/ ۴۴)

۵. مانند: *«... ادعوا ربكم تضرعاً وَ خفية»* (اعراف/ ۵۵) و *«۱»* (توبه/ ۹۸)

مانند «وَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا» (مائده/ ۴۱) که به این منظور آمده تا بیان کند هر امری از خدا و به سوی اوست؛ لذا جایی برای حزن پیامبر باقی نمی ماند (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۵، ص ۳۴۰ و سبزواری، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۱، ص ۲۴۰) و آیات «مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِمْ مُقْتَدُونَ» (زخرف/ ۲۳) که به پیامبر به خاطر تمسک کافران به دین اجدادشان سرسلامتی می دهد (ابن عاشور، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۵، ص ۲۳۴) و آیات «لَيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ» (بقره/ ۲۷۲) و «لَا تَحْرُكَ بِهِ لِسَانِكَ لِتُعَجَلَ بِهِ إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَ قُرْآنَهُ» (قیامه/ ۱۷) که با قطع ادامه خطاب مؤمنان و روی آوردن به پیامبر، قلب وی را مطمئن کرده و به او روحیه می دهد. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۶۶۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۲، ص ۳۹۸؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ ق، ج ۲، ص ۵۳۹ و ابوالسعود، ۱۹۸۳ م، ج ۱، ص ۲۶۴) و آیه «مِمَّا خَطَبْتَهُمْ أُعْرِقُوا فَأَدْخَلُوا نَارًا» (نوح/ ۲۵) که کلام خداوند در میان سخنان حضرت نوح علیه السلام است تا به پیامبر امید دهد که عاصیان بدون درخواستی از جانب نوح علیه السلام، عقاب شدند (جمیل محمد، ۲۰۱۷ م، ص ۱۰۲) و آیه «وَإِنْ تَكْذِبُوا فَقَدْ كَذَّبَ أُمَمٌ مِنْ قَبْلِكُمْ...» (عنکبوت/ ۱۸) که در میان حکایت حضرت ابراهیم، برای دلداری دادن به پیامبر اکرم و مؤمنان در برابر لجاجت های جاهلی آمده است (زمخشری و ابن عاشور و مولایی نیا، ۱۳۸۳ ب، ص ۲۱۱) و آیه «إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا وَ لَا تُسْأَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ» (بقره/ ۱۱۹) که در میان احوال مشرکان و اهل کتاب آمده تا خاطر پیامبر را از عدم ایمان آنها آسوده کند تا تأسف نخورد (ابن عاشور، ۱۴۲۰ ق، ج ۱، ص ۶۷۳) و آیه «لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ» (آل عمران/ ۱۲۸) که تأثیر زیادی در آماده سازی مؤمنان برای جنگ و سختی دارد و به انقطاع آنها به سوی خداوند می افزاید زیرا بیانگر آن است که تمام امور متعلق به خداست و چیزی به دست شما نیست (زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۴۱۳؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۴، ص ۹ و سبزواری، ۱۴۰۹ ق، ج ۶، ص ۲۹۶).

## ۵-۲. پاسخ خداوند به کلام کافران و ردّ اندیشه آنان

از روش های ویژه قرآن به منظور هدایت، داوری قاطع نسبت به ادعاها و اندیشه های باطل است لذا در مقابل کافران و منافقان، با لحنی کوبنده به روشنگری می پردازد و منفعلانه برخورد نمی کند از این واکنش به ابطال، تکذیب، نفی، پاسخ، رد، و دفع تعبیر می شود. مانند آیه «قُلْ إِنْ أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالسَّلَامَةِ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ فَأُولَٰئِكَ يَخْتَارُونَ» (آل عمران/ ۷۳) که پاسخ به فرافراز «آمَنُوا بِالَّذِي...» (آل عمران/ ۷۲) و رد کید و حيله کافران است (زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۲۷۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۷۷۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۳، ص ۲۵۸؛ آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۲، ص ۱۹۲) و آیه «وَ مَا تُؤَخِّرُهُ إِلَّا لِأَجَلٍ مُعَدَّدٍ» (هود/ ۱۰۴) که در پاسخ به منکران بعث است که تکذیب را موجب تعجیل بعث می دانستند (ابن عاشور، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۱، ص ۳۲۹) و آیه «سُبْحَانَهُ وَ لَهُمْ مَا يَشْتَهُونَ» (نحل/ ۵۷) که در رد مضمون «وَ يُجْعَلُونَ لِلَّهِ الْبَنَاتِ» آمده است و خداوند را از چنین نسبتی منزّه می دارد<sup>۱</sup> (ابن عاشور، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۳، ص ۱۴۷) و مانند «قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِهِ» (اسراء/ ۵۶)

۱. برخی اعتراض در این آیه را به غرض تنزیه دانسته اند (برای نمونه: مطول، ص ۲۹۶؛ مختصر المعانی، ص ۱۷۹؛ شرح التلخیص، ج ۳، ص ۲۳۸؛ الاتقان، ج ۲، ص ۱۲۸؛ البرهان، ج ۳، ص ۵۷؛ الطراز، ج ۲، ص ۱۷۰ و علم المعانی، ص ۱۹۴) در حالی که تنزیه، معنای واژه سبحانه است نه غرض کلی اعتراض که در پی آن هستیم.

که در پاسخ به کسانی است که مقرَّب بودن عبادت بت‌ها را عذر می‌آوردند (ابن عاشور، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۴، ص ۱۱۰ و طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۳، ص ۱۲۷) و مانند «وَمَا كُنَّا مُؤْمِلِينَ» (یس/ ۲۸) که در رد گمان مکذبان آمده و بیان می‌کند که شأن عاصیان کمتر از آن است که خداوند جنود را نازل کند (ابن عاشور، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۲، ص ۲۱۹) و آیه «قُلْ لَوْ كَانَ مَعَهُ آلِهَةٌ كَمَا يَقُولُونَ إِذًا لَابْتِغَوْا إِلَىٰ ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا» (اسراء/ ۴۲) که بیانگر آن است که تعدد آلهه مطابق با واقع نیست (ابن عاشور، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۴، ص ۸۹).

### ۵-۳. دفع توهم و شبهه

از عواملی که باعث از بین رفتن یا کمرنگ شدن بینش می‌شود، شبهه و توهم است؛ گاهی با بیان مطالب در زمینه اندیشه اصلی، توهم یا شبهه در ذهن مخاطب شکل می‌گیرد. خداوند در این مقام، پیش دستی کرده و اقدام به دفع آن می‌کند تا این توهم مانع از اثر اندیشه اصلی نشود. این روش هم در مورد مؤمنان و هم در مورد کافران به کار می‌رود مانند آیه «وَعَزَّمْ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا» (انعام/ ۱۳۰) که به جرایبی عدم پذیرش حق با وجود اطلاع از اتیان رسل و انذار به قیامت پاسخ می‌گوید و آنان را مبتلا به غرور و ظلمت قلب می‌داند (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۷، ص ۳۵۵) و مانند آیه «لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ» (بقره/ ۱۶۳) که بنابر احتمالی معترضه است و برای دفع توهم وجود اله غیر مستحق عبادت آمده است (آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۴۲۸ و طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱، ص ۳۹۵) و مانند آیه «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّىٰ يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ» (توبه/ ۶) در میان آیات برائت آمده تا بگوید: دعوت پیامبر و همه وعد و وعید و انذار و بشارت‌ها و اعلام برائت به خاطر نجات دادن از شقاوت و هدایت کردن به رشد و سعادت است (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۹، ص ۱۵۳) و مانند «مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجْلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ» (مؤمنون/ ۴۳) که به پرسش برآمده از آیات قبل و بعد درباره مدت عمر دادن و زمان انقراض پاسخ اجمالی می‌دهد (ابن عاشور، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۸، ص ۵۰) و مانند آیه «إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنْكِحَهَا» (احزاب/ ۵۰) که ذکر شرط، توهم و جوب قبول نکاح که در زمان جاهلیت معمول بوده را دفع کرده است (بیضاوی، ۱۴۱۸ ق، ج ۴، ص ۲۳۵ و ابن عاشور، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۱، ص ۲۹۴) و مانند آیه «إِذَا بَدَلْنَا آيَةً مَكَانَ آيَةٍ - وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُبَدِّلُ - قَالُوا إِنَّا أَنْتَ مُفْتَرٍ» (نحل/ ۱۰۱) که بنابر احتمالی به جرایبی تبدیل حکم پاسخ می‌دهد یعنی حکمت آن را خدا می‌داند و معنا را در برابر کافران، استوارتر می‌کند تا شبهه دشمنان را رد کند (زرکشی، ۱۹۸۰ م، ج ۳، ص ۵۹؛ جوزیه، ۱۳۸۸ ق، ص ۲۲۳؛ مولایی‌نیا، ۱۳۸۳ ب، ص ۲۰۶؛ جمیل محمد، ۲۰۱۷ م، ص ۹۹ و ممتحن، ۱۳۸۷، ص ۶۸) و مانند آیه «فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَىٰ الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً - وَكَلَّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ» (نساء/ ۹۵) که برای دفع توهم محروم شدن مفضول آمده است، یعنی خداوند به هر دو گروه پاداش می‌دهد و تفاوت در کمی و زیادی است (طنطاوی، ۱۹۹۷ م، ج ۳، ص ۲۷۱؛ آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۳، ص ۱۸ و جمیل محمد، ۲۰۱۷ م، ص ۹۷) و مانند آیه «إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابٍ مُّهِمٍّ خَالِدُونَ لَا يُفْتَرُ عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ - وَ مَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا هُمُ الظَّالِمِينَ» (زخرف/ ۷۴-۷۶) که دفع توهم زیاده روی در کیفر آنها و نفی رقت بر آنهاست (ابن عاشور، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۵، ص ۲۹۲ و جمیل محمد، ۲۰۱۷ م، ص ۱۰۱) و مانند «وَ لَا تَسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (بقره/ ۱۳۴) که برای دفع توهم و قطع طمع مخابان از بهره بردن از

حسنات گذشتگان آمده است (آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص. ۳۸۹ و خفاجی، ۱۴۱۷ ق، ج ۲، ص. ۴۰۲) و مانند «وَكُنَّا فَاعِلِينَ» (انبیاء/ ۷۹) که عجیب و بعید شمردن تسبیح کوه‌ها و پرندگان را برطرف می‌کند (ابن عاشور، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۷، ص. ۸۸؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ ق، ج ۴، ص. ۵۷ و آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۹، ص. ۷۹).

#### ۵-۴. تقریر و حق دانستن اندیشه اصلی ما قبل

تقریر، یکی از روش‌های تحکیم شناخت است و ابزار خاصی ندارد. از این روش همواره به خاطر تثبیت مطلب و تأیید آن استفاده می‌شود؛ مانند آیه «وَأْتُوا بِهٖ مُّشَاهِبًا» (بقره/ ۲۵) در میان اوصاف بهشت و پس از سخن بهشتیان: «قَالُوا هَذَا الَّذِي رَزَقْنَا مِنْ قَبْلِ» (بقره/ ۲۵) آمده تا آن را تقریر کند و نگرانی مخاطب از یکی بودن نعمت‌های بهشتی با نعمت‌های دنیوی را برطرف کند (ابن ابی الاصبغ، ۱۹۷۵ م، ص. ۲۵۷؛ زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص. ۱۰۹؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ ق، ج ۱، ص. ۶۱؛ مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص. ۲۷۷ و زرکشی، ۱۹۸۰ م، ج ۳، ص. ۵۷) و مانند آیه «وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ» (آل عمران/ ۱۴۰) که میان دو تعلیل واقع شده است و به خاطر تنبیه این نکته آمده که خداوند ظالمان را یاری حقیقی نمی‌کند. (بیضاوی، ۱۴۱۸ ق، ج ۲، ص. ۴۰؛ آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۲، ص. ۲۸۴ و مظهری، ۱۴۱۲ ق، ج ۲، ص. ۱۴۶) و مانند «قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قَبِيماً مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفاً - وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (انعام/ ۱۶۱) که بنابر احتمالی برای تقریر موحد بودن حضرت ابراهیم آمده است (آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۴، ص. ۳۱۲؛ شوکانی، ۱۴۱۴ ق، ج ۲، ص. ۲۱۰ و جمیل محمد، ۲۰۱۷ م، ص. ۹۸) و مانند «قَالُوا تَاللَّهِ - لَقَدْ عَلِمْتُمْ - مَا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِي الْأَرْضِ» (یوسف/ ۷۳) که تقریر برائت برادران یوسف از فساد و سرقت است؛ آنها از آگاهی شاکیان بهره می‌گیرند تا نتوانند منکر شوند (ابن اثیر، بی‌تا، ج ۳، ص. ۴۲؛ زرکشی، ۱۹۸۰ م، ج ۳، ص. ۵۷ و علوی یمنی، ۱۹۱۴ م، ج ۲، ص. ۱۷۱؛ حسینی، ۱۴۲۹ ق، ص. ۵۰۶ و حواس‌بری، ۲۰۰۶ م، ص. ۱۳۶) و مانند «وَهُوَ الْحَقُّ» (انعام/ ۶۶) که بنابر احتمالی معترضه است و به خاطر تقریر قدرت بر بعث عذاب و تأکید اوج انحراف کافران آمده است (ابن عاشور، ۱۴۲۰ ق، ج ۶، ص. ۱۴۹) و مانند «وَجَعَلُوا أَعْرَظَةَ أَهْلِهَا أَذًىةً - وَ كَذَلِكَ يُفَعَّلُونَ» (نمل/ ۳۴) که تقریر و تحکیم کلام ملکه سبا است (زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص. ۱۰۹ و ج ۳، ص. ۳۶۵؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ ق، ج ۴، ص. ۱۶۰؛ زرکشی، ۱۹۸۰ م، ج ۳، ص. ۵۷ و آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۰، ص. ۱۹۳) و مانند آیه «ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَ سَبْعَةَ إِذَا رَجَعْتُمْ - تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ» (بقره/ ۱۹۶) که طبق احتمالی برای تثبیت موضوع گذشته یعنی مجموع سه روز و هفت روز است.

#### ۵-۵. تأکید

از آنجا که خداوند در ادبیات تربیتی به دنبال حرکت دادن مخاطب است؛ لذا در مقام تعلیم به تأکید روی می‌آورد تا او را متوجه اهمیت مسأله کند. اغراض فرعی متعددی می‌تواند بر این روش مترتب شود. البته با توجه به سیاق آیات، همه تأکیدها در قالب اعتراض، به خاطر بینش مؤمنان نیست بلکه گاهی خداوند برای کافرانی که قابلیت هدایت دارند به کار می‌گیرد.

به گفته محققان قرآنی و بلاغی، از عمده‌ترین اغراض اعتراض، تأکید است و در قرآن کریم برای این جهت بیشتر به کار گرفته شده تا جایی که زرکشی گفته است: اعتراض یکی از اقسام تأکید است (زرکشی، ۱۹۸۰ م، ج ۳، ص. ۵۶) و ابن جنی تنها مجرای اعتراض را تأکید دانسته است (ابن جنی، ۱۹۹۰ م، ج ۱، ص. ۳۳۶)؛ هم چنین ابن اثیر می‌گوید: هر یک از جملات معترضه قرآن، مبالغه در معنا را افاده می‌کنند (ابن اثیر، بی‌تا، ج ۳، ص. ۳۲)؛ مانند «وَاللّٰهُ اَعْلَمُ بِاَعْدَائِكُمْ» (نساء/ ۴۵) که تأکید بر عداوت و حسد دشمنان می‌کند (آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۳، ص. ۴۵؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ ق، ج ۲، ص. ۷۶) و یا آیه «اَمْ يَخْفٰى هٰذَا» (یونس/ ۷۷) که برای تأکید انکار و محال شمردن آمده است (آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۶، ص. ۱۵۴ و ابوالسعود، ۱۹۸۳ م، ج ۴، ص. ۱۶۸) و آیه «اَنْذِرْهُمْ» (مریم/ ۳۹) که بنا بر احتمالی برای تأکید غفلت و ضلالت آن‌ها آمده است (آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۸، ص. ۴۱۲) و آیه «وَلِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ» (نجم/ ۳۱) که بنا بر احتمالی معترضه است و علم الهی و سلطه او بر کیفر بدکاران را تأکید می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص. ۲۷۱ و آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۴، ص. ۶۰) و آیه «اَمْ يَقُولُوْنَ اَفْتَرٰىهُ فَعَلٰى اِجْرَامِي» (هود/ ۳۵) که در میان تفصیل قصه که مجهول‌اند و داعی انکار منکران است آمده و انکار آنها را تأکید می‌کند (ابن عاشور، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۱، ص. ۲۵۳) هم چنین از روی تأسف بر کمال عناد آنان است یعنی با اینکه پیامبر چیزی جز نصیحت نگفته است تهمت می‌زنند (آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۶، ص. ۲۴۷ و طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۹، ص. ۲۱۹) و مانند آیه «اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّاُولِي النُّبْيِ» (طه/ ۵۴) که برای تأکید دلایل پیش گفته بر وجود و وحدانیت صانع آمده و آنها را در یک آیه جمع نموده است (ابن عاشور، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۶، ص. ۱۳۴) و مانند «وَهُوَ خَيْرُ الرَّاٰقِبِيْنَ» (مؤمنون/ ۷۲) که تأکید فراز «فَخَرٰجُ رِبْكَ خَيْرٌ» (مؤمنون/ ۷۲) است<sup>۱</sup> (آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۹، ص. ۲۵۴ و ابن عاشور، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۸، ص. ۸۰) و مانند آیه «قُلْ اِنِّيْ لَنْ يُّجِيْرَنِيْ مِنْ اللّٰهِ اَحَدٌ» (جن/ ۲۲) که برای تأکید عدم قدرت پیامبر آمده است. (زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج ۴، ص. ۶۳۱؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ ق، ج ۵، ص. ۲۵۴ و فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۳۰، ص. ۶۷۵) و مانند «وَوَصَّيْنَا الْاِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ - مَمْلٰتَهُ اُمُّهُ وَهٰنَا عَلٰى وَهٰنَ وَفِصَالُهُ فِيْ عَامِيْنَ» (لقمان/ ۱۴) که تأکید بر فرد خاصی پس از ذکر عام است تا به حرمت مادر و شکر گزاری او توصیه آید (ابن اثیر، بی‌تا، ج ۲، ص. ۱۸۶؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ ق، ج ۴، ص. ۲۱۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۱، ص. ۸۵؛ تفتازانی، ۱۴۱۶ ق، ص. ۲۹۷؛ مغربی، ۱۴۱۲ ق، ص. ۲۴۵؛ مظهري، ۱۴۱۲ ق، ج ۷، ص. ۲۵۵؛ زرکشی، ۱۹۸۰ م، ج ۳، ص. ۵۸؛ مدنی، ۱۳۸۸ ق، ج ۵، ص. ۱۳۷؛ علوی یمنی، ۱۹۱۴ م، ج ۲، ص. ۱۷۱؛ عباس حسن، ۱۹۸۹ م، ص. ۵۰۳) و مانند «عَسٰى اَنْ يَّكُوْنُوْا خَيْرًا مِنْهُمْ» (حجرات/ ۱۱) که با بیان حالت غالبی حیاء نفس مسخره کننده را بر می‌انگیزد و مفید مبالغه در نهي فراز «لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ» (حجرات/ ۱۱) است<sup>۲</sup> (ابن عاشور، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۶، ص. ۲۰۶) و مانند «اَلَكُمْ الذَّكْرُ وَ لَهٗ الْاُنْثٰى» (نجم/ ۲۱) که میان دو مفعول آمده تا بنا بر احتمالی مبالغه در انکار را افاده کند (ابن عاشور، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۷، ص. ۱۰۹).

۱. بیضاوی این فراز را تقریر خیریت دانسته (انوار التنزیل، ج ۴، ص. ۹۲) ولی به نظر می‌رسد تقریر خداوند کلام خودش را معنا ندارد بلکه تأکید جدا دارد.

۲. بسیاری از مفسران بر این باورند که این فراز علت نهي است (کشاف، ج ۴، ص. ۳۶۸؛ انوار التنزیل، ج ۵، ص. ۱۳۶؛ روح المعانی، ج ۱۳، ص. ۳۰۴ و المیزان، ج ۱۸، ص. ۳۲۲).



## ۵-۶. ترغیب

روش ترغیب برای ایجاد انگیزه به ایمان و اطاعت به کار می‌رود و مخاطب را تحریض و تشویق می‌کند؛ مانند آیه «ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ عِنْدَ بَارِكِكُمْ» (بقره/۵۴) که حضرت موسی برای تحریض قومش بر توبه در سخنش آورده است (نیشابوری، ۱۹۹۶ م، ج ۱، ص. ۲۲۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص. ۲۶۱) و مانند آیه «لَا تَكْفُرْ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» (اعراف/۴۲) که برای ترغیب به اکتساب جنت آمده به این بیان که ایمان و عمل صالحی که به بهشت برساند، امر سختی نیست تا مبادا انگیزه و امید خود را از دست بدهند<sup>۱</sup> (زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص. ۱۰۴؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ ق، ج ۳، ص. ۱۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۴، ص. ۳۵۹؛ طنطاوی، ۱۹۹۷ م، ج ۵، ص. ۲۷۳) و مانند آیه «فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ» (عبس/۱۲) که به پاسداری از حریم مقدس و عمل به اصول آن ترغیب می‌کند، انسان‌های غافل را بیدار می‌کند و به هدایت‌های فطری سوق می‌دهد طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۲۰، ص. ۲۰۱؛ مولایی نیا، ۱۳۸۳ الف، ص. ۲۱۸)

## ۵-۷. تعلیل و استدلال و توجیه

یکی از روش‌های شناختی قرآن، ارائه دلیل بر بینش است؛ استدلال‌های موجود در آیات گرچه در ظاهر، منطقی و مرتبط نیستند ولی اثر تربیتی بینشی آن‌ها بسیار فراتر از استدلال‌های منظم منطقی است. مانند «بَنَاتِي هُنَّ» (هود/۷۸) که بنابر احتمالی معترضه بوده و علت «هؤلاء اطهر لکم» (هود/۷۸) است<sup>۲</sup> (آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۶، ص. ۳۰۳) و مانند آیه «خُنُّ تَرْزُقُكُمْ وَ يَاَهُمْ» (انعام/۱۵۱) که علت نهی از قتل فرزندان است تا عذر آن‌ها را برای قتل رد کند (آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۴، ص. ۲۹۷؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ ق، ج ۷، ص. ۱۱۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۷، ص. ۳۷۵) و مانند آیه «إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِلُّ عَمَلِ الْمُفْسِدِينَ» (یونس/۸۱) که علت «إِنَّ اللَّهَ سَيُطِئُهُ» (یونس/۸۱) است (آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۶، ص. ۱۵۷؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۱، ص. ۱۵۴ و طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۰، ص. ۱۱۰) و مانند «أَنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَ مَا يَخْفَى» (اعلی/۷) که برای تعلیل فرز «فَلَا تَنْسَى إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ» (اعلی/۶-۷) آمده است (آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۵، ص. ۳۱۹) و ابن عاشور، ۱۴۲۰ ق، ج ۳۰، ص. ۲۴۹) و مانند آیات «مَا يَتَّبِعُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ شُرَكَاءَ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ ... هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَ النَّهَارَ مُبْصِرًا» (یونس/۶۶-۶۷) که استدلال بر فساد ظن مشرکان است (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۰، ص. ۹۴ و جمیل محمد، ۲۰۱۷ م، ص. ۹۹) و مانند آیه «وَ لَيْسَ الذِّكْرُ كَالْأُنثَى» (آل عمران/۳۶) که بنابر احتمالی اگر کلام خداوند باشد، عذر مادر مریم در حزن و تحسرسش را بیان می‌کند به این شکل که ذکر بر انثی فضیلت دارد و انثی صلاحیت خدمت در معبد را ندارد و خداوند چنین توجیه می‌کند: جایی برای ناراحتی نیست زیرا ذکر مریم که او می‌خواست به مقام این انثی نمی‌رسد.<sup>۳</sup>

۱. احتمال می‌رود این اسلوب اعتراض بخاطر دفع توهم ناممکن بودن ایمان و عملی که موجب بهشتی شدن شود باشد و ناامیدی را بر طرف کند.

۲. در ترکیب نحوی فرز هؤلاء بناتی هنَّ اطهر لکم، وجوه متعددی گفته شده است (روح المعانی، ج ۶، ص. ۳۰۳ و التحرير و التوير، ج ۱۱، ص. ۳۰۲)

۳. برخی مانند حسینی، غرض از اعتراض در این آیه را تعظیم شأن مولود دانسته است (اسالیب البدیع فی القرآن، ص. ۵۰۵) که می‌تواند غرض فرعی باشد. برخی نیز به معنای اعتدال دانسته اند (جمیل محمد، ۲۰۱۷ م، ص. ۹۶).

## ۵-۸. مقایسه

مقایسه، یکی از مهم‌ترین روش‌های تربیتی قرآن است، در این روش دو امر متضاد را مقابل هم می‌نهد و به آثار و نتایج هر دو اشاره می‌کند تا مرتب‌ی دو طرف را مقایسه کرده و به اختیار خودش برگزیند (اسماعیل زاده و دیگران، ۱۳۹۶، ص. ۴۰)، مقایسه باعث ترغیب و انگیزش درونی می‌شود و منشأ آن، تقابل است که موجب فهم کامل مفاهیم سوء و ارزش‌گذاری بر مفاهیم ارزشی می‌شود (فلاح و دیگران، ۱۳۹۵، ص. ۱۷۲).

مانند «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره/۲۷۷) که برای مقابله صفت مدح با ذم آمده به این معنا که صفات مقابل، صفات غیر مؤمنان است (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۲، ص. ۵۵۹) و مانند «وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ» (محمد/۱۷) که برای مقابله گروه هدایت با گروه ضلالت آمده است (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۲، ص. ۸۶) و مانند «إِنَّهُ مِنْ يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا... وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا...» (طه/۷۴-۷۶) که در میان قصه ساحران و قصه خروج بنی اسرائیل، عاقبت مؤمن و مجرم را مقایسه می‌کند<sup>۱</sup> (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۲، ص. ۱۵۴).

## ۵-۹. اشاره به صفت مرتبط الهی

یکی از روش‌های تربیت الهی، ذکر اسماء و صفات در فراز پایانی آیات است؛ خداوند پس از بیان حکم یا واقعه‌ای، برخی از صفاتش را که مرتبط با مطلب پیش گفته است و دارای پیوند معنایی است، بیان می‌کند؛ مانند آیه «إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ» (انعام/۱۲۸) که بیان می‌کند ترتب خلود بر شرک، به مقتضای حکمت و علم الهی است<sup>۲</sup> (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص. ۶۶ و ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۷، ص. ۵۵). از این فراتر به باور نگارندگان، اکثر فرازهای پایانی آیات که با تعبیر «ان الله» یا «كان الله» آغاز می‌شوند جمله معترضه بوده و در مقام تعلیل یا اشاره به صفتی از صفات الهی هستند که مقتضی و مناسب حکم و واقعه پیش گفته است تا به همگان، این صفت الهی را یادآوری کند.

## ۵-۱۰. تذکر و موعظه

غفلت، یکی از موانع گرایش است که با تذکر، از میان می‌رود؛ تذکر، یکی از روش‌های تربیتی مؤثر قرآن است زیرا با بهره‌گیری از موعظه و مواجهه با وجدان و فطرت، مخاطب را از غفلت بیدار کرده و آگاه می‌کند؛ هم‌چنین عواطف او تحریک شده و قلب او را نرم می‌شود؛ مانند آیه «ادعوا ربکم تضرعاً و خُفِیَةً» (اعراف/۵۵) که در میان دلایل وحدانیت خدا برای متذکر شدن قلوب مؤمنان آمده است (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۸، ص. ۱۳۱) و «وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ» (انفال/۳۳) که خداوند پس از تهدید کافران به عذاب، فرصت را برای توبه آن‌ها غنیمت می‌شمارد و وعده می‌دهد تا در

۱. برخی از مفسران این آیات را در مقام تعلیل دانسته‌اند (روح المعانی، ج ۸، ص. ۵۴۴ و المیزان، ج ۱۴، ص. ۱۸۳) ولی به نظر می‌رسد تنها در صورتی صحیح است که این آیات نیز ادامه سخنان مؤمنان قوم فرعون باشد که بنا بر این احتمال هم معترضه نخواهد بود.

۲. علامه طباطبایی این فراز را مفید تعلیل دانسته است (المیزان، ج ۷، ص. ۳۵۳) ولی به نظر می‌رسد عمل به مقتضای علم و حکمت غیر از علت عمل است.

صورت استغفار، آن‌ها را عذاب نکند (جمیل محمد، ۲۰۱۷ م، ص. ۹۸) و مانند «وَمَنْ يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ» (آل عمران/ ۱۳۵) که در میان «اسْتَغْفِرُوا لِذُنُوبِكُمْ» و «وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا» آمده تا نسبت به توانایی خداوند بر مغفرت، تنبیه کند و آن را مختص به خدا بداند تا برای تحقق آن زمینه‌سازی کند و از ناامیدی جلوگیری کند (باقلانی، ۱۹۸۶ م، ص. ۲۱۳؛ ابوحیان، ۱۴۲۰ ق، ج ۳، ص. ۵۹ و مولایی‌نیا، ۱۳۸۳ ب، ص. ۲۱۲) و مانند «تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا» (بقره ۲۲۹) که برای بیان ممنوعیت گرفتن عوض برای طلاق که از حدود الهی است آمده و کبرا را یاد کرده است (ابن عاشور، ۱۴۲۰ ق، ج ۲، ص. ۳۹۳).

### ۵-۱۱. تفصیل

در این روش با اینکه مطلب شناختی پیش از این برای مخاطب بیان شده ولی برای اینکه تأثیر گذارتر باشد و هدف از آن حاصل شود، به تفصیل آن با بیان دیگر می‌پردازد.  
مانند آیه «وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ بَأْتُهُ بِأُذُنٍ رَّبِّهِ وَ الَّذِي حَبِثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِيدًا كَذَلِكَ نَصَرَفَ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ» (اعراف/ ۵۸) که میان فزاهای «كَذَلِكَ نَخْرُجُ الْمُوتَى» و «لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا» واقع شده است و تمثیل اخراج موتی به اخراج ثمرات «أَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ» را تفصیل می‌دهد؛ چنان‌که احوال انتفاع نباتات از زمین متفاوت است، انتفاع انسان‌ها از رحمت الهی نیز متفاوت است (ابن عاشور، ۱۴۲۰ ق، ج ۸، ص. ۱۴۲ و طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۸، ص. ۱۶۱).

### ۵-۱۲. تعریض و گوشه زدن

تعریض به معنای گوشه‌زنی و سر بسته و به کنایه سخن گفتن است. خداوند در این روش به شکل غیر مستقیم، کافران را دور از انسانیت و فاقد وجدان نشان می‌دهد.  
مانند آیه «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يُعْقِلُونَ» (انفال/ ۲۲) که تعریض به کسانی است که فقط در زبان می‌گویند ما شنیدیم؛ «قَالُوا سَمِعْنَا وَ هُمْ لَا يَسْمَعُونَ» (انفال/ ۲۱) (ابن عاشور، ۱۴۲۰ ق، ج ۹، ص. ۶۰ و طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۹، ص. ۴۲) و مانند «أَلَكُمُ الذَّكَرُ وَ لَهُ الْأُنثَى» (نجم/ ۲۱) که میان دو مفعول آمده تا با مبالغه، تعریض به کافران زند؛ آنچه برای خودتان نمی‌پسندید چگونه به خداوند نسبت می‌دهید؟

### ۵-۱۳. جاسازی مطلب مهم مستقل

جاسازی مطالب مستقل مهم درباره راهنماشناسی و امامت، یکی از انواع اسلوب اعتراض است. در این روش، جمله معترضه میانی مهم‌تر از اندیشه اصلی دو طرف است ولی از آنجا مربوط به یکی از اساسی‌ترین گزاره‌های دین یعنی امامت و رهبری است؛ لذا به خاطر عدم جلب توجه و مصنوعیت از دستبرد مخالفان، در میان مطالب عادی پیش پا افتاده جای گرفته است.  
مانند «الْيَوْمَ يَنْسَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ» (مائده/ ۳) که بیانگر اكمال دین با اعلان امامت و ولایت است و در میان محرّمات اكل واقع شده است<sup>۱</sup> و مانند «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ

۱. به گفته علامه طباطبایی اعتراض این فراز از آیه، تألیفی است نه نزولی یعنی نزولی مستقل از صدر و ذیل آیه دارد و هنگام جمع آوری قرآن در این میان قرار گرفته است (المیزان، ج ۵، صص. ۱۶۷-۱۶۸ و ج ۱۶، ص. ۳۱۲). باور به اعتراض در این آیه اختصاصی به شیعه نداشته بلکه بسیاری از



يَطَهَّرَكُمْ تَطَهِّيراً» (احزاب/ ۳۳) که دلیل بر عصمت اهل بیت علیهم السلام است و در میان آیاتی که در شأن زنان پیامبرند آمده است<sup>۱</sup> (سبزواری، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۰، ص ۳۰۲ و مکارم، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۲۷۰)؛ در چنین مواردی، با استفاده از روش مزجی، از برجسته شدن مطالب حساسیت‌زا جلوگیری می‌شود تا از تصرف بشری مصون بماند (فقهی زاده، ۱۳۷۴، ص ۱۴۷).

## ۵-۱۴. تَفْخِيمٌ وَ تَعْظِيمٌ

تعظیم و بزرگنمایی، یکی از ابزار تأکید است؛ غرض اصلی از بزرگنمایی، نشان دادن اهمیت مسأله در حوزه بینش و به راه انداختن موتور محرک انسان در حوزه رفتار است. هم‌چنین در این روش، بزرگنمایی و تصویر اهت نامعلوم، صورت هولناکی را در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند و او را به ترس وامی‌دارد.<sup>۲</sup> مانند «فَلَا أَمْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ وَإِنَّهُ قَسَمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ - عَظِيمٌ» (واقعه/ ۷۵-۷۶) که فراز لو تعلمون میان موصوف و صفت واقع شده برای بزرگنمایی تا اهمیت قسم و مقسم به را برساند<sup>۳</sup> (علوی یمنی، ۱۹۱۴ م، ج ۲، ص ۱۷۰؛ سیوطی، ۱۴۲۱ ق، ج ۲، ص ۱۲۸؛ سیوطی، ۱۴۰۸ ق، ج ۱، ص ۲۸۲؛ زرکشی، ۱۹۸۰ م، ج ۳، ص ۵۸ و آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۴، ص ۱۵۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۹، ص ۱۳۶) و مانند «قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ - وَ مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ - فِي يَتَامَى النِّسَاءِ» (نساء/ ۱۲۷) بنا بر احتمالی معترضه است<sup>۴</sup> و برای تعظیم حقوق یتامی آمده است یعنی انصاف و مراعات در حق یتیمان در نظر خداوند، بسیار مهم و خطیر است (زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۵۷۰؛ ابوحیان، ۱۴۲۰ ق، ج ۴، ص ۸۲؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۱، ص ۲۳۳؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ ق، ج ۲، ص ۱۰۰؛ آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۳، ص ۱۵۴؛ مظهري، ۱۴۱۲ ق، ج ۲، ص ۲۵۰؛ ابوالسعود، ۱۹۸۳ م، ج ۲، ص ۲۳۸) و مانند «وَ مَا أَدْرَأَكُمَا الْحَطْمَةَ» (همزه/ ۵) که تَفْخِيمٌ و بیان شدت امر حطمه‌ی و عذاب الهی است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۸۱۸؛ مظهري، ۱۴۱۲ ق، ج ۱۰، ص ۳۳۹ و طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۲، ص ۳۵۹).

## ۵-۱۵. تَوْبِيخٌ

توبیخ به معنای ملامت، سرزنش کردن و نکوهش است؛ این واکنش ناشی از عملکرد غلط انسان است و ناظر به جهتی است که در مسیر نادرست و خارج از حد اعتدال به کار گرفته می‌شود. مانند آیه «فَلَوْ لَا إِذَا بَلَغَتِ الْحُلُقُومَ وَ أَنْتُمْ حَبِيذٌ تُنظَرُونَ - وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ - وَ لَكِنْ لَا تُبْصِرُونَ» (واقعه/ ۸۳-۸۵) که نشان دهنده توبیخ کافران به خاطر عدم باورشان به پروردگار است (ممتحن، ۱۳۸۷، ص ۶۹) و مانند آیه «وَ مَا لَكُمْ - لَا تَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ» (حدید/ ۸؛ مظهري، ۱۴۱۲ ق، ج ۹، ص ۱۸۹؛ آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۴،

۱. مفسران اهل سنت نیز اعتراض را پذیرفته اند هر چند غرض از اعتراض را مرتبط با محرمات مذکور در صدر آیه دانسته اند نه مربوط به ولایت پس از رسالت (ر.ک: کشاف، ج ۱، ص ۶۰۵ و مفاتیح الغیب، ج ۱۱، ص ۲۸۹ و البحر المحیط، ج ۴، ص ۱۷۶ و روح المعانی، ج ۳، ص ۲۳۴ و انوار التنزیل، ج ۲، ص ۱۱۵ و التحریر و التویر، ج ۵، ص ۲۸).

۲. در مقابل، مفسران اهل سنت این فراز را مربوط به همسران پیامبر دانسته اند و گفته اند استیناف و تعلیل برای امر و نهی آنان است (روح المعانی، ج ۱۱، ص ۱۹۳ و انوار التنزیل، ج ۴، ص ۲۳۱ و التحریر و التویر، ج ۲۱، ص ۲۴۵).

۳. زمخشری می‌گوید: توضیح شیء پس از ابهام، مفید تَفْخِيمٌ شأن آن می‌شود (کشاف، ج ۴، ص ۱۶۷).

۴. برخی اعتراض در این آیه را برای تهویل دانسته اند (جواهر البلاغه، ص ۱۸۶).

۵. احتمالات متعددی در ترکیب نحوی این فراز گفته شده است (روح المعانی، ج ۳، ص ۱۵۴ و میزان، ج ۵، ص ۹۹).

ص. ۱۶۹؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۷، ص. ۳۳۴) و مانند «اِذَا بَدَلْنَا آيَةً مَكَانَ آيَةٍ - وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُنزِّلُ - قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مُفْتَرٍ» (نحل/ ۱۰۱) که توییح و تعریض به کافران بخاطر نابخردی و حرمت شکنی آنها نسبت به پیامبر اکرم است<sup>۱</sup> (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۰، ص. ۲۷۰؛ آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۷، ص. ۴۶۶).

### ۵-۱۶. تخویف و تهویل

از این روش برای ترساندن استفاده می‌شود که غالباً با انذار و وعید صورت می‌گیرد؛ این غرض گاهی به خاطر طرد و راندن مخاطب و گاهی به خاطر دور ساختن از معصیت به کار گرفته می‌شود؛ مانند آیات «هَذَا - وَ أَنْ لِلطَّاعِينَ لَشَرَّ مَا بَ هَمَّ يَصْلُونَهَا - فَبَنَسِ الْمَهَادِ» (ص/ ۵۵- ۵۶) (مولایی نیا، ۱۳۸۳ ب، ص. ۲۱۱) و مانند آیات «فَلَا أَقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ وَ إِنَّهُ قَسَمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ - عَظِيمٌ» (واقعه/ ۷۵- ۷۶) بنابر قولی (هاشمی، ۱۳۸۱، ص. ۱۸۶) و مانند آیه «وَ مَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطْمَةُ» (همزه/ ۵) که برای تهویل حطمه آمده است یعنی از اموری نیست که پیامبر توان درک آن را داشته باشد (آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۵، ص. ۴۶۲؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ ق، ج ۳۰، ص. ۴۷۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۲۰، ص. ۳۵۹).

### ۵-۱۷. نفرین

در روش لعن و نفرین، خداوند نفرت خود را نسبت به کافران معاند ابراز می‌دارد و آن‌ها را از خود طرد می‌کند؛ مانند آیه «وَ مِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ مَغْرَمًا وَ يَتَرَبَّصُّ بِكُمُ النَّوَّارِ - عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السُّوءِ» (توبه/ ۹۸) (زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص. ۳۰۱؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ ق، ج ۳، ص. ۹۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۶، ص. ۷ و طنطاوی، ۱۹۹۷ م، ج ۶، ص. ۳۸۸ و ابن عاشور، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۰، ص. ۱۸۹) و مانند «فَقَتِلَ» (مدثر/ ۱۹) که از روی تعجیب به کار رفته است و نفرین می‌کند (مظهری، ۱۴۱۲ ق، ج ۱۰، ص. ۱۲۸؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۹، ص. ۲۸۷ و طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۲۰، ص. ۸۷) و مانند «غَلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَ لِعُنُوا بِمَا قَالُوا» (مائده/ ۶۴) که در ردّ اندیشه و گفتار انحرافی یهود و نفرین آنها آمده است.

### ۵-۱۸. تعلیم

مانند «لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ» (فتح/ ۲۷) که به مؤمنان تعلیم می‌دهد تا هر امر مستقبلی را به مشیت الهی تعلیق نمایند<sup>۲</sup> (زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج ۴، ص. ۳۴۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۳، ص. ۲۷۳ و طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۸، ص. ۲۹۰) و مانند «اِذَا بَدَلْنَا آيَةً مَكَانَ آيَةٍ - وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُنزِّلُ - قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مُفْتَرٍ» (نحل/ ۱۰۱) که بنابر احتمالی، علم مطلق الهی را تعلیم می‌دهد (ابن عاشور، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۳، ص. ۲۲۸).

### ۵-۱۹. وعده و بشارت

یکی از روش‌های مهم ایجاد انگیزه، تشویق کلامی یا غیر کلامی است که اغلب با وعده و

۱. ابن عاشور گفته است: تعلیم مؤمنان است نه رد مشرکان (التحریر و التئور، ج ۱۳، ص. ۲۲۸) ولی به نظر می‌رسد سیاق آیه با توییح سازگارتر است.  
۲. برخی اعتراض در آن‌شاء الله را برای قصد تبرک دانسته‌اند (البرهان زركشي، ج ۳، ص. ۵۷ و معترك القرآن، ج ۱، ص. ۲۸۱ و سيدجمل، ص. ۱۳۳).



بشارت‌های دنیوی و اخروی صورت می‌گیرد. مدلول زبانی در وعده، انگیزشی است و امید بر آن مترتب می‌شود چون قصد وعده‌گذار و حتمیت آن به مخاطب القاء می‌شود و طلبی که برای واداشتن مخاطب به فعل یا حالتی بود اظهار می‌گردد (عباسی‌نیا و دیگران، ۱۳۹۷، ص. ۶۳)؛ مانند آیه «فَمِنْ شَاءَ ذَكَرَهُ» (عبس / ۱۲) که متضمن وعده نیکوست (ابوحیان، ۱۴۲۰، ق، ج ۱۰، ص. ۴۰۸) و مانند آیه «وَلْيُنْصِرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ» (حجج / ۴۰) (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص. ۱۳۹ و مظهری، ۱۴۱۲، ق، ج ۶، ص. ۳۳۰) و مانند آیه «وَمَا يَمْكُرُونَ إِلَّا بِالْفُتَيْسِمِ» (انعام / ۱۲۳) که بیانگر وعده پیروزی برای پیامبر و تهدید و وعید مکر برای کفار است (زمخشری، ۱۴۰۷، ق، ج ۲، ص. ۶۳؛ ابوالسعود، ۱۹۸۳، م، ج ۳، ص. ۱۸۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ق، ج ۴، ص. ۲۶۴).

## ۶. نتیجه‌گیری

این پژوهش نشان می‌دهد که اغراض متعددی (حدود بیست مورد) در قرآن سبب به کار رفتن جملات معترضه شده است و بر اساس بررسی تطبیقی اکثر آیات معترضه، روشن شد که از این میان، تأکید، دفع خطور ذهنی، تقریر و رد کلام کافران دارای بیشترین استفاده بوده‌اند. از مشاهده یکجای اغراض گرد آمده اسالیب اعتراض قرآن روشن می‌شود که قرآن کریم در اوج اعجاز بیانی-محتوایی است و با استفاده حداکثری از این اسلوب، توانسته پیام‌ها و مفاهیم والای بسیاری را در خود جای دهد. هم‌چنین این نتیجه حاصل می‌شود که پژوهش در این زمینه، بسیاری از شبهات قرآنی ناشی از عدم ارتباط میان آیات را پاسخ می‌دهد و زمینه ساز درک افق‌های ناپیدای زیادی از این کتاب آسمانی است.

## منابع

### قرآن کریم

- ابن ابی الاصبیح (۱۹۷۵ م). بدیع القرآن. مصر: دارالطباعه و النشر.
- ابن اثیر، ضیاءالدین (بی تا). المثل السائر فی ادب الکاتب و الشاعر. قاهره: دار نهضة مصر.
- ابن جنی، ابوالفتح (۱۹۹۰ م). الخصائص. بغداد: دار الشؤون الثقافیه.
- ابن عاشور، محمدبن طاهر (۱۴۲۰ ق). التحریر و التنویر. بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
- ابن هشام، عبدالله (۱۴۱۰ ق). مغنی اللیب. قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- ابو السعود، محمد بن محمد (۱۹۸۳ م). تفسیر ابی السعود: ارشاد العقل السلیم الی مزایا القرآن الکریم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابوحیان، محمد بن یوسف (۱۴۲۰ ق). البحر المحیط فی التفسیر. اول، بیروت: دارالفکر.
- آلوسی، محمود (۱۴۱۵ ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- باقلانی، ابوبکر (۱۹۸۶ م). دلائل اعجاز القرآن. بیروت: دارالبیان.

- بلاشر، رژی (۱۳۶۵). در آستانه قرآن. (ترجمه: محمود رامیار). تهران: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.
- بنت الشاطی، عائشة (۲۰۰۴ م). الاعجاز الیانی للقرآن. قاهره: دارالمعارف.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ ق). انوار التنزیل و اسرار التأویل. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- پیروزی، سهیلا (۱۳۹۲). سازگاری تفسیر آیات با دو رویکرد مجموعی و تفکیکی. پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، ۲، ۸۶-۱۰۰.
- تفتازانی، مسعود بن عمر (۱۳۷۶). مختصر المعانی. قم: دار الفکر.
- تفتازانی، مسعود بن عمر (۱۴۱۶ ق). المطول. قم: مکتبه الداوری.
- جرجانی، عبدالقاهر (۱۴۲۲ ق). دلائل العجاز فی علم المعانی. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- جمیل محمد (۲۰۱۷). الاعتراض فی القرآن الکریم و دلالاته. مجله الآداب و العلوم الاجتماعیه جامعه السلطان قابوس، ۹۱ - ۱۰۶.
- جوزیه، ابن قیم (۱۳۸۸ ق). التبیان فی اقسام القرآن. قاهره: دارالفکر.
- جوهری، اسماعیل (۱۴۰۴ ق). الصحاح. بیروت: دار العلم للملایین.
- حسین عبدالرئوف (۱۳۹۰). سبک شناسی قرآن کریم (الاسلوبیه القرآنیة) (ترجمه: پرویز آزادی) تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- حسینی، سید جعفر (۱۴۲۹ ق). اسالیب البدیع فی القرآن. قم: بوستان کتاب.
- حواس پری (۲۰۰۶). وظائف الاعتراض و اسالیبه. جامعه الآداب و اللغات جامعه الجزائر، ۱۳۲ - ۱۶۱.
- خطابی، ابوسلیمان (۲۰۰۸). ثلاث رسائل فی اعجاز القرآن (بیان اعجاز القرآن). قاهره: دارالمعارف.
- خفاجی، احمد بن محمد (۱۴۱۷ ق). عنایة القاضی و کفایة الراضی. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۲۲ ق). البیان فی تفسیر القرآن. اول قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخویی.
- دهقانی، فرزاد؛ علیزاده منامن، عیسی و شهرداری نسب، سروش (۱۳۹۶). بررسی دیدگاه‌ها درباره نظم قرآن. فصلنامه سراج منیر، ۸(۲۹)، ۳۱-۵۶.
- زرکشی، بدرالدین (۱۹۸۰ م). البرهان فی علوم القرآن. بیروت: دارالفکر.
- زمخشری، محمود (۱۴۰۷ ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل. بیروت: دارالکتب العربی.
- سامی محمد هشام، حرز (۲۰۰۶ م). نظرات من الاعجاز الیانی فی القرآن الکریم. عمان و اردن: دارالشروق.
- سبزواری، عبدالاعلی (۱۴۰۹ ق). مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه اهل البیت.
- سلطانی رنانی، مهدی (۱۳۹۱). اسالیب اعتراض در قرآن کریم. فصلنامه تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء (س)، ۹ (۱)، ۱۷۱ - ۱۸۹.
- سلماسی زاده، جواد (۱۳۶۹). تاریخ ترجمه قرآن در جهان. تهران: امیرکبیر.
- سید جمیل (۱۴۱۳ ق). البلاغة القرآنیة المختارة من الاتقان و معترك الأقران. قاهره: دارالمعرفة.
- سید عبدالغفار (بی تا). معجم المصنفات القرآنیة. بیروت: دارالکتب.
- سیوطی، عبدالرحمن (۱۴۰۸ ق). معترك الأقران فی اعجاز القرآن. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- سیوطی، عبدالرحمن (۱۴۲۱ ق). الاتقان فی علوم القرآن. بیروت: دارالکتب العربی.

- شایسته فرد، رحمت (۱۳۹۳). بررسی و نقد اندیشه های یوسف دره حداد. پایان نامه دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی تهران.
- شوکانی، محمد بن علی (۱۴۱۴ ق). فتح القدير. دمشق و بيروت: دار ابن كثير و دار الكلم الطيب.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ ق). الميزان في تفسير القرآن. قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البيان في تفسير القرآن. تهران: ناصر خسرو.
- طنطاوی، محمد (۱۹۹۷ م). التفسير الوسيط للقرآن الكريم. قاهره: دار نهضة مصر.
- ظافر، نصير الدين (بی تا). حسن الايجاز في ابطال الاعجاز. بی جا.
- عباس، فضل حسن (۱۹۸۹ م). البلاغة فنونها و أفنانها. عمان: دارالفرقان.
- عتیق، عبدالعزیز (۱۴۳۰ ق). علم المعانی. بیروت: دار النهضة العربية.
- علوی یمینی، یحیی بن حمزة (۱۹۱۴ م). الطراز المتضمن لأسرار البلاغة. مصر: دار الكتب الخديوية، المقتطف.
- علی مهدی، زیتون (۲۰۰۹ م). اعجاز القرآن و أثره في تطوّر النقد الادبی. بیروت: دارالمشرق.
- فخررازی، محمدبن عمر (۱۴۲۰ ق). مفاتیح الغیب. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فقهی زاده، عبدالهادی (۱۳۷۴). پژوهشی در نظم قرآن. تهران: جهاد دانشگاهی.
- گوستاو، لوبون، (۱۳۴۷). تمدن اسلام و عرب. تهران: کتاب فروشی علمیه اسلامیة.
- محمدی، محمدعلی (۱۳۹۴). اعجاز قرآن با گرایش شبیهه پژوهی. جلد اول، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- مدنی، سیدعلی ابن معصوم (۱۳۸۸ ق). الانوار الربیع فی انواع البدیع. نجف: مطبعة النعمان.
- مشهدی، محمد (۱۳۶۸). کنزالدقائق و بحر الغرائب. تهران: سازمان نشر وزارت ارشاد اسلامی.
- مظهری، ثناء الله (۱۴۱۲ ق). التفسير المظهری. پاکستان: مكتبة رشدیة.
- معرفت، محمدهادی (۱۴۲۳ ق). شبهات و ردود حول القرآن الكريم. قم: مؤسسة التمهيد.
- معرفت، محمدهادی (۱۴۲۸ ق). التمهيد في علوم القرآن. قم: دفتر نشر اسلامی.
- مغربی، ابن یعقوب (۱۴۱۲ ق). شروح التلخیص: مواهب المفتاح. بیروت: دارالهادی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیة.
- ممتحن، مهدی (۱۳۸۷). جمله معترضه و تأثیر بلاغی آن در قرآن کریم. پژوهشنامه قرآن و حدیث، ۵، ۵۹-۷۲.
- مؤدب، سید رضا (۱۳۹۰). اعجاز قرآن. قم: مرکز ترجمه و نشر المصطفی.
- مولایی نیا، عزت الله (۱۳۸۳ الف). اسالیب بیانی قرآن کریم. تهران: فرهنگ سبز.
- مولایی نیا، عزت الله (۱۳۸۳ ب). تحلیل و بررسی اسالیب اعتراض در قرآن. پایان نامه دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- نسابوری، نظام الدین (۱۹۹۶ م). غرائب القرآن. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- هاشمی، احمد (۱۳۸۱). جواهر البلاغة. قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- یحصبی اندلسی، عیاض (۱۴۰۷ ق). الشفا بتعريف حقوق المصطفى. عمان و اردن: دارالفیحا.



## شیوه‌های ادبی ناصر خسرو در استفاده از آیات قرآن کریم

آرش امرایی<sup>۱</sup>: استادیار، گروه علوم پایه و دروس عمومی، دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر  
علی بازوند: استادیار، گروه ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم

سال دهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۸، صص ۶۵-۸۲

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۰۲/۰۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۰۵/۰۸

### چکیده

از آنجا که قرآن کریم منبع بی‌پایان اندیشه‌های اخلاقی، انسانی و تربیتی است، بسیاری از شاعران و نویسندگان فارسی زبان، همواره در خلق آثار خود از این گنجینه‌ی پر فیض بهره برده‌اند. همین آمیختگی میراث مکتوب فارسی با آموزه‌های اسلامی، موجب دشواری درک این میراث بدون آشنایی با قرآن و حدیث شده است. ناصر بن خسرو قبادیانی یکی از شاعرانی که شعر را در خدمت ترویج افکار دینی و مذهبی خود قرار داده است؛ برای پیشبرد این اهداف و به انجام رساندن مأموریت مذهبی شعر خود، اشعارش را به این آیات نورانی آراسته است. با توجه به آبخشور مذهبی ناصر خسرو، اشعارش در برگرفته‌های هدایت‌های اخلاقی و نصایح فراوانی است. ناصر خسرو با تسلط مناسب بر مفاهیم قرآنی و هنرمندی تمام و با بهترین شیوه ممکن، گاه از اصل آیه یا بخشی از آن و زمانی هم از مفهوم و معنای آن بهره برده، با استفاده از آیات قرآن به گونه‌های متنوعی بهره می‌برد و شعر خود را به آیات مقدس قرآن می‌آراید؛ همین موجب اثر بخشی بیشتر سخنان وی شده است. در این مقاله با بررسی همه دیوان ناصر خسرو و با استفاده از جدول‌های آماری، گونه‌های مختلف انعکاس آیات در دیوان ناصر خسرو تحلیل می‌شود. همچنین نشان داده خواهد شد که مهم‌ترین دلایل استفاده ناصر خسرو از آیات قرآن، همراهی ذهنی و زبانی با این کتاب مقدس و همچنین تبیین اهداف و افکار خود با استفاده از نفوذ و پذیرش قرآن در بین مسلمانان است؛ وی با این شیوه، خواننده را متوجه ضرورت پذیرفتن سخنان خود می‌کند؛ چرا که این سخنان در واقع برگرفته از قرآن کریم و به نوعی بیان شاعرانه این مفاهیم است.

**کلید واژه‌ها:** ناصر خسرو، شیوه‌های انعکاس، تأثیر قرآن، آیات.



## ۱. مقدمه

پس از ظهور اسلام در شبه جزیره عربستان، قرآن و مفاهیم الهی آن در فرهنگ عربی به نحو قابل توجهی تأثیر گذاشت و این تأثیر تا اندازه‌ای بود که بسیاری از لهجه‌های موجود در حجاز را از صحنه خارج کرد؛ در این زمان در بین اعراب کم‌تر پدیده اجتماعی‌ای را می‌توان یافت که رنگ و بوی قرآن و سنت نداشته باشد. (سبزیان‌پور، ۱۳۸۳، ص. ۹۶) علاوه بر این با ورود اسلام به همه مناطق تحت نفوذش، تأثیری عمیق بر زبان، زندگی و فرهنگ آن مردم داشت؛ یکی از مناطقی که اینگونه از اسلام تأثیر پذیرفت ایران بود.

از هنگام ورود اسلام به ایران، زبان عربی نیز به‌عنوان زبانی که معارف دینی تازه‌ای را به ایرانیان ارائه می‌کرد، به طور جدی‌تر در ایران پذیرفته شد. هرچه بر عمر اسلام در ایران افزوده می‌شد، نفوذ زبان عربی نیز در بین مردم ایران نیز بیشتر می‌شد. از این روی ورود اسلام به ایران و به دنبال آن تسلط سیاسی اعراب بر ایران موجب آشنایی و در بسیاری از موارد انس طبقه‌ی تحصیل کرده ایران با زبان عربی شد؛ همچنین در مکتب‌خانه‌ها قرآن و زبان عربی به‌عنوان علوم مقدماتی آموخته می‌شد؛ و به این ترتیب شعرا و نویسندگان پیش از هر چیز دیگر بر منبع بی‌پایان علوم، یعنی کلام

نورانی وحی مسلط می‌شدند و قرآن را می‌آموختند. از این روی آگاهی شعرا و نویسندگان از زبان عربی، بر زبان شعری و شیوه‌ی نگارش آن‌ها تأثیر گذاشت؛ اینان خود آگاه و یا ناخودآگاه موجب ورود لغات و تعبیرات زبان عربی به زبان فارسی شدند. از آنجا که زبان عربی زبان دین اسلام بود و برخی شعرا و نویسندگان از جمله خطیبان و تبلیغ‌کنندگان دین اسلام و آموزه‌های آن بودند، بی‌گمان از آیات نورانی قرآن بی‌بهره نمی‌ماندند؛ «از آنجا که میزان و معیار سخن فصیح و بلیغ، قرآن شناخته می‌شد، شعرا و نویسندگان می‌کوشیدند تا الفاظ و ترکیبات قرآن را در نوشته‌های خود بکار برند و نیز از معانی و مضامین آن اقتباس کنند». (محقق، ۱۳۷۴، ص ۱).

یکی دیگر از مهم‌ترین دلایلی که می‌توان برای استفاده شعرا از آیات قرآن و یا اقتباس از آن‌ها برشمرد، این است که مردم مسلمانی که فلاح و رستگاری را در پیروی از آیات قرآن می‌دانستند و همچنین به‌اندازه کافی با معارف و فرهنگ قرآنی آشنا شده بودند، کلام آمیخته با آیات قرآن را بیشتر از هر کلام دیگری می‌پسندیدند و از آن لذت می‌بردند، با مطالعه آن بخشی از معارف اسلامی و آیات قرآن را به شیوه‌های ملموس و نزدیک می‌آموختند.

آنچه در اینجا ضروری است به آن اشاره شود این است که قرن سوم آغاز ورود قرآن و حدیث به شعر و ادب فارسی است. شاعران و نویسندگان فارسی زبان ابتدا از واژه‌های برگرفته از قرآن و حدیث در شعر خود استفاده کردند و به دنبال آن هرچه بر آشنایی آن‌ها به زبان عربی و قرآن و حدیث افزوده می‌شد، شیوه‌های استفاده و اثرپذیری از قرآن و حدیث نیز متنوع‌تر شد. (یوسفی، ۱۳۸۷، ص ۱).

ناصر خسرو یکی از شعرایی است که تربیت شده‌ی مکتب‌خانه‌هایی است که ابتدا قرآن را به شاگردان خود می‌آموختند؛ از این رو وی نیز همانند بسیاری دیگر از شاعران و نویسندگان هم‌عصرش زبان عربی و قرآن را در همان سال‌های آغازین تحصیل خود به‌خوبی آموخته بود. از آنجا که ناصر خسرو بیش از هر هدف و غرض دیگر به دنبال اهداف تربیتی و اصلاحی بود، منبعی شایسته‌تر از قرآن برای ارائه به مخاطبان خود نمی‌دید، به همین خاطر در بیان مطالب اخلاقی و تربیتی و مذهبی خود اغلب بخشی از قرآن را چاشنی کار خود کرده است تا ضمن بیان تسلط خود بر قرآن، مخاطب را به پذیرش نصیحت‌های خود مجاب کند. ناصر خسرو قرآن را از بر داشته است؛ خود در دیوانش به این نکته اشاره کرده است؛ آنجا که می‌گوید:

مقرّم به مرگ و به حشر و حساب کتابت زبر دارم اندر ضمیر (دیوان اشعار، ناصر خسرو، ص ۴۰)

این امر یکی از مهم‌ترین دلایلی است که در همه‌جا و همه‌وقت قرآن انیس و مونس جان و زبان وی باشد؛ همان‌طور که خود نیز به این موضوع اشاره کرده است:

خواندن فرقان و زهد و علم و عمل مونس جانند هر چهار مرا (همان، ص ۱۲۵)

مطابق آنچه خود ناصر خسرو می‌گوید، هم‌نشینی با قرآن برای او همیشگی بوده، در عمل نیز پیرو

بی‌چون و چرای تعالیم و دستورات قرآنی بوده است.  
خواندن فرقان و زهد و عمل مونس جانند هر چهار مرا (همان، ص. ۱۲۵)

این همراهی و هم‌نشینی همیشگی ناصر خسرو با قرآن، موجب تسلط ویژه وی بر لفظ و معنای آن شده است؛ از این رو آیات قرآن را به شیوه‌های مختلفی در دیوان خود به کار می‌گیرد.  
اگر به شیوه‌های استفاده ناصر خسرو از آیات دقت شود، خواهیم دید که ناصر خسرو هر گاه می‌خواهد نکته‌ای دینی و اخلاقی را پیاموزد، آن را به آیه‌ای از آیات قرآن محکم می‌کند و این گونه به خواننده خود متذکر می‌شد آنچه را که ذکر کرده، منطبق بر آیات و دستورات الهی است از این روی پیروی از آن موجب رستگاری او می‌شود.

## ۲. پیشینه پژوهش

در خصوص تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی پژوهش‌های متنوعی انجام شده است. در این بخش به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم. از جمله می‌توان به کتاب «تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی» نوشته آقای سید محمد راست‌گو، کتاب «تأثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی» نوشته آقای علی اصغر حلبی اشاره کرد. آقای رضا روحانی در مقاله‌ی «قرآن و تأویل آن از دیدگاه ناصر خسرو» نیز نکاتی در مورد تأویل قرآن از دیدگاه ناصر خسرو بیان کرده است اما به شیوه‌های استفاده ناصر خسرو از آیات قرآن اشاره‌ای نکرده است.

همچنین مقاله‌های زیادی در مورد تأثیر قرآن و حدیث در آثار شاعران فارسی زبان نوشته شده است. از جمله می‌توان به مقاله‌های زیر اشاره کرد که هر کدام به شیوه‌ای تأثیرپذیری شعر شاعری را از قرآن و حدیث بررسی کرده‌اند؛ همانند: «تصویرهای قرآنی در آثار منظوم جامی» سید محمد رادمنش، «جایگاه قرآن و حدیث در شعر فارسی سده سوم و چهارم هجری» باقر قربانی زرین و...  
با وجود انجام کارهای زیادی که در مورد تأثیر قرآن و حدیث در شعر شاعران فارسی زبان صورت گرفته است و با در نظر داشتن استفاده گسترده‌ی ناصر خسرو از آیات و احادیث اما متأسفانه تاکنون اثر مستقلی در این خصوص منتشر نشده است.

## ۳. ناصر خسرو و دیوانش

ابو معین ناصر بن خسرو بن حارث قبادیانی بلخی معروف به ناصر خسرو، فیلسوف، حکیم، جهانگرد و شاعر برجسته قرن پنجم (۳۹۴-۴۸۱ هجری) در قبادیان بلخ متولد شد. ناصر خسرو از جمله شاعرانی است که با حدودث اتفاقی، مسیر زندگی‌اش تغییر کرد. پس از خوابی که خود در ابتدای سفرنامه‌اش آن را به اجمال بیان کرده است، قدم در مسیری نهاد که همه‌ی زندگی‌اش را تحت تأثیر قرار داد و سفری دور و دراز را آغاز کرد. در مسیر این سفر که هدف نهایی‌اش زیارت خانه کعبه بود، برای مدتی در مصر ساکن شد؛ در این هنگام مصر تحت حکومت خلفای فاطمی بود. در طول اقامتش

در مصر تحت تعلیم فاطمیان مصر قرار گرفت و به مرتبه «حجت» دست یافت؛ سپس راه رفته را بازگشت و تبلیغ دینی خود را آغاز کرد. همین تبلیغ آرامش را از زندگی او گرفت و برای در امان ماندن از تعقیب سلجوقیان، چندی از این شهر به آن شهر خود را از نظرها پنهان داشت تا در نهایت به دعوت امیرعلی بن اسد امیر محلی بدخشان در درّه یمگان بدخشان ساکن شد و تا پایان عمر در همان جا باقی ماند. ناصر خسرو از اغلب علوم زمان خود از جمله فلسفه، کلام، نجوم و... آگاهی داشت؛ وی همچنین کل قرآن را از حفظ داشت (صفها، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۴۴۳). ناصر خسرو علاوه بر دیوان و سفرنامه معروفش، آثار دیگری نیز داشت از آن جمله می‌توان به رهایش و گشایش، خوان اخوان، وجه دین، زادالمسافرین، جامع الحکمتین اشاره کرد.

هرچند نمی‌توان دیگر آثار ناصر خسرو را از نظر پنهان داشت، اما به جرئت می‌توان گفت دیوان ناصر خسرو بهترین و سرشارترین اثری است که ناصر خسرو آفریده است. دیوان او دارای فراز و فرودهای فراوان است و حاوی تجربه‌های حکمیانه‌ی ناصر خسرو است.

دیوان ناصر خسرو بسیار مورد توجه و اقبال دوست‌داران زبان و ادبیات فارسی قرار گرفته است. این دیوان را می‌توان فخامت و استواری کلام و هنر والای شاعری وی دانست. همچنین صداقتی که به‌وضوح در دیوان او دیده می‌شود، بیانگر اعتقاد راسخ وی به هرآن چیزی است که گفته است؛ چراکه ناصر خسرو از صمیم قلب به آنچه می‌گوید باور دارد و سخن چون از دل برآید لاجرم بر دل نشیند. (نوریان، ۱۳۸۲، ص ۲۸۰)

همان‌گونه که ذکر شد ناصر خسرو در آفرینش اشعارش پیرو یک مسیر خطی نیست؛ در دیوان او ایبات و اشعار متوسط و ضعیف نیز مشاهده می‌شود. هدف نهایی و غایی ناصر خسرو در سرودن شعر، رساندن پیام معنوی و دینی است؛ یعنی او شعر را دارای رسالتی دینی و معنوی می‌داند و در راه رسیدن به این رسالت گام برمی‌دارد؛ از این روی توجه او بیش از هر چیز دیگر، به هدفی است که محرک سرودن آن شعر شده است و ابزار این کار یعنی زبان و قالبی که ایبات را در آن ریخته‌گاه فدای هدف و پیام شعر می‌شود.

زبان شعری ناصر خسرو در دیوانش زبانی کهنه است؛ به بیان دیگر زبان شعری ناصر خسرو همپای دیگر شاعران هم عصرش تغییر نکرده است و مشخصات زبانی کهنه‌تر از زمان ناصر خسرو را دارد؛ از این رو می‌توان گفت زبان ناصر خسرو از زبان خود قدیمی‌تر و عقب‌تر است. به نظر می‌رسد اصلی‌ترین دلیل این موضوع دور کردن خود از جامعه باشد. همین موجب شد تا زبان او به تناسب زمانش تغییر نکرده؛ در همان سطح قدیمی و پیشین خود باقی بماند؛ هرچند برای کهنگی زبان ناصر خسرو دلایلی دیگر از جمله فیلسوف بودن او را نیز عنوان می‌کنند اما به نظر می‌رسد اصلی‌ترین دلیل همان نخست باشد.

#### ۴. شیوه‌های استفاده ناصر خسرو از آیات قرآن

تسلط ناصر خسرو بر قرآن و همچنین خواست قلبی او برای پیشبرد اهدافش در راستای تعالیم قرآنی،



موجب شده است تا قرآن برای او منبع بی‌پایانی از تعالیم و دستورهای باشد که ناصر خسرو خود و شعرش را وقف گسترش و استفاده‌ی مردم از آن‌ها کرد. همین موضوع موجب می‌شد تا وی همه‌ی همت و توان خود را در استفاده از آیات قرآن به کار ببندد و به شیوه‌های متنوع از آیات قرآن بهره ببرد. استفاده‌های ناصر خسرو از قرآن گاه به استفاده از یک واژه‌ی قرآنی محدود می‌شود و زمانی هم مفهوم و مضمون آیه یا آیاتی دستمایه‌ی آفرینش ادبی او می‌شود. ناصر خسرو به هر شیوه و یا روشی که از قرآن استفاده کرده باشد، به نحوی شایسته مطلب را به هم پیوند زده است و این خود دلیلی برای تسلط و آشنایی کامل او با لفظ و مفهوم قرآن است. ذکر همه آیات ناصر خسرو که به‌نوعی برگرفته از آیات قرآن هستند، کاری دشوار است که در این مقاله نمی‌گنجد؛ از این رو برای بیان شیوه‌های متنوع ناصر خسرو در بهره بردن از آیات قرآن تنها به ذکر نمونه‌هایی بسنده شده است.

#### ۴-۱. اثرپذیری واژگانی

همان‌گونه که از عنوان این شیوه یعنی بهره‌گیری از آیات قرآن بر می‌آید، بهره‌گیری از این شیوه به این صورت است که تنها مفردات واژه‌های قرآنی مورد استفاده قرار می‌گیرند. در واقع ناصر خسرو ضمن بهره بردن از خود واژه‌ی قرآنی، به‌نوعی متذکر می‌شود که از این آیه و مفاهیم آن آگاهی داشته و در شعر خود به‌خوبی از آن بهره برده است. در این شیوه اثرپذیری، شاعر در به‌کارگیری پاره‌ای از واژه‌ها و ترکیب‌ها، وامدار قرآن و حدیث است، یعنی واژه‌ها و ترکیب‌هایی را در شعر خویش می‌آورد که ریشه قرآنی و حدیثی دارند و مستقیم یا غیرمستقیم، توسط خود شاعر یا دیگران به زبان و ادب فارسی راه یافته‌اند. (موسوی و ذوالفقاری، ۱۳۸۴، ص. ۲)

آشنایی ذهنی ناصر خسرو با مفردات قرآنی موجب شده است تا از این واژه‌ها همچون لغات و عبارات فارسی استفاده کند. این واژه‌ها گاه به‌تنهایی بار معنایی و هدف نهایی بیت را بر دوش می‌کشند و زمانی هم تنها به‌عنوان یک واژه که توسط خود شاعر و یا دیگر شاعران وارد زبان فارسی شده مورد استفاده قرار می‌گیرند. استفاده ناصر خسرو از واژه‌های قرآنی فراوان و در جای جای دیوان ناصر خسرو پراکنده شده‌اند لذا در این مقاله تنها به چند مورد آن اشاره می‌شود.

ای یار سرود و آب انگور نه یار منی بحقّ والطور (دیوان اشعار، ناصر خسرو، ص. ۳۱۹)

این بخش اشاره دارد به آیه ۲ سوره‌ی مبارکه‌ی تین که می‌فرماید: (وَ طُورِ سِينِينَ: و سوگند به طور سینا؛ در شعر مشاهده می‌شود که شاعر با عنوان قسمی، آیه مورد نظر را نشان می‌دهد و ذهن مخاطب را به آن متوجه می‌سازد.

ایزدش عطا داد به پیغمبر از یراک او یست حقیقت یکی از سبع مثنایش (همان، ص. ۲۹۶)

این بخش اشاره دارد به آیه ۸۷ سوره مبارکه حجر که می‌فرماید: «و لَقَدْ آتَيْنَاكَ مِنَ الْمَثَلِي وَالْقُرْآنِ

العظیم: همانا هفت آیت با ثنا و این قرآن با عظمت را بر تو فرستادیم». در این شاهد مثال نیز دیده می‌شود ناصر خسرو با بهره بردن از یک کلمه از آیه‌ای از آیات قرآن به گونه‌ای آشنا، آیه و قرآن را به خواننده متذکر می‌شود.

نزدیک عاقلان عسل النحلّم و اندر گلوی جاهل غسلینم (همان، ص. ۱۳۶)  
این بخش اشاره دارد به آیه ۳۶ سوره مبارکه‌ی حاقّه که می‌فرماید: وَ لَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غِسْلِينٍ: و نه طعامی، جز از چرک و خون؛ ناصر خسرو در این بیت از یک واژه قرآنی به بهترین شکل ممکن استفاده می‌کند و این گونه می‌خواهد بگوید: جاهلان چون سخّم را درک نمی‌کنند برایشان چندان آور و غیر قابل تحمل اما عاقلان مرا بسیار دوست می‌دارند و پذیرا هستند.

این صورت خوب را نگه دار تا ننگینیش به قعر سجّین (همان، ص. ۵۰)  
ناصر خسرو واژه «سجّین» را از قرآن گرفته است. این بیت با استفاده از آیه ۷ سوره مبارکه مطفّین سروده شده است؛ آنجا که می‌فرماید: (إِنَّ كِتَابَ الْفَجَارِ لَفِي سَجِّينٍ: به درستی که نامه‌ی بدکاران هر آینه در سجّین است). (مطفّین/۷).

با در نظر گرفتن موارد فوق که به‌عنوان نمونه‌هایی از استفاده ناصر خسرو از آیات قرآن اشاره شده است، می‌توان نتیجه گرفت که ناصر خسرو از منبع عظیم و ارزشمند کلمات قرآن بهره فراوانی برده تا ضمن بیان اعتقادات و نظرهای خود، مخاطب را به قرآن نیز ارجاع دهد.

#### ۴-۲. اثر پذیری مضمونی

آشنایی ذهن و زبان ناصر خسرو با قرآن موجب شده است تا مضمون آیه‌ای از آیات قرآن ذهن‌گوینده را به‌سوی آفرینش ادبی سوق بدهد. در چنین مواردی مضمون آیه یا آیاتی را از قرآن گرفته و بر آن لباس دیگری از شعر پوشانده و در دیوان خود درج کرده است. در این شیوه، ناصر خسرو مانند دیگر بخش‌های دیوانش، خود را مقید به پیروی از شیوه‌ی خاصی نمی‌کند و با روش‌های متنوع، مفهوم و مضمون آیات را مورد استفاده قرار می‌دهد. ناصر خسرو که برای بیان نظرو عقاید خود می‌کوشد هر چه بیشتر به تعالیم دین مبین اسلام نزدیک شود و به خوانندگان خود توصیه می‌کند پیرو تعالیم اسلامی باشند، چه کلامی بهتر از قرآن می‌یابد که با یاری گرفتن از آن به نتیجه‌ی مورد نظر خود برسد. از جمله استفاده‌های مضمونی ناصر خسرو از آیات، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. موارد زیر نمونه‌هایی از اثر پذیری مضمونی ناصر خسرو از آیات قرآن است.

غایب نشده ست ایچ از اوّل کار تا آخر چیزی ز علم علام (همان، ص. ۶۹)  
این بخش اشاره دارد به آیه ۳ سوره‌ی مبارکه‌ی سبا که می‌فرماید: وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِينَا السَّاعَةُ قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتَأْتِيَنَّكُمْ عَالِمِ الْغَيْبِ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغُرُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا



فی کتاب مُبین: «کافران گفتند: قیامت هرگز به سراغ ما نخواهد آمد.» بگو: «آری به پروردگارم سوگند که به سراغ شما خواهد آمد، پروردگاری که از غیب آگاه است و حتی به اندازه سنگینی ذره‌ای در آسمان‌ها و زمین از علم او دور نخواهد ماند، و نه کوچک‌تر از آن و نه بزرگ‌تر، مگر این که در کتابی آشکار ثبت است.»

خدایت یکی را به ده وعده کرد بده گرناداری به دل در خلل (همان، ص. ۴۶۲)  
ناصرخسرو در این بیت از مضمون آیه‌ی ۱۶۱ سوره‌ی مبارکه‌ی انعام استفاده کرده است که می‌فرماید: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ مَثَلِهَا: هر کس کار نیکی به جا آورد، ده برابر آن پاداش دارد.»

خدایم سوی آل او ره نمود که جبل خدایست و خیرالرجال (همان، ص. ۲۵۱)  
ناصرخسرو مضمون بیت مذکور را از آیه ۱۰۳ سوره‌ی مبارکه‌ی انعام گرفته است که می‌فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا: و همگی به ریسمان خدا [=قرآن، و هر گونه وسیله وحدت الهی]، چنگ زبید، و پراکنده نشوید.»

ز مکر و حیلت تو خفته نیست ایند پاک بخوان و نیک بیندیش آیه الکرسی (همان، ص. ۳۶۲)  
بیت مذکور برگرفته از آیه ۲۵۵ از سوره‌ی مبارکه‌ی بقره که می‌فرماید: اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ:  
خدای یکتاست که جز او خدایی نیست زنده و پاینده است هرگز او را کسالت و خواب فرانگیرد تا چه رسد که بخواب رود اوست مالک آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است که را این جرات است که در پیشگاه او به شفاعت برخیزد مگر به فرمان و اجازه او علم ازلی او محیط است با آنچه از ازل پیش نظر خلق بوجود آمده است و آنچه سپس او تا ابد موجود خواهد شد و خلق به هیچ مرتبه علم او احاطه نتوانند کرد مگر به آنچه او خواهد قلمرو علمش از آسمان‌ها و زمین فراتر و نگهبانی زمین و آسمان بر او آسان و بی زحمت چه او دانای بزرگوار و توانای باعظمت است.

از مکر خداوند همی هیچ نترسی زانست که بانده پراز مکر و شکنجی (همان، ص. ۳۳۸)  
این بیت برگرفته از آیه ۵۴ سوره‌ی مبارکه‌ی آل عمران است که می‌فرماید: «وَ مَكَرُوا وَ مَكَرَ اللَّهُ وَ اللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ: و یهود (و دشمنان مسیح، برای نابودی او و آیینش) توطئه کردند؛ و خداوند (برای حفظ او و آیینش)، تدبیر نمود؛ و خداوند، بهترین تدبیر کنندگان است.)

بنگر نیکو تو از پی سخن ادریس چون به مکان العلی رسید ز هامون (همان، ص. ۹۰)



بیت برگرفته از آیات ۵۶ و ۵۷ از سوره مبارکه‌ی مریم که می‌فرماید: «وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ اِدْرِيسَ  
اِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا وَ رَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا؛ و در این کتاب، از ادريس (نيز) ياد كن، او بسيار راستگو و پيامبر  
(بزرگی) بود و ما او را به مقام والاى رسانديم.»

بنگر اندر لوح محفوظای پسر خط‌هاش از کاینات و فاسدات  
جز درختان نیست این خط را قلم نیست این خط را جز از دریا دوات (همان، ص. ۳۲۴)  
مضمون این ابیات برگرفته از آیه ۲۷ سوره‌ی مبارکه‌ی لقمان است که می‌فرماید: «وَ لَوْ اَنَّ مَا فِي الْاَرْضِ  
مِنْ شَجَرَةٍ اَقْلَامٌ وَ الْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ اَجْرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ؛ و اگر همه درختان  
روی زمین قلم شود، و دریا برای آن مرکب گردد، و هفت دریا به آن افزوده شود، (این‌ها همه تمام  
می‌شود ولی) کلمات خدا پایان نمی‌گیرد؛ خداوند توانا و حکیم است.»

#### ۴-۳. اثر پذیری معنایی

در این نوع اثرپذیری از قرآن، ناصر خسرو ترجمه آیه یا آیه‌ای از قرآن را در بیت یا ابیاتی درج  
می‌کند. هر جا ناصر خسرو خود لازم می‌داند، آیه‌ای را ترجمه کرده و ترجمه آن را دستمایه آفرینش  
ادبی خود می‌کند.

گاهی ترجمه‌ی همه‌ی آیه و گاهی ترجمه تنها بخشی از آیه را ذکر می‌کند. علاوه بر این  
ناصر خسرو مطابق معمول شیوه و روش خود در برخی ترجمه‌ها دست برده و آن‌ها را مناسب با  
خواست خود اندکی تغییر داده است. هر چند در برخی موارد تغییرات بیشتر است اما به‌راحتی  
می‌توان رنگ و بوی آیه‌ی مورد استفاده را دریافت. این نوع استفاده ناصر خسرو به هر صورتی  
که باشد بیانگر تسلط کافی او بر قرآن است. در این جا به برخی از این نوع استفاده ناصر خسرو از  
آیات قرآن را ذکر می‌کنیم.

بد من نیکی گردد چو کنم توبه که چنین کرد ایزد وعده به فرقانم (همان، ص. ۱۹۷)  
بیت مذکور تقریباً ترجمه آیه‌ی ۷۰ سوره‌ی مبارکه‌ی فرق است که می‌فرماید: «اِلَّا مَنْ تَابَ وَ اٰمَنَ وَ  
عَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولٰٓئِكَ يُبَدِّلُ اللّٰهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَ كَانَ اللّٰهُ غَفُورًا رَّحِيمًا؛ مگر کسانی که توبه کنند و ایمان  
آورند و عمل صالح انجام دهند، که خداوند سیئات آنان را به حسنات مبدل می‌کند؛ و خداوند  
همواره آمرزنده و مهربان بوده است.»

بولهب بازن به پشت می‌روندای ناصبی بنگر آنک زنش را در گردن افکنده کنی (همان، ص. ۹۸)  
بیت مذکور ترجمه آیات ۴ و ۵ سوره‌ی مبارکه‌ی مسد است که می‌فرماید: «وَ اَمْرَاتُهُ سَمَّالَةَ الْخَطْبِ فِي  
جِيْدِهَا حَبْلٌ مِّنْ مَّسَدٍ؛ و (نیز) همسرش، در حالی که هیزم کش (دوزخ) است، و در گردنش رشته‌ای  
از لیف خرما.»

آن شرابی که ز کافور مزاجست درو مهر مشکست بر آن پاک گوارنده شراب (همان، ص. ۱۸۷)  
 بیت مذکور ترجمه بخشی از آیه ۵ از سوره مبارکه‌ی انسان است که می‌فرماید: «إِنَّ الْأَبْرَارَ  
 يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا: نیکوکاران از جامی می‌نوشند که آمیزه‌اش کافور است کافور است». این جهان را به جز از بادی و خوابی مشمر گر مقررّی به خدای و به رسول و به کتیب (همان، ص. ۵۲۰)

بخشی از بیت ذکر شده ترجمه قسمتی از آیه ۶۴ سوره‌ی مبارکه‌ی عنکبوت است که می‌فرماید:  
 «وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَ لَعِبٌ وَ إِنَّا لَنَدَارُ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ: این زندگی دنیا چیزی  
 جز سرگرمی و بازی نیست؛ و فقط سرای آخرت، سرای زندگی (واقعی) است، اگر می‌دانستند». بهره‌ی خویش از عمر فراموش مکن رهگذارت به حسابت نگه دار حسیب (همان، ص. ۵۲۱)  
 این بیت نیز ترجمه بخشی از آیه ۷۷ سوره‌ی مبارکه قصص است که می‌فرماید: «وَ ابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ  
 الدَّارَ الْآخِرَةَ وَ لَئِنَّمْ أَتَى النَّبِيَّكَ مِنَ الدُّنْيَا: و در آنچه خدا به تو داده، سرای آخرت را بطلب؛ و بهره‌ات را از  
 دنیا فراموش مکن».

نیکی بدهد مان جزای نیکی بد را سوی او جز بدی جزانیست (همان، ص. ۱۱۵)  
 این بیت نیز ترجمه بخشی از آیه ۵۵ سوره‌ی مبارکه‌ی رحمن است که می‌فرماید: «هَلْ جَزَاءُ  
 الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ: آیا جزای نیکی جز نیکی است؟». همان گونه از شواهد ذکر شده بر می‌آید،  
 ناصر خسرو به صورت گسترده از معانی قرآن در اشعار خود بهره برده است تا به نوعی تسلط خود  
 بر قرآن را به رخ بکشد و ایده‌ها و تفکرات خود را آیات قرآن پیوند دهد و به مخاطب خود نشان  
 دهد سخنان او برگرفته از آیات مقدس قرآن است.

#### ۴-۴. اثرپذیری گزارشی

یکی از انواع اثرپذیری شاعران و نویسندگان فارسی زبان از قرآن و حدیث اثرپذیری گزارشی است.  
 در این شیوه شاعر یا نویسنده مضمون حدیثی یا آیه‌ای را دستمایه آفرینش ادبی خود می‌کند و  
 به دو شیوه ترجمه یا تفسیر آن را در کلام خود گزارش می‌کند؛ در این شیوه حتی گاهی نامی از  
 گوینده حدیث به میان می‌آید. (راستگو، ۱۳۷۴، ص. ۳) در سخن ناصر خسرو بارها به این شیوه از  
 آیات قرآن بهره برده است. از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد.

یکیت گوید برگی مگر به علم خدای نیوفتد ز درختی هگرز و نه ثمری (دیوان اشعار، ص. ۲۲۲)  
 همان گونه که می‌بینیم این بیت به آیه ۵۹ سوره الانعام اشاره دارد که می‌فرماید: «وَ عِنْدَهُ مَفَاتِحُ  
 الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَ يَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ مَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا نَعْلَمُهَا وَ لَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَ لَا  
 رَطْبٌ وَ لَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ: و گنجینه‌های غیب تنها نزد اوست، جز او کسی آن‌ها را نمی‌داند  
 و آنچه را که در خشکی و دریاست می‌داند و هیچ برگی نمیفند مگر این که آن را می‌داند

و هیچ دانه‌ای در تاریکی‌های زمین فرو نمیفتد و نه هیچ تر و خشکی مگر این که آن‌ها را می‌داند. آری هیچ چیزی فرو نمیفتد مگر این که آن در کتابی روشن ثبت شده است». همچنین است در این بیت:

شیر دادار جهان بود پدرشان، نشگفت گر ز ایشان برمند این که یکایک حمرند (همان، ص. ۶۶)  
بیت اشاره دارد به آیات ۵۰ و ۵۱ سوره مدثر که می‌فرماید: «كَانَهُمْ حُمُرٌ مُّسْتَبِقَةٌ قَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ، گویی گورخرانی رمیده‌اند، که از (مقابل) شیری فرار کرده‌اند».

ناصر خسرو در جایی دیگر این بیت را گفته است:  
وین هر چهار خواهر زاینده با بچگان بی عدد و مر  
تسیح می‌کنندش پیوسته در زیر این کبود و تنک چادر  
تسیح هفت چرخ شونده‌ستی گر نیست گشته گوش ضمیرت کر (همان، ص. ۴۵)

به روشنی مشخص است که ناصر خسرو در این ابیات آیه ۴۶ سوره اسری را در نظر داشته‌است که می‌فرماید: «تَسِيحُ أَهْلُ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسِيحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَانتَفَهُونَ تَسِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيماً غَفُوراً: آسمانهای هفتگانه و زمین و کسانی که در آن‌ها هستند، همه تسیح او می‌گویند؛ و هیچ موجودی نیست، جز آنکه، تسیح و حمد او می‌گوید؛ ولی شما تسیح آن‌ها را نمی‌فهمید؛ او دارای حلم و آمرزنده‌است».

#### ۴-۵. اثرپذیری تلمیحی از داستانهای قرآنی

داستان‌های قرآنی که گاه به روشنی در قرآن ذکر شده‌اند و گاه تنها اشاره‌ای گذرا به آن‌ها شده است، نیز مورد استفاده ناصر خسرو قرار گرفته‌اند. قرآن به‌اندازه‌ی کافی در روح و ذهن ناصر خسرو رسوخ کرده، همین موجب شده است تا داستان‌های قرآنی نیز از نظر او دورنمانده، در آفرینش‌های ادبی خود و نیز در داستان‌ها و آموزه‌های عرفانی و دینی خود بهره‌ی لازم را از آن‌ها ببرد. ناگفته پیداست آوردن داستان‌های قرآن در دیوان ناصر خسرو و اشاره به آن‌ها تنها به خاطر بیان آشنایی وی با قرآن و تفاخر به آن نبوده است (نظیر آنچه در دیوان برخی شاعران می‌یابیم) بلکه ناصر خسرو بدون توجه به مورد مذکور، تنها برای تحکیم بخشیدن به اندیشه‌های خود و تأثیر عمیق‌تر آن‌ها در مخاطبانی است که دیوان ناصر خسرو را چراغ راه خود قرار داده‌اند.

شاید با بررسی بیشتر بتوان با قطعیت بیشتری این نکته را بیان کرد که استفاده ناصر خسرو از داستان‌های قرآنی نوعی برداشت و بهره‌برداری ساخت‌شکنانه از آیات قرآن است که در آثار کمتر شاعری می‌توان این نوع استفاده از قرآن را یافت. در این جا تنها به برخی از داستان‌های مورد استفاده در دیوان ناصر خسرو اشاره‌ای گذرا می‌شود.



آن قوم که در زیر شجر بیعت کردند چون جعفر و مقداد و چو سلمان و چو بوذر (همان، ص. ۵۰۸)

این بیت اشاره دارد به موضوعی که مضمون آیه ۱۸ سوره‌ی مبارکه‌ی فتح است که می‌فرماید:

«لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا: خداوند از مؤمنان، هنگامی که در زیر آن درخت با تو بیعت کردند، خشنود شد؛ خدا آنچه را در درون دل‌هایشان (از ایمان و صداقت) نهفته بود می‌دانست؛ از این رو آرامش را بر دل‌هایشان نازل کرد و پیروزی نزدیکی را پاداش آن‌ها قرار داد».

کان هر دو فرشته به فعل خویش آید آویخته مانده اند در بابل (همان، ص. ۲۷۱)

روشن است که بیت مذکور اشاره دارد به داستان هاروت و ماروت که در قرآن به آن اشاره شده است. یکی از آیاتی که به این دو فرشته و داستان‌شان اشاره‌ای داشته است آیه ۱۰۲ سوره‌ی مبارکه‌ی بقره است که می‌فرماید: «وَأَتَّبِعُوا مَا نَزَّلْنَا عَلَى الْمَلَائِكَةِ بَبَابِلَ هَارُوتَ وَ مَارُوتَ وَ مَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّا هُنَّ قَتْلَةٌ: (یهود) از آنچه شیاطین در عصر سلیمان بر مردم می‌خواندند پیروی کردند. و سلیمان کافر نشد (و هرگز دست به سحر نیالود)؛ ولی شیاطین کفر ورزیدند؛ و به مردم سحر آموختند. و (نیز یهود) از آنچه بر دو فرشته بابل «هاروت» و «ماروت»، نازل شد پیروی کردند. حال آنکه آن دو به هیچ کس چیزی (از سحر) یاد نمی‌دادند».

گرز آدمی‌ای پور توبه باید کردن ز گناهات همچو آدم (همان، ص. ۲۷۸)

بیت ذکر شده به روشنی به داستان حضرت آدم که یکی از قصص قرآنی است اشاره می‌کند. یکی از آیاتی که به داستان مذکور اشاره می‌کند آیه ۳۷ سوره‌ی مبارکه‌ی بقره است که می‌فرماید: «فَتَلَقَى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ: سپس آدم از پروردگارش کلماتی دریافت داشت؛ (و با آن‌ها توبه کرد.) و خداوند توبه او را پذیرفت؛ زیرا او توبه‌پذیر و مهربان است».

باز پرچین شودت روی و بخندی به فسوس چون بخوانم ز قرآن قصه‌ی اصحاب رقیم (همان، ص. ۳۵۷)

این بیت هم به یکی از داستان‌های قرآنی که همان داستان اصحاب کهف است اشاره می‌کند. یکی از آیاتی که به داستان اصحاب کهف اشاره کرده است آیه ۹ سوره‌ی مبارکه‌ی کهف است که می‌فرماید: «أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا: آیا گمان کردی اصحاب کهف و رقیم از آیات شگفت‌انگیز ما بودند؟!»

هر که مر این آب رانید، در این آب تشنه‌ی چو هاروت ماند غرقه‌ی چو ذوالنون (همان، ص. ۹)

این بیت نیز اشاره دارد به دو داستان قرآنی هاروت و حضرت یونس که در آیات ۱۰۲ از سوره‌ی مبارکه‌ی بقره و آیه ۸۷ سوره‌ی مبارکه‌ی انبیا به این داستان‌ها اشاره کرده است که می‌فرماید: «و

اتَّبِعُوا مَا نَزَّلْنَا الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكِ سُلَيْمَانَ وَ مَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَ لَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَ مَا أُنزِلَ عَلَىٰ الْمَلَائِكَةِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَ مَارُوتَ وَ مَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّىٰ يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ؛ وَ (يهود) از آنچه شیاطین در عصر سلیمان بر مردم می‌خواندند پیروی کردند. و سلیمان کافر نشد (و هرگز دست به سحر نیالود)؛ ولی شیاطین کفر ورزیدند؛ و به مردم سحر آموختند. و (نیز یهود) از آنچه بر دو فرشته بابل «هاروت» و «ماروت»، نازل شد پیروی کردند.»

#### ۴-۶. اثرپذیری گزاره‌ای

گزاره به معنای عبارت است؛ هرگاه بخشی از یک آیه یا کل یک آیه عیناً مورد استفاده شاعر در سرودن شعر قرار گیرد، از آن با عنوان اثرپذیری گزاره‌ای یاد می‌شود. «در این شیوه گوینده گزاره‌ای یعنی عبارتی قرآنی یا روایی را با همان ساختار عربی بی‌هیچ‌گونه تغییر و دگرگونی و یا با اندک تغییری که در تنگنای وزن و قافیه از آن گریز و گزیری نیست در سخن خود جای می‌دهد. این‌گونه بهره‌گیری از قرآن و حدیث با قصد و غرض‌های گوناگونی انجام می‌پذیرد: تبرک و تبسم، تبیین و توضیح، تعلیل و توجیه، تشبیه و تمثیل، تحذیر و تحریض، تزیین و تجمیل، استشهاد و استناد، نکته‌پردازی و فضل‌فروشی، هنر‌نمایی و...» (راستگو، ۱۳۷۴، ص. ۱۳۰).

اثرپذیری گزاره‌ای خود دو نوع است. گاهی بخشی یا کل یک آیه بدون هیچ تغییری مور استفاده شاعر قرار می‌گیرد که از آن با عنوان اقتباس یا تضمین یاد می‌شود و زمانی هم شاعر با قرار گرفتن در تنگنای وزن یا قافیه و یا دیگر تنگناهای شعری آیه را دگرگون کرده و به‌نوعی آن را به شیوه مورد نیاز خود دگرگون می‌کند و از آن استفاده می‌کند. از این شیوه با عنوان حل یا تحلیل یاد می‌شود. ناصر خسرو از هر دو شیوه گزاره‌ای استفاده کرده‌است؛ وی گاه بخشی از یک آیه را گرفته و بدون تغییر در شعر خود درج می‌کند و گاه آیه را اندکی تغییر داده به نحوی که در معنی آن تغییر حاصل نشود بلکه تغییر، تنها از جهت آماده کردن آیه برای ورود در شعر ایجاد شده است. او وقتی که نکته‌ای اخلاقی را آموزش می‌دهد، پس از ذکر مطالب مورد نظر خود و پس از آن که نکته اخلاقی را می‌آموزد، در پایان برای تحکیم آموزش خود و به نوعی تقدس بخشیدن به کلام خود، آیات قرآن را به یاری طلبد، از آن‌ها استفاده می‌کند و به گونه‌ای ذهن خواننده را متوجه این نکته می‌کند که مطلب ذکر شده، مورد عنایت خداوند بوده و در قرآن ذکر شده است؛ به همین خاطر با بیان بخشی از آیه ذهن خواننده را متوجه قرآن می‌کند. در این جا به برخی از شواهد این شیوه‌ی استفاده در دیوان ناصر خسرو اشاره می‌کنیم.

ناصر خسرو از هر دو نوع اثرپذیری گزاره‌ای استفاده کرده‌است هر چند اغلب استفاده‌های گزاره‌ای ناصر خسرو از نوع حل یا تحلیل است تا اقتباس و تضمین؛ اما نمونه‌هایی هر چند اندک از نوع اقتباس و تضمین نیز می‌توان در دیوان ناصر خسرو یافت. یعنی ناصر خسرو اغلب عبارات قرآنی را جهت استفاده در شعر خود اندکی تغییر داده است و به زبانی دیگر آن را در قالب شعر خود ریخته و همان معنا و مفهوم مورد نظر قرآن را با استفاده از آن عبارات افاده می‌کند؛ از جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

کس نجوید می نشان از هفت زن کامدست اندر قرآن ز ایشان صفات

برنخواند خلق پنداری همی مسلمات مومنات قانتات (دیوان اشعار، ص. ۳۲۵)

همان گونه که دیده می شود در ابیات بالا بخشی از آیه ۵ سوره مبارکه ی تحریم آمده است که می فرماید: «عَسَىٰ رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَكُنَّ أَنْ يُبَدِّلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكَ مَسْلِمَاتٍ مُؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَأَبْكَارًا: (ای همسران پیامبر) اگر او شما را طلاق دهد، امید است پروردگارش به جای شما همسرانی بهتر برای او قرار دهد، همسرانی مسلمان، مؤمن، متواضع، توبه کننده، عبادت کار، هجرت کننده، زنانی غیر باکره و باکره».

مکن هر گز بدو فعلی اضافه گر خرد داری به جز ابداع یک مبدع کلمح العین او ادنا (همان، ص. ۲)

ناصر خسرو در بیت مذکور بخشی از آیه ۷۷ سوره مبارکه ی نحل را ذکر کرده است که این آیه می فرماید: «وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا أُمِرَ السَّاعَةِ إِلَّا كَلِمَحِ الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ: غیب آسمانها و زمین، مخصوص خداست (و او همه را می داند)؛ و امر قیامت (به قدری نزدیک و آسان است) درست همانند چشم برهم زدن، و یا از آن هم نزدیکتر؛ چرا که خدا بر هر چیزی تواناست».

چو تشنه نباشد کس آنجا پس آن چه جای شراب هنی و مریست (همان، ص. ۱۱۴)

ناصر خسرو در این بیت بخشی از آیه ۴ سوره نساء را ذکر کرده است که می فرماید: «فَكُلُّوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا: به خوشدلی می خورید آن را نوشنده و گوارنده».

چه خطر دارد این پلید نپید عند کاس مزاجها کافور؟ (همان، ص. ۷۷)

ناصر خسرو در این بیت از آیه ۵ سوره دهر استفاده کرده است که می فرماید: «لَإِنَّ الْأَبْرَارَ لَشَرُّبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا: ابرار از جامی می نوشند که با عطر خوشی آمیخته است».

#### ۴-۷. اثر پذیری الهامی-بنیادی

یکی دیگر از شیوه های تأثیر پذیری ناصر خسرو، شیوه الهامی-بنیادی است. در شیوه الهامی-بنیادی گوینده پایه و اساس سخن خود را بر آیه ای از آیات قرآن بنیاد می گذارد و با الهام از آن سخن خود را بیان می کند به گونه ای که افرادی که افرادی که با آن آیه یا حدیث آشنایی داشته باشند این الهام را به نیکی درمی یابند. گاه این پیوند آن گونه نزدیک است که تصور می شود ترجمه حدیث یا آیه را بیان کرده است و زمانی هم چنان دور و دشوار یاب است که به سختی می توان آن را دریافت. (موسوی و ذوالفقاری، ۱۳۸۴، ص. ۴).

با دقت در این نوع اثر پذیری و مقایسه آن با اثر پذیری معنایی می توان تفاوت این دو نوع را این گونه عنوان کرد که در اثر پذیری معنایی شاعر معنای یک یا چند آیه را عیناً به شعر در می آورد اما در اثر پذیری الهامی عین معنای آیه به شعر منتقل نمی شود بلکه پیام نهایی و غایی آیه دستمایه

آفرینش ادبی شاعر می‌شود. در دیوان ناصر خسرو از این نوع اثرپذیری هم می‌توان نمونه‌هایی چند یافت. از آن جمله است موارد ذیل است:

گر من در این سرای نبینم در آن سرای امروز جای خویش چه باشد بصر مرا (همان، ص. ۱۲)  
ناصر خسرو بیت را از آیه ۷۲ سوره مبارکه اسری الهام گرفته است که می‌فرماید: «وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا: «اما کسی که در این جهان (از دیدن چهره حق) نابینا بوده است، در آخرت نیز نابینا و گمراهتر است».

همچنین ناصر خسرو در بیت دیگر این گونه می‌گوید:

بچه ماند جهان مگر به سراب سپس او تو چون دوی بشتاب (همان، ص. ۲۷)  
این بیت الهام گرفته از آیه ۳۹ سوره مبارکه نور است که می‌فرماید: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمْآنُ مَاءً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا: کسانی که کافر شدند، اعمالشان همچون سرابی است در یک کویر که انسان تشنه (از دور) آن را آب می‌پندارد».

کارهای چپ و بلایه مکن که به دست چپت دهند کتاب (همان، ص. ۲۹)  
ناصر خسرو برای سرودن این بیت از آیه ۲۵ سوره مبارکه الحاقه الهام گرفته است که می‌فرماید: «وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيَهٗ: اما کسی که نامه اعمالش را به دست چپش بدهند می‌گویند: ای کاش هرگز نامه اعمالم را به من نمی‌دادند».

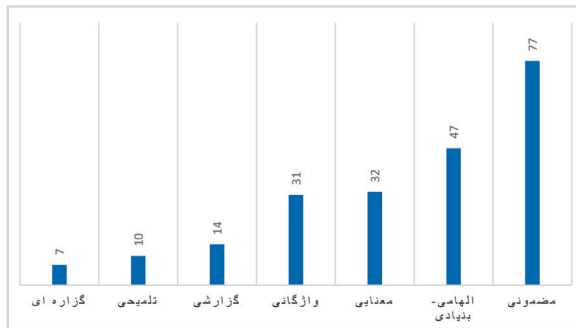
## ۵. بسامد انواع تأثیرپذیری

چگونگی استفاده شاعران و نویسندگان از کلام دیگران و از جمله آیات و احادیث در آثار خود به عواملی چند وابسته است؛ از جمله مهم‌ترین عواملی که بر چگونگی استفاده از آیات و احادیث تأثیر دارد، یکی توانایی شاعر در درج آیه یا معنا و مفهوم یا واژه‌های آن در شعر است و دیگری میزان تسلط شاعر بر قرآن است. به بیان دیگر، میزان دانش شاعر از قرآن و تسلط وی بر جوانب مختلف قرآن از اصلی‌ترین عوامل مؤثر بر چگونگی استفاده از آیات قرآن است.

حفظ قرآن توسط ناصر خسرو و تسلط وی بر مفاهیم و معانی و دستورات قرآنی و همچنین تسلط وی بر فرامین اندیشه‌های اسلامی در کنار قدرت شاعری و توانایی به خدمت گرفتن مفاهیم و مضامین مختلف توسط ناصر خسرو همه از جمله عواملی هستند که موجب شده ناصر خسرو در بیان تفکرات دینی و تربیتی خود به طور گسترده از آیات قرآن بهره ببرد.

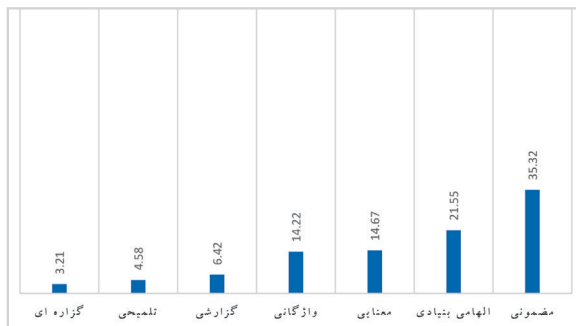
همان گونه که پیش‌تر دیدیم، ناصر خسرو در استفاده از آیات قرآن، شیوه‌های متنوعی داشته است؛ اما با دقت در دیوان وی می‌توان به این حقیقت رسید که جایگاه شیوه‌های ذکر شده در دیوان ناصر خسرو یکسان نیست؛ یعنی ناصر خسرو در استفاده از آیات قرآن ضمن استفاده از شیوه‌های متنوع

به برخی شیوه‌ها بیشتر نظر داشته و از شیوه‌های دیگر کمتر استفاده کرده است. نمودار زیر نشان دهنده میزان استفاده ناصر خسرو از شیوه‌های مختلف تأثیرپذیری از آیات نورانی وحی است.



### نمودار ۱: بسامد انواع تأثیرپذیری ناصر خسرو از آیات قرآن

با دقت در نمودار مذکور می‌توان به روشنی دریافت که شیوه مورد علاقه ناصر خسرو در استفاده از آیات قرآن، بهره‌گیری از مضمون آیات است؛ این نکته مبین تسلط ناصر خسرو بر مفاهیم قرآنی و استفاده از آنها متناسب با ساختار و دستور زبان فارسی است. همچنین شیوه‌های الهامی-بنیادی و معنایی در ردیف‌های بعد قرار دارند. با بررسی همه دیوان ناصر خسرو و تهیه آمار، میزان علاقه‌مندی ناصر خسرو به انواع شیوه‌های تأثیرپذیری مشخص شد. در نمودار زیر درصد استفاده از شیوه‌های مختلف نشان داده شده است.



### نمودار ۲: درصد شیوه‌های تأثیر ناصر خسرو از آیات قرآن کریم



## ۵. نتیجه گیری

رسالتی که ناصر خسرو برای خود و شعرش متصور بود، دلیل روشن برای تأثیرپذیری همه‌جانبه از آیات نورانی قرآن است. انس ناصر خسرو با قرآن و تسلط وی بر مفاهیم و فرامین آن و هم‌چنین وابستگی ذهن و زبان او به قرآن موجب استفاده متنوع از آیات قرآن شده است. ناصر خسرو از این مفاهیم برای انتقال هدف تربیتی خود به خواننده به‌خوبی بهره برده است. ناصر خسرو بیشتر از مضامین و معانی آیات قرآن بهره برده است و استفاده از عین عبارات و گزاره‌های قرآنی در دیوان ناصر خسرو در مقایسه با دیگر شیوه‌ها چندان جایگاهی ندارد. با بررسی و دقت در همه اشعار دیوان ناصر خسرو بسامد شیوه‌های اثرپذیری از آیات قرآن به این شرح است: مضمونی ۳۵/۳۲ درصد، الهامی-بنیادی ۲۱/۵۵ درصد، معنایی ۱۴/۶۷ درصد، واژگانی ۱۴/۲۲ گزارشی ۶/۴۲ درصد، تلمیحی ۴/۵۸ درصد، گزاره‌ای ۳/۲۱ درصد. باید در نظر داشت که رنگ تأثیرپذیری ناصر خسرو با دیگر شاعران و نویسندگان فارسی زبان متفاوت است؛ این تفاوت از این جهت است که ناصر خسرو کوشیده است هر گاه از آیات بهره‌ای می‌برد، صرف نقل قول نباشد بلکه خود را نیز در لابلای مفاهیم و مضامین قرآنی به رخ خواننده بکشد و به‌نوعی مفاهیم قرآنی را با کلام خود بیان کرده است؛ از این رو عین عبارات قرآنی در شعر ناصر خسرو حضوری کم رنگ دارند و این نشان تسلط ناصر خسرو بر مفاهیم قرآن و توانایی او در به کار گرفتن این مفاهیم در شعر خود است.

## منابع

- قرآن کریم (۱۳۸۶). ترجمه الهی قمش‌های. قم: دانش.
- حلی، علی اصغر (۱۳۹۳). تأثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی. تهران: اساطیر.
- رادمنش، سیدمحمد (۱۳۸۰). تصویرهای قرآنی در آثار منظوم جامی. فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ۲(۲)، ۷۱-۸۲.
- راست گو، سیدمحمد (۱۳۷۴). تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی. تهران: سمت.
- روحانی، رضا (۱۳۸۱). قرآن و تاویل آن از دیدگاه ناصر خسرو. فصلنامه الهیات و معارف اسلامی (مطالعات اسلامی)، ۵۸، ۵۷-۹۳.
- سزیزان پور، وحید (۱۳۸۳). مطالعه مورد پژوهانه در تأثیر قرآن در ادبیات فارسی. پژوهش‌های قرآنی، ۷۵ (۱)، ۹۵-۱۲۰.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۸۸). تاریخ ادبیات در ایران، تهران: انتشارات فردوس.
- قبادیانی بلخی، ناصر بن خسرو (۱۳۸۷). دیوان اشعار (تصحیح: مجتبی مینوی و مهدی محقق). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- قربانی زرین، باقر (۱۳۸۳). جایگاه قرآن و حدیث در شعر فارسی سده سوم و چهارم هجری. مجله سفینه، ۳، ۳۲-۴۷.
- محقق، مهدی (۱۳۷۴). تحلیل اشعار ناصر خسرو. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.



- محقق، مهدی (۱۳۸۲). تعلیقات بر دیوان ناصر خسرو. نامه‌ی پارسی، ۲۹، ۲۲۱-۲۴۱. مدرس زاده، عبدالرضا (۱۳۸۶). واژگان خاص در شعر ناصر خسرو. زبان و ادبیات فارسی (دانشگاه آزاد اسلامی اراک)، ۱۲، ۱۳۵-۱۵۲. موسوی، سیده زهرا و ذوالفقاری، محسن (۱۳۸۴). نقد شیوه‌های تأثیر پذیری در شعر ناصر خسرو. زیبایی شناسی ادبی، ۳، ۵۷-۷۷. نوریان، مهدی (۱۳۸۲). برخی دشواری‌های متن دیوان ناصر خسرو. نامه‌ی پارسی، ۲۹، ۲۷۹-۸۷. هانسبرگر، آلیس سی (۱۳۸۰). ناصر خسرو لعل بدخشان (مترجم: فریدون بدره‌ای). تهران: فرزانه. یوسفی، محمد رضا (۱۳۸۷). چگونگی ورود قرآن و حدیث به شعر فارسی. پژوهش نامه قرآن و حدیث، ۵، ۹۷-۱۱۶.

## مبانی حاکم بر ساختار قرآن کریم در نسبت با علوم انسانی قرآن بنیان از منظر آیت الله جوادی آملی

نورالدین زندیه<sup>۱</sup>: دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه امام صادق (ع)  
رامین اژدری: دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تهران  
سیدمحمد هادی موسوی بیوکی: دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه امام صادق (ع)

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم  
سال دهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۸، صص ۸۳-۹۶  
تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۰۵/۰۶  
تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۰۶/۱۲

### چکیده

شناخت قرآن، از این حیث که در مسئله‌ی تولید علم انسانی قرآن بنیان مؤثر بوده، بسیار اهمیت دارد؛ چراکه نوع نگاه ما به قرآن، میزان و نوع انتظار ما از قرآن را مشخص خواهند نمود. شناخت قرآن بر اساس نظام سه‌گانه‌ی فاعلی، داخلی و نظام غایی قرآن قابل بررسی است. رابطه‌ی بین «قرآن کریم» و «علم انسانی» بر اساس نظام داخلی قرآن، به صورت مجموعه‌ای از مبانی حاکم بر «محتوای» قرآن و مجموعه‌ای از مبانی حاکم بر «صورت»، اعم از «زبان» قرآن و «اسلوب» آن قابل ترسیم است. محتوای قرآن کریم متناسب با غایت آن است و برای ارائه این محتوا، زبانی را به کار گرفته که بتواند چنین هدفی را برآورده کند و همچنین ساختار و سبک، به گونه‌ای تنظیم شده که قابلیت تحقق چنین کاری را داشته باشد؛ لذا باید نسبت بین این زبان و ساختار را در مواجهه با زبان و ساختارهای علوم انسانی استخراج کرد.

در این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی بر اساس نظرات آیت‌الله جوادی آملی بیان خواهند شد که قرآن کریم نه تنها در سبک بیانی خود متفاوت عمل کرده است و به طور کلی شیوه‌های رایج در کتب بشری را در پیش نگرفته است، بلکه در ساختار و اسلوب چینش و نظم‌دهی نیز تفاوت‌های اساسی و جدی‌ای با کتب بشری دارد که مسائل مربوط به سیاق و سباق، چگونگی به کارگیری تمثیلات و... از مصادیق این ساختار و سبک خاص قرآن کریم است.

**کلید واژه‌ها:** ساختار قرآن کریم، علوم انسانی-اسلامی، جوادی آملی.

## ۱. مقدمه

اعجاز اصلی قرآن کریم، تحدی معرفتی آن است که ادعای برتری در ارائه‌ی برترین برنامه‌ی سعادت بشر را در برابر تمام مکاتب دیگر دارد؛ آیاتی نظیر «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ مِیْدِی لِّتِی هِیَ أَقْوَمُ ... قطعاً این قرآن به [آیینی] که خود پایدارتر است راه می‌نماید...» (الاسراء/ ۹)، ناظر به محتوای عالی و انسان‌ساز قرآن و قوانین فردی و اجتماعی آن است و قرآن کریم همه متخصصان و دانشمندان علوم انسانی و تجربی را به مثل‌آوری علمی دعوت می‌کند. (جوادی آملی، ۱۳۹۰ پ، ص. ۱۳۸)

البته با وجود اعتقاد به چنین ادعایی در مسلمانان، ضمن اینکه هنوز اختلاف نظرهای علمی در این خصوص زیاد است، هنوز مسیر دقیق و شفاف تحقق این ادعا به صورت کامل ترسیم نشده است. تا زمانی که نتوانیم متناسب با نیازهای هر زمان، علوم مختلف را حداقل در حوزه علوم انسانی، از قرآن استخراج نماییم، نه تنها ادعای ارائه‌ی برنامه جامع مدیریت دنیا و آخرت بشر توسط قرآن کریم، برای سایر مکاتب ادعایی عینی و قابل‌باور نخواهد بود، نیازهای متلاشه خود مسلمانان نیز در پیمودن این مسیر، راه کاملی نخواهد بود.

به عبارتی دیگر برای تحقق کامل ادعای جامعیت قرآن کریم در ارائه برنامه‌ی سعادت جوامع انسانی، لازم است علوم انسانی ما بتواند خود را از آمیختگی با نظریات غیراسلامی و غیروحیانی رها کند و برای این کار هیچ راهی جز رسیدن به مکانیسم و روش دقیق استخراج معارف از منابع اصیل خود وجود ندارد. منابع اصلی ما در این مسیر عقل و نقل است که در این میان قرآن کریم به عنوان برنامه‌ی تدوینی اسلام، نقش برجسته و ویژه‌ای دارد.

با این توضیحات می‌توان این گونه بیان کرد که برای رسیدن به علوم انسانی قرآن‌بنیان، باید قرآن کریم محور اساسی باشد و سایر منابع نه در عرض قرآن کریم، بلکه در مرتبه بعدی به کمک تکمیل نظر قرآن کریم بیایند تا نظر تمام منابع دینی دخیل شود و نظر اسلام استخراج شود. بنابراین علوم انسانی قرآن‌بنیان به این مفهوم نیست که تنها منبع این مرحله قرآن خواهد بود بلکه میزان خواهد بود و در تمام مراحل هم حجیت اولیه‌ی سایر منابع را باید تأیید کند و هم بر نحوه‌ی کارکرد آن‌ها نظارت داشته باشد.

با توجه به اهداف و نیازهای نظام اسلامی، علوم انسانی اسلامی از آرمان‌هایی است که مورد توجه نظام جمهوری اسلامی از ابتدای شکل‌گیری تاکنون بوده است و ضرورت آن بر کسی پوشیده

نیست. اساسی‌ترین ضرورت این اقدام، شناخت صحیح قرآن کریم با بررسی نظام‌های سه‌گانه فاعلی، داخلی و غایی قرآن کریم در نسبت با علوم است که امکان وصول به راهکارهای استخراج علم انسانی از قرآن کریم را تسهیل خواهد کرد. شناخت صحیح نسبت به قرآن کریم، محدوده دخالت، کیفیت، ارتباط و ظرفیت قرآن کریم را نسبت به پاسخگویی به مسائل علوم مشخص خواهد کرد. آیت‌الله جوادی آملی، شناخت صحیح قرآن کریم را منوط به شناخت نظام‌های سه‌گانه آن می‌داند که عبارت‌اند از:

نظام فاعلی قرآن که در آن مبدأ پیدایش قرآن کریم، ثابت می‌شود؛ نظام داخلی قرآن که در آن چگونگی دستیابی به معارف قرآن کریم بررسی می‌شود؛ نظام غایی قرآن که در آن هدف نهایی قرآن کریم تبیین می‌شود.

در نظام غایی قرآن کریم، بر اساس رسالت معینی که خداوند متعال، برای این منبع دینی تعیین و تبیین کرده است، معلوم می‌شود که چه انتظاری از قرآن کریم در قبال تولید علم انسانی باید داشته باشیم. نظام داخلی قرآن را نیز در سه عنوان می‌توان خلاصه کرد: «محتوایی» که قرآن قصد انتقال آن را در مسیر غایت خود دارد؛ «زبانی» که جهت این محتوا استفاده کرده است و در نهایت «ساختاری» که این محتوا و زبان، بر اساس آن تنظیم شده است.

آنچه این سه‌گانه را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، همان نظام غایی است. محتوای قرآن کریم متناسب با غایت آن است، و برای ارائه این محتوا زبانی را به کار گرفته که بتواند چنین هدفی را برآورده کند و همچنین ساختار، به گونه‌ای تنظیم شده که قابلیت تحقق چنین کاری را داشته باشد. بر اساس نظام غایی، قرآن، اصول و کلیات برنامه‌ی جامع سعادت دنیوی و اخروی و فردی و اجتماعی برای تمام زمان‌ها و مکان‌ها و هر سطحی از مخاطب را ارائه می‌دهد و فرآیند رسیدن به جزئیات آن را خداوند در مجموعه‌ی نظام تکوین و تشریح قرار داده است. پس از دانستن این ارتباط میان «قرآن کریم» و «علم انسانی»، لازم است رابطه‌ی محتوایی این دو مقوله بررسی شود. این کار، به صورت استخراج و ارائه‌ی مجموعه‌ای از مبانی حاکم بر «محتوای» قرآن کریم که در حقیقت نیمی از نظام داخلی قرآن کریم است، محقق می‌شود. محتوای قرآن کریم باید به گونه‌ای باشد که بتواند غایت اصلی و رسالت این کتاب الهی را بر اساس آنچه در نظام غایی ترسیم خواهد شد، تأمین کند. در دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی محتوای قرآن کریم در عین اینکه به جزئیات علوم نمی‌پردازد، لکن به واسطه جامعیتی که برخوردار است به ارائه‌ی خطوط کلی علوم پرداخته و مبانی آن‌ها را ارائه می‌کند؛ در حقیقت قرآن کریم یکی از اعجازهایی که از آن برخوردار است اعجاز محتوایی است و به واسطه‌ی داشتن محتوایی انسان‌ساز، با تمامی اندیشه‌ها و مکاتب به تحدی برمی‌خیزد (جوادی آملی، ۱۳۹۰ ب، ص. ۱۱۰). اساسی‌ترین مبانی‌ای که بر محتوای قرآن کریم حاکم است، عبارت‌اند از: جامعیت تام قرآن کریم، انسجام درونی آیات و معارف قرآن کریم، اعجاز محتوایی و معنایی قرآن کریم، لایه‌های معنایی موجود در قرآن کریم، فرازمانی و فرامکانی، نور بودن قرآن کریم و نهایتاً فهم‌پذیری قرآن کریم.

در مرحله بعد، باید گفت یکی از مسائلی که در مباحث علوم مطرح و مورد توجه است، زبان هر علم است. اگر بخواهیم بین علوم و قرآن کریم، ارتباط برقرار کنیم و زبان مشترکی را برای آن پیدا کنیم؛ با توجه به رابطه‌ی مهیمنانه‌ای که قرآن کریم با علوم انسانی دارد، لازم است ابتدا با زبان خود قرآن کریم آشنا شویم. زبان قرآن کریم در عین این که در قالب زبان عربی مصطلح ریخته شده است، لکن مقهور آن نگشته است و بلکه بر ظرفیت‌های آن زبان افزوده است؛ لذا نمی‌توان زبان کتاب الهی را در ذیل این زبان مورد بررسی قرار داد؛ هر چند که همان قواعد و مطالب را باید مورد بررسی قرار داد. تعبیر صنعت ادبی ویژه‌ی وحی، تعبیری است که از سوی این دیدگاه برای این حقیقت به کار رفته است (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۲۱۶). دومین تعبیر برای یک سطح دیگر از زبان قرآن کریم، که محدوده‌ی مخاطب قرآن کریم را از افراد آشنا به زبان عربی به تمام بشریت از نظر زمانی و مکانی توسعه می‌دهد، عبارت است از «زبان فطرت». این زبان، به‌عنوان زبان مشترک همه‌ی انسان‌ها شناخته می‌شود و دارای سه ویژگی «دوام»، «کلیت» و «اطلاق» است. (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص ۱۹۲) و بر این اساس از آن به زبان تحول‌ناپذیر قرآن کریم یاد می‌شود. قرآن کریم در مرتبه‌ای دیگر با وصف «زبان نور» آثاری غیر از صورت زبان عربی و ویژگی‌های زبان فطرت را نشان می‌دهد. در این مرتبه، درحالی که الفاظ قرآن حضور دارند، حتی برای کسانی که هیچ آشنایی با زبان ندارند، آثاری را دارد که نشان از اعجاز خاص قرآن کریم است. (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۶، ص ۳۸۲)

پس از پرداختن به مبانی حاکم بر محتوای قرآن کریم و مباحث مربوط به زبان آن، در نسبت با علوم انسانی، حال نوبت آن است که بر اساس دیدگاه‌های حضرت آیت‌الله جوادی آملی مسائل مربوط به ساختار قرآن کریم را مورد بررسی قرار داد.

## ۲. ساختار قرآن کریم

هر کتاب و اثری در کنار محتوایی که دارد و از قالب و زبان خاص خود بهره می‌گیرد، برای ارائه‌ی محتوای خود در قالب مدنظر، ممکن است اسلوب و ساختارهای متنوعی را به کار بگیرد. مثلاً یکی از اساسی‌ترین اسلوب‌ها برای ارائه‌ی محتواهای کتب علمی در قالب زبان خاص هر علم، استفاده از تقسیم‌بندی‌های فصول، بخش‌ها و ... است که حتی همین‌ها هم می‌تواند شکل و ساختار خاص و متفاوتی داشته باشد. یا آثار علمی ممکن است حسب هدف خود از اختصار یا تفصیل در بیان بهره بگیرند. قرآن کریم راه و روش کتب دیگر را طی نکرده است و در عین رعایت قواعد ساختار زبانی که در قالب آن ریخته شده است، برای خودش ساختارهایی را دارد که لازم است مورد بررسی دقیق قرار گیرد تا بتوان از ظرفیت زایشی آن استفاده و بهره لازم را برد. شاید در نگاه غیردقیق به قرآن کریم، احساس شود قرآن از نظم مشخصی برخوردار نیست و از سوی دیگر ممکن است برداشت شود همان سبک بیانی را که کتاب‌های دیگر اعم از آثار اخلاقی، فقهی، فلسفی، تاریخ و ... پیموده‌اند، در قرآن کریم هم دنبال شده است. با دقت و تعمق

در نوع چینش مفاهیم و قالب معارف آن، به این نتیجه خواهیم رسید که «قرآن کریم از سبک بیانی خاصی برخوردار است» (جوادی آملی، ۱۳۹۶، ص. ۱۸۱) و این کتاب هدایت، در عین این که کتاب بی‌نظم و بی‌قاعده‌ای نیست، «نمی‌خواهد ادبیات رایج عصر جاهلی یا غیر جاهلی را تماماً به رسمیت بشناسد و به همان سبک سخن بگوید» (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ص. ۲۲۲). قرآن از ساختارها و عنوان‌بندی کتب و آثار عادی بشر بهره نمی‌برد، لکن از نظم خاصی برخوردار است که منحصر در این کتاب الهی است. ضمن اشاره به برخی تفاوت‌های این کتاب اعجاز، با سایر کتب، به برخی از قواعد حاکم بر آن، که از اهم آن، تقسیم‌بندی به سوره، سیاق، آیه و... است، اشاره می‌شود.

### ۳. ویژگی‌های عمومی ساختار قرآن

قرآن کریم ساختاری هدایتی دارد که به واسطه‌ی اهداف و غایاتی که دارد، طبعاً لازم است برای خودش سبک و اسلوب خاصی داشته باشد. قرآن کریم نه تنها در سبک بیانی خود متفاوت عمل کرده است و مانند کتب علمی تنها به تبیین مسائل علمی و جهان‌شناسانه نپرداخته و یا مانند کتب اخلاقی، تنها به اندرز پسند نکرده است یا همتای کتاب‌های فقهی و اصولی به ذکر احکام فرعی و مبانی آن‌ها اکتفا نکرده و به‌طور کلی شیوه‌های رایج و معمول در کتب بشری را در پیش نگرفته است (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص. ۴۳) بلکه در ساختار و اسلوب چینش و نظم دهی و نحوه‌ی بیان ظاهری نیز تفاوت‌های اساسی و جدی با کتب بشری دارد (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص. ۳۸، ص. ۴۹). آیت‌الله جوادی آملی ضمن اشاره به یکی از تعابیر علامه طباطبایی در خصوص نظم و چینش محیر العقول قرآن کریم، آن را جامعه‌ی زیبایی و زاینده‌گی محتوایی می‌داند. (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۵، ص. ۶۶۰).

یکی از مواردی که در این مورد به آن اشاره شده است ایجاز قرآن کریم است. معجزه بودن قرآن کریم با ایجاز آن هم همراه است. نه تنها قرآن کریم توانسته است با برخورداری از باطن‌های متعدد، معارف متعددی را در این کتاب موجز الهی جای دهد، حتی ظاهر آن نیز به گونه‌ای تنظیم شده است که در عین رعایت ایجاز، معارف متعددی را بتوان به مخاطب متدبر و متعمق منتقل کرد.

برای نمونه هرگاه چهار مطلب در بین باشد که دویسه دو مقابل هم‌اند؛ این چهار امر را به‌صورت مبسوط ذکر نمی‌کند، بلکه با صنعت «احتیاک» یکی از آن دو امر نخست را همراه یکی از دو امر ذکر می‌کند تا چهار مطلب را گفته باشد و هم اطاله نداده باشد؛ نظیر آیه: «لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ» تا هر که را [دلی] زنده است بیم دهد، و گفتار [خدا] درباره کافران محقق گردد. (یس/۷۰)، که در حقیقت چهار مطلب را فهمانده است. آیه یادشده فقط زنده و کافر را در دو جمله‌ی جداگانه، مقابل هم ذکر کرده است؛ در جمله‌ی نخست می‌فرماید: «لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا» قرآن بر زنده اثر می‌گذارد و این جمله چون در مقام تحدید است، مفهوم دارد؛ یعنی قرآن بر مرده اثر نمی‌گذارد. در جمله‌ی دوم، سخن از اتمام حجت و سزاگشتن فرمان عذاب و ثبوت و تحقق و حتمیت عذاب بر



کافران است: «وَيَحِقُّ الْقَوْلُ عَلَيَّ الْكَافِرِينَ» و از در پی آمدن و عطف این جمله بر جمله‌ی پیشین برمی آید عذابی که بر کافران رواست، محصول همان عدم تأثیر انذار است و در فرهنگ و حیانی، کسی که از انذار و تبلیغ انبیا اثر نپذیرد، در حقیقت مرده است، از این رو به جای آنکه هماهنگ با جمله‌ی پیشین بفرماید «وَيَحِقُّ الْقَوْلُ عَلَيَّ الْمَوْتَى» این میّت را به صورت کافر ذکر کرد تا معلوم بشود کافر از جهت حیات انسانی مرده است و تنها حیات گیاهی یا حیوانی دارد (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۳۹، ص. ۲۶۲ و ۶۱۰).

#### ۴. نظم و چینش خاص قرآن کریم

در مورد نظم و ترتیب آیات و سوره، چند سؤال اساسی وجود دارد که اندیشمندان قرآنی در خصوص آن نظرات مختلفی دارند:

آیا نظم و ترتیب فعلی آیات و سوره‌های قرآن توقیفی است؟

آیا این ترتیب در برداشت از مفاهیم آیات و سوره مؤثر است؟ و فهم و برداشت‌ها باید در چارچوب این نظم و منطق باشد؟ به چه میزان باید به آن توجه نمود؟

#### ۴-۱. توقیفی بودن آیات و سوره

آیت‌الله جوادی آملی معتقدند که چینش آیات هر سوره و نحوه تنظیم آن به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص. ۱۲۵؛ جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۶، ص. ۴۲۲). لذا بین آیات یک سوره، پیوندی خاص وجود دارد که باید در صدد کشف آن برآمد. البته باید بدانیم غرض، اعم از غرض محتوایی یا انگیزشی یا مسئله‌ای دیگر است و لزومی ندارد که حتماً این غرض یک مطلب محتوایی باشد: «برای هر سوره حکمت و غرض ویژه‌ای است که بر اساس آن رسول مکرم، آیات را در کنار هم قرار می‌داد گرچه آن غرض، پیوند محتوایی نباشد بلکه حکمت و غرض دیگری غیر از ارتباط محتوا در کار باشد» (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۶، ص. ۴۲۲).

در خصوص توقیفی بودن ترتیب سوره، یا عدم آن، آیت‌الله جوادی به اختلاف اندیشمندان در این موضوع اشاره فرموده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ص. ۱۷۰) و نظر مشهور را عدم توقیفی بودن ترتیب سوره اعلام نموده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۹۰ الف، ج ۶، ص. ۴۲۴)، که بعد از رحلت رسول اکرم صلی... علیه و آله با اجتهاد صحابه انجام شده است؛ لکن خودشان ترتیب سوره را نیز توقیفی می‌دانند (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۱۳، ص. ۴۵)، و بیان می‌فرمایند: «قرآن به جمیع معانی و الفاظ و همچنین تألیف میان آن دو به ایجاد و انشای خداوند سبحانی است بی دخالت داشتن فردی در بُعدی از ابعاد آن» (جوادی آملی، ۱۳۹۰ ت، ص. ۱۲۴) و بر همین اساس معتقدند بین دو سوره‌ای که در کنار هم قرار دارند، تناسبی برقرار است و در اثر تفسیری تسنیم، بخشی را در ابتدای سوره با عنوان «تناسب سوره با سوره‌ی پیشین» به بررسی این امر اختصاص می‌دهند.

مفسر تسنیم، معتقدند تناسب آیات یا سوره‌ها از منظرهای گوناگون ارزیابی می‌شود:



تناسب به لحاظ تفسیر محتوا از جهت ناسخ و منسوخ، اطلاق و تقييد، عموم و خصوص، کلی و جزئی، مفهوم و مصداق، محکم و متشابه و... این قسم از تناسب محتوایی بسیار حساس و مهم است و در رهن زمان و زمین و سایر خصوصیت‌های غیر دخیل نیست.

تناسب به لحاظ سبق و لاحق در نزول، مکی و مدنی بودن، حضر و سفر بودن و دیگر ویژگی‌های موردی. تناسب به لحاظ نظم سور و نضد آیات.

و در ادامه توضیح می‌دهند که «باید عنایت شود که ملاحظه سباق و سیاق در نزول بسیار مهم است؛ ولی بررسی سیاق در صرف تدوین بی‌آنکه باهم نازل شده باشند، همانند سیاق آیات متحده النزول نخواهد بود (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۱۳، ص. ۴۵).

#### ۴-۲. تأثیر چینش قرآن کریم بر فهم آن

آیت‌الله جوادی آملی این چینش را مسئله‌ای فراتر از یک نظم و زیبایی ظاهری می‌داند بلکه آن را از اعجاز‌های قرآن شمرده و ارزشی معرفت‌زا برایش قائل است:

«قرآن چون دانه‌های تسیب بلکه مانند اعداد ریاضی به گونه‌ای منظم در کنار هم چیده شده‌اند. شگفت آن که زیر این نظم و زیبایی، دریاها و وسیع و گسترده‌ای از معانی و محتوای بلند قرار گرفته که عقل خردورزان را به دهشت افکنده است و ارقام و اعداد میلیونی و میلیاردی برای آن ذکر کرده‌اند» (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص. ۳۰۶). ایشان در ادامه‌ی بحثشان در مورد اعداد میلیاردی ذکر شده، دو مثال هم از تفسیر المیزان علامه‌ی طباطبایی و تفسیر بیان السعاده جناب‌ذی ذکر می‌کنند.

یکی از مواردی که نشان از اهمیت و ضرورت توجه به ترتیب سور و آیات، در استخراج معارف و علوم دارد، نکته‌ای است که در خصوص طرح مسئله خلافت در تسنیم آمده است و بر اساس آن نتیجه‌ای اخذ شده است: «با آن که داستان حضرت آدم و خلافت او در مدینه و سال‌ها پس از بعثت نازل شده، به صورت جوامع الکلم در آغاز کتاب تدوینی که به‌مثابه قانون اساسی است قرار می‌گیرد، تا در دیگر رهاوردهای آن بتوان به مطالب گذشته ارجاع داد؛ نه مطالب آینده... آنگاه هر شبهه‌ای را که در دیگر سوره‌ها مطرح شود، با اصول گذشته حل می‌کند» (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۳۸، ص. ۱۷۷). آیت‌الله جوادی آملی از قرار گرفتن آیات مربوط در ابتدای قرآن کریم نتیجه می‌گیرند که به‌خاطر اهمیتی که این موضوع داشته است، در سیر ترتیب در اوایل قرآن کریم آمده است تا معارف بعدی به آن ارجاع داده شود. لذا این ترتیب را در ارائه معارف مؤثر می‌دانند.

#### ۴-۳. سیاق و سباق

توجه به ساختار سیاقی قرآن کریم، یکی از ارکان مهم در روش تفسیری قرآن به قرآن است که به‌عنوان یک اصل عقلی، هم در علوم مختلف مربوط همچون اصول فقه، علوم بلاغت، علم تفسیر، علم حدیث و... مورد استفاده بوده است. لکن، به‌صورت یک اصطلاح و تعریف دقیق و با کارکردهای مشخص و معین، وضعیت کاملاً مشخص نداشته و رفته‌رفته با تطور هر یک از علوم، به

این دقت نزدیک تر شده است. در حقیقت، سیاق، قاعده‌ای عقلایی است همان گونه که در هر کلام یا جمل متصل مورد استفاده قرار می‌گیرد در تفسیر، فقه و اصول... نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد.<sup>۱</sup> اصطلاح سباق یا تبادر، در برابر سیاق است که گاه این دو باهم هماهنگ بوده و گاه محدود کننده یکدیگرند. این اصطلاح در تفاسیر سابق هم به چشم می‌خورد، (کنعانی، ۱۳۸۴) «سیاق» آن است که از خود کلمه و جمله به ذهن می‌رسد و به اصطلاح تبادر دارد؛ ولی «سیاق» از صدر و ساقه‌ی آیه به دست می‌آید. (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۳۸، ص. ۴۱۲)

در تفسیر المیزان از مفهوم آن استفاده شده است ولی لفظ آن مورد استفاده قرار نگرفته است. آیت‌الله جوادی آملی این اصطلاح را بارها در آثارشان استفاده کرده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۹۰ الف، ج ۵، ص. ۱۱۵؛ جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۱۳، ص. ۴۵؛ ج ۳۸، ص. ۴۱۲؛ ج ۴۱، ص. ۶۴) و ضمن اینکه سیاق و سباق را دو عامل حجیت ظواهر و استظهار لفظ عنوان می‌کنند، در مقایسه این دو بیان می‌کنند که سیاق معنایی است که با ملاحظه‌ی صدر و ذیل کلمه یا جمله (فضای کلام) به ذهن انسان می‌رسد؛ اما «سیاق» یا «تبادر» به اولین معنایی گفته می‌شود که با ملاحظه‌ی خود کلمه یا جمله، بدون در نظر گرفتن صدر و ذیل آن، به ذهن می‌رسد. ایشان هماهنگی سیاق و سباق را نشانه‌ی وحدت نزول یا صدور دانسته (جوادی آملی، ۱۳۹۰ الف، ج ۵، ص. ۱۱۵) و قدرت غلبه‌ی سباق بر سیاق را بیشتر می‌دانند. در مورد رابطه بین سباق و سیاق، دو نقطه‌ی مهم قابل طرح است:

#### ۴-۳-۱. غلبه‌ی سباق بر سیاق

آیت‌الله جوادی آملی ضمن اشاره‌ای به مفهوم سباق، بیان می‌کنند که سباق آیه، می‌تواند مانع از ظهور مفهوم سیاق گردد: «ما دو عامل داریم برای حجیت ظواهر و استظهار لفظ...؛ یک عامل سباق است یک عامل سیاق. اگر سیاق هم ظهور داشته باشد قدرت مقاومت در برابر سباق را ندارد؛

۱. واژه‌ی سیاق از ریشه‌ی «سوق» (راندن) است. به کسی که از پشت سر، شتران را به جلو می‌راند ساق می‌گویند، چنان که به کسی که از جلو شتران را هدایت می‌کند قائد می‌گویند؛ و معانی اسلوب، روش، طریقه، فنّ تحریر محاسبات به روش قدیم، تابع، اسلوب سخن و طرز جمله بندی برای سیاق ذکر کرده‌اند. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳؛ معین، ۱۳۶۳؛ ذیل «سیاق»؛ دهخدا ۱۳۵۵؛ ذیل «سیاق»؛ سیاح ۱۳۸۷؛ ذیل «سیاق») برای معنای اصطلاحی سیاق تعریف‌های متعددی ارائه کرده‌اند: ۱. سیاق یک مفهوم اساسی هنگام تفکر برای تکلم است که ابتدائاً در ذهن شکل می‌گیرد و بر اساس آن، معنایی و مفاهیم نظم می‌یابد و سپس آن معنایی برای انتقال به مخاطب در قالب الفاظ ظهور می‌یابد. هرگاه متکلم حکیمی بر اساس دریافت‌های جدید، اعم از دریافت‌های شناختی، عاطفی، شرایط زمان و مکان متأثر گردد، عقلانیت او وادار به واکنش می‌شود و منجر به ظهور مفهومی در ذهن متکلم می‌گردد که بر اساس آن، معنایی و مفاهیم مقصود به هم می‌پیوندند و منظم می‌شود و پس از آن متکلم برای بیان آن‌ها از اسلوب و ساختار لفظی مناسب بهره می‌گیرد. به این مفهوم ذهنی اصطلاحاً سیاق اطلاق می‌شود (کنعانی، ۱۳۸۴، ص. ۲۸). در این تعریف، سیاق از جانب متکلم منظور است نه مخاطب. ۳. شهید صدر، سیاق را هرگونه‌ی دل و نشانه‌ای می‌داند که با لفظی که فهم آن مقصود است، همراه باشد، خواه آن دل و نشانه، لفظی باشد به گونه‌ای که آن دل لفظی با لفظ مورد نظر، کلامی یکپارچه و مرتبط را تشکیل دهند یا آن دل و نشانه، حالی (غیرلفظی) باشد؛ مانند موقعیت‌ها و شرایطی که کلام را در بر گرفته و نسبت به موضوع مورد بحث نقش دلالت‌گری دارند. (صدر، ۱۴۲۳، ج ۱، ص. ۹۰) به عبارت دیگر سیاق عبارت است از: قرآینی که مفسر را در شناساندن معنای لفظ یاری می‌دهد. قرآین یادشده گاه همراه با لفظ بوده و قرآین لفظی محسوب می‌شود و گاه از بیرون در رساندن معنا نقش ایفا می‌کند، مانند: وضعیت و چگونگی‌هایی که پیرامون سخن شکل گرفته است و در نشان دادن معنا مؤثر می‌باشد. (اوسی، ۱۳۷۰؛ ۲۰۲-۲۰۸) بنابراین، تعریف سیاق عبارت است از ساختار کلامی که لفظ مورد بحث در آن قرار دارد و قرینه‌ی سیاق عبارت است از هرگونه قرینه‌ی لفظی یا غیرلفظی که با کلام همراه است. ۴. برخی صرفاً به قرآین متصله‌ی لفظیه تعریف نموده‌اند. (بابایی، ۱۳۸۰؛ ۱۲۰) در اینجا این نکته شایان توجه است که از تفسیر المیزان برمی‌آید که از معنای سیاق، نظم و یکپارختی کلمات و جملات، گاه در معنا و گاه در الفاظ است و در پیش تر موارد کاربرد سیاق در المیزان همین معنا مراد است. (ایزدی، ۱۳۹۱، ص. ۳۰)

سباق یعنی: ما ینسِق من هذه الکلمه» (جوادی آملی، پایگاه مدرسه فقهات، درس خارج فقه) ایشان با رد نظر اهل سنت که به واسطه‌ی تمسک به ظهور سیاقی آیات ۳۳-۳۴ سوره‌ی مبارکه‌ی احزاب، اهل‌البیت را از انحصار خاندان عصمت و طهارت خارج ساخته و عبارت کریمه «...إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا: خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند.» (الأحزاب/ ۳۳) را با کمک قبل و بعد آن معنا می‌کنند، اشاره‌ای به بحث سیاق می‌کنند (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۵، ص. ۱۱۵). بخشی از مطالبی که به آن اشاره می‌کنند عبارت است از:

وحدت سیاق یا «ظهور سیاقی» ضعیف‌ترین ظهورات شمرده می‌شود و در صورت وجود قرینه، حتماً باید از آن صرف‌نظر کرد.

ادعای وحدت سیاق در موردی صحیح است که بدانیم متکلم درصدد بیان یک مطلب است، یا حداقل علم به خلاف آن نداشته باشیم و ندانیم که متکلم درصدد بیان بیش از یک مطلب است یا نه؛ اما وقتی می‌دانیم متکلم در دو صحنه‌ی متفاوت و با دو مخاطب مختلف سخن گفته و درصدد بیان چند مطلب بوده است، ادعای وحدت سیاق، بی‌دلیل است.

توانایی وحدت سیاق در کشف مراد متکلم از حدّ قرینه فراتر نمی‌رود.

گاهی قرائن عقلی و نقلی، مانع از ظهور مفهوم سیاقی خواهد بود، که البته بر اساس مبانی تفسیری هر مفسر، این مطلب ممکن است متفاوت باشد، به‌عنوان مثال علامه‌ی طباطبایی، بر اساس این که قرآن را میزان سنجش صحّت و سُقم روایات می‌داند، تا زمانی که روایت باعرضه‌ی بر قرآن به درجه‌ای از اعتبار دست نیافته باشد، در برابر سیاق، قرینه‌ی محکمی نخواهد بود.<sup>۱</sup>

غیر از قواعدی که در تمامی متون و گفتارها در خصوص اثرگذاری سیاق بر مفهوم آیه، باید مورد توجه باشد، در خصوص قرآن که معجزه‌ی الهی است، بر اساس ویژگی‌های این کتاب، برخی قواعد دیگر را نیز می‌توان مورد ملاحظه قرار داد.

در مجموعه آیاتی که باهم نازل شده‌اند و محذوری جهت استفاده از مفهوم سیاق نیست، تکلیف بیان شد، لکن گاهی آیات، نزول هم‌زمان نداشته‌اند ولی به مناسبتی در کنار هم قرار گرفته‌اند<sup>۲</sup> (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۵، ص. ۱۱۵).

لذا اگر در روش تفسیری قرآن به قرآن، در کنار موضوع سیاق، هم زمان به مسئله‌ی سیاق توجه نشود، ممکن است برداشت‌های ناقص یا اشتباهی از قرآن کریم دریافت شود.

۱. علامه طباطبایی در تفسیر آیه‌ی «...فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْرَاهِيمَ لَمْ يُكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ» [پس همه سجده کردند، جز ابراهیم که از سجده‌کنندگان نبود. (الأعراف: ۱۱) و توضیح مسئله‌ی تمرد ابراهیم، ظهور آیه را بر سیاق آن ترجیح داده و بیان می‌کند که «اگرچه سیاق این داستان، سیاق یک داستان اجتماعی معمولی و متضمن امر و امتثال و تمرد و احتجاج و طرد و رجیم و امثال آن از امور تشریحی و مولوی است، لیکن بیان سابق ما، ما را هدایت می‌کند به این که این آیه راجع به امور تشریحی و قانونی نیست و امری که در آن است و همچنین امتثال و تمردی که در آن ذکر شده مقصود از همه‌ی آن‌ها امور تکوینی است.» (طباطبایی، ۱۳۸۵، ج ۸، ص. ۲۷).

۲. به‌عنوان مثال اگر در آیات ۳۳-۳۴ سوره‌ی مبارکه‌ی احزاب، علامه‌ی طباطبایی بر اساس ادله‌ای که می‌آورند، یکی از مواردی که برای عدم استفاده از سیاق آیات در تفسیر «...إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند.» (الأحزاب: ۳۳) ذکر می‌کند، عدم هم‌زمانی نزول است. (طباطبایی، ۱۳۸۵، ج ۱۶، ص. ۴۶۶) که در ادامه می‌فرماید این عبارت یا به دستور نبی مکرم اسلام یا بعد از ایشان توسط تدوین‌کنندگان قرآن کریم، در این محل گذاشته شده است.

#### ۴-۳-۲. جمع سیاق و سباق

از بنیادی‌ترین قواعد حاکم بر قرآن کریم که در روش تفسیر قرآن به قرآن مورد توجه قرار گرفته است و از قضا از طرف کسانی که به تبیین این روش تفسیری، پرداخته‌اند کمتر مورد توجه بوده است، قاعده‌ای است که خود علامه‌ی طباطبایی مکرر در تفسیر المیزان اشاره کرده است (طباطبایی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص. ۲۶۰؛ ج ۱۰، ص. ۹۹)، و آن امکان «جمع سباق و سیاق» است. قرآن کریم برخلاف خطبه، خطاب و کلمات دیگران، که تا سباق و سیاقش جمع‌بندی نشود و مجموع ملاحظه نگردد، چیزی از آن به دست نمی‌آید، کتابی است که هم می‌توان از مجموع آن حکمی استخراج کرد؛ هم از جمیع آن آیه؛ یعنی از یک‌یک کلمات آن (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۳۷، ص. ۱۱۷-۱۱۸). بر پایه‌ی این قاعده اساسی، هم هر سوره‌ای می‌تواند پیامی خاص داشته باشد؛ هم هر آیه‌ای از آن تفسیری ویژه و هر جمله‌ی آن معنایی نو و هیچ کلمه‌ای در قرآن مهمل نیست و «همه‌ی فروض ترکیبی ممکن در یک آیه، حجت‌اند و می‌توان به آن‌ها احتجاج کرد» (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۳۷، ص. ۱۱۷-۱۱۸). ایشان در این خصوص، به روایتی استناد می‌کنند که در آن امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «إِنَّ الْآيَةَ لَتَنْزِلُ أَوْلَهَا فِي شَيْءٍ وَ أَوْسَطَهَا فِي شَيْءٍ وَ آخِرَهَا فِي شَيْءٍ آخِرٍ» (عیاشی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص. ۱۱)؛ یعنی گاهی اول آیه‌ای از قرآن درباره‌ی چیزی، وسط آن درباره‌ی چیزی دیگر و آخر آن درباره‌ی چیز سوم است (جوادی آملی، ۱۳۹۶، ص. ۲۸۰). این قاعده باعث می‌شود هم‌زمان از یک آیه مطالب متعددی متناسب با مقام‌های متنوع استخراج شود. این نکته ضمن این که در تفسیر تسنیم به کرات مشاهده می‌شود، در تفسیر المیزان هم مواردی ذکر شده است.<sup>۱</sup>

#### ۴-۴. انواع سیاق

همان‌گونه که بیان شد، هر چند که سیاق یک قاعده‌ی عقلایی است که در علوم دیگر و عرف هم قابل استفاده است لکن به خاطر مبانی‌ای همچون «انسجام داخلی قرآن و غرض سور و ...» که طرح شد و اسلوب خاص قرآن کریم که مهم‌ترین آن سوره‌بندی و تفکیک سوره به آیات است،

۱. یکی از مثال‌هایی که برای این قاعده در تفسیر تسنیم به آن اشاره شده است، آیه ۹۱ سوره‌ی مبارکه‌ی انعام می‌باشد: «آیه‌ی ... قُلِ اللَّهُ تَمُّ ذُرِّهِمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ» که مجموع آن در پاسخ مشرکان نازل شده و یک جمله‌ی کامل است و اگر تقطیع نیز شود و هر جمله‌ای جدا ملاحظه گردد معنای مستقلی دارد، پس برای این آیه چهار معناست: ا. «قُلِ اللَّهُ». ب. «قُلِ اللَّهُ تَمُّ ذُرِّهِمْ». ج. «قُلِ اللَّهُ تَمُّ ذُرِّهِمْ فِي خَوْضِهِمْ». د. «قُلِ اللَّهُ تَمُّ ذُرِّهِمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ» (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۳۷، ص. ۱۱۸).

۲. علامه‌ی طباطبایی در ذیل آیه‌ی «... وَ مَا آتَاكُمْ الرَّسُولَ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا...» و آنچه را فرستاده [او] به شما داد، آن را بپذیرید و از آنچه شما را باز داشت، بازایستید... (الحشر: ۷) ابتدا بر اساس سیاق، آیه را معنا می‌کند که شامل سه قسم فیء می‌باشد و بعد از اتمام بحث، مجدداً بیان می‌کند که صرف نظر از سیاق نیز این آیه مفهوم دیگری دارد: «این آیه صرف نظر از سیاقی که دارد، شامل تمامی اوامر و نواهی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌شود و تنها منحصر به دادن و ندادن سهمی از فیء نیست، بلکه شامل همه‌ی اوامری است که می‌کند و نواهی ای که صادر می‌فرماید هست» (طباطبایی، ۱۳۸۵، ج ۱۹، ص. ۳۵۲).

در مثالی دیگر علامه‌ی طباطبایی در تفسیر آیه‌ی شریفه‌ی «وَ قَرَأْنَا فَرَقْنَا لِتَفْرَأَ عَلِيَّ النَّاسِ عَلِيَّ مَكْتُوبٌ وَ نَزَّلْنَا تَنْزِيلًا» (الاسراء: ۱۰۶) تفریق را یک بار با قطع نظر از سیاق، معنا کرده است و بار دیگر با در نظر گرفتن سیاق؛ و هر دو را صحیح دانسته است: «لفظ آیه با صرف نظر از سیاق آن، تمامی معارف قرآنی را شامل می‌شود و این معارف در نزد خدا در قالب الفاظ و عبارات بوده که جز به تدریج در فهم بشر نمی‌گنجد، لذا باید به تدریج که خاصیت این عالم است، نازل گردد تا مردم به آسانی بتوانند تعقلش کرده، حفظش نمایند، ... این آن معنایی است که از نظر لفظ آیه با قطع نظر از سیاق استفاده می‌شود و لیکن از نظر سیاق آیات قبلی ... منظور از تفریق قرآن این است که آن را بر حسب تدریجی بودن تحقق اسباب نزول، سوره سوره و آیه آیه نازل کردیم» (طباطبایی، ۱۳۸۵، ج ۱۳، ص. ۳۰۵).

این قاعده اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند که حاکی از کارکرد خاص آن است. این سیاق‌بندی‌ها به خاطر آنچه به عنوان جمع سیاق و سیاق بیان شد، نه تنها فرازهای مختلف را از استقلال خود نینداخته است، بلکه «ظرفیت جدید» و همچنین «سیستمی زایشی» را برای آن فراهم نموده است. در این بخش اشاره‌ای مختصر به انواع سیاق‌های قرآنی می‌کنیم:

#### ۴-۱-۴. سیاق کلمات

تأثیر این نوع سیاق بر تعیین معنای واژه‌ها، از قوی‌ترین قرینه‌های سیاقی است؛ زیرا متکلم در هیچ شرایطی، از کلماتی که با آن جمله‌ای می‌سازد، معانی دور از ذهن و نامناسب الفاظ اراده نمی‌کند. (شفیعی، ۱۳۹۵، ص. ۱۰۲) به‌عنوان مثال به دلیل سیاقی که در آیه‌ی شریفه «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ: خداوند روز جزاست.» (الحمد/۴)، از اضافه‌ی مالک به یوم، و یوم به دین، به وجود آمده است، واژه «دین» به معنای «جزا» ظهور کرده است؛ اما اگر به تنهایی می‌آمد ظهوری در آن نداشت چنان که در آیات دیگر چنین برداشتی نشده است (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص. ۳۸۳).

#### ۴-۲-۴. سیاق آیه‌ای

سیاق آیه‌ای، ارتباطی و انسجامی است که در داخل تعابیر و الفاظ یک آیه از قرآن کریم، وجود دارد. ارتباطی که صدر و ذیل آیه با همدیگر دارند، جزو مواردی است که به‌صورت مبنایی برای آشکار شدن معنا و مدلول آیات به‌کاررفته است (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص. ۲۵۰؛ ج ۲، ص. ۶۰۶). در آیه «سَبِّحْهُمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَّبِعِنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» تعبير «شهید»، بر اساس سیاق داخلی آیه به معنای «مشهود» ترجمه شده است (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص. ۴۲۱)، درحالی که تبادر اولیّه، معنای شاهد را به ذهن می‌رساند.

همان‌گونه که در سراسر قرآن کریم قابل مشاهده است، مضمون آیات قرآن کریم، شرح اسمای الهی است. برای تنبّه به ارتباط محتوای آیه‌ی قرآنی با اسم خاص الهی، گاهی اسم ویژه در ابتدای آیه و گاهی در اثنای آیه و زمانی، که غالباً این چنین است، در پایان آیه مطرح می‌شود که «معنای آن اسم خاص، ضامن مضمون آیه و علت یا علامت و سبب یا اثر آن اسم خواهد بود» (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۴، ص. ۴۵۰). این ارتباط در آیات الهی، تعبیه شده است و هم می‌توان برای یافتن مقصود آیات، از این اسامی بهره برد و هم فهمیدن معنای اسامی امکان استفاده از مضمون آیه وجود دارد.

#### ۴-۳-۴. سیاق موضوعی

تعبیر «سیاق مجموعه‌ی آیات»، عبارتی است که در تسنیم به‌صورت متعدد قابل مشاهده است

۱. «به‌زودی نشانه‌های خود را در افق‌ها [گونگون] و در دل‌هایشان بدیشان خواهیم نمود تا برایشان روشن گردد که او خود حق است؛ آیا کافی نیست که پروردگارت خود شاهد هر چیزی است» (فصلت: ۵۳). لازم به ذکر است این ترجمه نیز با آنچه توضیح داده شد، تطبیق ندارد و آقای فولادوند نیز در این ترجمه، معنای «شاهد» را برگزیده‌اند.

(به‌عنوان مثال: جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۴، ص ۴۱۴؛ ج ۷، ص ۵۰۴). که گاهی از آن به‌جای سیاق تعبیر به «آهنگ» آیات می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۷، ص ۳۰). هرچند آیات کل سوره با همدیگر با محوریت غرض سوره، اتحاد موضوعی دارند، لکن این ارتباط در بخشی از آیات مجاور بیشتر می‌شود که زمینه‌ی تدبیر افزون‌تری را فراهم می‌کند؛ لذا گاهی این‌گونه بیان می‌شود که «آیه هم با آیه‌ی پیشین ارتباط دارد و هم با مجموعه‌ی آیات گذشته» (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۲۰، ص ۵۵۹).

#### ۴-۴-۴. سیاق سوره‌ای

سیاق سوره‌ای، همان انسجام کل یک سوره بر حول محور «غرض واحد» یا هدف سوره است که در تفسیر قرآن به قرآن در ابتدای هر سوره مورد بررسی قرار گرفته و جایگاه ویژه‌ای دارد. از این غرض به‌عنوان یک مفهوم سایه‌افکن بر تمام سوره استفاده می‌شود.

#### ۴-۴-۵. سیاق سوره‌ها

برخی از دانشمندان علوم قرآنی و مفسران که ترتیب سور را توقیفی می‌دانند، رابطه‌ای بین انتهای سوره با ابتدای سوره‌ی بعدی عنوان می‌کنند (رجبی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۳). بر اساس نظر آیت‌الله جوادی آملی در خصوص توقیفی بودن ترتیب سور (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۱۳، ص ۴۵؛ ج ۱۷، ص ۸۴)، می‌توان از نتایج چنین بحثی استفاده کرد که در تفسیر تسنیم هم قابل مشاهده است (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۱۳، ص ۴۵). بر اساس این مینا، در تفسیر تسنیم، گاهی در پیشگفتار سوره، موضوع ارتباط سوره با سوره‌ی قبل تحت عنوان «ارتباط سوره با سوره‌ی قبل» مطرح شده است که ارتباط انتهای سوره با ابتدای سوره و هم ارتباط مضمون کل دو سوره را نسبت به همدیگر بررسی می‌کند.

#### ۵. نتیجه‌گیری

شناخت قرآن کریم، از این حیث که در مسئله‌ی تولید علم انسانی قرآن‌بنیان، مؤثر بوده، بسیار اهمیت دارد؛ چراکه نوع نگاه ما به قرآن کریم، میزان و نوع انتظار ما از قرآن کریم را مشخص خواهد نمود. لذا لازم است شناخت قرآن کریم بر اساس سه‌گانه‌ی نظام فاعلی قرآن، نظام داخلی و نظام غایی قرآن بررسی گردد تا امکان وصول به راهکارهای استخراج علم انسانی از قرآن کریم تسهیل گردد.

رابطه‌ی بین «قرآن کریم» و «علم انسانی» بر اساس نظام داخلی قرآن کریم، به‌صورت مجموعه‌ای از مبانی حاکم بر «محتوای» قرآن کریم، و مجموعه‌ای از مبانی حاکم بر «صورت»، اعم از «زبان» قرآن کریم و «اسلوب» آن قابل ترسیم می‌باشد. محتوای قرآن کریم متناسب با غایت آن است، و برای ارائه این محتوا زبانی را به کار گرفته که بتواند چنین هدفی را برآورده کند و همچنین ساختار و سبک، به‌گونه‌ای تنظیم شده که قابلیت تحقق چنین کاری را داشته باشد لذا باید نسبت بین این زبان و ساختار را در مواجهه با زبان و ساختارهای علوم انسانی استخراج نمود.

اگر بخواهیم بین علوم و قرآن کریم، ارتباط برقرار کنیم و زبان مشترکی را برای آن پیدا کنیم؛ با توجه به رابطه‌ی مهمانانه‌ای که قرآن کریم با علوم انسانی دارد، لازم است ابتدا با زبان خود قرآن کریم آشنا شویم. تعبیر صنعت ادبی ویژه‌ی وحی، تعبیری است که از سوی این دیدگاه برای زبان قرآن کریم به کار رفته است و آن را در سه لایه و سه سطح زبان عربی مبین و زبان فطرت و زبان نور بیان می‌دارد.

هر کتاب و اثری در کنار محتوایی که دارد و از قالب و زبان خاص خود بهره می‌گیرد، برای ارائه‌ی محتوای خود در قالب مدنظر، ممکن است اسلوب و ساختارهای متنوعی را به کار بگیرد. مثلاً یکی از اساسی‌ترین اسلوب‌ها برای ارائه‌ی محتواهای کتب علمی در قالب زبان خاص هر علم، استفاده از تقسیم‌بندی‌های فصول و بخش‌ها و ... است که حتی همین‌ها هم می‌تواند شکل و ساختار خاص و متفاوتی داشته باشد، اما در مورد ساختار قرآن کریم، بر اساس نظرات آیت‌الله جوادی آملی قرآن کریم نه تنها در سبک بیانی خود متفاوت عمل کرده است و به‌طور کلی شیوه‌های رایج و معمول در کتب بشری را در پیش نگرفته است، بلکه در ساختار و اسلوب چینش و نظم دهی و نحوه‌ی بیان ظاهری نیز تفاوت‌های اساسی و جدی با کتب بشری دارد و با دقت و تعمق در نوع چینش مفاهیم و قالب معارف آن، به این نتیجه خواهیم رسید که «قرآن کریم از سبک بیانی خاصی برخوردار است» که منحصر در این کتاب الهی است و ما برخی از قواعد حاکم بر آن را بیان می‌کنیم.

یکی از مواردی که به آن اشاره می‌شود ایجاز قرآن کریم است. معجزه بودن قرآن کریم با ایجاز آن‌هم همراه است. نه تنها قرآن کریم توانسته است با برخورداری از باطن‌های متعدد، معارف متعددی را در این کتاب موجز الهی جای دهد، حتی ظاهر آن نیز به گونه‌ای تنظیم شده است که در عین رعایت ایجاز، معارف متعددی را بتوان به مخاطب متدبر و متعمق منتقل کرد. مورد بعدی، نظم و چینش خاص قرآن کریم می‌باشد. در مورد نظم و ترتیب آیات و سوره، چند سؤال اساسی وجود دارد که اندیشمندان قرآنی در خصوص آن نظرات متفاوتی دارند. آیه الله جوادی آملی در مورد توقیفی بودن آیات و سوره معتقدند که چینش آیات هر سوره و نحوه‌ی تنظیم آن به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است. در خصوص توقیفی بودن ترتیب سوره، یا عدم آن، آیت‌الله جوادی نظر مشهور را عدم توقیفی بودن ترتیب سوره اعلام نموده‌اند. در مورد تأثیر چینش قرآن کریم بر فهم آن، آیت‌الله جوادی آملی این چینش را مسئله‌ای فراتر از یک نظم و زیبایی ظاهری می‌داند بلکه آن را از اعجازهای قرآن شمرده و ارزشی معرفت‌زا برایش قائل است. ایشان همچنین در ذیل بررسی ساختار قرآن به بحث سیاق و سباق نیز می‌پردازند و بیان می‌دارند که سیاق معنایی است که باملاحظه‌ی صدر و ذیل کلمه یا جمله (فضای کلام) به ذهن انسان می‌رسد؛ اما «سباق» یا «تبادر» به اولین معنایی گفته می‌شود که باملاحظه‌ی خود کلمه یا جمله، بدون در نظر گرفتن صدر و ذیل آن، به ذهن می‌رسد. ایشان هماهنگی سیاق و سباق را نشانه‌ی وحدت نزول یا صدور دانسته و قدرت غلبه‌ی سباق بر سیاق را بیشتر می‌داند آنگاه برای سیاق انواعی را قائل می‌شوند که می‌توان به سیاق کلمات، سیاق آیه‌ای، سیاق موضوعی، سیاق سوره‌ای و سیاق سوره‌ها اشاره نمود.

## منابع

## قرآن کریم

ایزدی، مهدی (۱۳۹۱). سیاق و سباق در مکتب تفسیری علامه طباطبایی، مطالعات قرآن و حدیث، ۲(۱۰)، ۳۴-۵.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷). الوحي و النبوه، قم: اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰ ب). جامعه در قرآن. قم: اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰ پ). قرآن در قرآن. قم: اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰ ث). هدایت در قرآن. قم: اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۵). تسنیم. ۴۳ مجلد، قم: اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۳). نزاهت قرآن از تحریف. قم: اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴). حیات حقیقی انسان در قرآن (تفسیر موضوعی). قم: اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). وحی و نبوت در قرآن. قم: اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰ الف). ادب فنای مقرران. ۹ مجلد، قم: اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰ ت). وحی و نبوت، قم: اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۶). شمیم ولایت. قم: اسراء.

رجبی، محمود (۱۳۸۷). روش تفسیر قرآن. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

شفیعی، حسین (۱۳۹۵). دیدگاه تفسیری آیت الله جوادی آملی درباره‌ی سیاق و نمودشناسی آن. معارج، ۲۱(۲)، ۴۰-۲۱.

صدر، محمد باقر (۱۳۹۵). پژوهش‌های قرآنی (مترجم: سید جلال میرآقایی). قم: دارالصدر.

طباطبایی، محمد حسین (۱۳۸۵). قرآن در اسلام. قم: انتشارات دفتر انتشارات اسلامی.

طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۵). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم.

عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۷۹). تفسیر عیاشی. قم: بنیاد بعثت.

کنعانی، سید حسین (۱۳۸۴). سیر تحوّل کاربرد سیاق در تفسیر. فصلنامه‌ی مشکوه، ۸۷، ۲۸-۴۲.

پایگاه مدرسه‌ی فقهت، درس تفسیر قرآن کریم، مورخ ۱۳۸۷/۸/۲۸ در:

[eshia.ir/feqh/Archive/Text/Javadi/870828](http://eshia.ir/feqh/Archive/Text/Javadi/870828)

پایگاه مدرسه‌ی فقهت، درس خارج فقه، مورخ ۱۳۸۸/۹/۱۸ در:

[eshia.ir/Feqh/Archive/Text/Javadi/Feqh/880918](http://eshia.ir/Feqh/Archive/Text/Javadi/Feqh/880918)



## نمایه‌ی مجله پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم

مهدی گنجور<sup>۱</sup>: کارشناسی ارشد، پژوهشگر مرکز مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن کریم، جهاد دانشگاهی

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم

سال دهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۸، صص ۹۷-۱۴۷

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۰۲/۰۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۰۵/۱۲

### چکیده

یکی از مسائل پیچیده در حوزه‌ی پژوهش شناخت و دسترسی به منابع مورد نیاز محققان در میان انبوه متون علمی است. امروزه نمایه‌ها از ابزارهای مهم تسهیل برای پژوهشگران، سازمان‌ها، دانشگاه‌ها و ... هستند. هدف از نمایه‌سازی افزایش میزان دسترسی مراجعه‌کنندگان به مطالب موضوعی مورد جست‌وجو است؛ براین اساس نشریات تلاش می‌کنند تا براساس معیارهایی پذیرفته و طبقه‌بندی شده اطلاعات پژوهشی خود را در اختیار مخاطبین قرار دهند. در همین راستا نشریه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم با بیش از ۱۰ سال سابقه در نشر آثار محققین اقدام به انتشار نمایه مقالات خود نموده است. این نمایه همزمان با بیستمین شماره این مجله در سه بخش موضوعی، کلیدواژه‌گان و اسامی نویسندگان گردآوری شده است.

**کلیدواژه‌ها:** نمایه، مجله، میان‌رشته‌ای، قرآن کریم.

## ۱. نمایه موضوعات

۱

### ادبیات

بررسی تطبیقی آیات و احادیث در گلستان سعدی و مرزبان‌نامه، سال هشتم، شماره دوم.  
 بینامتنی قرآن و حدیث در شعر شیعی طلائع بن زُرَیْک، سال سوم، شماره اول.  
 واکاوی مؤلفه‌های روایی داستان‌های قرآن کریم، سال دوم، شماره پنجم.  
 بینامتنی قرآنی در مقامات ناصیف یازجی، سال دوم، شماره پنجم.  
 بینامتنی اشعار عبدالوهاب البیاتی با قرآن کریم، سال دوم، شماره پنجم.

### ارتباطات

مطالعه تطبیقی اقناع در مدل یادگیری و مدل قرآن، سال ششم، شماره اول.  
 بررسی بافت‌های تأثیر گذار در ارتباط میان فردی از دیدگاه قرآن، سال سوم، شماره اول.

### آموزش

شناسایی و تحلیل خلأهای موجود در پژوهش‌های انجام شده در زمینه آموزش قرآن، سال هشتم، شماره دوم.

ارتباط آموزش قرآن کریم با شادکامی، سال دوم، شماره چهارم.

### آواشناسی

بررسی جایگاه آواها در حرکت بخشی به تصاویر ادبی صحنه‌های قیامت در قرآن کریم، سال چهارم، شماره اول.

### پ

### پزشکی

مفهوم شناسی دانشگاه علوم پزشکی اسلامی با تکیه بر آیات و روایات، سال ششم، شماره اول.  
 علت رویش شجره‌ای از «یقظین» کنار بدن یونس نبی (ع)، سال دوم، شماره چهارم.  
 مراحل رشد جنین از منظر قرآن، سال اول، شماره دوم.  
 دعا درمانی: کاربرد آیات فاتحه‌الکتاب و سوره‌های توحید و قدر در مبتلایان به سندرم تونل کارپ،

سال اول، شماره دوم.  
جستاری در نظام آفرینش جنین در قرآن؛ واکاوی مرحله نخست رشد و تکامل جنین، سال اول، شماره سوم.  
دعا درمانی (قرائت سوره فاتحه‌الکتاب و سوره توحید) و کیفیت زندگی در بیماران مولتیپل اسکلروز (ام. اس.)، سال اول، شماره اول.

## ت تاریخ

موانع ترمینولوژیک همکاری میان‌رشته‌ای تاریخ با مطالعات قرآنی و راهکار برون‌رفت از آن، سال هفتم، شماره دوم.  
تواتر تاریخی در حوزه قرآن و حدیث (با تأکید بر نقد دیدگاه خاورشناسان و اخباریان)، سال چهارم، شماره دوم.  
قصه‌الگوی روایت تاریخی از منظر قرآن کریم، سال دوم، شماره چهارم.  
جستاری درباره رابطه گزاره‌های تاریخی قرآن با گزاره‌های علم تاریخ، سال اول، شماره دوم.

## تربیت

خانواده و کارکرد تربیتی آن در قرآن و روایات، سال هشتم، شماره دوم.  
آسیب‌شناسی عوامل مؤثر بر تربیت دینی دختران، سال هشتم، شماره دوم.  
موانع رویکرد تربیت اجتماعی در حوزه‌ی رفتار در بستر تحقق سلامت جامعه از منظر قرآن کریم، سال هفتم، شماره اول.  
رویکردی نظری و عملی به هنر تصویر آفرینی قرآن، سال سوم، شماره دوم.  
رابطه امید، شادکامی و جهت‌گیری مذهبی با سلامت معنوی مریدان قرآن، سال پنجم، شماره اول.  
دانشگاه اسلامی و چشم‌انداز آن از منظر قرآن کریم، سال چهارم، شماره اول.  
تربیت اسلامی (گذر اهداف کلی به اهداف رفتاری)، سال اول، شماره سوم.  
امر به معروف و نهی از منکر از منظر دین و شرایط اقامه آن، سال سوم، شماره دوم.  
بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی با رویکرد قرآنی بر افسردگی دانشجویان، سال اول، شماره اول.

## ترجمه

واکاوی تحلیلی تعادل ساختاری تمییز در ترجمه فارسی حداد عادل از قرآن کریم (مطالعه موردپژوهش: سوره‌های اسراء و مریم)، سال هشتم، شماره اول.

## تفسیر

تأملی بر دلالت تفسیر سوره شناختی آیه ۳۵ از سوره احزاب بر یک الگوی توسعه و پیشرفت اجتماعی، سال پنجم، شماره اول.



## ج جامعه‌شناسی

- بنیان‌های نظری جامعه‌شناسی در قرآن کریم، سال چهارم، شماره دوم.
- تأملی بر دلالت تفسیر سوره شناختی آیه ۳۵ از سوره احزاب بر یک الگوی توسعه و پیشرفت اجتماعی، سال پنجم، شماره اول.
- مطالعه تطبیقی معیارهای گروه بندی در جامعه‌شناسی و سه سوره اول قرآن کریم، سال سوم، شماره اول.
- جامعه‌شناسی خانواده در قرآن کریم
- سرمایه اجتماعی در اسلام، سال سوم، شماره اول.
- قرآن کریم و مهندسی اجتماعی، سال اول، شماره سوم.
- انسجام اجتماعی از منظر قرآن کریم، سال دوم، شماره پنجم.
- بررسی تأثیر آموزش آموزه‌های قرآنی بر بهبود پذیرش اجتماعی توسعه عدالت محور و الگوی ایرانی-اسلامی آن، سال اول، شماره سوم.
- بررسی تفاوت‌های جنسیتی زنان و مردان در دو دیدگاه قرآن مجید و فمینیسم، سال اول، شماره اول.
- منشأ طبقات اجتماعی و قرآن، سال اول، شماره اول.
- قرآن و علوم شناختی
- بررسی تطبیقی ارزیابی شناختی در رویکرد روانشناسی شناختی و قرآن، سال پنجم، شماره اول.

## ح حدیث

- رابطه قرآن با روایات، سال دوم، شماره پنجم.
- واکاوی مبانی مرجعیت قرآن در نقد حدیث بر پایه سیره معصومان (ع)، سال نهم، شماره دوم.
- بازنمایی ماهیت زیبایی‌شناسی از دیدگاه قرآن و حدیث، سال پنجم، شماره اول.
- بینامتنی قرآنی در مقامات ناصیف یازجی، سال دوم، شماره پنجم.
- ### حقوق
- بررسی تطبیقی جرائم علیه عدالت قضایی از دیدگاه قرآن و حقوق کیفری ایران، سال اول، شماره سوم.
- زمینه‌های حقوق تجارت الکترونیک در قرآن و سنت، سال دوم، شماره پنجم.
- حمایت از حریم خصوصی اشخاص از منظر آیات و روایات، سال سوم، شماره دوم.
- فساد اداری، عوامل و راهکارهای مقابله با آن از منظر آیات و روایات، سال چهارم، شماره دوم.
- رهیافت‌هایی قرآنی درباره حقوق کودک، سال چهارم، شماره دوم.
- حرمت خودکشی در قرآن و سنت و راهکارهای قرآنی برای پیشگیری آن، سال پنجم، شماره اول.
- منبع‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن و حقوق، سال نهم، شماره دوم.
- استحقاق اجرت‌المثل مدیر در اداره مال غیر از دیدگاه قرآن کریم و حقوق ایران، سال نهم، شماره دوم.

## حیطه‌های پژوهشی

شناسایی و رتبه‌بندی حیطه‌های پژوهش در حوزه مطالعات میان‌رشته‌ای دانش قرآنی و علوم تربیتی، سال نهم، شماره دوم.  
شناسایی و رتبه‌بندی حیطه‌های پژوهشی در حوزه مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن و سلامت، سال هشتم، شماره اول.  
شناسایی معیارهای زمینه‌های پژوهشی مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن کریم، سال هفتم، شماره دوم.

## خ خانواده

خانواده و کارکرد تربیتی آن در قرآن و روایات، سال هشتم، شماره دوم.  
جامعه‌شناسی خانواده در قرآن کریم، سال سوم، شماره اول.

## ر روان‌شناسی

نقش اراده آزاد در مقابل تقدیر از دیدگاه قرآن، روان‌شناسی و عصب‌شناسی، سال نهم، شماره دوم.  
رابطه شناخت و هیجان در قرآن و روان‌شناسی، سال هشتم، شماره اول.  
رابطه امید، شادکامی و جهت‌گیری مذهبی با سلامت معنوی مریدان قرآن، سال پنجم، شماره اول.  
مطالعه تطبیقی اقناع در مدل یادگیری و مدل قرآن، سال ششم، شماره اول.  
شناخت درمانی با استمداد از گزاره‌های قرآنی با تأکید بر اضطراب و افسردگی، سال ششم، شماره دوم.  
مبانی معرفت‌شناختی مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن کریم و روان‌شناسی، سال هشتم، شماره اول.  
اثربخشی معنا درمانی قرآن و معنا درمانی فرانکل بر سلامت روان و بهزیستی ذهنی مادران افسرده، سال چهارم، شماره دوم.  
بررسی تطبیقی ارزیابی شناختی در رویکرد روانشناسی شناختی و قرآن، سال پنجم، شماره اول.  
مقایسه نظریه روان‌شناختی بالبی با تعالیم اسلام در ارتباط با نقش مادر در تربیت کودک، سال چهارم، شماره دوم.  
نگرشی روان‌شناختی، اگرستانسیالیستی و قرآنی به مقوله «هم‌نگی با جماعت»، سال چهارم، شماره دوم.  
مواجهه با مرگ از دیدگاه قرآن و روان‌شناسی، سال دوم، شماره چهارم.  
اثربخشی معنا درمانی توأم با تلاوت قرآن و دعا بر افسردگی و سلول / T کمکی (CD4+)، سال سوم، شماره دوم.

## روش‌شناسی

سازوکار (فرایند و روش‌شناسی) پژوهش میان‌رشته‌ای قرآن کریم، سال نهم، شماره اول.  
شناسایی معیارهای زمینه‌های پژوهشی مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن کریم، سال هفتم، شماره دوم.



نقد و بررسی رویکرد تحقیق موضوعی در قرآن کریم، سال ششم، شماره اول.  
روش‌شناسی تحقیق موضوعی در قرآن کریم: طراحی الگویی کاربردی برای پژوهش‌های میان‌رشته‌ای، سال ششم، شماره اول.  
بررسی روش و راهبردهای تحقیق در مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن کریم (نمونه موردی: ارتباط معماری با قرآن کریم، سال پنجم، شماره اول).

## ز زبان‌شناسی

بررسی تطبیقی بافت موقعیت (برون‌زبانی) از دیدگاه فرث، هایمز و لوئیس با سیاق‌حالیه، سال دوم، شماره چهارم.

## زیبایی‌شناسی

بازنمایی ماهیت زیبایی‌شناسی از دیدگاه قرآن و حدیث، سال پنجم، شماره اول.  
قرآن کریم چشمه‌سار زیبایی‌شناسی، سال اول، شماره سوم.  
بررسی حکمت عناصر منظر در بهشت قرآنی با تأکید بر سوره مبارکه الرحمن، سال اول، شماره اول.  
بررسی حکمت عناصر منظر در بهشت قرآنی با تأکید بر سوره مبارکه الرحمن، سال اول، شماره اول.

## س سبک زندگی

هنرهای چهارگانه سبک زندگی مؤمنانه با تکیه بر آموزه‌های رضوی، سال هفتم، شماره اول.  
بررسی راهکارهای استفاده از اوقات فراغت در قرآن و روایات و اثر آن بر سلامت، سال ششم، شماره دوم.  
ظرفیت‌های معماری متناسب با مفهوم کیفیت زندگی انسان در قرآن، سال چهارم، شماره دوم.  
مقوله‌ای فرهنگی و اعتقادی در چارچوب سبک زندگی اسلامی، سال چهارم، شماره اول.  
دانشگاه اسلامی و چشم‌انداز آن از منظر قرآن کریم، سال چهارم، شماره اول.  
کانون کنترل انسان در قرآن با تأکید بر مفهوم جبر و اختیار، سال چهارم، شماره اول.  
انسجام اجتماعی از منظر قرآن کریم، سال دوم، شماره پنجم.  
قرآن کریم و کثرت‌گرایی دینی، سال اول، شماره سوم.  
مکان و مسکن در منظر اسلام، سال اول، شماره سوم.  
امر به معروف و نهی از منکر از منظر دین و شرایط اقامه آن، سال سوم، شماره دوم.  
سرمایه اجتماعی در اسلام، سال سوم، شماره اول.  
بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی با رویکرد قرآنی بر افسردگی دانشجویان، سال اول، شماره اول.

## قرآن و اقتصاد

تأمین بهداشت روانی اقتصاد و تقویت آن از منظر آموزه‌های دینی، سال دوم، شماره چهارم.

### سلامت

منبع‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن و سلامت، سال هشتم، شماره دوم.  
شناسایی و رتبه‌بندی حیطه‌های پژوهش در حوزه مطالعات میان‌رشته‌ای دانش قرآنی و علوم تربیتی، سال نهم، شماره دوم.  
موانع رویکرد تربیت اجتماعی در حوزه‌ی رفتار در بستر تحقق سلامت جامعه از منظر قرآن کریم، سال هفتم، شماره اول.  
بررسی شاخصه‌های فرهنگ اسلامی جهت تأمین سلامت فردی و اجتماعی از منظر قرآن کریم، سال هفتم، شماره اول.

بررسی اثربخشی تدبیر در آیات قرآن کریم بر افزایش سلامت روان، سال هفتم، شماره اول.  
بررسی عوامل دستیابی به سلامت روان از منظر قرآن کریم، سال هفتم، شماره اول.  
بررسی کلمه «شفاء» در قرآن کریم بر اساس تفاسیر تشیع و اهل سنت، سال هفتم، شماره اول.  
بررسی راهکارهای استفاده از اوقات فراغت در قرآن و روایات و اثر آن بر سلامت، سال ششم، شماره دوم.

بررسی عوامل بازدارنده به ثمر رسیدن رنج و تلاش و نقش آن در سلامت روان با تأکید بر قرآن کریم، سال ششم، شماره دوم.

نقش سلامت قلب در سبک زندگی از منظر قرآن کریم، سال ششم، شماره دوم  
شناخت درمانی با استمداد از گزاره‌های قرآنی با تأکید بر اضطراب و افسردگی، سال ششم، شماره دوم.  
خواب و بیداری به عنوان یکی از ارکان حفظ الصحة در قرآن کریم، سال ششم، شماره دوم.  
آرامش حقیقی از دیدگاه قرآن، سال ششم، شماره دوم.

نقش سلامت قلب در سبک زندگی از منظر قرآن کریم، سال ششم، شماره دوم.  
اثربخشی استماع به آوای قرآن کریم در بهبود افسردگی زنان نابارور، سال ششم، شماره اول.  
رابطه امید، شادکامی و جهت‌گیری مذهبی با سلامت معنوی مریدان قرآن، سال پنجم، شماره اول.  
اثربخشی معنا درمانی قرآن و معنا درمانی فرانکل بر سلامت روان و بهزیستی ذهنی مادران افسرده، سال چهارم، شماره دوم

اثربخشی معنا درمانی توأم با تلاوت قرآن و دعا بر افسردگی و سلول / T کمکی (CD4+)، سال سوم، شماره دوم.

تأمین بهداشت روانی اقتصاد و تقویت آن از منظر آموزه‌های دینی، سال دوم، شماره چهارم.  
ارتباط آموزش قرآن کریم با شادکامی، سال دوم، شماره چهارم.  
علت رویش شجره‌ای از «یقظین» کنار بدن یونس نبی (ع)، سال دوم، شماره چهارم.  
دعا درمانی (قرائت سوره فاتحه‌الکتاب و سوره توحید) و کیفیت زندگی در بیماران مولتیپل اسکلروز



(ام. اس)، سال اول، شماره اول.

سلامت معنوی؛ مفاهیم و چالش‌ها، سال اول، شماره اول.

بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی با رویکرد قرآنی بر افسردگی دانشجویان، سال اول، شماره اول.

تأویل آیه ۸۲ سوره اسراء در رابطه با دعا و درمان، سال اول، شماره اول.

## ع

### عصب‌شناسی

نقش اراده آزاد در مقابل تقدیر از دیدگاه قرآن، روان‌شناسی و عصب‌شناسی، سال نهم، شماره دوم.

آموزه‌های قرآنی و نقش نورون‌های آینه‌ای مغز در اثبات اثر مشاهده و نیت در ایجاد رفتار متقابل،

سال اول، شماره دوم.

### علوم تربیتی

شناسایی و رتبه‌بندی حیطه‌های پژوهش در حوزه مطالعات میان‌رشته‌ای دانش قرآنی و علوم

تربیتی، سال نهم، شماره دوم.

بررسی فراوانی مؤلفه‌های انگیزه پیشرفت در کتاب‌های ابتدایی با تأکید بر آموزه‌های قرآن و

تفاسیر، سال نهم، شماره اول.

اثر بخشی آموزش مهارت‌های زندگی با رویکرد قرآنی، سال هشتم، شماره دوم.

مقایسه نظریه روان‌شناختی بالبی با تعالیم اسلام در ارتباط با نقش مادر در تربیت کودک، سال

چهارم، شماره دوم.

### علوم سیاسی

الگوی نظام‌سازی سیاسی قرآنی، سال نهم، شماره اول.

نظریه «قدرت نرم» در قرآن کریم؛ مطالعه تطبیقی گفتمان اسلامی و غرب، سال ششم، شماره اول.

### علوم طبیعی

گونه‌شناسی تبیین‌های علمی از قرآن کریم، سال هفتم، شماره دوم.

کتاب‌شناسی قرآن و علوم طبیعی، سال هشتم، شماره اول.

بررسی ارتباط انسان با طبیعت از منظر معادشناسی در قرآن کریم، سال دوم، شماره پنجم.

## ف

### فقه

نقد و بررسی ادعای نسخ حکم متعه، سال نهم، شماره دوم.

واکاوی رویکردهای موجود در خصوص نظام‌سازی قرآنی، سال نهم، شماره اول.

### فلسفه

نگرشی روان‌شناختی، اکزیستانسیالیستی و قرآنی به مقوله «همرنگی با جماعت»، سال چهارم، شماره دوم.



تحلیل دیدگاه هانری گربن در تأویل رمز و نقش خیال فعال در فهم متون حکمی اسلامی، سال سوم، شماره اول.

از خود بیگانگی: از خود بیگانگی: مقایسه‌ای از دیدگاه هگلیمان جوان و برخی مفسران قرآن، سال دوم، شماره چهارم.

عقل و عقل گرایی در فلسفه و قرآن، سال اول، شماره دوم.  
بررسی تطبیقی جرائم علیه عدالت قضایی از دیدگاه قرآن و حقوق کیفری ایران، سال اول، شماره سوم.

### فناوری اطلاعات

آسیب‌شناسی مطالعات بین‌رشته‌ای قرآن کریم، سال چهارم، شماره دوم.

## ق

### قصص

مکان، زمان، رؤیا و شخصیت در سوره یوسف (ع)، سال سوم، شماره دوم.  
بررسی حکمت و زیبایی قصه یوسف (ع) در قرآن کریم، سال اول، شماره اول.

## م

### مبانی نظری

نظام‌سازی قرآن‌بنیان (مفاهیم اساسی، راهبردها و فرایندها)، سال نهم، شماره اول.  
نظام‌سازی قرآن‌بنیان؛ چیستی، چرایی و چگونگی، سال نهم، شماره اول.  
واکاوی رویکردهای موجود در خصوص نظام‌سازی قرآنی، سال نهم، شماره اول.  
مبانی معرفت‌شناختی مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن کریم و روان‌شناسی، سال هشتم، شماره اول.  
گونه‌شناسی تبیین‌های علمی از قرآن کریم، سال هفتم، شماره دوم.  
شناسایی معیارهای زمینه‌های پژوهشی مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن کریم، سال هفتم، شماره دوم.  
بررسی و رتبه‌بندی علوم و معارف در قرآن کریم، سال هفتم، شماره دوم.

### مدیریت

مقایسه ویژگی‌های مدیریت از دیدگاه قرآن کریم با مدیریت از دیدگاه تئوری‌های غربی، سال اول، شماره دوم.

بررسی رویکردهای نظری به مدیریت اسلامی، سال اول، شماره دوم.

### معماری

ظرفیت‌های معماری متناسب با مفهوم کیفیت زندگی انسان در قرآن، سال چهارم، شماره دوم.  
بررسی روش و راهبردهای تحقیق در مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن کریم (نمونه موردی: ارتباط معماری با قرآن کریم، سال پنجم، شماره اول).  
شناسه‌های شهر در قرآن کریم، سال چهارم، شماره دوم.



تجلی مفاهیم قرآنی در باغ ایرانی با تأکید بر سوره انسان (نمونه موردی: باغ دولت آباد یزد)، سال چهارم، شماره اول.  
مرتبه بندی معماری متناسب با ساختار وجودی انسان بر اساس آموزه های قرآن و حکمت اسلامی، سال چهارم، شماره اول.  
بازشناسی مؤلفه های هویتی مسکن سنتی بر اساس آیات قرآن و روایات ائمه معصومین، سال سوم، شماره دوم.  
مکان و مسکن در منظر اسلام، سال اول، شماره سوم.

### معناشناسی

درآمدی بر هستان شناسی قرآنی و تأثیر آن بر واژگان شناختی با تأکید بر مفهوم عمل صالح، سال هفتم، شماره دوم.  
ویژگی های ممتاز واژه ای از منظر معناشناختی و خوش نویسی، سال هفتم، شماره دوم.  
مطالعه هفت سوره از جزء سی ام قرآن کریم بر پایه دستور نقش گرای نظام مند هلیدی، سال چهارم، شماره دوم.

### منبع شناسی

منبع شناسی مطالعات میان رشته ای قرآن و حقوق، سال نهم، شماره دوم.  
کتاب شناسی قرآن و علوم طبیعی، سال هشتم، شماره اول.  
منبع شناسی مطالعات میان رشته ای قرآن و سلامت، سال هشتم، شماره دوم.

## ن

### نظام سازی

نظام سازی قرآن بنیان (مفاهیم اساسی، راهبردها و فرایندها)، سال نهم، شماره اول.  
نظام سازی قرآن بنیان؛ چیستی، چرایی و چگونگی، سال نهم، شماره اول.  
واکاوی رویکردهای موجود در خصوص نظام سازی قرآنی، سال نهم، شماره اول.  
الگوی نظام سازی سیاسی قرآنی، سال نهم، شماره اول.  
نقدی بر مقاله «قرآن کریم و مهندسی اجتماعی»، سال دوم، شماره پنجم.  
قرآن کریم و مهندسی اجتماعی، سال اول، شماره سوم.

## ه

### هنر

بررسی اثربخشی آیه های قرآن و موسیقی بر مبنای گسیل الکتروفوتون، سال هشتم، شماره اول.  
ویژگی های ممتاز واژه ای از منظر معناشناختی و خوش نویسی، سال هفتم، شماره دوم.  
تجلی آیات قرآن مجید در فرش - باغ ایرانی با تأکید بر سوره الرحمن، سال چهارم، شماره دوم.

تجلی مفاهیم قرآنی در باغ ایرانی با تأکید بر سوره انسان (نمونه موردی: باغ دولت آباد یزد)، سال چهارم، شماره اول.  
بررسی جایگاه آواها در حرکت بخشی به تصاویر ادبی صحنه‌های قیامت در قرآن کریم، سال چهارم، شماره اول.  
رویکردی نظری و عملی به هنر تصویر آفرینی قرآن، سال سوم، شماره دوم.

## ۲. نمایه کلید واژگان

۱

اِزهارها: سلامت معنوی؛ مفاهیم و چالش‌ها، سال اول، شماره اول.  
اتانازی: حرمت خودکشی در قرآن و سنت و راهکارهای قرآنی برای پیشگیری آن، سال پنجم، شماره اول.  
اتراف: تأمین بهداشت روانی اقتصاد و تقویت آن از منظر آموزه‌های دینی، سال دوم، شماره چهارم.  
اجرت‌المثل: استحقاق اجرت‌المثل مدیر در اداره مال غیر از دیدگاه قرآن کریم و حقوق ایران، سال نهم، شماره دوم.  
احسان: استحقاق اجرت‌المثل مدیر در اداره مال غیر از دیدگاه قرآن کریم و حقوق ایران، سال نهم، شماره دوم.  
اخباریان: تواتر تاریخی در حوزه قرآن و حدیث (با تأکید بر نقد دیدگاه خاورشناسان و اخباریان)، سال چهارم، شماره دوم.  
اختلاف طبقاتی: منشأ طبقات اجتماعی و قرآن، سال اول، شماره اول.  
ادبیات معاصر عربی: پیامتنی اشعار عبدالوهاب الیبائی با قرآن کریم، سال دوم، شماره پنجم.  
ادعای نسخ آیه قرآن: نقد و بررسی ادعای نسخ حکم متعه، سال نهم، شماره دوم.  
اراده آزاد: نقش اراده آزاد در مقابل تقدیر از دیدگاه قرآن، روان‌شناسی و عصب‌شناسی، سال نهم، شماره دوم.  
ارتباط با قرآن: ارتباط آموزش قرآن کریم با شادکامی، سال دوم، شماره چهارم.  
ارتباط میان فردی در قرآن: بررسی بافت‌های تأثیر گذار در ارتباط میان فردی از دیدگاه قرآن، سال سوم، شماره اول.  
ارتعاش: تاویل آیه ۸۲ سوره اسراء در رابطه با دعا و درمان، سال اول، شماره اول.  
از خود بیگانگی: مقایسه‌ای از دیدگاه هگلیان جوان و برخی مفسران قرآن، سال دوم، شماره چهارم.  
ازدواج: جامعه‌شناسی خانواده در قرآن کریم، سال سوم، شماره اول.  
استعاره: تحلیل فضاهای ذهنی گفتمان شیطان در قرآن، سال هفتم، شماره دوم.  
استماع: اثربخشی استماع به آوای قرآن کریم در بهبود افسردگی زنان ناباور، سال ششم، شماره اول.  
اسلام و روان‌شناسی: مقایسه نظریه روان‌شناختی بالبی با تعالیم اسلام در ارتباط با نقش مادر در



تربیت کودک، سال چهارم، شماره دوم.

اسلام: سرمایه اجتماعی در اسلام، سال سوم، شماره اول.

اسلام: موانع رویکرد تربیت اجتماعی در حوزه رفتار در بستر تحقق سلامت جامعه از منظر قرآن کریم، سال هفتم، شماره اول.

اسلام: نظریه «قدرت نرم» در قرآن کریم؛ مطالعه تطبیقی گفتمان اسلامی و غرب، سال ششم، شماره اول.

اسلامی سازی دانش: بنیان‌های نظری جامعه‌شناسی در قرآن کریم، سال چهارم، شماره دوم.

اسلامی سازی معرفت: نظام‌سازی قرآن‌بنیان (مفاهیم اساسی، راهبردها و فرایندها)، سال نهم، شماره اول.

اشارات قرآن: شناسه‌های شهر در قرآن کریم، سال چهارم، شماره دوم.

اصالت فرد و جامعه: بنیان‌های نظری جامعه‌شناسی در قرآن کریم، سال چهارم، شماره دوم.

اصول اسلامی: سرمایه اجتماعی در اسلام، سال سوم، شماره اول.

اضطراب: آرامش حقیقی از دیدگاه قرآن، سال ششم، شماره دوم.

اضطراب: شناخت درمانی با استمداد از گزاره‌های قرآنی با تأکید بر اضطراب و افسردگی، سال ششم، شماره دوم.

اعتباریات: نظام‌سازی قرآن‌بنیان؛ چیستی، چرایی و چگونگی، سال نهم، شماره اول.

افسردگی: اثربخشی استماع به آوای قرآن کریم در بهبود افسردگی زنان نابارور، سال ششم، شماره اول.

افسردگی: اثربخشی معنا درمانی توأم با تلاوت قرآن و دعا بر افسردگی و سلول T / کمکی (CD4+)، سال سوم، شماره دوم.

افسردگی: اثربخشی معنا درمانی قرآن و معنا درمانی فرانکل بر سلامت روان و بهزیستی ذهنی مادران افسرده، سال چهارم، شماره دوم.

افسردگی: بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی با رویکرد قرآنی بر افسردگی دانشجویان، سال اول، شماره اول.

افسردگی: شناخت درمانی با استمداد از گزاره‌های قرآنی با تأکید بر اضطراب و افسردگی، سال ششم، شماره دوم.

افشاء سر: حمایت از حریم خصوصی اشخاص از منظر آیات و روایات، سال سوم، شماره دوم.

اقتصاد: تأمین بهداشت روانی اقتصاد و تقویت آن از منظر آموزه‌های دینی، سال دوم، شماره چهارم.

اقناع: مطالعه تطبیقی اقناع در مدل یادگیری و مدل قرآن، سال ششم، شماره اول.

اگزیتانسیالیسم: نگرشی روان‌شناختی، اگزیتانسیالیستی و قرآنی به مقوله «همرنگی با جماعت»، سال چهارم، شماره دوم.

امت واحد: منشأ طبقات اجتماعی و قرآن، سال اول، شماره اول.

امر به معروف: امر به معروف و نهی از منکر از منظر دین و شرایط اقامه آن، سال سوم، شماره دوم.

امر به معروف و نهی از منکر: استحقاق اجرت‌المثل مدیر در اداره مال غیر از دیدگاه قرآن کریم و حقوق ایران، سال نهم، شماره دوم.

امید: رابطه امید، شادکامی و جهت‌گیری مذهبی با سلامت معنوی مریدان قرآن، سال پنجم، شماره اول.  
انحراف دادرسی: بررسی تطبیقی جرائم علیه عدالت قضایی از دیدگاه قرآن و حقوق کیفری ایران،  
سال اول، شماره سوم.

انسان: بررسی ارتباط انسان با طبیعت از منظر معادشناسی در قرآن کریم، سال دوم، شماره پنجم.  
انسان: ظرفیت‌های معماری متناسب با مفهوم کیفیت زندگی انسان در قرآن، سال چهارم، شماره دوم.  
انسان: مرتبه‌بندی معماری متناسب با ساختار وجودی انسان براساس آموزه‌های قرآن و حکمت  
اسلامی، سال چهارم، شماره اول.

انسجام اجتماعی: انسجام اجتماعی از منظر قرآن کریم، سال دوم، شماره پنجم.  
انسجام: انسجام اجتماعی از منظر قرآن کریم، سال دوم، شماره پنجم.  
انگیزه پیشرفت: بررسی فراوانی مؤلفه‌های انگیزه پیشرفت در کتاب‌های ابتدایی با تأکید بر  
آموزه‌های قرآن و تفاسیر، سال نهم، شماره اول.  
اوقات فراغت: بررسی راهکارهای استفاده از اوقات فراغت در قرآن و روایات و اثر آن بر سلامت،  
سال ششم، شماره دوم.

اهداف تربیتی: تربیت اسلامی (گذر اهداف کلی به اهداف رفتاری)، سال اول، شماره سوم.  
اهداف ساخت: شناسه‌های شهر در قرآن کریم، سال چهارم، شماره دوم.  
اهداف واسطه‌ای: تربیت اسلامی (گذر اهداف کلی به اهداف رفتاری)، سال اول، شماره سوم.  
اینترنت: زمینه‌های حقوق تجارت الکترونیک در قرآن و سنت، سال دوم، شماره پنجم.  
آب: رویکردی نظری و عملی به هنر تصویر آفرینی قرآن، سال سوم، شماره دوم.  
آرامش: آرامش حقیقی از دیدگاه قرآن، سال ششم، شماره دوم.  
آرامش: بررسی عوامل دستیابی به سلامت روان از منظر قرآن کریم، سال هفتم، شماره اول.  
آسایش: آرامش حقیقی از دیدگاه قرآن، سال ششم، شماره دوم.  
آسیب‌های تربیت دینی: آسیب‌شناسی عوامل مؤثر بر تربیت دینی دختران، سال هشتم، شماره دوم.  
آسیب‌های روحی: بررسی اثربخشی تدبیر در آیات قرآن کریم بر افزایش سلامت روان، سال هفتم،  
شماره اول.

آموزش غیررسمی: شناسایی و رتبه‌بندی حیطه‌های پژوهش در حوزه مطالعات میان‌رشته‌ای دانش  
قرآنی و علوم تربیتی، سال نهم، شماره دوم.  
آموزش قرآن: شناسایی و تحلیل خلأهای موجود در پژوهش‌های انجام شده در زمینه آموزش  
قرآن، سال هشتم، شماره دوم.  
آموزه‌های قرآن و تفاسیر: بررسی فراوانی مؤلفه‌های انگیزه پیشرفت در کتاب‌های ابتدایی با تأکید  
بر آموزه‌های قرآن و تفاسیر، سال نهم، شماره اول.  
آموزه‌های قرآنی: آموزه‌های قرآنی و نقش نوروپسایکولوژی آینه‌ای مغز در اثبات اثر مشاهده و نیت در  
ایجاد رفتار متقابل، سال اول، شماره دوم.



آوا: بررسی جایگاه آواها در حرکت بخشی به تصاویر ادبی صحنه‌های قیامت در قرآن کریم، سال چهارم، شماره اول.

آیات قرآن: بازشناسی مؤلفه‌های هویتی مسکن سنتی بر اساس آیات قرآن و روایات ائمه معصومین، سال سوم، شماره دوم.

آیات قرآن: بررسی اثربخشی تدبیر در آیات قرآن کریم بر افزایش سلامت روان، سال هفتم، شماره اول.

آینده پژوهی: نقد و بررسی رویکرد تحقیق موضوعی در قرآن کریم، سال ششم، شماره اول.

آینده‌نگری: دانشگاه اسلامی و چشم انداز آن از منظر قرآن کریم، سال چهارم، شماره اول.

## ب

باز طراحی: الگوی نظام‌سازی سیاسی قرآنی، سال نهم، شماره اول.

باغ ایرانی: تجلی آیات قرآن مجید در فرش-باغ ایرانی با تأکید بر سوره الرحمن، سال چهارم، شماره دوم.

باغ: بررسی حکمت عناصر منظر در بهشت قرآنی با تأکید بر سوره مبارکه الرحمن، سال اول، شماره اول.

بافت برون زبانی (موقعیت): بررسی تطبیقی بافت موقعیت (برون زبانی) از دیدگاه فرث، هایمز و لوئیس با سیاق حالیه، سال دوم، شماره چهارم.

بافت شخصی: بررسی بافت‌های تأثیر گذار در ارتباط میان فردی از دیدگاه قرآن، سال سوم، شماره اول.

بافت موقعیتی: بررسی بافت‌های تأثیر گذار در ارتباط میان فردی از دیدگاه قرآن، سال سوم، شماره اول.

بافت‌های تاثیر گذار در قرآن: بررسی بافت‌های تأثیر گذار در ارتباط میان فردی از دیدگاه قرآن، سال سوم، شماره اول.

برنامه ریزی تربیتی: تربیت اسلامی (گذر اهداف کلی به اهداف رفتاری)، سال اول، شماره سوم.

بومی سازی: نقدی بر مقاله «قرآن کریم و مهندسی اجتماعی»، سال دوم، شماره پنجم.

بهداشت روانی اقتصادی: تأمین بهداشت روانی اقتصاد و تقویت آن از منظر آموزه‌های دینی، سال دوم، شماره چهارم.

بهداشت: تأمین بهداشت روانی اقتصاد و تقویت آن از منظر آموزه‌های دینی، سال دوم، شماره چهارم.

بهبودی ذهنی: اثربخشی معنا درمانی قرآن و معنا درمانی فرانکل بر سلامت روان و بهبودی ذهنی مادران افسرده، سال چهارم، شماره دوم.

بهشت: بررسی حکمت عناصر منظر در بهشت قرآنی با تأکید بر سوره مبارکه الرحمن، سال اول، شماره اول.

بیاتی: بینامتنی اشعار عبدالوهاب البیاتی با قرآن کریم، سال دوم، شماره پنجم.

بینامتنی: بینامتنی اشعار عبدالوهاب البیاتی با قرآن کریم، سال دوم، شماره پنجم.  
بینامتنی: بینامتنی قرآن و حدیث در شعر شیعی طلائع بن زُریک، سال سوم، شماره اول.  
بیماری مولتیپل اسکلروز: دعا درمانی (قرائت سوره فاتحه‌الکتاب و سوره توحید) و کیفیت زندگی  
در بیماران مولتیپل اسکلروز (ام. اس)، سال اول، شماره اول.  
بینامتنی: بینامتنی قرآنی در مقامات ناصیف یازجی، سال دوم، شماره پنجم.

## پ

پژوهش: شناسایی معیارهای زمینه‌های پژوهشی مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن کریم، سال هفتم،  
شماره دوم.  
پژوهش: شناسایی و تحلیل خلأهای موجود در پژوهش‌های انجام شده در زمینه آموزش قرآن، سال  
هشتم، شماره دوم.  
پیشرفت اجتماعی: تأملی بر دلالت تفسیر سوره شناختی آیه ۳۵ از سوره احزاب بر یک الگوی  
توسعه و پیشرفت اجتماعی، سال پنجم، شماره اول.  
پیشرفت: سازوکار (فرایند و روش شناسی) پژوهش میان‌رشته‌ای قرآن کریم، سال نهم، شماره اول.  
پیرنگ: واکاوی مؤلفه‌های روایی داستان‌های قرآن کریم، سال دوم، شماره پنجم.

## ت

تاریخ حدیث: تواتر تاریخی در حوزه قرآن و حدیث (با تأکید بر نقد دیدگاه خاورشناسان و  
اخباریان)، سال چهارم، شماره دوم.  
تاریخ قرآن: تواتر تاریخی در حوزه قرآن و حدیث (با تأکید بر نقد دیدگاه خاورشناسان و  
اخباریان)، سال چهارم، شماره دوم.  
تاریخ: قصه؛ الگوی روایت تاریخی از منظر قرآن کریم، سال دوم، شماره چهارم.  
تاریخ: موانع ترمینولوژیک همکاری میان‌رشته‌ای تاریخ با مطالعات قرآنی و راهکار برون‌رفت از  
آن، سال هفتم، شماره دوم.  
تأویل نفس: تحلیل دیدگاه هانری گربن در تأویل رمز و نقش خیال‌فعال در فهم متون حکمی  
اسلامی، سال سوم، شماره اول.  
تبعیض: مقایسه ویژگی‌های مدیریت از دیدگاه قرآن کریم با مدیریت از دیدگاه تئوری‌های غربی،  
سال اول، شماره دوم.  
تجارت الکترونیک: زمینه‌های حقوق تجارت الکترونیک در قرآن و سنت، سال دوم، شماره پنجم.  
تجسس: حمایت از حریم خصوصی اشخاص از منظر آیات و روایات، سال سوم، شماره دوم.  
تجلی قدسی: مکان و مسکن در منظر اسلام، سال اول، شماره سوم.  
تحقیق موضوعی: روش‌شناسی تحقیق موضوعی در قرآن کریم: طراحی الگویی کاربردی برای

- پژوهش‌های میان رشته‌ای، سال ششم، شماره اول.
- تحلیل ادبی و موضوعی: مکان، زمان، رؤیا و شخصیت در سوره یوسف (ع)، سال سوم، شماره دوم.
- تحلیل علمی اعجاز قرآن: مکان، زمان، رؤیا و شخصیت در سوره یوسف (ع)، سال سوم، شماره دوم.
- تحلیل محتوا: بررسی فراوانی مؤلفه‌های انگیزه پیشرفت در کتاب‌های ابتدایی با تأکید بر آموزه‌های قرآن و تفاسیر، سال نهم، شماره اول.
- تدبر در قرآن کریم: روش‌شناسی تحقیق موضوعی در قرآن کریم: طراحی الگویی کاربردی برای پژوهش‌های میان رشته‌ای، سال ششم، شماره اول.
- تدبر: بررسی اثربخشی تدبر در آیات قرآن کریم بر افزایش سلامت روان، سال هفتم، شماره اول.
- تربیت اجتماعی: امر به معروف و نهی از منکر از منظر دین و شرایط اقامه آن، سال سوم، شماره دوم.
- تربیت اجتماعی: موانع رویکرد تربیت اجتماعی در حوزه‌ی رفتار در بستر تحقق سلامت جامعه از منظر قرآن کریم، سال هفتم، شماره اول.
- تربیت اسلامی: تربیت اسلامی (گذر اهداف کلی به اهداف رفتاری)، سال اول، شماره سوم.
- تربیت: خانواده و کارکرد تربیتی آن در قرآن و روایات، سال هشتم، شماره دوم.
- ترجمه قرآن: واکاوی تحلیلی تعادل ساختاری تمییز در ترجمه فارسی حداد عادل از قرآن کریم (مطالعه مورد پژوهش: سوره‌های اسراء و مریم)، سال هشتم، شماره اول.
- ترویج کشاورزی: رویکردی نظری و عملی به هنر تصویر آفرینی قرآن، سال سوم، شماره دوم.
- تصویر: بررسی جایگاه آواها در حرکت بخشی به تصاویر ادبی صحنه‌های قیامت در قرآن کریم، سال چهارم، شماره اول.
- تصویرپردازی هنری: مکان، زمان، رؤیا و شخصیت در سوره یوسف (ع)، سال سوم، شماره دوم.
- تصویرگری قرآنی: رویکردی نظری و عملی به هنر تصویر آفرینی قرآن، سال سوم، شماره دوم.
- تعادل نحوی: واکاوی تحلیلی تعادل ساختاری تمییز در ترجمه فارسی حداد عادل از قرآن کریم (مطالعه مورد پژوهش: سوره‌های اسراء و مریم)، سال هشتم، شماره اول.
- تعلیم و تربیت اسلامی: مقایسه نظریه روان‌شناختی بالبی با تعالیم اسلام در ارتباط با نقش مادر در تربیت کودک، سال چهارم، شماره دوم.
- تعلیم: خانواده و کارکرد تربیتی آن در قرآن و روایات، سال هشتم، شماره دوم.
- تفسیر سوره شناختی: تأملی بر دلالت تفسیر سوره‌شناختی آیه ۳۵ از سوره احزاب بر یک الگوی توسعه و پیشرفت اجتماعی، سال پنجم، شماره اول.
- تفسیر علمی: گونه‌شناسی تبیین‌های علمی از قرآن کریم، سال هفتم، شماره دوم.
- تفسیر قرآن به قرآن: روش‌شناسی تحقیق موضوعی در قرآن کریم: طراحی الگویی کاربردی برای پژوهش‌های میان رشته‌ای، سال ششم، شماره اول.
- تفسیر قرآن کریم: سازوکار (فرایند و روش شناسی) پژوهش میان رشته‌ای قرآن کریم، سال نهم، شماره اول.
- تفسیر موضوعی: تأملی بر دلالت تفسیر سوره‌شناختی آیه ۳۵ از سوره احزاب بر یک الگوی



توسعه و پیشرفت اجتماعی، سال پنجم، شماره اول.  
تقدیر: نقش اراده آزاد در مقابل تقدیر از دیدگاه قرآن، روان‌شناسی و عصب‌شناسی، سال نهم، شماره دوم  
تقلید: نگرشی روان‌شناختی، اگزستانسیالیستی و قرآنی به مقوله «هم‌زنگی با جماعت»، سال چهارم، شماره دوم.  
تکامل جنین: جستاری در نظام آفرینش جنین در قرآن؛ واکاوی مرحله نخست رشد و تکامل جنین، سال اول، شماره سوم.  
تکامل جنین: مراحل رشد جنین از منظر قرآن، سال اول، شماره دوم.  
تلذذ: هنرهای چهارگانه سبک زندگی مؤمنانه با تکیه بر آموزه‌های رضوی، سال هفتم، شماره اول.  
تلمیح: بینامتنی قرآنی در مقامات ناصیف یازجی، سال دوم، شماره پنجم.  
تمایز: انسجام اجتماعی از منظر قرآن کریم، سال دوم، شماره پنجم.  
تمییز: واکاوی تحلیلی تعادل ساختاری تمییز در ترجمه فارسی حداد عادل از قرآن کریم (مطالعه موردپژوهش: سوره‌های اسراء و مریم)، سال هشتم، شماره اول.  
تناص: بینامتنی اشعار عبدالوهاب البیاتی با قرآن کریم، سال دوم، شماره پنجم.  
تودد: هنرهای چهارگانه سبک زندگی مؤمنانه با تکیه بر آموزه‌های رضوی، سال هفتم، شماره اول.  
توسعه: توسعه عدالت محور و الگوی ایرانی-اسلامی آن، سال اول، شماره سوم.  
توکل: هنرهای چهارگانه سبک زندگی مؤمنانه با تکیه بر آموزه‌های رضوی، سال هفتم، شماره اول.  
تولید مثل: مراحل رشد جنین از منظر قرآن، سال اول، شماره دوم.

## ج

جامعه‌شناسی: جامعه‌شناسی خانواده در قرآن کریم، سال سوم، شماره اول.  
جامعه‌شناسی: منشا طبقات اجتماعی و قرآن، سال اول، شماره اول.  
جان‌هیک: قرآن کریم و کثرت‌گرایی دینی، سال اول، شماره سوم.  
جبر و اختیار: کانون کنترل انسان در قرآن با تأکید بر مفهوم جبر و اختیار، سال چهارم، شماره اول.  
جبر و اختیار: نقش اراده آزاد در مقابل تقدیر از دیدگاه قرآن، روان‌شناسی و عصب‌شناسی، سال نهم، شماره دوم.  
جرم: بررسی تطبیقی جرائم علیه عدالت قضایی از دیدگاه قرآن و حقوق کیفری ایران، سال اول، شماره سوم.  
جنسیت: بررسی تفاوت‌های جنسیتی زنان و مردان در دو دیدگاه قرآن مجید و فمینیسم، سال اول، شماره اول.  
جنگ نرم: جهاد؛ مقوله‌ای فرهنگی اعتقادی در چارچوب سبک زندگی اسلامی، سال چهارم، شماره اول.

جنین: جستاری در نظام آفرینش جنین در قرآن؛ واکاوی مرحله نخست رشد و تکامل جنین، سال اول، شماره سوم.

جنین: مراحل رشد جنین از منظر قرآن، سال اول، شماره دوم.  
جهاد: جهاد؛ مقوله‌ای فرهنگی اعتقادی در چارچوب سبک زندگی اسلامی، سال چهارم، شماره اول.  
جهان آخرت: مواجهه با مرگ از دیدگاه قرآن و روانشناسی، سال دوم، شماره چهارم.

### چ

چشم انداز دانشگاه: دانشگاه اسلامی و چشم انداز آن از منظر قرآن کریم، سال چهارم، شماره اول.

### ح

حجاب: آسیب‌شناسی عوامل مؤثر بر تربیت دینی دختران، سال هشتم، شماره دوم.  
حداد عادل: واکاوی تحلیلی تعادل ساختاری تمییز در ترجمه فارسی حداد عادل از قرآن کریم (مطالعه موردپژوهش: سوره‌های اسراء و مریم)، سال هشتم، شماره اول.  
حدیث: حرمت خودکشی در قرآن و سنت و راهکارهای قرآنی برای پیشگیری آن، سال پنجم، شماره اول.

حدیث: مطالعه تطبیقی وجوه تمایز زبان قرآن و زبان حدیث، با تأکید بر زیان‌شناسی، سال دوم، شماره چهارم.

### ع

عرف عام: مطالعه تطبیقی وجوه تمایز زبان قرآن و زبان حدیث، با تأکید بر زیان‌شناسی، سال دوم، شماره چهارم.

### ح

حدیث، اهل بیت (ع): بینامتنی قرآن و حدیث در شعر شیعی طلائع بن رزبیک، سال سوم، شماره اول.  
حدیث: تأمین بهداشت روانی اقتصاد و تقویت آن از منظر آموزه‌های دینی، سال دوم، شماره چهارم.  
حرکت: بررسی جایگاه آواها در حرکت بخشی به تصاویر ادبی صحنه‌های قیامت در قرآن کریم، سال چهارم، شماره اول.

حریم خصوصی: حمایت از حریم خصوصی اشخاص از منظر آیات و روایات، سال سوم، شماره دوم.  
حسبه: استحقاق اجرت‌المثل مدیر در اداره مال غیر از دیدگاه قرآن کریم و حقوق ایران، سال نهم، شماره دوم.

حسنی در گاه، حسنین: تحلیل دیدگاه هائری کربن در تأویل رمز و نقش خیال فعال در فهم متون حکمی اسلامی، سال سوم، شماره اول.

حفظ الصحه: خواب و بیداری به عنوان یکی از ارکان حفظ الصحه در قرآن کریم، سال ششم، شماره دوم.

حقانیت: قرآن کریم و کثرت گرای دینی، سال اول، شماره سوم.

حقوق اسلامی: حمایت از حریم خصوصی اشخاص از منظر آیات و روایات، سال سوم، شماره دوم.

حقوق کودک: رهیافت‌هایی قرآنی درباره حقوق کودک، سال چهارم، شماره دوم.

حقوق کیفری: بررسی تطبیقی جرائم علیه عدالت قضایی از دیدگاه قرآن و حقوق کیفری ایران، سال اول، شماره سوم.

حقوق: زمینه‌های حقوق تجارت الکترونیک در قرآن و سنت، سال دوم، شماره پنجم.

حکمت اسلامی: مرته‌بندی معماری متناسب با ساختار وجودی انسان براساس آموزه‌های قرآن و حکمت اسلامی، سال چهارم، شماره اول.

حکومت اسلامی: واکاوی رویکردهای موجود در خصوص نظام‌سازی قرآنی، سال نهم، شماره اول.

حکمت: بررسی حکمت عناصر منظر در بهشت قرآنی با تأکید بر سوره مبارکه الرحمن، سال اول، شماره اول.

حکیم: تأویل آیه ۸۲ سوره اسراء در رابطه با دعا و درمان، سال اول، شماره اول.

حیا: آسیب‌شناسی عوامل مؤثر بر تربیت دینی دختران، سال هشتم، شماره دوم.

حیات طیبه: ظرفیت‌های معماری متناسب با مفهوم کیفیت زندگی انسان در قرآن، سال چهارم، شماره دوم.

حیطه‌های پژوهش: شناسایی و رتبه‌بندی حیطه‌های پژوهشی در حوزه مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن و سلامت، سال هشتم، شماره اول.

## خ

خانواده: جامعه‌شناسی خانواده در قرآن کریم، سال سوم، شماره اول.

خانواده: خانواده و کارکرد تربیتی آن در قرآن و روایات، سال هشتم، شماره دوم.

خاورشناسان: تواتر تاریخی در حوزه قرآن و حدیث (با تأکید بر نقد دیدگاه خاورشناسان و اخباریان)، سال چهارم، شماره دوم.

خرده‌نظام: واکاوی رویکردهای موجود در خصوص نظام‌سازی قرآنی، سال نهم، شماره اول.

خلا: شناسایی و تحلیل خلأهای موجود در پژوهش‌های انجام شده در زمینه آموزش قرآن، سال هشتم، شماره دوم.

خواب و بیداری: خواب و بیداری به عنوان یکی از ارکان حفظ الصحه در قرآن کریم، سال ششم، شماره دوم.

خودکشی: حرمت خودکشی در قرآن و سنت و راهکارهای قرآنی برای پیشگیری آن، سال پنجم، شماره اول.

خوش‌نویسی: ویژگی‌های ممتاز واژه‌ی الله از منظر معناشناختی و خوش‌نویسی، سال هفتم، شماره دوم.  
 خویشاوندی: جامعه‌شناسی خانواده در قرآن کریم، سال سوم، شماره اول.  
 خیال‌فعال: تحلیل دیدگاه هنری کربن در تأویل رمز و نقش خیال‌فعال در فهم متون حکمی اسلامی، سال سوم، شماره اول.

## د

داستان: واکاوی مؤلفه‌های روایی داستان‌های قرآن کریم، سال دوم، شماره پنجم.  
 دامنه‌نقل: روش‌شناسی تحقیق موضوعی در قرآن کریم: طراحی الگویی کاربردی برای پژوهش‌های میان‌رشته‌ای، سال ششم، شماره اول.  
 دانشگاه اسلامی: دانشگاه اسلامی و چشم‌انداز آن از منظر قرآن کریم، سال چهارم، شماره اول.  
 دانشگاه اسلامی: مفهوم‌شناسی دانشگاه علوم پزشکی اسلامی با تکیه بر آیات و روایات، سال ششم، شماره اول.  
 دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی: مطالعه هفت سوره از جزء سی‌ام قرآن کریم بر پایه دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی، سال چهارم، شماره دوم.  
 دعا درمانی: تأویل آیه ۸۲ سوره اسراء در رابطه با دعا و درمان، سال اول، شماره اول.  
 دعا درمانی: دعا درمانی: کاربرد آیات فاتحه‌الکتاب و سوره‌های توحید و قدر در مبتلایان به سندرم تونل کارپ، سال اول، شماره دوم.  
 دل: نقش سلامت قلب در سبک زندگی از منظر قرآن کریم، سال ششم، شماره دوم.  
 دل‌بستگی به خدا: بررسی اثربخشی آیه‌های قرآن و موسیقی بر مبنای گسیل الکتروفوتون، سال هشتم، شماره اول.  
 دوران کودکی: رهیافت‌هایی قرآنی درباره حقوق کودک، سال چهارم، شماره دوم.

## ذ

ذهن‌انگیزی و پروتستانیزم: نقد و بررسی رویکرد تحقیق موضوعی در قرآن کریم، سال ششم، شماره اول.

## ر

رابطه علم و قرآن: گونه‌شناسی تبیین‌های علمی از قرآن کریم، سال هفتم، شماره دوم.  
 راه‌کارهای مبارزه با فساد: فساد اداری، عوامل و راهکارهای مقابله با آن از منظر آیات و روایات، سال چهارم، شماره دوم.  
 رتبه‌بندی: شناسایی و رتبه‌بندی حیطه‌های پژوهشی در حوزه مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن و سلامت، سال هشتم، شماره اول.

رشد: مراحل رشد جنین از منظر قرآن، سال اول، شماره دوم.  
رفتار متقابل: آموزه‌های قرآنی و نقش نورون‌های آینه‌ای مغز در اثبات اثر مشاهده و نیت در ایجاد رفتار متقابل، سال اول، شماره دوم.  
رفتار: موانع رویکرد تربیت اجتماعی در حوزه‌ی رفتار در بستر تحقق سلامت جامعه از منظر قرآن کریم، سال هفتم، شماره اول.  
رفتارهای اجتماعی: آموزه‌های قرآنی و نقش نورون‌های آینه‌ای مغز در اثبات اثر مشاهده و نیت در ایجاد رفتار متقابل، سال اول، شماره دوم.  
رگزیون چند مرحله‌ای: ارتباط آموزش قرآن کریم با شادکامی، سال دوم، شماره چهارم.  
رمز: تحلیل دیدگاه هائری گریبن در تأویل رمز و نقش خیال فعال در فهم متون حکمی اسلامی، سال سوم، شماره اول.  
رنج: بررسی عوامل بازدارنده به ثمر رسیدن رنج و تلاش و نقش آن در سلامت روان با تأکید بر قرآن کریم، سال ششم، شماره دوم.  
روابط دوستی با جنس مخالف: اثر بخشی آموزش مهارت‌های زندگی با رویکرد قرآنی، سال هشتم، شماره دوم.  
روابط معنایی: در آمدی بر هستان‌شناسی قرآنی و تأثیر آن بر واژگان شناختی با تأکید بر مفهوم عمل صالح، سال هفتم، شماره دوم.  
روان: آرامش حقیقی از دیدگاه قرآن، سال ششم، شماره دوم.  
روان: تأمین بهداشت روانی اقتصاد و تقویت آن از منظر آموزه‌های دینی، سال دوم، شماره چهارم.  
روان‌شناسی: بررسی تطبیقی ارزیابی شناختی در رویکرد روانشناسی شناختی و قرآن، سال پنجم، شماره اول.  
روان‌شناسی: رابطه شناخت و هیجان در قرآن و روان‌شناسی، سال هشتم، شماره اول.  
روان‌شناسی: مبانی معرفت‌شناختی مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن کریم و روان‌شناسی، سال هشتم، شماره اول.  
روان‌شناسی: مواجهه با مرگ از دیدگاه قرآن و روانشناسی، سال دوم، شماره چهارم.  
روان‌شناسی: نگرشی روان‌شناختی، آگزستانسیالیستی و قرآنی به مقوله «هم‌رنگی با جماعت»، سال چهارم، شماره دوم.  
روایات ائمه: بازشناسی مؤلفه‌های هویتی مسکن سنتی بر اساس آیات قرآن و روایات ائمه معصومین، سال سوم، شماره دوم.  
روایات معصومین (ع): بازنمایی ماهیت زیبایی‌شناسی از دیدگاه قرآن و حدیث، سال پنجم، شماره اول.  
روایات: بررسی عوامل بازدارنده به ثمر رسیدن رنج و تلاش و نقش آن در سلامت روان با تأکید بر قرآن کریم، سال ششم، شماره دوم.

روایات: خانواده و کارکرد تربیتی آن در قرآن و روایات، سال هشتم، شماره دوم.

روایات: رابطه قرآن با روایات، سال دوم، شماره پنجم.

روایت تاریخی: قصه؛ الگوی روایت تاریخی از منظر قرآن کریم، سال دوم، شماره چهارم.

روح: آرامش حقیقی از دیدگاه قرآن، سال ششم، شماره دوم.

روش تحقیق موضوعی: نقد و بررسی رویکرد تحقیق موضوعی در قرآن کریم، سال ششم، شماره اول.

روش تحقیق: بررسی روش و راهبردهای تحقیق در مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن کریم (نمونه موردی: ارتباط معماری با قرآن کریم)، سال پنجم، شماره اول.

روش تحقیق: روش‌شناسی تحقیق موضوعی در قرآن کریم: طراحی الگویی کاربردی برای پژوهش‌های میان‌رشته‌ای، سال ششم، شماره اول.

روش‌شناسی تاریخی: تواتر تاریخی در حوزه قرآن و حدیث (با تأکید بر نقد دیدگاه خاورشناسان و اخباریان)، سال چهارم، شماره دوم.

روش‌شناسی: سازوکار (فرایند و روش‌شناسی) پژوهش میان‌رشته‌ای قرآن کریم، سال نهم، شماره اول.

روش‌های آموزش و یادگیری: رویکردی نظری و عملی به هنر تصویرآفرینی قرآن، سال سوم، شماره دوم.

رویکرد ارزشی: بررسی رویکردهای نظری به مدیریت اسلامی، سال اول، شماره دوم.

رویکرد اسلامی: قصه؛ الگوی روایت تاریخی از منظر قرآن کریم، سال دوم، شماره چهارم.

رویکرد جامعه‌شناسانه: مطالعه تطبیقی معیارهای گروه‌بندی در جامعه‌شناسی و سه سوره اول قرآن کریم، سال سوم، شماره اول.

رویکرد شناختی: بررسی تطبیقی ارزیابی شناختی در رویکرد روانشناسی شناختی و قرآن، سال پنجم، شماره اول.

رویکردهای نظری: بررسی رویکردهای نظری به مدیریت اسلامی، سال اول، شماره دوم.

## ز

زبان: مطالعه تطبیقی وجوه تمایز زبان قرآن و زبان حدیث، با تأکید بر زبان‌شناسی، سال دوم، شماره چهارم.

زبان‌شناسی: واکاوی تحلیلی تعادل ساختاری تمیز در ترجمه فارسی حداد عادل از قرآن کریم (مطالعه موردی پژوهش: سوره‌های اسراء و مریم)، سال هشتم، شماره اول.

زبان نابارور: اثربخشی استماع به آوای قرآن کریم در بهبود افسردگی زنان نابارور، سال ششم، شماره اول.

زیبایی‌شناسی: بازنمایی ماهیت زیبایی‌شناسی از دیدگاه قرآن و حدیث، سال پنجم، شماره اول.

زیبایی‌شناسی: قرآن کریم چشمه‌سار زیبایی‌شناسی، سال اول، شماره سوم.

زیبایی: قرآن کریم چشمه‌سار زیبایی‌شناسی، سال اول، شماره سوم.

## س

ساختار مناسب: جستاری در نظام آفرینش جنین در قرآن؛ واکاوی مرحله نخست رشد و تکامل جنین، سال اول، شماره سوم.

سازوکار، تفقه در دین: سازوکار (فرایند و روش شناسی) پژوهش میان‌رشته‌ای قرآن کریم، سال نهم، شماره اول.

سبک زندگی: جهاد؛ مقوله‌ای فرهنگی اعتقادی در چارچوب سبک زندگی اسلامی، سال چهارم، شماره اول.

سبک زندگی: کانون کنترل انسان در قرآن با تأکید بر مفهوم جبر و اختیار، سال چهارم، شماره اول.

سبک زندگی: نقش سلامت قلب در سبک زندگی از منظر قرآن کریم، سال ششم، شماره دوم.

سبک زندگی: هنرهای چهارگانه سبک زندگی مؤمنانه با تکیه بر آموزه‌های رضوی، سال هفتم، شماره اول.

سرقت: تأمین بهداشت روانی اقتصاد و تقویت آن از منظر آموزه‌های دینی، سال دوم، شماره چهارم.

سرمايه اجتماعي: سرمايه اجتماعي در اسلام، سال سوم، شماره اول.

سعی: بررسی عوامل بازدارنده به ثمر رسیدن رنج و تلاش و نقش آن در سلامت روان با تأکید بر قرآن کریم، سال ششم، شماره دوم.

سلامت جسم: بررسی کلمه «شفاء» در قرآن کریم بر اساس تفاسیر تشیع و اهل سنت، سال هفتم، شماره اول.

سلامت روان: اثربخشی معنا درمانی قرآن و معنا درمانی فرانکل بر سلامت روان و بهزیستی ذهنی مادران افسرده، سال چهارم، شماره دوم.

سلامت روان: بررسی عوامل بازدارنده به ثمر رسیدن رنج و تلاش و نقش آن در سلامت روان با تأکید بر قرآن کریم، سال ششم، شماره دوم.

سلامت روان: بررسی عوامل دستیابی به سلامت روان از منظر قرآن کریم، سال هفتم، شماره اول.

سلامت روانی: بررسی اثربخشی تدبیر در آیات قرآن کریم بر افزایش سلامت روان، سال هفتم، شماره اول.

سلامت روانی: بررسی تطبیقی ارزیابی شناختی در رویکرد روانشناسی شناختی و قرآن، سال پنجم، شماره اول.

سلامت روح: بررسی کلمه «شفاء» در قرآن کریم بر اساس تفاسیر تشیع و اهل سنت، سال هفتم، شماره اول.

سلامت عمومی: ارتباط آموزش قرآن کریم با شادکامی، سال دوم، شماره چهارم.

سلامت قلب: نقش سلامت قلب در سبک زندگی از منظر قرآن کریم، سال ششم، شماره دوم.

سلامت معنوی: رابطه امید، شادکامی و جهت‌گیری مذهبی با سلامت معنوی مریدان قرآن، سال پنجم، شماره اول.

سلامت معنوی: سلامت معنوی؛ مفاهیم و چالش‌ها، سال اول، شماره اول.



سلامت: بررسی شاخصه‌های فرهنگ اسلامی جهت تأمین سلامت فردی و اجتماعی از منظر قرآن کریم، سال هفتم، شماره اول.

سلامت: شناسایی و رتبه بندی حیطه‌های پژوهشی در حوزه مطالعات میان رشته‌ای قرآن و سلامت، سال هشتم، شماره اول.

سلامت: منبع‌شناسی مطالعات میان رشته‌ای قرآن و سلامت، سال هشتم، شماره دوم.

سلامت: موانع رویکرد تربیت اجتماعی در حوزه‌ی رفتار در بستر تحقق سلامت جامعه از منظر قرآن کریم، سال هفتم، شماره اول.

سلامتی: بررسی راهکارهای استفاده از اوقات فراغت در قرآن و روایات و اثر آن بر سلامت، سال ششم، شماره دوم.

سلول T / کمکی (CD4+): اثربخشی معنا درمانی توأم با تلاوت قرآن و دعا بر افسردگی و سلول T کمکی (CD4+)، سال سوم، شماره دوم.

سمنتیک (معناشناسی): ویژگی‌های ممتاز واژه‌ی الله از منظر معناشناختی و خوش‌نویسی، سال هفتم، شماره دوم.

سنت اجتماعی: بنیان‌های نظری جامعه‌شناسی در قرآن کریم، سال چهارم، شماره دوم.

سنت اسلامی: مکان و مسکن در منظر اسلام، سال اول، شماره سوم.

سنت محوری: رابطه قرآن با روایات، سال دوم، شماره پنجم.

سنت: رابطه قرآن با روایات، سال دوم، شماره پنجم.

سنت: زمینه‌های حقوق تجارت الکترونیک در قرآن و سنت، سال دوم، شماره پنجم.

سندرم تونل کارپ: دعا درمانی: کاربرد آیات فاتحه‌الکتاب و سوره‌های توحید و قدر در مبتلایان به سندرم تونل کارپ، سال اول، شماره دوم.

سوره اسراء: تأویل آیه ۸۲ سوره اسراء در رابطه با دعا و درمان، سال اول، شماره اول.

سوره الرحمن: بررسی حکمت عناصر منظر در بهشت قرآنی با تأکید بر سوره مبارکه الرحمن، سال اول، شماره اول.

سوره انسان: تجلی مفاهیم قرآنی در باغ ایرانی با تأکید بر سوره انسان (نمونه موردی: باغ دولت آباد یزد)، سال چهارم، شماره اول. بهشت قرآنی: تجلی مفاهیم قرآنی در باغ ایرانی با تأکید بر سوره انسان (نمونه موردی: باغ دولت آباد یزد)، سال چهارم، شماره اول.

سوره شناسی: مکان، زمان، رؤیا و شخصیت در سوره یوسف (ع)، سال سوم، شماره دوم.

سوره فاتحه‌الکتاب و سوره توحید: دعا درمانی (قرائت سوره فاتحه‌الکتاب و سوره توحید) و کیفیت زندگی در بیماران مولتیپل اسکلروز (ام. اس)، سال اول، شماره اول.

سوره مبارکه الرحمن: تجلی آیات قرآن مجید در فرش - باغ ایرانی با تأکید بر سوره الرحمن، سال چهارم، شماره دوم.

سوره یوسف: قصه؛ الگوی روایت تاریخی از منظر قرآن کریم، سال دوم، شماره چهارم.



سوره‌های قرآنی: مطالعه هفت سوره از جزء سی‌ام قرآن کریم بر پایه دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی، سال چهارم، شماره دوم.  
سیاق حالیه: بررسی تطبیقی بافت موقعیت (برون زبانی) از دیدگاه فرث، هایمز و لوئیس با سیاق حالیه، سال دوم، شماره چهارم.

## ش

شاخصه‌های اجتماعی: بررسی شاخصه‌های فرهنگ اسلامی جهت تأمین سلامت فردی و اجتماعی از منظر قرآن کریم، سال هفتم، شماره اول.  
شاخصه‌های فردی: بررسی شاخصه‌های فرهنگ اسلامی جهت تأمین سلامت فردی و اجتماعی از منظر قرآن کریم، سال هفتم، شماره اول.  
شادکامی و جهت‌گیری مذهبی: رابطه امید، شادکامی و جهت‌گیری مذهبی با سلامت معنوی مریبان قرآن، سال پنجم، شماره اول.  
شادکامی: ارتباط آموزش قرآن کریم با شادکامی، سال دوم، شماره چهارم.  
شایسته‌سالاری: مقایسه ویژگی‌های مدیریت از دیدگاه قرآن کریم با مدیریت از دیدگاه تئوری‌های غربی، سال اول، شماره دوم.  
شخصیت‌مرزی: بررسی اثربخشی آیه‌های قرآن و موسیقی بر مبنای گسیل الکتروفون، سال هشتم، شماره اول.

شخصیت‌پردازی: واکاوی مؤلفه‌های روایی داستان‌های قرآن کریم، سال دوم، شماره پنجم.  
شفا: بررسی کلمه «شفاء» در قرآن کریم بر اساس تفاسیر تشیع و اهل سنت، سال هفتم، شماره اول.  
شناخت درمانی: شناخت درمانی با استمداد از گزاره‌های قرآنی با تأکید بر اضطراب و افسردگی، سال ششم، شماره دوم.

شناخت: بررسی تطبیقی ارزیابی شناختی در رویکرد روانشناسی شناختی و قرآن، سال پنجم، شماره اول.  
شناخت: رابطه شناخت و هیجان در قرآن و روان‌شناسی، سال هشتم، شماره اول.  
شناسه‌های شهر: شناسه‌های شهر در قرآن کریم، سال چهارم، شماره دوم.  
شیطان: تحلیل فضاهاى ذهنی گفتمان شیطان در قرآن، سال هفتم، شماره دوم.

## ص

صفات عمران: شناسه‌های شهر در قرآن کریم، سال چهارم، شماره دوم.

## ط

طب اسلامی: مفهوم شناسی دانشگاه علوم پزشکی اسلامی با تکیه بر آیات و روایات، سال ششم، شماره اول.

طبقات اجتماعی: منشأ طبقات اجتماعی و قرآن، سال اول، شماره اول.  
 طبیعت: بررسی ارتباط انسان با طبیعت از منظر معادشناسی در قرآن کریم، سال دوم، شماره پنجم.  
 طفل: رهیافت‌هایی قرآنی درباره حقوق کودک، سال چهارم، شماره دوم.  
 طلاق: جامعه‌شناسی خانواده در قرآن کریم، سال سوم، شماره اول.  
 طلائع: بینامتنی قرآن و حدیث در شعر شیعی طلائع بن رزیک، سال سوم، شماره اول.

## ع

عاطفه: رابطه شناخت و هیجان در قرآن و روان‌شناسی، سال هشتم، شماره اول.  
 عبارت‌های عربی: بررسی تطبیقی آیات و احادیث در گلستان سعدی و مرزبان‌نامه، سال هشتم، شماره دوم.  
 عدالت قضایی: بررسی تطبیقی جرائم علیه عدالت قضایی از دیدگاه قرآن و حقوق کیفری ایران، سال اول، شماره سوم.  
 عدالت: توسعه عدالت محور و الگوی ایرانی - اسلامی آن، سال اول، شماره سوم.  
 عدالت: مقایسه ویژگی‌های مدیریت از دیدگاه قرآن کریم با مدیریت از دیدگاه تئوری‌های غربی، سال اول، شماره دوم.  
 عرضه حدیث: واکاوی مبانی مرجعیت قرآن در نقد حدیث بر پایه سیره معصومان (ع)، سال نهم، شماره دوم.  
 عرف خاص: مطالعه تطبیقی وجوه تمایز زبان قرآن و زبان حدیث، با تأکید بر زبان‌شناسی، سال دوم، شماره چهارم.  
 عصب‌شناسی: نقش اراده آزاد در مقابل تقدیر از دیدگاه قرآن، روان‌شناسی و عصب‌شناسی، سال نهم، شماره دوم.  
 عقاید: موانع رویکرد تربیت اجتماعی در حوزه‌ی رفتار در بستر تحقق سلامت جامعه از منظر قرآن کریم، سال هفتم، شماره اول.  
 عقل: عقل و عقل‌گرایی در فلسفه و قرآن، سال اول، شماره دوم.  
 عقل‌گرایی: عقل و عقل‌گرایی در فلسفه و قرآن، سال اول، شماره دوم.  
 علم و آیات معاد: گونه‌شناسی تبیین‌های علمی از قرآن کریم، سال هفتم، شماره دوم.  
 علوم انسانی اسلامی: آسیب‌شناسی مطالعات بین‌رشته‌ای قرآن کریم، سال چهارم، شماره دوم.  
 علوم انسانی قرآنی: نظام‌سازی قرآن‌بنیان (مفاهیم اساسی، راهبردها و فرایندها)، سال نهم، شماره اول.  
 علوم پزشکی: مفهوم شناسی دانشگاه علوم پزشکی اسلامی با تکیه بر آیات و روایات، سال ششم، شماره اول.  
 علوم تربیتی: شناسایی و رتبه‌بندی حیطه‌های پژوهش در حوزه مطالعات میان‌رشته‌ای دانش قرآنی و علوم تربیتی، سال نهم، شماره دوم.

علوم شناختی: تحلیل فضاهاى ذهنی گفتمان شیطان در قرآن، سال هفتم، شماره دوم.  
علوم قرآن: بررسی و رتبه‌بندی علوم و معارف در قرآن کریم، سال هفتم، شماره دوم.  
علوم: بررسی و رتبه‌بندی علوم و معارف در قرآن کریم، سال هفتم، شماره دوم.  
علوم: شناسایی معیارهای زمینه‌های پژوهشی مطالعات میان رشته‌ای قرآن کریم، سال هفتم، شماره دوم.  
عمل صالح: درآمدی بر هستان‌شناسی قرآنی و تأثیر آن بر واژگان شناختی با تأکید بر مفهوم عمل صالح، سال هفتم، شماره دوم.  
عناصر باغ دولت آباد: تجلی مفاهیم قرآنی در باغ ایرانی با تأکید بر سوره انسان (نمونه موردی: باغ دولت آباد یزد)، سال چهارم، شماره اول.  
عناصر منظر: بررسی حکمت عناصر منظر در بهشت قرآنی با تأکید بر سوره مبارکه الرحمن، سال اول، شماره اول.  
عوامل تربیت دینی: آسیب‌شناسی عوامل مؤثر بر تربیت دینی دختران، سال هشتم، شماره دوم.  
عوامل فساد: فساد اداری، عوامل و راهکارهای مقابله با آن از منظر آیات و روایات، سال چهارم، شماره دوم.  
عوامل: بررسی عوامل دستیابی به سلامت روان از منظر قرآن کریم، سال هفتم، شماره اول.

## ف

فارس: رویکردی نظری و عملی به هنر تصویر آفرینی قرآن، سال سوم، شماره دوم.  
فاضلی، فیروز: تحلیل دیدگاه هانری کربن در تأویل رمز و نقش خیال فعال در فهم متون حکمی اسلامی، سال سوم، شماره اول.  
فتح الله نجارزادگان: بررسی تطبیقی جرائم علیه عدالت قضایی از دیدگاه قران و حقوق کیفری ایران، سال اول، شماره سوم.  
فرانقش اندیشگانی: مطالعه هفت سوره از جزء سی‌ام قرآن کریم بر پایه دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی، سال چهارم، شماره دوم.  
فرآیند فعلی: مطالعه هفت سوره از جزء سی‌ام قرآن کریم بر پایه دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی، سال چهارم، شماره دوم.  
فرث: بررسی تطبیقی بافت موقعیت (برون زبانی) از دیدگاه فرث، هایمز و لوئیس با سیاق حالیه، سال دوم، شماره چهارم.  
فردوس: تجلی آیات قرآن مجید در فرش - باغ ایرانی با تأکید بر سوره الرحمن، سال چهارم، شماره دوم.  
فرش ایرانی: تجلی آیات قرآن مجید در فرش - باغ ایرانی با تأکید بر سوره الرحمن، سال چهارم، شماره دوم.  
فرهنگ اسلامی: شناسه‌های شهر در قرآن کریم، سال چهارم، شماره دوم.

فرهنگ اسلامی: بررسی شاخصه‌های فرهنگ اسلامی جهت تأمین سلامت فردی و اجتماعی از منظر قرآن کریم، سال هفتم، شماره اول.  
فساد اداری: فساد اداری، عوامل و راهکارهای مقابله با آن از منظر آیات و روایات، سال چهارم، شماره دوم.

فضا ساز: تحلیل فضاهای ذهنی گفتمان شیطان در قرآن، سال هفتم، شماره دوم.  
فضای ذهنی: تحلیل فضاهای ذهنی گفتمان شیطان در قرآن، سال هفتم، شماره دوم.  
فقر: تأمین بهداشت روانی اقتصاد و تقویت آن از منظر آموزه‌های دینی، سال دوم، شماره چهارم.  
فقه امامیه: نقد و بررسی ادعای نسخ حکم متعه، سال نهم، شماره دوم.  
فقه اهل سنت: نقد و بررسی ادعای نسخ حکم متعه، سال نهم، شماره دوم.  
فکر: هنرهای چهار گانه سبک زندگی مؤمنانه با تکیه بر آموزه‌های رضوی، سال هفتم، شماره اول.  
فلسفه: عقل و عقل گرایی در فلسفه و قرآن، سال اول، شماره دوم.  
فمینیسم: بررسی تفاوت‌های جنسیتی زنان و مردان در دو دیدگاه قرآن مجید و فمینیسم، سال اول، شماره اول.

فناوری اطلاعات: آسیب‌شناسی مطالعات بین‌رشته‌ای قرآن کریم، سال چهارم، شماره دوم.  
فوکونیه: تحلیل فضاهای ذهنی گفتمان شیطان در قرآن، سال هفتم، شماره دوم.

## ق

قانونمندی جامعه: بنیان‌های نظری جامعه‌شناسی در قرآن کریم، سال چهارم، شماره دوم.  
قدرت سخت: نظریه «قدرت نرم» در قرآن کریم؛ مطالعه تطبیقی گفتمان اسلامی و غرب، سال ششم، شماره اول.

قدرت نرم: نظریه «قدرت نرم» در قرآن کریم؛ مطالعه تطبیقی گفتمان اسلامی و غرب، سال ششم، شماره اول.

قرآن پژوهی: نقد و بررسی رویکرد تحقیق موضوعی در قرآن کریم، سال ششم، شماره اول.  
قرآن کریم: اثربخشی استماع به آوای قرآن کریم در بهبود افسردگی زنان نابارور، سال ششم، شماره اول.

قرآن کریم: بازنمایی ماهیت زیبایی شناسی از دیدگاه قرآن و حدیث، سال پنجم، شماره اول.  
قرآن کریم: بررسی روش و راهبردهای تحقیق در مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن کریم (نمونه موردی: ارتباط معماری با قرآن کریم)، سال پنجم، شماره اول.  
قرآن کریم: جهاد؛ مقوله‌ای فرهنگی اعتقادی در چارچوب سبک زندگی اسلامی، سال چهارم، شماره اول.

قرآن کریم: قرآن کریم چشمه سار زیبایی شناسی، سال اول، شماره سوم.  
قرآن کریم: قرآن کریم و کثرت گرایی دینی، سال اول، شماره سوم.

- قرآن کریم: قرآن کریم و مهندسی اجتماعی، سال اول، شماره سوم.
- قرآن کریم: کانون کنترل انسان در قرآن با تأکید بر مفهوم جبر و اختیار، سال چهارم، شماره اول.
- قرآن کریم: مبانی معرفت‌شناختی مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن کریم و روان‌شناسی، سال هشتم، شماره اول.
- قرآن کریم: نگرشی روان‌شناختی، انگیزستانسیالیستی و قرآنی به مقوله «هم‌رنگی با جماعت»، سال چهارم، شماره دوم.
- قرآن کریم: بررسی جایگاه آواها در حرکت بخشی به تصاویر ادبی صحنه‌های قیامت در قرآن کریم، سال چهارم، شماره اول.
- قرآن مجید: تفاوت‌های جنسیتی زنان و مردان در دو دیدگاه قرآن مجید و فمینیسم، سال اول، شماره اول.
- قرآن مجید: تجلی آیات قرآن مجید در فرش - باغ ایرانی با تأکید بر سوره الرحمن، سال چهارم، شماره دوم.
- قرآن مجید: مرتبه‌بندی معماری متناسب با ساختار وجودی انسان بر اساس آموزه‌های قرآن و حکمت اسلامی، سال چهارم، شماره اول.
- قرآن محوری: رابطه قرآن با روایات، سال دوم، شماره پنجم.
- قرآن و حدیث: بررسی تطبیقی آیات و احادیث در گلستان سعدی و مرزبان‌نامه، سال هشتم، شماره دوم.
- قرآن و حدیث: فساد اداری، عوامل و راهکارهای مقابله با آن از منظر آیات و روایات، سال چهارم، شماره دوم.
- قرآن و حقوق: منبع‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن و حقوق، سال نهم، شماره دوم.
- قرآن و روایات: آسیب‌شناسی عوامل مؤثر بر تربیت دینی دختران، سال هشتم، شماره دوم.
- قرآن و علم: کتاب‌شناسی قرآن و علوم طبیعی، سال هشتم، شماره اول.
- قرآن و علوم طبیعی: کتاب‌شناسی قرآن و علوم طبیعی، سال هشتم، شماره اول.
- قرآن: اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی با رویکرد قرآنی، سال هشتم، شماره دوم.
- قرآن: امر به معروف و نهی از منکر از منظر دین و شرایط اقامه آن، سال سوم، شماره دوم.
- قرآن: آرامش حقیقی از دیدگاه قرآن، سال ششم، شماره دوم.
- قرآن: بررسی اثربخشی آیه‌های قرآن و موسیقی بر مبنای گسیل الکتروفوتون، سال هشتم، شماره اول.
- قرآن: بررسی ارتباط انسان با طبیعت از منظر معادشناسی در قرآن کریم، سال دوم، شماره پنجم.
- قرآن: بررسی بافت‌های تأثیر گذار در ارتباط میان فردی از دیدگاه قرآن، سال سوم، شماره اول.
- قرآن: بررسی تطبیقی ارزیابی شناختی در رویکرد روانشناسی شناختی و قرآن، سال پنجم، شماره اول.
- قرآن: بررسی تطبیقی جرائم علیه عدالت قضایی از دیدگاه قرآن و حقوق کیفری ایران، سال اول، شماره سوم.
- قرآن: بررسی حکمت و زیبایی قصه یوسف (ع) در قرآن کریم، سال اول، شماره اول.



قرآن: بررسی راهکارهای استفاده از اوقات فراغت در قرآن و روایات و اثر آن بر سلامت، سال ششم، شماره دوم.

قرآن: بررسی عوامل بازدارنده به ثمر رسیدن رنج و تلاش و نقش آن در سلامت روان با تأکید بر قرآن کریم، سال ششم، شماره دوم.

قرآن: بررسی و رتبه‌بندی علوم و معارف در قرآن کریم، سال هفتم، شماره دوم.  
قرآن: بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی با رویکرد قرآنی بر افسردگی دانشجویان، سال اول، شماره اول.

قرآن: بررسی کلمه «شفاء» در قرآن کریم بر اساس تفاسیر تشیع و اهل سنت، سال هفتم، شماره اول.  
قرآن: بینامتنی اشعار عبدالوهاب البیاتی با قرآن کریم، سال دوم، شماره پنجم.  
قرآن: بینامتنی قرآن و حدیث در شعر شیعی طلائع بن زُرَّیک، سال سوم، شماره اول.  
قرآن: بینامتنی قرآنی در مقامات ناصیف یازجی، سال دوم، شماره پنجم.  
قرآن: تأمین بهداشت روانی اقتصاد و تقویت آن از منظر آموزه‌های دینی، سال دوم، شماره چهارم.  
قرآن: تأویل آیه ۸۲ سوره اسراء در رابطه با دعا و درمان، سال اول، شماره اول.  
قرآن: جستاری در نظام آفرینش جنین در قرآن؛ واکاوی مرحله نخست رشد و تکامل جنین، سال اول، شماره سوم.

قرآن: حرمت خودکشی در قرآن و سنت و راهکارهای قرآنی برای پیشگیری آن، سال پنجم، شماره اول.  
قرآن: خانواده و کارکرد تربیتی آن در قرآن و روایات، سال هشتم، شماره دوم.  
قرآن: خواب و بیداری به عنوان یکی از ارکان حفظ الصحه در قرآن کریم، سال ششم، شماره دوم.  
قرآن: درآمدی بر هستان‌شناسی قرآنی و تأثیر آن بر واژگان شناختی با تأکید بر مفهوم عمل صالح، سال هفتم، شماره دوم.

قرآن: رابطه شناخت و هیجان در قرآن و روان‌شناسی، سال هشتم، شماره اول.  
قرآن: رابطه قرآن با روایات، سال دوم، شماره پنجم.  
قرآن: رهیافت‌هایی قرآنی درباره حقوق کودک، سال چهارم، شماره دوم.  
قرآن: زمینه‌های حقوق تجارت الکترونیک در قرآن و سنت، سال دوم، شماره پنجم.  
قرآن: شناخت درمانی با استمداد از گزاره‌های قرآنی با تأکید بر اضطراب و افسردگی، سال ششم، شماره دوم.

قرآن: شناسایی معیارهای زمینه‌های پژوهشی مطالعات میان رشته‌ای قرآن کریم، سال هفتم، شماره دوم.  
قرآن: شناسایی و رتبه‌بندی حیطه‌های پژوهشی در حوزه مطالعات میان رشته‌ای قرآن و سلامت، سال هشتم، شماره اول.

قرآن: عقل و عقل‌گرایی در فلسفه و قرآن، سال اول، شماره دوم.  
قرآن: مراحل رشد جنین از منظر قرآن، سال اول، شماره دوم.  
قرآن: مطالعه تطبیقی و جوه تمایز زبان قرآن و زبان حدیث، با تأکید بر زبانشناسی، سال دوم، شماره چهارم.

قرآن: مقایسه‌ای از دیدگاه هگلین جوان و برخی مفسران قرآن، سال دوم، شماره چهارم.  
قرآن: منبع‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن و سلامت، سال هشتم، شماره دوم.  
قرآن: منشا طبقات اجتماعی و قرآن، سال اول، شماره اول.  
قرآن: مواجهه با مرگ از دیدگاه قرآن و روانشناسی، سال دوم، شماره چهارم.  
قرآن: نظریه «قدرت نرم» در قرآن کریم؛ مطالعه تطبیقی گفتمان اسلامی و غرب، سال ششم، شماره اول.  
قرآن: واکاوی مؤلفه‌های روایی داستان‌های قرآن کریم، سال دوم، شماره پنجم.  
قرآن پژوهی: موانع ترمنولوژیک همکاری میان‌رشته‌ای تاریخ با مطالعات قرآنی و راهکار برون‌رفت از آن، سال هفتم، شماره دوم.  
قرآن کریم: بررسی عوامل دستیابی به سلامت روان از منظر قرآن کریم، سال هفتم، شماره اول.  
قرآن کریم: بررسی شاخصه‌های فرهنگ اسلامی جهت تأمین سلامت فردی و اجتماعی از منظر قرآن کریم، سال هفتم، شماره اول.  
قرآن کریم: ظرفیت‌های معماری متناسب با مفهوم کیفیت زندگی انسان در قرآن، سال چهارم، شماره دوم.  
قرآن کریم: قصه؛ الگوی روایت تاریخی از منظر قرآن کریم، سال دوم، شماره چهارم.  
قرآن کریم: موانع رویکرد تربیت اجتماعی در حوزه‌ی رفتار در بستر تحقق سلامت جامعه از منظر قرآن کریم، سال هفتم، شماره اول.  
قصد: آموزه‌های قرآنی و نقش نوروهای آینه‌ای مغز در اثبات اثر مشاهده و نیت در ایجاد رفتار متقابل، سال اول، شماره دوم.  
قصه یوسف: بررسی حکمت و زیبایی قصه یوسف (ع) در قرآن کریم، سال اول، شماره اول.  
قلب: نقش سلامت قلب در سبک زندگی از منظر قرآن کریم، سال ششم، شماره دوم.  
قیامت: بررسی جایگاه آواها در حرکت بخشی به تصاویر ادبی صحنه‌های قیامت در قرآن کریم، سال چهارم، شماره اول.

## ک

کارت امتیازی متوازن: توسعه عدالت محور و الگوی ایرانی - اسلامی آن، سال اول، شماره سوم.  
کارکردهای خانواده: جامعه‌شناسی خانواده در قرآن کریم، سال سوم، شماره اول.  
کانون کنترل: کانون کنترل انسان در قرآن با تأکید بر مفهوم جبر و اختیار، سال چهارم، شماره اول.  
کتاب‌شناسی: کتاب‌شناسی قرآن و علوم طبیعی، سال هشتم، شماره اول.  
کتاب درسی هدیه‌های آسمان و فارسی: بررسی فراوانی مؤلفه‌های انگیزه پیشرفت در کتاب‌های ابتدایی با تأکید بر آموزه‌های قرآن و تفاسیر، سال نهم، شماره اول.  
الکترو دیگنوز: دعا درمانی: کاربرد آیات فاتحه‌الکتاب و سوره‌های توحید و قدر در مبتلایان به سندرم تونل کارپ، سال اول، شماره دوم.

کثرت گزایی دینی: قرآن کریم و کثرت گزایی دینی، سال اول، شماره سوم.  
 کدوین: علت رویش شجره‌ای از «یقظین» کنار بدن یونس نبی(ع)، سال دوم، شماره چهارم.  
 کدوی قلیانی: علت رویش شجره‌ای از «یقظین» کنار بدن یونس نبی(ع)، سال دوم، شماره چهارم.  
 کودک: رهیافت‌هایی قرآنی درباره حقوق کودک، سال چهارم، شماره دوم.  
 کیفیت زندگی: ظرفیت‌های معماری متناسب با مفهوم کیفیت زندگی انسان در قرآن، سال چهارم، شماره دوم.  
 کیفیت زندگی: دعا درمانی (قرائت سوره فاتحه‌الکتاب و سوره توحید) و کیفیت زندگی در بیماران مولتیپل اسکروز (ام.اس)، سال اول، شماره اول.

## گ

گردش: بررسی راهکارهای استفاده از اوقات فراغت در قرآن و روایات و اثر آن بر سلامت، سال ششم، شماره دوم.  
 گروه‌های قرآنی: مطالعه تطبیقی معیارهای گروه بندی در جامعه‌شناسی و سه سوره اول قرآن کریم، سال سوم، شماره اول.  
 گزاره: جستاری درباره رابطه گزاره‌های تاریخی قرآن با گزاره‌های علم تاریخ، سال اول، شماره دوم.  
 گزاره‌های تاریخی قرآن: جستاری درباره رابطه گزاره‌های تاریخی قرآن با گزاره‌های علم تاریخ، سال اول، شماره دوم.  
 گزاره‌های علم تاریخ: جستاری درباره رابطه گزاره‌های تاریخی قرآن با گزاره‌های علم تاریخ، سال اول، شماره دوم.  
 گسیل الکتروفوتون: بررسی اثربخشی آیه‌های قرآن و موسیقی بر مبنای گسیل الکتروفوتون، سال هشتم، شماره اول.  
 گفتگو: واکاوی مؤلفه‌های روایی داستان‌های قرآن کریم، سال دوم، شماره پنجم.  
 گلستان: بررسی تطبیقی آیات و احادیث در گلستان سعدی و مرزبان‌نامه، سال هشتم، شماره دوم.  
 گونه‌های تفسیر علمی: گونه‌شناسی تبیین‌های علمی از قرآن کریم، سال هفتم، شماره دوم.

## ل

لویس: بررسی تطبیقی بافت موقعیت (برون زبانی) از دیدگاه فرث، هایمز و لوئیس با سیاق حالیه، سال دوم، شماره چهارم.

## و

ویژگی‌های ممتاز واژه‌ی الله از منظر معناشناختی و خوش‌نویسی، سال هفتم، شماره دوم.



## م

- ماء / آب: تأویل آیه ۸۲ سوره اسراء در رابطه با دعا و درمان، سال اول، شماره اول.
- مادر و کودک: مقایسه نظریه روان‌شناختی بالبی با تعالیم اسلام در ارتباط با نقش مادر در تربیت کودک، سال چهارم، شماره دوم.
- ماهیت زیبایی: بازنمایی ماهیت زیبایی شناسی از دیدگاه قرآن و حدیث، سال پنجم، شماره اول.
- مبانی: مبانی معرفت‌شناختی مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن کریم و روان‌شناسی، سال هشتم، شماره اول.
- مبانی نظام‌سازی: نظام‌سازی قرآن‌بنیان؛ چیستی، چرایی و چگونگی، سال نهم، شماره اول.
- متون حکمی: تحلیل دیدگاه هانری کربن در تأویل رمز و نقش خیال‌فعال در فهم متون حکمی اسلامی، سال سوم، شماره اول.
- مدل: مطالعه تطبیقی اقلان در مدل یادگیری و مدل قرآن، سال ششم، شماره اول.
- مدیر مطلوب: مقایسه ویژگی‌های مدیران از دیدگاه قرآن کریم با مدیریت از دیدگاه تئوری‌های غربی، سال اول، شماره دوم.
- مدیریت اسلامی: بررسی رویکردهای نظری به مدیریت اسلامی، سال اول، شماره دوم.
- مدیریت اسلامی: مقایسه ویژگی‌های مدیران از دیدگاه قرآن کریم با مدیریت از دیدگاه تئوری‌های غربی، سال اول، شماره دوم.
- مدیریت در اسلام: بررسی رویکردهای نظری به مدیریت اسلامی، سال اول، شماره دوم.
- مذهب: حرمت خودکشی در قرآن و سنت و راهکارهای قرآنی برای پیشگیری آن، سال پنجم، شماره اول.
- مذهبی بودن: سلامت معنوی؛ مفاهیم و چالش‌ها، سال اول، شماره اول.
- مراحل رشد: جستاری در نظام آفرینش جنین در قرآن؛ واکاوی مرحله نخست رشد و تکامل جنین، سال اول، شماره سوم.
- مربیان قرآن: رابطه امید، شادکامی و جهت‌گیری مذهبی با سلامت معنوی مربیان قرآن، سال پنجم، شماره اول.
- مرجعیت قرآن: واکاوی مبانی مرجعیت قرآن در نقد حدیث بر پایه سیره معصومان (ع)، سال نهم، شماره دوم.
- مردن: مواجهه با مرگ از دیدگاه قرآن و روانشناسی، سال دوم، شماره چهارم.
- مرزبان‌نامه: بررسی تطبیقی آیات و احادیث در گلستان سعدی و مرزبان‌نامه، سال هشتم، شماره دوم.
- مرگ: مواجهه با مرگ از دیدگاه قرآن و روانشناسی، سال دوم، شماره چهارم.
- مسائل نظام‌سازی: نظام‌سازی قرآن‌بنیان؛ چیستی، چرایی و چگونگی، سال نهم، شماره اول.
- مسکن اسلامی: مکان و مسکن در منظر اسلام، سال اول، شماره سوم.
- مسکن سنتی: بازشناسی مؤلفه‌های هویتی مسکن سنتی بر اساس آیات قرآن و روایات ائمه معصومین، سال سوم، شماره دوم.



مشارکت اجتماعی: سرمایه اجتماعی در اسلام، سال سوم، شماره اول.

مضامین مشترک: بررسی تطبیقی آیات و احادیث در گلستان سعدی و مرزبان‌نامه، سال هشتم، شماره دوم.

مطالعات بین‌رشته‌ای قرآن کریم: آسیب‌شناسی مطالعات بین‌رشته‌ای قرآن کریم، سال چهارم، شماره دوم.

مطالعات میان‌رشته‌ای: سازوکار (فرایند و روش‌شناسی) پژوهش میان‌رشته‌ای قرآن کریم، سال نهم، شماره اول.

مطالعات میان‌رشته‌ای: شناسایی و رتبه‌بندی حیطه‌های پژوهشی در حوزه مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن و سلامت، سال هشتم، شماره اول.

مطالعات میان‌رشته‌ای: بررسی روش و راهبردهای تحقیق در مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن کریم (نمونه موردی: ارتباط معماری با قرآن کریم)، سال پنجم، شماره اول.

مطالعات میان‌رشته‌ای: مبانی معرفت‌شناختی مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن کریم و روان‌شناسی، سال هشتم، شماره اول.

مطالعات میان‌رشته‌ای: منبع‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن و حقوق، سال نهم، شماره دوم.

مطالعات میان‌رشته‌ای: منبع‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن و سلامت، سال هشتم، شماره دوم.

مطالعه تطبیقی: مطالعه تطبیقی اقناع در مدل یادگیری و مدل قرآن، سال ششم، شماره اول.

مطالعه میان‌رشته‌ای: موانع ترمینولوژیک همکاری میان‌رشته‌ای تاریخ با مطالعات قرآنی و راهکار برون‌رفت از آن، سال هفتم، شماره دوم.

معاد: بررسی ارتباط انسان با طبیعت از منظر معادشناسی در قرآن کریم، سال دوم، شماره پنجم.

معارف قرآنی: الگوی نظام‌سازی سیاسی قرآنی، سال نهم، شماره اول.

معارف قرآنی: شناسایی و رتبه‌بندی حیطه‌های پژوهش در حوزه مطالعات میان‌رشته‌ای دانش قرآنی و علوم تربیتی، سال نهم، شماره دوم.

معارف: بررسی و رتبه‌بندی علوم و معارف در قرآن کریم، سال هفتم، شماره دوم.

معارف قرآنی: بررسی و رتبه‌بندی علوم و معارف در قرآن کریم، سال هفتم، شماره دوم.

معرفت‌شناختی: مبانی معرفت‌شناختی مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن کریم و روان‌شناسی، سال هشتم، شماره اول.

معماری: بررسی روش و راهبردهای تحقیق در مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن کریم (نمونه موردی: ارتباط معماری با قرآن کریم)، سال پنجم، شماره اول.

معماری: ظرفیت‌های معماری متناسب با مفهوم کیفیت زندگی انسان در قرآن، سال چهارم، شماره دوم.

معماری: مرته‌بندی معماری متناسب با ساختار وجودی انسان بر اساس آموزه‌های قرآن و حکمت اسلامی، سال چهارم، شماره اول.

معنا درمانی توأم با تلاوت قرآن و دعا: اثربخشی معنا درمانی توأم با تلاوت قرآن و دعا بر

افسردگی و سلول T / کمکی (CD4+)، سال سوم، شماره دوم.  
معنا درمانی فرانکل: اثربخشی معنا درمانی قرآن و معنا درمانی فرانکل بر سلامت روان و بهزیستی ذهنی مادران افسرده، سال چهارم، شماره دوم.  
معنا درمانی قرآن: اثربخشی معنا درمانی قرآن و معنا درمانی فرانکل بر سلامت روان و بهزیستی ذهنی مادران افسرده، سال چهارم، شماره دوم.  
معنای نظام‌سازی: واکاوی رویکردهای موجود در خصوص نظام‌سازی قرآنی، سال نهم، شماره اول.  
معنویت: سلامت معنوی؛ مفاهیم و چالش‌ها، سال اول، شماره اول.  
معیار:  
معیارهای جامعه‌شناختی: مطالعه تطبیقی معیارهای گروه بندی در جامعه‌شناسی و سه سوره اول قرآن کریم، سال سوم، شماره اول.  
معیارهای قرآنی: مطالعه تطبیقی معیارهای گروه بندی در جامعه‌شناسی و سه سوره اول قرآن کریم، سال سوم، شماره اول.  
مفهوم سازی: تحلیل فضاهای ذهنی گفتمان شیطان در قرآن، سال هفتم، شماره دوم.  
مقابله سیستمی: فساد اداری، عوامل و راهکارهای مقابله با آن از منظر آیات و روایات، سال چهارم، شماره دوم.  
مقطع تحصیلی ابتدایی: شناسایی و تحلیل خلأهای موجود در پژوهش‌های انجام شده در زمینه آموزش قرآن، سال هشتم، شماره دوم.  
مکاتب تفسیری: نقد و بررسی رویکرد تحقیق موضوعی در قرآن کریم، سال ششم، شماره اول.  
منابع نظام‌سازی: نظام‌سازی قرآن‌بنیان؛ چیستی، چرایی و چگونگی، سال نهم، شماره اول.  
منبع‌شناسی: منبع‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن و حقوق، سال نهم، شماره دوم.  
منبع‌شناسی: منبع‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن و سلامت، سال هشتم، شماره دوم.  
منشأ طبقات: منشأ طبقات اجتماعی و قرآن، سال اول، شماره اول.  
موانع ترمینولوژیک: موانع ترمینولوژیک همکاری میان‌رشته‌ای تاریخ با مطالعات قرآنی و راهکار برون‌رفت از آن، سال هفتم، شماره دوم.  
موانع: بررسی عوامل دستیابی به سلامت روان از منظر قرآن کریم، سال هفتم، شماره اول.  
موانع: موانع رویکرد تربیت اجتماعی در حوزه‌ی رفتار در بستر تحقق سلامت جامعه از منظر قرآن کریم، سال هفتم، شماره اول.  
موسیقی: بررسی اثربخشی آیه‌های قرآن و موسیقی بر مبنای گسیل الکتروفوتون، سال هشتم، شماره اول.  
مهارت‌های زندگی: اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی با رویکرد قرآنی، سال هشتم، شماره دوم.  
مهارت‌های زندگی: بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی با رویکرد قرآنی بر افسردگی دانشجویان، سال اول، شماره اول.

مهندسی اجتماعی با گرایش قرآنی: نقدی بر مقاله «قرآن کریم و مهندسی اجتماعی»، سال دوم، شماره پنجم.

مهندسی اجتماعی: قرآن کریم و مهندسی اجتماعی، سال اول، شماره سوم.  
 مهندسی اجتماعی: نقدی بر مقاله «قرآن کریم و مهندسی اجتماعی»، سال دوم، شماره پنجم.  
 مهندسی فرهنگی: تربیت اسلامی (گذر اهداف کلی به اهداف رفتاری)، سال اول، شماره سوم.  
 مؤلفه: بازشناسی مؤلفه‌های هویتی مسکن سنتی بر اساس آیات قرآن و روایات ائمه معصومین، سال سوم، شماره دوم.

میان رشته‌ای: شناسایی معیارهای زمینه‌های پژوهشی مطالعات میان رشته‌ای قرآن کریم، سال هفتم، شماره دوم.

میان رشته‌ای: شناسایی و رتبه‌بندی حیطه‌های پژوهش در حوزه مطالعات میان رشته‌ای دانش قرآنی و علوم تربیتی، سال نهم، شماره دوم.

## ن

ناصریف یازجی: بینامتنی قرآنی در مقامات ناصیف یازجی، سال دوم، شماره پنجم.  
 نجات: قرآن کریم و کثرت گرایی دینی، سال اول، شماره سوم.  
 نطفه: جستاری در نظام آفرینش جنین در قرآن؛ واکاوی مرحله نخست رشد و تکامل جنین، سال اول، شماره سوم.

نظام فقهی: واکاوی رویکردهای موجود در خصوص نظام‌سازی قرآنی، سال نهم، شماره اول.  
 نظام: بررسی ارتباط انسان با طبیعت از منظر معادشناسی در قرآن کریم، سال دوم، شماره پنجم.  
 نظام‌سازی قرآن بنیان: نظام‌سازی قرآن بنیان؛ چیستی، چرایی و چگونگی، سال نهم، شماره اول.  
 نظام‌سازی قرآنی: واکاوی رویکردهای موجود در خصوص نظام‌سازی قرآنی، سال نهم، شماره اول.  
 نظام‌سازی: نظام‌سازی قرآن بنیان (مفاهیم اساسی، راهبردها و فرایندها)، سال نهم، شماره اول.  
 نظام‌های اجتماعی: الگوی نظام‌سازی سیاسی قرآنی، سال نهم، شماره اول.  
 نظام‌های اقتصادی: الگوی نظام‌سازی سیاسی قرآنی، سال نهم، شماره اول.  
 نظام‌های سیاسی: الگوی نظام‌سازی سیاسی قرآنی، سال نهم، شماره اول.  
 نظریه بالبی: مقایسه نظریه روان‌شناختی بالبی با تعالیم اسلام در ارتباط با نقش مادر در تربیت کودک، سال چهارم، شماره دوم.

نظریه پردازی دینی: تربیت اسلامی (گذر اهداف کلی به اهداف رفتاری)، سال اول، شماره سوم.  
 نظریه رشد: بررسی رویکردهای نظری به مدیریت اسلامی، سال اول، شماره دوم.  
 نظریه پردازی قرآن بنیان: نظام‌سازی قرآن بنیان (مفاهیم اساسی، راهبردها و فرایندها)، سال نهم، شماره اول.

نعمت: تجلی مفاهیم قرآنی در باغ ایرانی با تأکید بر سوره انسان (نمونه موردی: باغ دولت آبادیزد)،

سال چهارم، شماره اول.  
نقد علمی: نقدی بر مقاله «قرآن کریم و مهندسی اجتماعی»، سال دوم، شماره پنجم.  
نقد قرآن محور حدیث: واکاوی مبانی مرجعیت قرآن در نقد حدیث بر پایه سیره معصومان (ع)،  
سال نهم، شماره دوم.  
نقشه راه: توسعه عدالت محور و الگوی ایرانی-اسلامی آن، سال اول، شماره سوم.  
نقل به الفاظ: مطالعه تطبیقی وجوه تمایز زبان قرآن و زبان حدیث، با تأکید بر زبانشناسی، سال  
دوم، شماره چهارم.  
نکاح متعه: نقد و بررسی ادعای نسخ حکم متعه، سال نهم، شماره دوم.  
نورون‌های آینه‌ای: آموزه‌های قرآنی و نقش نورون‌های آینه‌ای مغز در اثبات اثر مشاهده و نیت در  
ایجاد رفتار متقابل، سال اول، شماره دوم.  
نهی از منکر: امر به معروف و نهی از منکر از منظر دین و شرایط اقامه آن، سال سوم، شماره دوم.  
واقعی بودن (حقیقی بودن): جستاری درباره رابطه گزاره‌های تاریخی قرآن با گزاره‌های علم  
تاریخ، سال اول، شماره دوم.

## و

ویژگی‌های حکمت: بررسی حکمت و زیبایی قصه یوسف (ع) در قرآن کریم، سال اول، شماره اول.

## و

هانری کربن: تحلیل دیدگاه هانری کربن در تأویل رمز و نقش خیال فعال در فهم متون حکمی  
اسلامی، سال سوم، شماره اول.  
هایمز: بررسی تطبیقی بافت موقعیت (برون زبانی) از دیدگاه فرث، هایمز و لوئیس با سیاق حالیه،  
سال دوم، شماره چهارم.  
هدف غائی: تربیت اسلامی (گذر اهداف کلی به اهداف رفتاری)، سال اول، شماره سوم.  
هستان‌شناسی: درآمدی بر هستان‌شناسی قرآنی و تأثیر آن بر واژگان شناختی با تأکید بر مفهوم  
عمل صالح، سال هفتم، شماره دوم.  
هستی‌شناسی جامعه: بنیان‌های نظری جامعه‌شناسی در قرآن کریم، سال چهارم، شماره دوم.  
هگلیان: مقایسه‌ای از دیدگاه هگلیان جوان و برخی مفسران قرآن، سال دوم، شماره چهارم.  
هماندی: انسجام اجتماعی از منظر قرآن کریم، سال دوم، شماره پنجم.  
همرنگی با جماعت: نگرشی روان‌شناختی، آگزستان‌سیالیستی و قرآنی به مقوله «همرنگی با جماعت»،  
سال چهارم، شماره دوم.  
هندسه نیازهای بشری: قرآن کریم و مهندسی اجتماعی، سال اول، شماره سوم.  
هنر: ویژگی‌های ممتاز واژه‌ی الله از منظر معناشناختی و خوش‌نویسی، سال هفتم، شماره دوم.

هنر: هنرهای چهارگانه سبک زندگی مؤمنانه با تکیه بر آموزه‌های رضوی، سال هفتم، شماره اول.  
 هویت اسلامی: بازشناسی مؤلفه‌های هویتی مسکن سنتی بر اساس آیات قرآن و روایات ائمه  
 معصومین، سال سوم، شماره دوم.  
 هویت مکانی: مکان و مسکن در منظر اسلام، سال اول، شماره سوم.  
 هیجان: رابطه شناخت و هیجان در قرآن و روان‌شناسی، سال هشتم، شماره اول.

## ی

یقظین: علت رویش شجره‌ای از «یقظین» کنار بدن یونس نبی (ع)، سال دوم، شماره چهارم.  
 یونس: علت رویش شجره‌ای از «یقظین» کنار بدن یونس نبی (ع)، سال دوم، شماره چهارم.

## ۳. نمایه نویسندگان

۱

ابراهیمی، فهیمه: رویکردی نظری و عملی به هنر تصویرآفرینی قرآن، سال سوم، شماره دوم.  
 اتفاق، لیلا: دعا درمانی: کاربرد آیات فاتحه‌الکتاب و سوره‌های توحید و قدر در مبتلایان به سندرم  
 تونل کارپ، سال اول، شماره دوم.  
 احمدنژاد، مرضیه السادات: تجلی آیات قرآن مجید در فرش باغ ایرانی با تأکید بر سوره الرحمن،  
 سال چهارم، شماره دوم.  
 احمدی، محمدحسن: تواتر تاریخی در حوزه قرآن و حدیث (با تأکید بر نقد دیدگاه خاورشناسان و  
 اخباریان)، سال چهارم، شماره دوم.  
 احمدی‌فر، مصطفی: تأمین بهداشت روانی اقتصاد و تقویت آن از منظر آموزه‌های دینی، سال دوم،  
 شماره چهارم.  
 اخوت، هانیه: بازشناسی مؤلفه‌های هویتی مسکن سنتی بر اساس آیات قرآن و روایات ائمه معصومین،  
 سال سوم، شماره دوم.  
 ارشی، صادق: ویژگی‌های ممتاز واژه‌ی الله از منظر معناشناختی و خوش‌نویسی، سال هفتم، شماره دوم.  
 آزما، کامران: دعا درمانی: کاربرد آیات فاتحه‌الکتاب و سوره‌های توحید و قدر در مبتلایان به سندرم  
 تونل کارپ، سال اول، شماره دوم.  
 استادی، آسیه: منبع‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن و سلامت، سال هشتم، شماره دوم.  
 اسدی نژاد، سید محمد: استحقاق اجرت‌المثل مدیر در اداره مال غیر از دیدگاه قرآن کریم و حقوق  
 ایران، سال نهم، شماره دوم.  
 اسدی، مهدی: نقد و بررسی ادعای نسخ حکم متعه، سال نهم، شماره دوم.  
 اسماعیلی صدرآبادی، مهدی: بررسی و رتبه‌بندی علوم و معارف در قرآن کریم، سال هفتم، شماره  
 دوم.

اسمعیلی صدرآبادی، مهدی: اثربخشی معنا درمانی قرآن و معنا درمانی فرانکل بر سلامت روان و بهزیستی ذهنی مادران افسرده، سال چهارم، شماره دوم  
اسمعیلی صدرآبادی، مهدی: بررسی اثربخشی تدبیر در آیات قرآن کریم بر افزایش سلامت روان، سال هفتم، شماره اول.

اسمعیلی صدرآبادی، مهدی: شناسایی و رتبه‌بندی حیطه‌های پژوهشی در حوزه مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن و سلامت، سال هشتم، شماره اول.

اسمعیلی صدرآبادی، مهدی: منبع‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن و سلامت، سال هشتم، شماره دوم.

آشنا، حسام‌الدین: مطالعه تطبیقی اقناع در مدل یادگیری و مدل قرآن، سال ششم، شماره اول.

افسری، علی: سرمایه اجتماعی در اسلام، سال سوم، شماره اول.

اکرم جهانگیر: آموزه‌های قرآنی و نقش نوروپسایکولوژی‌های آینده‌ای مغز در اثبات اثر مشاهده و نیت در ایجاد رفتار متقابل، سال اول، شماره دوم.

آکوچکیان، احمد: سازوکار (فرایند و روش‌شناسی) پژوهش میان‌رشته‌ای قرآن کریم، سال نهم، شماره اول.

آل طاه‌ها، سید حسین: نقد و بررسی ادعای نسخ حکم متعه، سال نهم، شماره دوم.

امری، محمدحسن: واکاوی تحلیلی تعادل ساختاری تمییز در ترجمه فارسی حداد عادل از قرآن کریم (مطالعه مورد پژوهش: سوره‌های اسراء و مریم)، سال هشتم، شماره اول.

امیدواری، سپیده: سلامت معنوی؛ مفاهیم و چالش‌ها، سال اول، شماره اول.

امیری، جهانگیر: واکاوی تحلیلی تعادل ساختاری تمییز در ترجمه فارسی حداد عادل از قرآن کریم (مطالعه مورد پژوهش: سوره‌های اسراء و مریم)، سال هشتم، شماره اول.

امیری، سید محمد: بررسی تطبیقی آیات و احادیث در گلستان سعدی و مرزبان‌نامه، سال هشتم، شماره دوم.

امیری، نفیسه: عقل و عقل‌گرایی در فلسفه و قرآن، سال اول، شماره دوم.

انصاری، مجتبی: تجلی آیات قرآن مجید در فرش باغ ایرانی با تأکید بر سوره الرحمن، سال چهارم، شماره دوم.

ایروانی نجفی، مرتضی: درآمدی بر هستان‌شناسی قرآنی و تأثیر آن بر واژگان شناختی با تأکید بر مفهوم عمل صالح، سال هفتم، شماره دوم.

ایزائلو، امید: بررسی کلمه «شفاء» در قرآن کریم بر اساس تفاسیر تشیع و اهل سنت، سال هفتم، شماره اول.

ایمان سعیدی: بازنمایی ماهیت زیبایی‌شناسی از دیدگاه قرآن و حدیث، سال پنجم، شماره اول.

ایمانی فر، حمیدرضا: آسیب‌شناسی مطالعات بین‌رشته‌ای قرآن کریم، سال چهارم، شماره دوم.

ایمانی فر، حمیدرضا: مواجهه با مرگ از دیدگاه قرآن و روانشناسی، سال دوم، شماره چهارم.

## ب

بابایی مجرد، حسین: نظام‌سازی قرآن‌بنیان؛ چیستی، چرایی و چگونگی، سال نهم، شماره اول. بارباز اصفهانی، نجمه: مقایسه نظریه روان‌شناختی بالبی با تعالیم اسلام در ارتباط با نقش مادر در تربیت کودک، سال چهارم، شماره دوم.

باقری، پرویز: زمینه‌های حقوق تجارت الکترونیک در قرآن و سنت، سال دوم، شماره پنجم.

باقری، زهرا: خانواده و کارکرد تربیتی آن در قرآن و روایات، سال هشتم، شماره دوم.

بجاری، جعفر: بررسی عوامل بازدارنده به ثمر رسیدن رنج و تلاش و نقش آن در سلامت روان با تأکید بر قرآن کریم، سال ششم، شماره دوم.

بختیاری، ابوالحسن: خواب و بیداری به عنوان یکی از ارکان حفظ الصحه در قرآن کریم، سال ششم، شماره دوم.

برزو، لیلا: شناخت درمانی با استمداد از گزاره‌های قرآنی با تأکید بر اضطراب و افسردگی، سال ششم، شماره دوم.

بستانی، قاسم: مواجهه با مرگ از دیدگاه قرآن و روانشناسی، سال دوم، شماره چهارم.

بمانیان، محمدرضا: بررسی ارتباط انسان با طبیعت از منظر معادشناسی در قرآن کریم، سال دوم، شماره پنجم.

بمانیان، محمدرضا: مکان و مسکن در منظر اسلام، سال اول، شماره سوم.

بهروزی، مجتبی: واکاوی مؤلفه‌های روایی داستان‌های قرآن کریم، سال دوم، شماره پنجم.

بهمنی، سعید: نظام‌سازی قرآن‌بنیان (مفاهیم اساسی، راهبردها و فرایندها)، سال نهم، شماره اول.

بیدهندی، محمد: قرآن کریم و کثرت‌گرایی دینی، سال اول، شماره سوم.

بیژنی، مهدی: رهیافت‌هایی قرآنی درباره حقوق کودک، سال چهارم، شماره دوم.

## پ

پرچم، اعظم: مقایسه نظریه روان‌شناختی بالبی با تعالیم اسلام در ارتباط با نقش مادر در تربیت کودک، سال چهارم، شماره دوم.

پروینی، خلیل: مکان، زمان، رؤیا و شخصیت در سوره یوسف (ع)، سال سوم، شماره دوم.

پشوتنی زاده، آزاده: مکان و مسکن در منظر اسلام، سال اول، شماره سوم.

پورجعفر، علی: تجلی مفاهیم قرآنی در باغ ایرانی با تأکید بر سوره انسان (نمونه موردی: باغ دولت آباد یزد)، سال چهارم، شماره اول.

پورجعفر، محمدرضا: بررسی حکمت عناصر منظر در بهشت قرآنی با تأکید بر سوره مبارکه الرحمن، سال اول، شماره اول.

پورجعفر، محمدرضا: تجلی مفاهیم قرآنی در باغ ایرانی با تأکید بر سوره انسان (نمونه موردی: باغ دولت آباد یزد)، سال چهارم، شماره اول.



پوررستمی، حامد: هنرهای چهارگانه سبک زندگی مؤمنانه با تکیه بر آموزه‌های رضوی، سال هفتم، شماره اول.

پورمحمدی، سیده راضیه: بررسی عوامل بازدارنده به ثمر رسیدن رنج و تلاش و نقش آن در سلامت روان با تأکید بر قرآن کریم، سال ششم، شماره دوم.

پورمحمدی، سیده راضیه: نقش سلامت قلب در سبک زندگی از منظر قرآن کریم، سال ششم، شماره دوم.  
پیروزفر، سهیلا: درآمدی بر هستان‌شناسی قرآنی و تأثیر آن بر واژگان شناختی با تأکید بر مفهوم عمل صالح، سال هفتم، شماره دوم.

## ت

تیموری اصل، یاسر: از خود بیگانگی: مقایسه‌ای از دیدگاه هگلیان جوان و برخی مفسران قرآن، سال دوم، شماره چهارم.

## ج

جانی‌پور، محمد: مقوله‌ای فرهنگی اعتقادی در چارچوب سبک زندگی اسلامی، سال چهارم، شماره اول.  
جدادی، مریم: بررسی اثربخشی تدبیر در آیات قرآن کریم بر افزایش سلامت روان، سال هفتم، شماره اول.  
جعفرزاده، مهدی: مفهوم شناسی دانشگاه علوم پزشکی اسلامی با تکیه بر آیات و روایات، سال ششم، شماره اول.

جعفری، غلامرضا: بررسی اثربخشی آیه‌های قرآن و موسیقی بر مبنای گسیل الکتروفوتون، سال هشتم، شماره اول.

جعفری‌فر، زهره: شناسایی و تحلیل خلأهای موجود در پژوهش‌های انجام شده در زمینه آموزش قرآن، سال هشتم، شماره دوم.

جمال عاشوری: رابطه امید، شادکامی و جهت‌گیری مذهبی با سلامت معنوی مریمان قرآن، سال پنجم، شماره اول.

جمالی گندمانی، احمد: واکاوی رویکردهای موجود در خصوص نظام‌سازی قرآنی، سال نهم، شماره اول.

جمالی گندمانی، احمد: واکاوی مبانی مرجعیت قرآن در نقد حدیث بر پایه سیره معصومان (ع)، سال نهم، شماره دوم.

جهانگیر، اکرم: دعا درمانی: کاربرد آیات فاتحه‌الکتاب و سوره‌های توحید و قدر در مبتلایان به سندرم تونل کارپ، سال اول، شماره دوم.

جهانگیر، اکرم: نقش اراده آزاد در مقابل تقدیر از دیدگاه قرآن، روان‌شناسی و عصب‌شناسی، سال نهم، شماره دوم.

جهانی، سمانه: جامعه‌شناسی خانواده در قرآن کریم، سال سوم، شماره اول.

جوشن، آمنه: دانشگاه اسلامی و چشم انداز آن از منظر قرآن کریم، سال چهارم، شماره اول. جوکار، حامد: واکاوی رویکردهای موجود در خصوص نظام‌سازی قرآنی، سال نهم، شماره اول.

### چ

چاوشی، سید کاظم: بررسی رویکردهای نظری به مدیریت اسلامی، سال اول، شماره دوم. چوپانی، موسی: اثربخشی استماع به آوای قرآن کریم در بهبود افسردگی زنان ناباور، سال ششم، شماره اول.

### ح

حاج کاظمی، زهرا: موانع رویکرد تربیت اجتماعی در حوزه‌ی رفتار در بستر تحقق سلامت جامعه از منظر قرآن کریم، سال هفتم، شماره اول. حاجی مزدرانی، مرتضی: ویژگی‌های ممتاز واژه‌ی الله از منظر معناشناختی و خوش‌نویسی، سال هفتم، شماره دوم.

حبیبی، علی اصغر: واکاوی مؤلفه‌های روایی داستان‌های قرآن کریم، سال دوم، شماره پنجم. حسن دارابی: بازنمایی ماهیت زیبایی‌شناسی از دیدگاه قرآن و حدیث، سال پنجم، شماره اول. حسینی اجداد، سید اسماعیل: امر به معروف و نهی از منکر از منظر دین و شرایط اقامه آن، سال سوم، شماره دوم.

حسینی گلکار، مصطفی: نقد و بررسی رویکرد تحقیق موضوعی در قرآن کریم، سال ششم، شماره اول. حمید، نجمه: اثربخشی معنا درمانی توأم با تلاوت قرآن و دعا بر افسردگی و سلول T / کمکی (CD4+)، سال سوم، شماره دوم.

### خ

خاکبان، سلیمان: قرآن کریم و مهندسی اجتماعی، سال اول، شماره سوم. خبری، محمدعلی: بررسی حکمت و زیبایی قصه یوسف (ع) در قرآن کریم، سال اول، شماره اول. خرقانی، حسن: بررسی عوامل دستیابی به سلامت روان از منظر قرآن کریم، سال هفتم، شماره اول. خرقانی، حسن: قرآن کریم چشمه‌سار زیبایی‌شناسی، سال اول، شماره سوم. خسروپناه، عبدالحسین: عقل و عقل‌گرایی در فلسفه و قرآن، سال اول، شماره دوم. خسروی مراد، لیلا: شناسایی و رتبه‌بندی حیطه‌های پژوهش در حوزه مطالعات میان‌رشته‌ای دانش قرآنی و علوم تربیتی، سال نهم، شماره دوم. خطیبی، اعظم: مطالعه تطبیقی معیارهای گروه بندی در جامعه‌شناسی و سه سوره اول قرآن کریم، سال سوم، شماره اول.

خلیفه، ابراهیم: واکاوی مؤلفه‌های روایی داستان‌های قرآن کریم، سال دوم، شماره پنجم.

## د

داداش‌پور، حمیده: استحقاق اجرت‌المثل مدیر در اداره مال غیر از دیدگاه قرآن کریم و حقوق ایران، سال نهم، شماره دوم.

دانش، جابر: شناسه‌های شهر در قرآن کریم، سال چهارم، شماره دوم.

داودی حموله، فریده: اثربخشی معنا درمانی قرآن و معنا درمانی فرانکل بر سلامت روان و بهزیستی ذهنی مادران افسرده، سال چهارم، شماره دوم.

درزی، قاسم: کانون کنترل انسان در قرآن با تأکید بر مفهوم جبر و اختیار، سال چهارم، شماره اول.

درزی، قاسم: مطالعه تطبیقی وجوه تمایز زبان قرآن و زبان حدیث، با تأکید بر زیانشناسی، سال دوم، شماره چهارم.

دریادل موحد، اعظم: بینامتنی قرآن و حدیث در شعر شیعی طلائع بن زُرَیک، سال سوم، شماره اول.

دستجانی، رضوانه: ساز و کار (فرایند و روش شناسی) پژوهش میان‌رشته‌ای قرآن کریم، سال نهم، شماره اول.

دکتر فرانک فرزدی: آموزه‌های قرآنی و نقش نوروپ‌های آینه‌ای مغز در اثبات اثر مشاهده و نیت در ایجاد رفتار متقابل، سال اول، شماره دوم.

دودمان، فرح: مواجهه با مرگ از دیدگاه قرآن و روانشناسی، سال دوم، شماره چهارم.

## ر

راز، عبدالله: تحلیل دیدگاه هانری گربن در تأویل رمز و نقش خیال فعال در فهم متون حکمی اسلامی، سال سوم، شماره اول.

رحمان ستایش، محمد کاظم: واکاوی مبانی مرجعیت قرآن در نقد حدیث بر پایه سیره معصومان(ع)، سال نهم، شماره دوم.

رخشنده نیا، سیده اکرم: امر به معروف و نهی از منکر از منظر دین و شرایط اقامه آن، سال سوم، شماره دوم.

رستمی، ثریا: تجلی مفاهیم قرآنی در باغ ایرانی با تأکید بر سوره انسان (نمونه موردی: باغ دولت آباد یزد)، سال چهارم، شماره اول.

رستمی، محسن: تجلی مفاهیم قرآنی در باغ ایرانی با تأکید بر سوره انسان (نمونه موردی: باغ دولت آباد یزد)، سال چهارم، شماره اول.

رستمیان، مرضیه: بررسی تطبیقی بافت موقعیت (برون زبانی) از دیدگاه فرث، هایمز و لوئیس با سیاق حالیه، سال دوم، شماره چهارم.

رستمی یکتا، فیاض: نقدی بر مقاله «قرآن کریم و مهندسی اجتماعی»، سال دوم، شماره پنجم.

عسگری، رضا: حرمت خودکشی در قرآن و سنت و راهکارهای قرآنی برای پیشگیری آن، سال پنجم، شماره اول.

رضایی اصفهانی، محمد علی: تأمین بهداشت روانی اقتصاد و تقویت آن از منظر آموزه‌های دینی، سال

دوم، شماره چهارم.

رضایی دهنوی، صدیقه: رابطه شناخت و هیجان در قرآن و روان‌شناسی، سال هشتم، شماره اول.  
رفیع‌خواه، محسن: بررسی اثربخشی تدبر در آیات قرآن کریم بر افزایش سلامت روان، سال هفتم، شماره اول.

رفیع‌خواه، محسن: شناسایی و رتبه‌بندی حیطه‌های پژوهشی در حوزه مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن و سلامت، سال هشتم، شماره اول.

رفیع‌خواه، محسن: منبع‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن و سلامت، سال هشتم، شماره دوم.  
رئسی، روح‌الله: مواجهه با مرگ از دیدگاه قرآن و روانشناسی، سال دوم، شماره چهارم.

## ز

زارع برمی، مرتضی: مکان، زمان، رؤیا و شخصیت در سوره یوسف (ع)، سال سوم، شماره دوم.  
زند و کیلی، محمد تقی: واکاوی تحلیلی تعادل ساختاری تمییز در ترجمه فارسی حداد عادل از قرآن کریم (مطالعه مورد پژوهش: سوره‌های اسراء و مریم)، سال هشتم، شماره اول.  
زنده دل، محیا: اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی با رویکرد قرآنی، سال هشتم، شماره دوم.

## س

سامه، رضا: ظرفیت‌های معماری متناسب با مفهوم کیفیت زندگی انسان در قرآن، سال چهارم، شماره دوم.  
سامه، رضا: مرتبه‌بندی معماری متناسب با ساختار وجودی انسان بر اساس آموزه‌های قرآن و حکمت اسلامی، سال چهارم، شماره اول.  
سپهری، مهدی: روش‌شناسی تحقیق موضوعی در قرآن کریم: طراحی الگویی کاربردی برای پژوهش‌های میان‌رشته‌ای، سال ششم، شماره اول.  
ستوده‌نیا، محمدرضا: مقوله‌ای فرهنگی اعتقادی در چارچوب سبک زندگی اسلامی، سال چهارم، شماره اول.

سعیدی فاضل، روح‌الله: بررسی عوامل دستیابی به سلامت روان از منظر قرآن کریم، سال هفتم، شماره اول.  
سلیمانی، داوود: منشأ طبقات اجتماعی و قرآن، سال اول، شماره اول.  
سید مهدی صالحی: حرمت خودکشی در قرآن و سنت و راهکارهای قرآنی برای پیشگیری آن، سال پنجم، شماره اول.

سیفی، الهام: منبع‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن و حقوق، سال نهم، شماره دوم.  
سیفی، طیبه: بینامتنی اشعار عبدالوهاب البیاتی با قرآن کریم، سال دوم، شماره پنجم.

## ش

شاه ولی، منصور: رویکردی نظری و عملی به هنر تصویرآفرینی قرآن، سال سوم، شماره دوم.

شاهواروتی، مریم: بررسی تفاوت‌های جنسیتی زنان و مردان در دو دیدگاه قرآن مجید و فمینیسم، سال اول، شماره اول.

شجاعی، حسین: موانع ترمینولوژیک همکاری میان‌رشته‌ای تاریخ با مطالعات قرآنی و راهکار برون‌رفت از آن، سال هفتم، شماره دوم.

شعبانی سیچانی، مهدی: توسعه عدالت محور و الگوی ایرانی-اسلامی آن، سال اول، شماره سوم.  
شفیعی، سید علی: مفهوم شناسی دانشگاه علوم پزشکی اسلامی با تکیه بر آیات و روایات، سال ششم، شماره اول.

شهباز قهفرخی، سجاد: حمایت از حریم خصوصی اشخاص از منظر آیات و روایات، سال سوم، شماره دوم.  
شهدری نژاد، سمیه: بررسی عوامل بازدارنده به ثمر رسیدن رنج و تلاش و نقش آن در سلامت روان با تأکید بر قرآن کریم، سال ششم، شماره دوم.

شهریاری، بهاره: مقایسه ویژگی‌های مدیریت از دیدگاه قرآن کریم با مدیریت از دیدگاه تئوری‌های غربی، سال اول، شماره دوم.

شیرافکن، محمد حسین: تحلیل فضا‌های ذهنی گفتمان شیطان در قرآن، سال هفتم، شماره دوم.

## ص

صادقی امینی، محسن: بنیان‌های نظری جامعه‌شناسی در قرآن کریم، سال چهارم، شماره دوم.  
صالح، الهام: بررسی ارتباط انسان با طبیعت از منظر معادشناسی در قرآن کریم، سال دوم، شماره پنجم.  
صداقت، علی: مرتبه‌بندی معماری متناسب با ساختار وجودی انسان بر اساس آموزه‌های قرآن و حکمت اسلامی، سال چهارم، شماره اول.

صرامی فروشانی، غلامرضا: بررسی اثربخشی آیه‌های قرآن و موسیقی بر مبنای گسیل الکتروفوتون، سال هشتم، شماره اول.

صمدزاده، سپیده: تجلی آیات قرآن مجید در فرش باغ ایرانی با تأکید بر سوره الرحمن، سال چهارم، شماره دوم.

صمدی، مجید: بررسی جایگاه آواها در حرکت بخشی به تصاویر ادبی صحنه‌های قیامت در قرآن کریم، سال چهارم، شماره اول.

## ط

طالقانی، سید عبدالوهاب: بنیان‌های نظری جامعه‌شناسی در قرآن کریم، سال چهارم، شماره دوم.  
طاهری‌نیا، علی باقر: بررسی جایگاه آواها در حرکت بخشی به تصاویر ادبی صحنه‌های قیامت در قرآن کریم، سال چهارم، شماره اول.

طباطبایی، سید کاظم: بررسی تطبیقی بافت موقعیت (برون زبانی) از دیدگاه فرث، هایمز و لوئیس با سیاق حالیه، سال دوم، شماره چهارم.



طهماسبی بلداجی، اصغر: بررسی شاخصه‌های فرهنگ اسلامی جهت تأمین سلامت فردی و اجتماعی از منظر قرآن کریم، سال هفتم، شماره اول.

## ع

عباسی دره بیدی، احمد: بررسی راهکارهای استفاده از اوقات فراغت در قرآن و روایات و اثر آن بر سلامت، سال ششم، شماره دوم.

عباسی، فائزه: بررسی عوامل دستیابی به سلامت روان از منظر قرآن کریم، سال هفتم، شماره اول.  
عبدالحسین زاده، محمد: نظام‌سازی قرآن‌بنیان؛ چیستی، چرایی و چگونگی، سال نهم، شماره اول.  
خدیری خان‌آبادی، عبدالرضا: حرمت خودکشی در قرآن و سنت و راهکارهای قرآنی برای پیشگیری آن، سال پنجم، شماره اول.

عبدالله‌خانی، مرضیه: نقش سلامت قلب در سبک زندگی از منظر قرآن کریم، سال ششم، شماره دوم.  
علمایی، نسیم: بررسی بافت‌های تأثیرگذار در ارتباط میان فردی از دیدگاه قرآن، سال سوم، شماره اول.

علی‌اصغر سعدآبادی: تأملی بر دلالت تفسیر سوره شناختی آیه ۳۵ از سوره احزاب بر یک‌الگوی توسعه و پیشرفت اجتماعی، سال پنجم، شماره اول.

علیپور، مهران: اثربخشی معنا‌درمانی قرآن و معنا‌درمانی فرانکل بر سلامت روان و بهزیستی ذهنی مادران افسرده، سال چهارم، شماره دوم.

علیزاده، مژده: بررسی فراوانی مؤلفه‌های انگیزه پیشرفت در کتاب‌های ابتدایی با تأکید بر آموزه‌های قرآن و تفاسیر، سال نهم، شماره اول.

## غ

غیاثی، مهناز: بررسی اثربخشی آیه‌های قرآن و موسیقی بر مبنای گسیل الکتروفوتون، سال هشتم، شماره اول.

## ف

فاتحی‌زاده، مریم‌السادات: مقایسه نظریه روان‌شناختی بالبی با تعالیم اسلام در ارتباط با نقش مادر در تربیت کودک، سال چهارم، شماره دوم.

فاضلی، آزاده: تجلی آیات قرآن مجید در فرش -باغ ایرانی با تأکید بر سوره الرحمن، سال چهارم، شماره دوم.

فتاحی، امیر: دانشگاه اسلامی و چشم‌انداز آن از منظر قرآن کریم، سال چهارم، شماره اول.  
فرزند وحی، جمال: فساد اداری، عوامل و راهکارهای مقابله با آن از منظر آیات و روایات، سال چهارم، شماره دوم.

فروزش، زیبا: مبانی معرفت‌شناختی مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن کریم و روان‌شناسی، سال هشتم، شماره اول.

فضیلت، یوسف: بررسی جایگاه آواها در حرکت بخشی به تصاویر ادبی صحنه‌های قیامت در قرآن کریم، سال چهارم، شماره اول.

فغفور مغربی، حمید: جستاری درباره رابطه گزاره‌های تاریخی قرآن با گزاره‌های علم تاریخ، سال اول، شماره دوم.

فغفور مغربی، حمید: کتاب‌شناسی قرآن و علوم طبیعی، سال هشتم، شماره اول.

فغفور مغربی، حمید: منبع‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن و حقوق، سال نهم، شماره دوم.

فقیه ایمانی، زهرا: بنیان‌های نظری جامعه‌شناسی در قرآن کریم، سال چهارم، شماره دوم.

فلاح، محمدحسین: اثربخشی معنا درمانی قرآن و معنا درمانی فرانکل بر سلامت روان و بهزیستی ذهنی مادران افسرده، سال چهارم، شماره دوم

فیضی، زهرا: خانواده و کارکرد تربیتی آن در قرآن و روایات، سال هشتم، شماره دوم.

فیضی، زهرا: شناسایی معیارهای زمینه‌های پژوهشی مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن کریم، سال هفتم، شماره دوم.

فیضی، زهرا: شناسایی و رتبه‌بندی حیطه‌های پژوهش در حوزه مطالعات میان‌رشته‌ای دانش قرآنی و علوم تربیتی، سال نهم، شماره دوم.

## ق

قائمی، مرتضی: بررسی جایگاه آواها در حرکت بخشی به تصاویر ادبی صحنه‌های قیامت در قرآن کریم، سال چهارم، شماره اول.

قائمی، مرتضی: بینامتنی قرآنی در مقامات ناصیف یازجی، سال دوم، شماره پنجم.

قائمی‌نیا، علیرضا: تحلیل فضاهای ذهنی گفتمان شیطان در قرآن، سال هفتم، شماره دوم.

قنبری، لیلا: بررسی شاخصه‌های فرهنگ اسلامی جهت تأمین سلامت فردی و اجتماعی از منظر قرآن کریم، سال هفتم، شماره اول.

## ک

کلانتری، عباس: رهیافت‌هایی قرآنی درباره حقوق کودک، سال چهارم، شماره دوم.

کارکن بیرق، حبیب: نگرشی روان‌شناختی، اگرستان‌سیالیستی و قرآنی به مقوله «هم‌رنگی با جماعت»، سال چهارم، شماره دوم.

کاظمی، نجمه: بررسی و رتبه‌بندی علوم و معارف در قرآن کریم، سال هفتم، شماره دوم.

کاظمی، نجمه: شناسایی و رتبه‌بندی حیطه‌های پژوهشی در حوزه مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن و سلامت، سال هشتم، شماره اول.



کاوند، علیرضا: موانع رویکرد تربیت اجتماعی در حوزه‌ی رفتار در بستر تحقق سلامت جامعه از منظر قرآن کریم، سال هفتم، شماره اول.

کاویانی، محمد: تربیت اسلامی (گذر اهداف کلی به اهداف رفتاری)، سال اول، شماره سوم.  
کرباسی، وحید: نظریه «قدرت نرم» در قرآن کریم؛ مطالعه تطبیقی گفتمان اسلامی و غرب، سال ششم، شماره اول.

کمالی اندانی، علی: نظریه «قدرت نرم» در قرآن کریم؛ مطالعه تطبیقی گفتمان اسلامی و غرب، سال ششم، شماره اول.

## گ

گرامی، سید محمدادی: رهیافت‌هایی قرآنی درباره حقوق کودک، سال چهارم، شماره دوم.  
گل محمدیان، محسن: اثربخشی استماع به آوای قرآن کریم در بهبود افسردگی زنان ناباور، سال ششم، شماره اول.

گنجور، مهدی: منبع‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن و سلامت، سال هشتم، شماره دوم.

## ل

لطفی، سید مهدی: بررسی بافت‌های تأثیر گذار در ارتباط میان فردی از دیدگاه قرآن، سال سوم، شماره اول.

## م

محقق، فاطمه: بینامتنی قرآنی در مقامات ناصیف یازجی، سال دوم، شماره پنجم.  
محمد رضا ستوده نیا: بررسی تطبیقی ارزیابی شناختی در رویکرد روانشناسی شناختی و قرآن، سال پنجم، شماره اول.

محمدی اکمل، احمد: ویژگی‌های ممتاز واژه‌ی الله از منظر معناشناختی و خوش‌نویسی، سال هفتم، شماره دوم.

محمدی، مجید: واکاوی تحلیلی تعادل ساختاری تمیز در ترجمه فارسی حداد عادل از قرآن کریم (مطالعه موردپژوهش: سوره‌های اسراء و مریم)، سال هشتم، شماره اول.

محمودپور، شیما: آرامش حقیقی از دیدگاه قرآن، سال ششم، شماره دوم.  
محمودی میمند، محمد: از خود بیگانگی: مقایسه‌ای از دیدگاه هگلیان جوان و برخی مفسران قرآن، سال دوم، شماره چهارم.

محمودیان، سید احمد: بررسی راهکارهای استفاده از اوقات فراغت در قرآن و روایات و اثر آن بر سلامت، سال ششم، شماره دوم.

محمودیان، لیلا: مقایسه نظریه روان‌شناختی بالبی با تعالیم اسلام در ارتباط با نقش مادر در تربیت



کودک، سال چهارم، شماره دوم.  
محمودیان، مجید: بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی با رویکرد قرآنی بر افسردگی دانشجویان، سال اول، شماره اول.  
مروتی، سهراب: دانشگاه اسلامی و چشم انداز آن از منظر قرآن کریم، سال چهارم، شماره اول.  
مسبوق، سید مهدی: بینامتنی قرآن و حدیث در شعر شیعی طلائع بن زریک، سال سوم، شماره اول.  
مسعودیان، مصطفی: بررسی تطبیقی جرائم علیه عدالت قضایی از دیدگاه قرآن و حقوق کیفری ایران، سال اول، شماره سوم.  
مسعودی‌پور، سعید: روش‌شناسی تحقیق موضوعی در قرآن کریم: طراحی الگویی کاربردی برای پژوهش‌های میان‌رشته‌ای، سال ششم، شماره اول.  
معینان، الهام: بررسی تطبیقی آیات و احادیث در گلستان سعدی و مرزبان‌نامه، سال هشتم، شماره دوم.  
مفتح، محمد هادی: الگوی نظام‌سازی سیاسی قرآنی، سال نهم، شماره اول.  
مفتون، فرزانه: تأویل آیه ۸۲ سوره اسراء در رابطه با دعا و درمان، سال اول، شماره اول.  
مفتون، فرزانه: دعا درمانی (قرائت سوره فاتحه‌الکتاب و سوره توحید) و کیفیت زندگی در بیماران مولتیپل اسکلروز (ام.اس)، سال اول، شماره اول.  
مفتون، فرزانه: نقش اراده آزاد در مقابل تقدیر از دیدگاه قرآن، روان‌شناسی و عصب‌شناسی، سال نهم، شماره دوم.  
ملیحه رضائی: بررسی تطبیقی ارزیابی شناختی در رویکرد روانشناسی شناختی و قرآن، سال پنجم، شماره اول.  
منشی، غلامرضا: ارتباط آموزش قرآن کریم با شادکامی، سال دوم، شماره چهارم.  
منطقی، منوچهر: توسعه عدالت محور و الگوی ایرانی-اسلامی آن، سال اول، شماره سوم.  
مهاجر، یحیی: اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی با رویکرد قرآنی، سال هشتم، شماره دوم.  
مهدوی نژاد، محمدجواد: تجلی آیات قرآن مجید در فرش-باغ ایرانی با تأکید بر سوره الرحمن، سال چهارم، شماره دوم.  
مهدوی نژاد، محمدجواد: قصه؛ الگوی روایت تاریخی از منظر قرآن کریم، سال دوم، شماره چهارم.  
مولودی، فاطمه: درآمدی بر هستان‌شناسی قرآنی و تأثیر آن بر واژگان شناختی با تأکید بر مفهوم عمل صالح، سال هفتم، شماره دوم.  
میثم علی‌پور: تأملی بر دلالت تفسیر سوره شناختی آیه ۳۵ از سوره احزاب بر یک الگوی توسعه و پیشرفت اجتماعی، سال پنجم، شماره اول.

## ن

نبوی، سید مجید: کتاب‌شناسی قرآن و علوم طبیعی، سال هشتم، شماره اول.  
نبوی، سید مجید: منبع‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن و حقوق، سال نهم، شماره دوم.

نی‌فر، نساء: مطالعه هفت سوره از جزء سی‌ام قرآن کریم بر پایه‌ی دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی، سال چهارم، شماره دوم.

نجات‌بخش اصفهانی، علی: مقایسه‌ی ویژگی‌های مدیریت از دیدگاه قرآن کریم با مدیریت از دیدگاه تئوری‌های غربی، سال اول، شماره دوم.

نصیری، علی: رابطه قرآن با روایات، سال دوم، شماره پنجم.

نظری، نصرالله: انسجام اجتماعی از منظر قرآن کریم، سال دوم، شماره پنجم.

نعیمی، ابراهیم: اثربخشی استماع به آوای قرآن کریم در بهبود افسردگی زنان نابارور، سال ششم، شماره اول.

نفیسی، شادی: گونه‌شناسی تبیین‌های علمی از قرآن کریم، سال هفتم، شماره دوم.

نقی زاده، زهرا: بررسی اثربخشی تدبیر در آیات قرآن کریم بر افزایش سلامت روان، سال هفتم، شماره اول.

نقی زاده، زهرا: شناسایی معیارهای زمینه‌های پژوهشی مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن کریم، سال هفتم، شماره دوم.

نقی زاده، زهرا: شناسایی و تحلیل خلأهای موجود در پژوهش‌های انجام شده در زمینه آموزش قرآن، سال هشتم، شماره دوم.

نقی زاده، زهرا: شناسایی و رتبه‌بندی حیطه‌های پژوهش در حوزه مطالعات میان‌رشته‌ای دانش قرآنی و علوم تربیتی، سال نهم، شماره دوم.

نقی زاده، زهرا: منبع‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن و سلامت، سال هشتم، شماره دوم.

نقی زاده، زهرا: شناسایی و رتبه‌بندی حیطه‌های پژوهشی در حوزه مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن و سلامت، سال هشتم، شماره اول.

نورمحمدی، غلامرضا: جستاری در نظام آفرینش جنین در قرآن؛ واکاوی مرحله نخست رشد و تکامل جنین، سال اول، شماره سوم.

نورمحمدی، غلامرضا: مراحل رشد جنین از منظر قرآن، سال اول، شماره دوم.

نوروزی، ابوذر: قرآن کریم و کثرت‌گرایی دینی، سال اول، شماره سوم.

نوری، سمیه: نقد و بررسی ادعای نسخ حکم متعه، سال نهم، شماره دوم.

نوریان، یحیی: قصه؛ الگوی روایت تاریخی از منظر قرآن کریم، سال دوم، شماره چهارم.

۵

هادیان‌رسنایی، الهه: آسیب‌شناسی عوامل مؤثر بر تربیت دینی دختران، سال هشتم، شماره دوم.

هاشمی، سید محسن: نقد و بررسی رویکرد تحقیق موضوعی در قرآن کریم، سال ششم، شماره اول.

هاشمی، مجید: بررسی عوامل دستیابی به سلامت روان از منظر قرآن کریم، سال هفتم، شماره اول.

هانیه اخوت: بررسی روش و راهبردهای تحقیق در مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن کریم (نمونه موردی):

ارتباط معماری با قرآن کریم، سال پنجم، شماره اول.

## و

وثیق، بهزاد: بررسی حکمت عناصر منظر در بهشت قرآنی با تأکید بر سوره مبارکه الرحمن، سال اول، شماره اول.

وثیق، بهزاد: مکان و مسکن در منظر اسلام، سال اول، شماره سوم.  
ویسی، شوبو: اثربخشی معنا درمانی توأم با تلاوت قرآن و دعا بر افسردگی و سلول T / کمکی (CD4+)، سال سوم، شماره دوم.

## ی

یاری، سیاوش: زمینه‌های حقوق تجارت الکترونیک در قرآن و سنت، سال دوم، شماره پنجم.  
یزدی، سیده منور: بررسی اثربخشی آیه‌های قرآن و موسیقی بر مبنای گسیل الکتروفوتون، سال هشتم، شماره اول.

یعقوبی، مینا: فساد اداری، عوامل و راهکارهای مقابله با آن از منظر آیات و روایات، سال چهارم، شماره دوم.

یوسف‌زادی، مرتضی: علت رویش شجره‌ای از «یقطین» کنار بدن یونس نبی (ع)، سال دوم، شماره چهارم.  
یونسی، حمید رضا: شناسایی و رتبه‌بندی حیطه‌های پژوهش در حوزه مطالعات میان‌رشته‌ای دانش قرآنی و علوم تربیتی، سال نهم، شماره دوم.

یونسی، حمیدرضا: علت رویش شجره‌ای از «یقطین» کنار بدن یونس نبی (ع)، سال دوم، شماره چهارم.  
ییلاق بیگی، مانک: ارتباط آموزش قرآن کریم با شادکامی، سال دوم، شماره چهارم.



دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم  
سال دهم | شماره اول | بهار و تابستان ۹۸

---



دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم  
سال دهم | شماره اول | بهار و تابستان ۹۸

---







# The index of interdisciplinary Quranic studies Journal

**Mehdi Ganjour**<sup>1</sup>: MA, Researcher at the Center for Interdisciplinary Quranic Studies, Academic Center for Education, Culture, and Research (ACECR)  
Specialized Biannual Journal of Interdisciplinary Quranic Studies

**Specialized Biannual Journal of Interdisciplinary Quranic Studies**

**Vol 10. No. 1, March\_ September 2019, pp 97-147**

**Date of Receiving the Paper: 7. April 2019**

**Date of Acceptance: 4. July 2019**

## **Abstract**

One of complicated issues in the field of research is knowing and having access to sources researchers need from among a huge number of scientific texts. Today, indexes are among the main facilitation tools for researchers, organizations, universities, etc. The objective of indexing is to boost users' access to sources related to the research subject. Journals try to provide readers with their research data based on accepted and categorized criteria. Accordingly, the Journal of Interdisciplinary Quranic Studies, which has published researchers' papers for more than ten years, has published an index of its published papers. The index has been compiled in three sections of subjects, keywords, and authors' names, concurrent with the publication of the journal's 20th issue.

**Keywords:** Index, Journal, Interdisciplinary, Holy Quran

---

1. Corresponding Author: [Mehdiganjour@gmail.com](mailto:Mehdiganjour@gmail.com)



# Foundations Governing Holy Quran Structure in Relation to Quran-Based Humanities in Ayatollah Javadi Amoli's View

**Nureddin Zandiyeh**<sup>1</sup>: PhD, Department of Quran and Hadith Sciences, Imam Sadiq (AS) University

Ramin Ajdari: PhD Student, Department of Quran and Hadith Sciences, University of Tehran

**Specialized Biannual Journal of Interdisciplinary Quranic Studies**

**Vol 10. No. 1, March\_ September 2019, pp 83-96**

**Date of Receiving the Paper: 7. April 2019**

**Date of Acceptance: 4. July 2019**

## **Abstract**

Knowledge of the Quran is of great importance in that it is very influential in the field of producing Quran-based human science, because how we look at the Quran determines the extent and type of our expectation from the Holy Book. Knowledge of the Quran can be investigated based on the Quran's triple doer, internal and ultimate goal systems. The relation between "the Holy Quran" and "human science" based on the Quran's internal system can be demonstrated as a set of foundations governing the "content" of the Quran and a set of foundations governing the "form", including the "language" and "style" of the Quran. The content of the Quran fits its ultimate goal and for presenting this content has used a language that can achieve such a goal. Also, the structure and style has been designed in such a way that is capable of realizing such a thing. Hence, the relation between this language and structure vis-à-vis the language and structures of humanities should be determined.

In this research, conducted by employing the descriptive-analytical method and based on the views of Ayatollah Javadi Amoli, it will be explained that the Holy Quran not only has acted differently in its style of expression and on the whole refused to take the common methods in human books, but also has fundamental differences with human books in terms of structure and style of arranging and organizing. Issues related to context and how allegories are used... are among the examples of this special structure and style of the Holy Quran.

**Keywords:** Structure of Holy Quran, Islamic Humanities, Javadi Amoli

---

1. Corresponding Author: Zandieh.ir@gmail.com



# Nasser Khosrow's Literary Ways in Using Verses of Quran

**Arash Amraei**<sup>1</sup>: Assistant Professor, Department of Basic Sciences and General Education Courses, Khoramshahr University of Marine Science and Technology

Ali Bazvand: Assistant Professor, Department of Persian Literature, Farhangian University

**Specialized Biannual Journal of Interdisciplinary Quranic Studies**

**Vol 10. No. 1, March\_ September 2019, pp 65-82**

**Date of Receiving the Paper: 7. April 2019**

**Date of Acceptance: 4. July 2019**

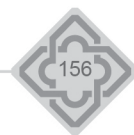
## **Abstract**

As the Holy Quran is an infinite source of ethical, human and educational thoughts and teachings, many Persian language poets and writers have benefited from this treasury. This mingling of the Persian written heritage with Islamic teachings has made it difficult to understand the heritage without being familiar with the Quran and Hadiths. Nasser ibn Khosrow Qobadiani is among the poets who have put their poetry at the service of promoting their religious and sectarian beliefs. In order to gain this objective and fulfilling the religious mission of his poetry, he has embellished his poems with the glowing verses. Given the religious background of Nasser Khosrow, his poems involve ethical guidelines and many pieces of advice. Having good mastery over Quranic concepts, he has adorned his poems with the holy verses, most skillfully and with the best method benefiting from full verses or part of them and sometimes using their concepts and meaning. This has certainly enhanced the effect of his messages. This paper uses examines the Divan of Nasser Khosrow and, using statistical tables, analyzes different types of reflection of the Quran's verses in his poems. It will also be shown that Nasser Khosrow's main reasons for using verses of the Quran include his mental and language association with the Holy Book and his efforts to explain his objectives and thought using the influence and status of the Quran among Muslims. This way, he directs the reader's attention to the need to accept his ideas because they actually originate from the Quran and are somehow a poetic expression of the concepts.

**Keywords:** Nasser Khosrow, Ways of Reflection, Influence of Quran, Verses

---

1. Corresponding Author: Amraei@kmsu.ac.ir



# A Rhetorical Introduction to Parenthetical Phrase in Holy Quran

**Mohammad Mehdi Valizadeh**<sup>1</sup>: MA Student, Islamic Ethics Department, University of Islamic Sciences

Abolqassem Valizadeh: Assistant Professor, Islamic Teachings Department, Urmia University  
Specialized Biannual Journal of Interdisciplinary Quranic Studies

**Specialized Biannual Journal of Interdisciplinary Quranic Studies**

**Vol 10. No. 1, March\_ September 2019, pp 47-64**

**Date of Receiving the Paper: 7. April 2019**

**Date of Acceptance: 4. July 2019**

## **Abstract**

The style of parenthetical phrase is among frequently used discursive styles in the Holy Quran. In this research, with a review and detailed search in exegeses and literary books, the extensive use of parenthetical phrases in the Quran and their types have been reflected and then, after categorizing and differentiating single-purpose parenthetical phrases from multi-purpose ones, the overall purposes hidden in the verses have been identified, examined and documented. Next the four purposes of emphasis, prevention of crossing mind, expression and refuting the remarks of Kuffar (disbelievers) have been considered to be the most used ones. The goal of this research is to answer the question why the style of parenthetical phrase is used in the Quran and resolve the ambiguity regarding a lack of proportion and relation between verses containing parenthetical phrase and other verses. This research is an analytical-descriptive one in which some 20 cases of purposes of parenthetical phrases are identified and by examining them, it is proved that the verbiage resulting from the style of parenthetical phrase in the Holy Quran is completely purposeful, fitting and appropriate, and in terms of quantity and quality, it is far beyond the styles used in Arabic poetry and prose texts. It is also one of the major factors of the Holy Quran's literary, rhetoric and content miracles.

**Keywords:** Parenthetical Phrase in Quran, Style of Parenthetical Phrase, Purposes of Parenthetical Phrase, Verses with Parenthetical Phrase, Benefits of Parenthetical Phrase

---

1. Corresponding Author: Montazere14@gmail.com



# An Investigation of Effects of Quran Recitation Sound on Human Heart, Brain Signals

Narjes Khorshidi: BS, Department of Medical Engineering- Biometric, Imam Reza (AS) International University

Roya Sheibani; BS, Department of Medical Engineering- Biometric, Imam Reza (AS) International University

Zahra Jalali; BS, Department of Medical Engineering- Biometric, Imam Reza (AS) International University

**Qassem Sadeqi Bajestani**<sup>1</sup>: BS, Department of Medical Engineering- Biometric, Imam Reza (AS) International University

**Specialized Biannual Journal of Interdisciplinary Quranic Studies**

**Vol 10. No. 1, March\_ September 2019, pp 25-46**

**Date of Receiving the Paper: 7. April 2019**

**Date of Acceptance: 4. July 2019**

## **Abstract**

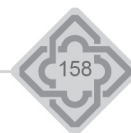
As technology advances, man constantly seeks to learn more about interactions among his internal organs and investigate his body's reactions in times of illness or interventions, such as electric responses of the heart and brain to external stimuli like visual or auditory ones.

Hearing a sound and assessing vital signs is one type of intervention. In this research, the effects of the sound of Quran recitation on heart and brain signals in three stages – before, at the time of, and after listening to Quran recitation – have been studied. The heart and brain signals of 50 girl students aged 19 to 24 with roughly similar religious belief levels was registered at a certain time. The objective was to study the effects of listening to Quran recitation on various characteristics, differentiate various states from one another using chaotic processing methods and statistical tests, and examine the accuracy of the results via support vector machines classification. The results show that listening to the Quran has a profound effect on interactions between heart and brain data and causes an increase in data flow between heart and brain signals based on a study of correlation dimension and fractal dimension, and a rise in the interactions between these two vital organs of the body. From a Cybernetics point of view, a rise in interactions in a bio system indicates an increase in the system's self-organization and efficiency.

**Keywords:** Quran, Correlation Dimension, Higuchi's Fractal Dimension (HFD), Brain Signal, Heart Signal

---

1. Corresponding Author: g.sadeghi@imamreza.ac.ir



# Holy Quran's Strategy in Preventing Social Anger from Turning into Violence

**Hossein Shoajei**<sup>1</sup>: PhD Student, Researcher at the Center for Interdisciplinary Quranic Studies, Academic Center for Education, Culture, and Research (ACECR)

Mohammad Hossein Akhavan Tabasi: PhD Student, Researcher at the Center for Interdisciplinary Quranic Studies, Academic Center for Education, Culture, and Research (ACECR)

**Specialized Biannual Journal of Interdisciplinary Quranic Studies**

**Vol 10. No. 1, March\_ September 2019, pp7-24**

**Date of Receiving the Paper: 7. April 2019**

**Date of Acceptance: 4. July 2019**

## **Abstract**

Social anger is a known phenomenon in the world. It is in itself neither positive nor a negative phenomenon. How it is expressed and its effects determine whether it is good or bad. This paper, with a focus on the relation between people and government, tries to determine the boundaries of the negative or positive aspects of expression of social anger and introduce Quranic strategies acting on which can prevent social anger from turning into destructive acts of violence. This paper, written using the library research method, describes positive social anger as one that leads to reforming and improving the conduct of rulers and directing them to the path of accountability and responding to people's demands. It also describes negative social anger as one that, due to indifference of rulers, turns into violence and involves disintegration of social cohesion and spread of chaos in society. The paper concludes that the Quran's strategy for preventing social anger from turning into violence can be summarized in four stages and, naturally, if governments act on them, they could avoid facing the consequences (of negative social anger). The four stages are: 1- Allowing criticism and expression of anger; 2- Receiving and analyzing the criticisms meticulously; 3- Having dialogue and humbly accepting faults; 4- Making efforts for reform.

**Keywords:** Quran, Anger, Violence, Social Anger

---

1. Corresponding Author: shojaeihosein030@gmail.com



# Index

- Holy Quran’s Strategy in Preventing Social Anger from Turning into Violence** **7-24**  
Hossein Shoajei, Mohammad Hossein Akhavan Tabasi
- An Investigation of Effects of Quran Recitation Sound on Human Heart, Brain Signals** **25-46**  
Narjes Khorshidi, Roya Sheibani, Zahra Jalali, Qassem Sadeqi Bajestani
- A Rhetorical Introduction to Parenthetical Phrase in Holy Quran** **47-64**  
Mohammad Mehdi Valizadeh, Abolqassem Valizadeh
- Nasser Khosrow’s Literary Ways in Using Verses of Quran** **65-82**  
Arash Amraei, Ali Bazvand
- Foundations Governing Holy Quran Structure in Relation to Quran-Based Humanities in Ayatollah Javadi Amoli’s View** **83-96**  
Nureddin Zandiyeh, Ramin Ajdari
- The index of interdisciplinary Quranic studies Journal** **97 -147**  
Mehdi Ganjour



## In the Name of Allah

Quran Interdisciplinary Studies Journal

Vol. 10, No. 1, March - September, 2019

ISSN: 3327-2383

**Managing Director:**

Mohammad Hossein Hassani

**Editor-in-Chief:**

Bagher Ghojari Bonab

**Internal Manager:**

Zahra Naqizadeh

**Executive Director:**

Mahdi Ganjour

**Editorial Board:**

Mohammad Ali Mahdavi-rad (Ph.D.)

Mohammad Ali Rezaei Esfahani (Ph.D.)

fathiyeh Fatahizade (Ph.D.)

Ali Nasiri (Ph.D.)

Ghasem Faez (Ph.D.)

Mohsen Ghasempoor (Ph.D.)

Abbas Musallaipoor Yazdi (Ph.D.)

Seyed Mohammad Ali Ayazi (Ph.D.)

Hossein Ali Ghobadi (Ph.D.)

Ali Montazeri (Ph.D.)

Farzaneh Maftoon (Ph.D.)

Faranak Farzadi (Ph.D.)

Zhila Sedighi (Ph.D.)

**Persian Editor:**

Mahdi Ganjour - Saeid Raste Moghadam

**English Editor:**

Parisa Askari semnani

**Designer:**

Alireza Ebadi

Address: No. 85, Bozorgmehr St., Qods

St., Engheleb Ave., Tehran, Iran

Iranian Academics Quranic Organization

P.O.Box:1417844391

Tel :+982166485663

Fax :+982166485657

Indexed and abstracted in  
Scientific Information Database

[isc.gov.ir](http://isc.gov.ir)

[noormags.com](http://noormags.com)

[magiran.com](http://magiran.com)

[srlst.com](http://srlst.com)

[sid.ir](http://sid.ir)

[iska.ir](http://iska.ir)

For any contribution please contact editorial office or  
send your papers to the following email address:

[quranjournal@gmail.com](mailto:quranjournal@gmail.com)

Site: [jijqs.ir](http://jijqs.ir)